

• وضعیت بد اقتصادی مردم مانعی بزرگ  
بر سر واقعی سازی قیمت حامل های انرژی

Bilingual Economic - Social Monthly

# اقتصاد

سال پنجم / شماره ۶۳  
مردادماه ۱۴۰۰ قیمت ۱۵۰۰ تومان

نخستین ماهنامه اقتصادی - اجتماعی دوزبانه

دوراهی اقتصاد ایران

• اقتصاد در دوره رئیسی با چه تکنهائی مواجه است

ابرچالش های پیش روی  
دولت سیزدهم

• نگاهی به بودجه شهرداری تهران در سال ۱۴۰۰

رویای بلدیة پولدار یا  
واقعیت اداره تهران با قرض

چه کسانی منابع آب ایران را خالی کردند؟

## توزیع رانت آب

Who is Amirabdollahian, president's pick for next FM?

Shirez Canyon, a great place for investment

A distinct event in Arab political culture

# کاهش سرفاصله حرکت قطارهای متروی تهران و حومه از مهرماه ۱۳۹۶ تا کنون



بازگاه تحلیلی - خبری

# افوژتازه



[www.ofoghetazenews.com](http://www.ofoghetazenews.com)

در پیچه‌های روز به اخبار ایران و جهان

[https://t.me/news\\_tadbir](https://t.me/news_tadbir)

[ofoghetazeh@gmail.com](mailto:ofoghetazeh@gmail.com)



غلامرضا مصدق  
اقتصاددان

## خوره تحریم بر اقتصاد ایران

سود خالص به قول ما ایرانی‌ها کاسبی و به قول کفار بی‌زینس در دنیا به طور معمول زیر ۵٪ است و سود بالای ۵٪ عالی و بالای ۱۰٪ فوق‌العاده است.

به دلیل تحریم‌ها در دنیایی که نرخ سوددهی کسب و کار معمولاً در بهترین شرایط حداکثر ۱۰٪ است، ما هر کالایی که به دنیا می‌فروشیم باید بین ۲۵ تا ۳۰٪ ارزان‌تر بدهیم و اگر بخواهیم کالایی را بخریم باید بین ۱۵ تا ۲۰٪ بیشتر پرداخت کنیم. کالایی را که می‌توانیم با کشتی ایرانی ارزان‌تر حمل کنیم، اجباراً باید از کشتی و بیمه گرانتر خارجی استفاده کنیم. ماشین آلات و تجهیزاتی که تولید کننده خارجی دم قسط یا با شرایط نقد و اقساط می‌خرد، رقیب ایرانی او باید علاوه بر خرید گرانتر ۱۰۰٪ وجه آن را پیشاپیش نقدی بدهد، به علاوه از گارانتی و خدمات بعد از فروش هم محروم است. برای جابه‌جایی ارز به جای استفاده از نظام بانکی و پرداخت کارمزد چند دهم درصدی باید به صرافان و دلانان بین ۵٪ تا ۱۰٪ حق دلالی بدهیم. دلار دبی، دلار استانبول، دلار هرات و غیره هر کدام نرخ خود را دارند، مثلاً دلار هرات بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ تومن برای صادرکننده ایرانی گرانتر تمام می‌شود تازه اگر در این مبادلات بخت یار باشد و پول وسط راه در این مسیرهای غیر رسمی به اصطلاح هاپولی نشود. سیاهه پرداخت هزینه‌های نجومی جزء به جزء تحریم چنان بلند بالا و متنوع است که امکان محاسبه تقریبی تمامی آن وجود ندارد. سؤال: این هزینه‌های سرسام‌آور از چه منبعی پرداخت می‌شود؟ چطور یک تولید کننده ایرانی در شرایطی که سود معمول کسب و کار در دنیا حدوداً ۵٪ است در قیاس با رقبای خارجی این همه هزینه اضافی پرداخت می‌کند و همچنان سرپاست؟ جواب: پرداخت زیان از مایه چطور؟ در زیر به چند مورد مهم از مایه خوری اشاره می‌شود.

- دولت سالانه ده‌ها میلیارد دلار یارانه پنهان انرژی به بخش تولید پرداخت می‌کند. این یارانه اگرچه هزینه تولید را کاهش می‌دهد اما یک نوع از مایه خوری پنهان است.

- تولید کننده باید هر ساله به اندازه استهلاک ماشین آلات و تاسیسات مبلغی بابت ذخیره استهلاک کنار بگذارد تا بعد از مستهلک شدن آنها، ماشین آلات نورا جایگزین کند، که در شرایط فعلی نگه داشتن چنین مبلغی امکان‌پذیر نیست در نتیجه با مستهلک شدن خطوط تولید، کارخانه هم تعطیل می‌شود.

- تنگنای مالی موجب می‌شود همه منابع مالی تولیدکنندگان صرف امور جاری و سرپی نگه‌داشتن تولید شود در نتیجه ایجاد طرح‌های توسعه عملاً منتفی می‌شود و به تبع دیگر خبری از رشد نیست.

- صادرات و مصرف داخلی محصولات کشاورزی که عمدتاً حاصل آبیاری غیر کارآمد ذخیره صدها ساله منابع آبی که متعلق به نسل‌های آتی است، یکی از بدترین مایه خوری هاست. - یکی از تبعات تنگنای مالی بخش تولید، شل شدن رعایت ضوابط زیست محیط زیستی است، که یکی از غیرقابل جبران‌ترین انواع مایه خوری است.

- اتخاذ استراتژی خودکفائی (بخوانید خود ویرانگری) برای مقابله با تحریم‌های پایان ناپذیر، مثل چاه ویل در حال بلعیدن منابع کمیاب و پایان‌پذیر کشور است.

- دور زدن تحریم‌ها یکی از سرچشمه‌های اصلی فساد است، این فساد علاوه بر ایجاد هزینه‌های نجومی، پایه‌های اخلاق و سرمایه اجتماعی ملت را مثل موربانه خورد دومی خورد. آشکارترین جلوه مایه خوری لاغر شدن و پسرقت بی‌وقفه اقتصاد ایران است، روند کوچک شدن مستمر اقتصاد تا بی‌نهایت نمی‌تواند ادامه یابد، با ادامه وضع موجود دیر یا زود کمر اقتصاد ایران در نقطه‌ای شکسته خواهد شد. هر سیستمی که در دوره‌های طولانی خرجش بر دخلش غلبه کند حتی اگر انقلابی‌ترین انسان‌های کره زمین متولی آن اقتصاد باشند، فروپاشی سرنوشته محتوم آن خواهد بود. فروپاشی شوروی سابق عینی‌ترین مصداق سبقت خرج بر دخل در دوره‌های طولانی بود، اقتصادی که چند دهه قبل از فروپاشی به مراتب از اقتصاد آمریکا بزرگ‌تر بود، به علت عدم توازن در دخل و خرج مثل شمع آب شد، همان طور که اقتصاد ما در حال آب شدن است.

■ صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **امیر دینانی**

■ رئیس شورای سیاست‌گذاری: **سید ابوالفضل بهره دار**

■ سردبیر و قائم مقام مدیر مسئول: **محیا سادات بهره دار**

■ **تحریریه:** ایلیاس حرفوش عبدالرحمن فتح الهی -

شروین غفاری عباس محمدی -

فاطمه کریمی - سیامک نصر الهی

بیت الله ستاریان - حامد صالح آبادی

معصومه نیکنام - مجید بهره مند

نگار علی - پونه ترابی - فرزانه پیری

سعید اشتیاقی

■ **واحد بازرگانی:** سید محسن بهره دار

■ **ترجمه:** فاطمه دینانی

■ **گرافیک و صفحه‌آرایی و عکس:** استودیو برنز

■ **چاپ:** گل آذین

■ **توزیع:** پدیده نوین

استفاده از مطالب این ماهنامه با ذکر منبع «افق تازه»  
بلامانع است.

آدرس: میدان هفت تیر - ابتدای خیابان کریمخان زند

رو به روی داروخانه ۱۳ آبان - مجتمع تجاری اداری

کریمخان - برج A - طبقه ۵ - واحد ۵۰۱

تلفن: ۸۸۸۶۷۵۲۴ - فکس: ۸۸۳۴۶۳۷۷

[www.ofoghetazene.com](http://www.ofoghetazene.com)

[ofoghetazeh@gmail.com](mailto:ofoghetazeh@gmail.com)

[ofoghetazeh@yahoo.com](mailto:ofoghetazeh@yahoo.com)



## در این شماره می خوانید

- ۴ ..... آمریکا در معرض اتهام.....
- ۶ ..... تکرار حربه‌های واشنگتن.....
- ۸ ..... سور برای بد برای برجام.....
- ۱۰ ..... برجام در پیچ سیاسی.....
- ۱۲ ..... مخصصه هویتی ترامپ.....
- ۱۶ ..... دوراهی اقتصاد ایران.....
- ۱۷ ..... سوءمدیریت منابع طبیعی.....
- ۱۸ ..... اقتصاد جزیره‌ای مانعی پیش روی توسعه اقتصاد ایران.....
- ۲۰ ..... حذف رانت خواری با ارز ۴۲۰۰ تومانی.....
- ۲۲ ..... ریسک احتمالی بازار خودروهای وارداتی.....
- ۲۴ ..... بنادر ویرین انقلاب صنعتی.....
- ۲۶ ..... ابرچالش‌های پیش روی دولت سیزدهم.....
- ۲۸ ..... چالش جدید لوکس‌سواران.....
- ۳۰ ..... آتش انداختن به روی سرمایه‌هزاران نفر.....
- ۳۲ ..... نسل چهارم مناطق آزاد در ایران فعال می‌شوند؟.....
- ۳۴ ..... رنجی که بر دوش می‌کشیم.....
- ۳۶ ..... زیر و بم عدم موفقیت بخش خصوصی در واردات واکسن.....
- ۴۰ ..... گزارش اکونومیست از نحوه سازگاری جهان با تغییر اقلیم.....
- ۴۶ ..... سطل زباله بی‌منت به ما همه چیز می‌دهد.....
- ۴۹ ..... گام‌های تنظیم بازار.....
- ۵۰ ..... توزیع رانت آب.....
- ۵۲ ..... دردسر عشق‌های مجازی.....
- ۵۴ ..... نسل جدید پول از راه می‌رسد.....
- ۵۶ ..... تحمیل خودتحریمی.....
- ۵۸ ..... پدیده عجیب «میلیاردرهای فقیر».....
- ۶۰ ..... منشأ تورم چیست.....
- ۶۲ ..... گرد تاریکی بر صنایع.....
- ۶۴ ..... مثلث برمودای خلق نقدینگی.....
- ۶۵ ..... رویکرد دولت سیزدهم در اقتصاد.....
- ۶۸ ..... مطالبه کارگران و بازنشستگان از دولت سیزدهم.....
- ۷۰ ..... زخم‌های آسفتگی استخدام‌ها.....
- ۷۴ ..... پشت پرده زندگی‌های اینستاگرامی.....

### نرخ تورم

چرای تورم افسار گسیخته  
در ایران

۱۴

رویای بلدیۀ پولدار یا واقعیت  
اداره تهران با قرض

۴۲

نبود نقدینگی برای جان  
خودروسازان

۶۶

سایه دلان بر سر  
شالیزارها

۷۶

به مردم افغانستان خیانت شد!

## آمریکا در معرض اتهام

سید میثم موسوی \*

ایالات متحده و ناتو حیاتی، نسبتاً کم خطر و پایدار بود. ما می توانستیم حمایت خود را ادامه دهیم. ما به افغانستان خیانت کردیم!"

در اوایل اکتبر سال ۲۰۱۹، دونالد ترامپ یکی از منفورترین تصمیمات ریاست جمهوری خود را از نظر اخلاقی و سیاسی گرفت. وی با انتشار بیانیه‌ای در صفحه شخصی توئیتر خود جهان را شگفت زده کرد. وی به طور ناگهانی دستور داد تا نیروهای ارتش آمریکا از مرزهای شمالی سوریه عقب نشینی کنند.

ترامپ گفت: "زمان آن رسیده که ما از این جنگ‌های بی پایان مضحک - که بسیاری از آنها قبيله‌ای است - خارج شویم."

بیشتر تحلیلگران معتقدند که آمریکا به متحدان خود خیانت کرده است.

این در حالیست که بیشتر نیروهای نظامی آمریکا از این عقب نشینی ابراز پشیمانی کرده‌اند. آن‌ها می گویند: "آن‌ها به ما اعتماد کردند و ما این اعتماد را از بین بردیم. این یک لکه ننگ برای آمریکا خواهد بود." نقطه آغاز این خیانت از سوی ترامپ در سوریه بود، اکنون آقای بایدن دنباله روی خیانت‌های ترامپی به متحدانش این بار به مردم افغانستان بود. رئیس جمهوری آمریکا مسئول سپردن مردم افغانستان به گروه طالبان است. مجدداً یادآوری می‌کنم که طالبان توانست به غیر از پنجشیر و بخش‌هایی از کابل را تحت تصرف خود درآورد. بسیاری از تحلیلگران و مردم عام بر این نظر هستند که با آمدن این گروه دوباره دوران سیاه و مبهم افغانستان آغاز خواهد شد. بیشتر تحلیلگران داخلی خروج شتابزده نیروهای امریکایی باعث شد تا طالبان جسارت بیشتری پیدا کنند و تمام معادلات را به هم بریزند.

متأسفانه وضعیت نگران کننده‌ای در افغانستان جاریست. مردم افغانستان و حتی نخبگان، ژورنالیست‌ها و تمام کسانی که مسائل این کشور را رصد می‌کنند، از وضعیت موجود آمده، ابراز نگرانی کرده و آینده این کشور را با آمدن طالبان مبهم عنوان می‌کنند.

متأسفانه پیشروی‌های گروه طالبان که حلقه محاصره را بر رئیس جمهوری پیشین افغانستان، آقای غنی تنگ‌تر کرده بودند همراه با فشارهای بیرونی، وی به همراه تعدادی از مشاورانش مجبور به استعفا شده، کابل را به مقصد دوشنبه، پایتخت تاجیکستان ترک کرده و از آنجا به سمت آمریکا گریختند.

این در حالیست که داکتر عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه ملی افغانستان و تعدادی دیگر همانند حامد کرزی در کابل حضور دارند و مردم را در پیام‌هایی جداگانه به آرامش دعوت کردند.

داکتر عبدالله در پیامی از مردم خواست که آرامششان را حفظ کنند. او گفت: امید است که این شب و روز سخت به زودی سپری شود و مردم روزهای صلح آمیز را ببینند. او در پیامش از آقای غنی به عنوان رئیس جمهوری پیشین یاد کرد و اظهار داشت که آقای غنی کشور را ترک کرده و خداوند همراهش محاسبه خواهد کرد!

روز یکشنبه روری استوارت، مقام سیاسی پیشین انگلیس در صفحه توئیتر شخصی خود موضوعی را مطرح کرد که باعث شد تا این موضوع را گسترده‌تر مطرح کنم.

وی نوشت: "بسیاری از تحلیلگران، دولت و مردم افغانستان را مقصر می‌دانند. به وجود آمدن این وضعیت بر عهده ماست، ما نیازی نداشتیم که اینقدر بی‌پروا ناگهانی کشور را ترک کنیم. حمایت‌هایی

در ابتدای نوشته‌ام، قصد دارم گزارش کوتاهی از وضعیت کنونی افغانستان ارائه بدهم سپس به این سؤالات خواهیم پرداخت که چرا و چگونه به مردم افغانستان خیانت شد تا ما شاهد سقوط افغانستان به دست طالبان باشیم.

همزمان با اعلان خروج نیروهای امریکایی توسط جو بایدن، رئیس جمهوری این کشور تا آخر ماه اگست ۲۰۲۱، نیروهای طالبان به پیشروی‌های خود افزوده‌اند و تا به اکنون توانسته‌اند به غیر از بخش‌هایی از کابل و ولایت پنجشیر تمام ولایات افغانستان را تحت تصرف کامل خود در آورند.

مسئله سقوط ولایات برای مقامات افغانستان و غیرافغانستانی و حتی گروه طالبان آن هم نوبت به نوبت و در مدت بسیار کم، بحث برانگیز و تعجب انگیز بوده است.

شهرهای مزار شریف، میمنه، چاریکار، محمود راقی، جلال‌آباد، مهترلام، میدان وردک، خوست، بامیان، دایکندی و نورستان از دیروز بدین سو یکی پی دیگری و بدون درگیری از اداره حکومت بیرون شدند و تمامی زندانیان در این ولایات آزاد شدند. این در حالی است که تا ساعت شش شام ۲۳ ماه اسد بیست و یک ولایت به دست طالبان افتاد بود، اما دیشب و امروز با گذشت هر ساعت نقشه افغانستان تغییر کرد. در کابل از چهارده ولسوالی و چندین حوزه امنیتی نیروهای دولتی بیرون شدند. انتظار می‌رود تا ساعات دیگر، یک یا دو روز یا هم زودتر بیشتر درباره حکومت آینده توافقی میان حکومت و طالبان صورت گیرد، گرچه در میان اخبار هنوز تأیید نشده، طرفداران و حامیان این گروه اعلام کرده‌اند که صحبتی از حکومت موقت نخواهد شد و این گروه به دنبال تمام قدرت در کشور هستند.

یا بدون جنگ تسلیم طالبان شده‌اند یا هنگامی که جنگ بسیار شدید شده است به سرعت فرار کرده‌اند!

سوم اینکه ایالات متحده بیش از ۲ تریلیون دلار در افغانستان هزینه کرده است اما واقعاً چیزی برای فخر فروشی ندارد. اداره سیگار سال گذشته گزارش داد که دست کم ۱۹ میلیارد دلار بر اثر فساد و سوء استفاده از بین رفته است!

چهارم، برنامه خروج نظامی آمریکا در حالی که به دلایل زیادی برای مدتی طولانی به تأخیر افتاده بود بسیار غیر مسئولانه انجام شد. شاید عاقلانه نبود که آمریکا تاریخ دقیقی برای خروج کامل خود تعیین کند، زیرا این امر فقط طالبان را تشویق کرد تا فوراً وارد حمله شوند و خلاء امنیتی ایجاد شده توسط ایالات متحده را پر کنند!

و پنجم اینکه خلاء امنیتی قابل پیش بینی که ایالات متحده ایجاد کرده است ناگزیر انواع بازیگران غیر دولتی از جمله تروریست‌هایی مانند القاعده و داعش که در افغانستان فعال بوده‌اند را به خود جلب خواهد کرد!

در مجموع واضح است که می‌بینیم که ایالات متحده مسئول تجزیه افغانستان است. هر آنچه در آنجا اتفاق می‌افتد مستقیماً به ایالات متحده مرتبط است. شکست‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی و اجتماعی!

ایالات متحده اکنون به عنوان یک قدرت رو به زوال، غیر قابل اعتماد، فاسد و شکست خورده در نظر گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد این ادعا که افغانستان قبرستان امپراطوری‌ها است حقیقت دارد! در پایان بهتر است که به گفته لیز چنی، عضو کانگرس امریکادر واکنش به عقب نشینی نیروهای نظامی به دستور بایدن عنوان کرد، اشاره کنیم: "عقب نشینی آمریکا در افغانستان به جنگ پایان نمی‌دهد. این امر باعث تداوم آن می‌شود و اطمینان حاصل می‌شود که نسل‌های آینده باید با هزینه‌های بسیار بیشتری به مبارزه ادامه دهند. این وضعیت نتیجه سیاست‌های ضعف و عقب نشینی ترامپ/بایدن است که به مردم افغانستان پشت کردند."

\*دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای

می‌توان به گفته میچ مک کانل، رهبر اقلیت جمهوریخواه در مجلس سنای آمریکا اشاره کرد: «افغانستان به سوی فاجعه‌ای گسترده، پیش‌بینی پذیر و قابل پیش‌گیری می‌گردد.» او ضمن انتقاد از «سیاست بی‌ملاحظه» جو بایدن در قبال افغانستان نسبت به «پیامدی بدتر از سقوط تحقیرآمیز سایگون در سال ۱۹۷۵» در پایان جنگ ویتنام هشدار داد. ناظران و تحلیلگران غربی از این وضعیت شوکه شده‌اند زیرا فکر می‌کردند که دولت افغانستان در کابل و ارتش ملی افغانستان، حتی پس از خروج کامل ارتش ایالات متحده همچنان بر موضع خود خواهند ایستاد!

این پیش‌بینی‌ها بر اساس چندین فرضیه غلط انجام

**ایالات متحده بیش از ۲ تریلیون دلار در افغانستان هزینه کرده است اما واقعاً چیزی برای فخر فروشی ندارد. اداره سیگار سال گذشته گزارش داد که دست کم ۱۹ میلیارد دلار بر اثر فساد و سوء استفاده از بین رفته است!**

شده است. اولاً حمایت هوایی آمریکا در کمک به کنترل کابل بر کشور بسیار مهم بود. ایالات متحده هر زمان که طالبان در هر نقطه از کشور تجمع و تهدیدی برای دولت محسوب می‌شد، آن‌ها را بمباران می‌کرد!

ثانیاً تعداد قابل توجهی از نیروهای امنیت ملی افغانستان ثابت کرده‌اند علی‌رغم اینکه ایالات متحده صدها میلیارد دلار برای آموزش آنها سرمایه‌گذاری کرده است، آن‌ها به اندازه حامیان خود در داخل و خارج از کشور صلاحیت ندارند!

چندین گزارش از افغانستان منتشر شده که ادعا می‌کند بسیاری از اعضای نیروهای امنیت ملی

وضعیت افغانستان آنچنان با پیشروی‌های طالبان بحران شد که دبیر کل ملل متحد آنتونیو گوتش و واکنش نشان داد: "افغانستان از کنترل خارج شده است."

مسئول این وضعیت آقای بایدن خواهد بود و او انتخاب کرد. اگر چه می‌توانست تصمیم دیگری را اتخاذ کند و لازم نبود این اتفاقات بیفتد او تصمیم گرفته است که بازگشت افغانستان به دوران تاریکی بهای قابل قبولی برای پایان دادن به طولانی‌ترین جنگ آمریکا باشد.

این در حالیست که رئیس جمهوری روز سه شنبه در میان خبرنگاران اظهار داشت که از تصمیمش پشیمان نیست! وی در این رابطه گفت: "ما بیش از یک تریلیون دلار در طول ۲۰ سال هزینه کردیم. ما بیش از ۳۰۰ هزار نیروی افغان آموزش دادیم و آنها را به تجهیزات مدرن مجهز کردیم. هزاران کشته و زخمی، هزاران پرسنل آمریکایی را از دست دادیم. آن‌ها باید برای خود بجنگند، برای ملت خود بجنگند."

متأسفانه، امروزه مردم افغانستان تاوان و خسارت اعتماد به امریکایی‌ها را باید پس بدهند و می‌توان گفت که تمام مشکلاتی که در حال حاضر مردم این کشور با آن گریبانگیر هستند این است که برخی از آنها تصور کردند که آمریکا ممکن است به مردم افغانستان برای رسیدن به آنچه دموکراسی می‌نامند کمک کند.

تا جایی که بن‌الاس، وزیر دفاع بریتانیا روز جمعه گذشته درباره خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان و تبعات آن گفت: «نه موقع مناسبی بود و نه تصمیم درستی بود. گروه‌های تروریستی دیگری همچون القاعده احتمالاً به این کشور باز خواهند گشت.» انتقادها از تصمیم واشنگتن برای خروج نیروهایش از افغانستان تنها به قاره اروپا محدود نمی‌شود. در آن سوی اقیانوس اطلس نیز سیاستمداران آمریکایی از تصمیم جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده انتقاد کرده‌اند. هر چند توافق آمریکا با طالبان در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، رئیس جمهوری سابق ایالات متحده به امضاء رسید اما جمهوریخواهان این روزها در صف مقدم منتقدان خروج افغانستان حضور دارند.

## از ائتلاف‌سازی تا فشار حداکثری به روشی دموکرات‌ها علیه ایران

زهره نوروز پور

تکرار حربه‌های  
واشنگتن

یکسال پس از خروج آمریکا از برجام در پی فشار حداکثری دولت ترامپ علیه ایران، جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا دست‌نوشته‌ای را عمداً مقابل دوربین خبرنگاران گرفت که حاکی از اعزام ناو لینکن به منطقه بود. اردیبهشت ۱۳۹۸ اوج فشار ایالات متحده به دولت روحانی برای مذاکره بود و درخواست‌های ترامپ برای یک دیدار به بن بست خورده بود. حالا یک کاغذ دست بولتون خودنمایی می‌کند که بر روی آن نوشته شده بود: ناو هواپیمابر یو.اس.اس آبراهام لینکلن راهی خلیج فارس شد. بولتون در واکنش به این نوشته‌ای که در دست داشت گفت که الزاماً به معنای جنگ با ایران نیست این یک هشدار است!

اتفاق سال ۹۸ مشابه این اتفاق (اقدام عمد) زمانی بود که در هفته گذشته قبل از حوادث کشتی در دریای عمان بایدن در دیدار با الکاظمی عملاً دست‌نوشته‌ای را مقابل عکاسان خبری گرفت که مضمون آن تهدید ایران بود.

مانسبت به بدرفتاری تاریخی شورای امنیت در قبال ایران - به ویژه در طول هشت سال تجاوز صدام حسین و همچنین در جریان یک بحران هسته‌ای غیر ضروری - ایران با شرکت در مذاکرات، حسن نیت خود را برای رسیدن به یک راه حل دیپلماتیک برای مساله هسته‌ای نشان داد.

وی اظهار داشت: در سال ۱۳۹۴ پس از ۱۳ سال مذاکرات پیچیده ایران و پنج عضو دائمی این شورا به علاوه آلمان بر نامه جامع اقدام مشترک را متعقد کردند که توسط قطعنامه ۲۲۳۱ تأیید و به آن قطعنامه ضمیمه شد.

ظریف تأکید کرد: شورای امنیت در قطعنامه ۲۲۳۱ خود تأیید کرده است که انعقاد برجام نشان دهنده یک تغییر بنیادین در بررسی این موضوع توسط شورای امنیت است، هدف غایی ادعایی تمام قطعنامه‌های لغو شده شورای امنیت ملل متحد در مورد مساله هسته‌ای ایران دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک، است.

وزیر امور خارجه ادامه داد: قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت ملل متحد همچنین تأکید می‌کند که برجام موجب تقویت و تسهیل توسعه همکاری و تعاملات اقتصادی و تجاری با ایران می‌شود و

دو اقدام مشابه علیه ایران آنهم در شرایط فعلی خبر از اتفاقی می‌دهد. پیام‌های که هر دوی آن در راستای مذاکرات هسته‌ای بود و فشاری که آمریکا علیه ایران وارد کرده بود. بولتون اصرار بر مذاکره مجدد داد حالا بایدن بازبان دیپلماتیک تر به دنبال بازگشت به برجام است. توافقی که در وین حاصل شد اما با مشکلاتی در ایران و در آمریکا مواجه شد. در داخل کشور طرح مجلس که یک درخواست فوق برجامی از مذاکره کنندگان ایرانی طلب کرد مانع از توافق نهایی شد و داخل آمریکا نیز درخواست برای گسترده کردن مذاکرات برجامی اعم از موشکی و منطقه‌ای سبب شد که مذاکره کنندگان توافق نهایی را ماکول به دور هفتم مذاکره کنند که همزمان با انتقال قدرت در ایران شد.

ایالات متحده در حالی این ایران را تحت فشار گذشته است که ظریف در آخرین نامه خود به دبیر کل سازمان ملل اسنادشش سال بدعه‌دهی امریکایی‌ها را در دبیرخانه سازمان ملل ثبت کرد. محمد جواد ظریف «در این نامه به «آنتونیو گوترش» افزود: ۶ سال پیش در همین روز شورای امنیت به اتفاق آرا قطعنامه (۲۰۱۵) ۲۲۳۱ را تصویب کرد به رغم مخالفت‌های جدی و مشروع



این که کشورهای عضو باید توجه مقتضی به لغو تحریم‌ها داشته باشند. شرکت کنندگان بر جام تاکید کردند که لغو تحریم‌ها از جمله منفعت اقتصادی ناشی از آن، بخشی اساسی از برجام است.

ظریف افزود: با این حال آمریکا با کمک و تشویق هم‌دستان اروپایی خود، هرگز این‌ها و بسیاری از مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام را با حسن نیت اجرا نکرد، مشارکت کنندگان غربی برجام همچنان به استفاده از فشار اقتصادی برای دستیابی به اهداف سیاسی نامشروعی که در طی مذاکرات طولانی و خسته کننده برجام نتوانسته بودند به آن دست یابند ادامه می‌دهند،

وی خاطر نشان کرد: ایران مواضع خود را در جلسه شورای امنیت در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ و بلافاصله پس از تصویب قطعنامه به وضوح بیان کرد با این حال تمام تعهدات خود ذیل برجام را با حسن نیت انجام داد که توسط گزارش‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - حتی ۱۵ ماه پس از خروج غیر قانونی آمریکا - تأیید شده است.

وزیر امور خارجه تاکید کرد: آمریکا و سه کشور اروپایی، بارها سوء نیت خود را برای وادار کردن ایران به مذاکره مجدد درباره آن مفاد از طریق فشار اقتصادی و باج خواهی اعلام کرده‌اند، چنین مقاصدی - که به خودی خود نقض فاحش بندهای ۲۸ و ۲۹ برجام است - به صورت خصوصی و حتی عمومی، پس از روز اجرایی شدن برجام بیان شده‌اند و توسط رییس جمهوری پیشین آمریکا ترامپ - و متأسفانه سه کشور اروپایی - از سال ۲۰۱۷ تکرار شده‌اند. ظریف تصریح کرد: دولت بایدن دوباره با کمک و هم‌دستی سه کشور اروپایی از زمان آغاز به کار خود در ژانویه ۲۰۲۱ تروریسم اقتصادی ترامپ علیه ایرانیان را به عنوان اهرم فشار خیالی برای دستیابی به همان اهداف، داده است.

حادثه کشتی‌ها و امتیاز گرفتن غربی‌ها قبل‌تر نیز کارشناسان حوزه دیپلماسی دربار تأخیر در روند مذاکرات هشدار داده بودند. آن‌ها معتقد بودند که اگر مذاکره به تأخیر بیفتند طرف غربی با زمان خریدن امتیاز بیشتری را از ایران طلب کرد خواهد کرد. این امتیاز نیاز به یک اتفاق داشت. اتفاقی از جنس تهدیدهای نظامی یا بار دیگر فصل هفتم

منشور؟ طرف آمریکایی به همراه همپیمانان اروپایی در هفته‌های گذشته بارها این جمله را تکرار کردند و به تهران هشدار دادند که تا ابد فرصت مذاکره ندارد! آنها در حالی به تهران هشدار می‌دهند که رئیسی این روزها مشغول چیدن کابینه است و هنوز مشخص نیست وزیر خارجه دولت سیزدهم و تیم مذاکره کننده چه کسانی هستند و آیا مذاکره را ادامه خواهند داد یا خیر؟ رئیسی در در روز گذشته در صفحه توئیتر خود در پاسخ به این دل‌مشغولی‌ها نوشت: تحریم‌ها باید لغو شوند و هر طرح دیپلماتیک که این هدف را محقق کند مورد حمایت ماست.

این روزها حادثه دریای عمان و گرفتاری کشتی‌ها همگی گویا تکرار سال‌های دوره زمامداری ترامپ است. از همان روزی که وزیر خارجه ژاپن در دیدار با مقام معظم رهبری که برای میانجیگری آمده بود دریای عمان شاهد درگیری گسترده نفتکش‌ها شد چه این زمان که دولت بایدن همان روش را در پیش گرفته است.

تأخیر در مذاکرات وین سبب شده که آمریکا با زبان دیپلماتیک تر فشار حداکثری را علیه ایران ادامه دهد از فشار نظامی تا تحریم‌هایی که این روزها چین را برای خرید نفت از ایران تهدید می‌کند.

زبان دموکرات‌ها  
کلاس ادبیاتی و دیپلماتیک باراک اوباما را کمتر رئیس‌جمهوری در تاریخ آمریکا داشته‌است. او که یکی از دموکرات‌ترین سیاستمداران آمریکایی بود و با ژست جهانی شدن درهای دنیا را بار دیگر به روی یکدیگر باز کرد مسبب توافقی بود که امروز به نام برجام از آن یاد می‌شود. اما در دوره همان رئیس‌جمهوری که به دنبال دنیای عاری از جنگ و جهانی شدن در راستای صلح، دوستی و اقتصاد در حال گردش بود گروه‌های تروریستی در خاورمیانه با نام‌های مختلف یکی پس از دیگری اعلام موجودیت کردند. مرزهای ایران در خطر هجوم تروریستی قرار گرفت و اوپاما مدام به طرف ایرانی هشدار می‌داد که همه گزینه‌ها روی میز است. بهار عربی در جریان بود و مشخص نبود که آیا ایران هم در این قطار قرار خواهد گرفت یا خیر تا اینکه سال ۲۰۱۵ برجام شکل گرفت و باقی قضایا....

دموکرات‌ها قانون پنبه سر بر بدن را بسیار رعایت کرده‌اند بر خلاف جمهوریخواهان که همیشه شمشیر را از رو بسته‌اند. سیاستی که بایدن به مانند اسلاف خود در پیش گرفته خبرهای خوشی از آینده و منطقه نمی‌دهد. فعال شدن داعش در افغانستان و تغییر ماهیت نظامیان آمریکایی در عراق و همزمان هشدار به ایران و دست‌نوشته‌ای که روی به ایران می‌گوید: آمریکا آماده است تا به حملات (علیه خود در خاک عراق) واکنش نشان دهد. ایران باید توقف حملات (به نیروهای آمریکایی در خاک عراق) را مدنظر قرار دهد.

به نظر می‌رسد دولت بایدن در صورت توقف مذاکرات سیاست فشار حداکثری را به شیوه دموکرات‌ها در پیش گرفته است:

اول: همسایگان گرفتار تروریسم در افغانستان و عراق؛ تقویت شدن مجدد داعش و گروه جیش العدل در منطقه بلوچستان پاکستان هم‌مرز افغانستان و ایران و شبکه حقانی/طالبان به خودی خود شاید برای ایران تهدید نباشد اما ممکن است پوششی شوند بر فعالیت‌های تروریستی داعش و دیگر گروه‌های فعال، کما اینکه طالبان این تجربه را با القاعده در زمان رهبری اسامه بن لادن تجربه کرده بود.

دوم: فشار نظامی در آب‌های خلیج فارس و ایران هراسی در دل عرب‌های منطقه  
سوم: صدامیزاسیون کردن ایران  
چهارم: کشاندن ایران زیر فصل هفتم منشور سازمان ملل که تهران در طی سال‌های گذشته بدون شلیک یک گلوله توانست خود را از شر حمله نظامی گسترده خلاص کند.

نتیجه: دموکرات‌ها جنگ طلب تر از جمهوریخواهان؛ تاریخ جنگ‌ها این استراتژی را ثابت کرده است. حرف‌های آنها روی کاغذ است به روش‌های مختلف... به هر حال به گفته مقام معظم رهبری «نه جنگ خواهد شد نه مذاکره» اما ممکن است لغو تحریمی در کار نباشد و با شدت بیشتر علیه ایران ادامه پیدا کند که نیاز به یک واقعه برای توجیه افکار عمومی دارد و انهم ضرور خواندن ایران در منطقه است با دست‌نوشته‌های تکراری...

بدگمانی نسبت به احیای برجام از نگاه سی‌ان‌ان؛

# سورپرایز بد برای برجام

صادق ماجدی

برخی مقامات امنیت ملی و اطلاعاتی که نسبت به روند مذاکرات آگاه هستند، به سی‌ان‌ان گفتند، مقامات دولت بایدن نسبت به احیای مجدد توافق هسته‌ای با ایران بدگمان شدند. بر سر کار آمدن دولت جدید در ایران معادلات مذاکرات بر سر احیای

این هم واقعیتی است که به قول بلینکن، مذاکرات نمی‌تواند برای همیشه ادامه یابد. با ادامه سرعت بخشیدن به روند غنی‌سازی توسط ایران، ممکن است زمانی فرا رسد که دیگر هیچ توافقی برای احیای برجام عملی نباشد؛ هر چند ما هنوز به آن نقطه نرسیده‌ایم.

امید به آرامی در حال مبدل شدن به ناامیدی است عدم احیای توافقی ضربه قابل توجهی به برنامه سیاست خارجی جو بایدن وارد خواهد کرد. در چنین شرایطی، مقامات دولت به طور خصوصی اعلام کرده‌اند که موانع عمده‌ای برای ورود مجدد به توافقی را از دولت قبل به ارث برده‌اند و اکنون در حال بررسی برنامه‌های احتمالی هستند. پس از خروج دونالد ترامپ از توافقی در سال ۲۰۱۸ و اعمال کارزار فشار حداکثری علیه ایران که با تحریم‌های شدید جدیدی همراه بود، ایران شروع به تولید و آزمایش سانتریفیوژهایی کرد که زمان گریز هسته‌ای را کوتاه‌تر می‌کند. ایران هم چنین دسترسی بازرسان سازمان ملل به تاسیسات اصلی غنی‌سازی اورانیوم در نطنز را محدود کرده‌اند. یکی دیگر از افراد آگاه به مذاکرات می‌گوید امید «به آرامی در حال نابود شدن است». چرا که توافقی پیش از انتخابات ایران حاصل نشده. جدول زمانی مذکور [حصول توافقی تا پیش از انتخابات] هدف اصلی ایالات متحده بود، اما نکات مهمی از قبیل دامنه لغو تحریم‌ها محل اختلاف باقی ماند - طبق این ادعا که ایالات متحده و متحدانش تنها قادرند تحریم‌های مربوط به توافقی هسته‌ای را لغو کنند، و نه مجازات‌های مربوط به نقض حقوق

میز مذاکره را کنار بگذارد. **■ برای همیشه سر میز مذاکره نخواهیم ماند** با این حال، با توقف مذاکرات در ماه ژوئن و با سرعت بخشیدن به برنامه هسته‌ای ایران، مقامات آمریکایی به طور خصوصی و علنی خطاب به طرف ایرانی اعلام کرده‌اند که برای همیشه سر میز مذاکره نخواهند ماند. به عقیده آن‌ها با این وضعیت احتمالاً مفاد توافقی برجام دیگر باعث ایجاد محدودیت در برابر برنامه هسته‌ای ایران نخواهد شد، چرا که این برنامه به پیشرفت خود ادامه می‌دهد. بلینکن در ۲۹ ژوئیه در جمع خبرنگاران در کویت گفت: «ما متعهد به دیپلماسی هستیم، اما این روند نمی‌تواند به طور نامحدود ادامه یابد». او افزود: «اگر ایران به روند کنونی فعالیت‌هایش در رابطه با برنامه هسته‌ای ادامه دهد، در برخی موارد، برخی از اهداف پیشین با بازگشت به برجام به طور کامل حاصل نمی‌شود». به گفته یک مقام مطلع از مذاکرات، یکی از مهم‌ترین موضوعات برجسته‌ای که پس از توقف مذاکرات در دور ششم اعضا را به خود مشغول کرده، نحوه واکنش نسبت به پیشرفت‌های ایران در تحقیق و توسعه هسته‌ای ایران است. این مقام گفت ایران اساساً به ۱+۵ می‌گوید این پاسخ ما نسبت به ۴ سال دوران سخت دونالد ترامپ بود و شما نمی‌توانید آن را از ما دریغ کنید.

به گفته این مقام، همه طرف‌های مذاکره احساس می‌کنند که زمان رو به اتمام است. او گفت: «همه ما می‌خواهیم [به سر میز مذاکره] برگردیم و مصمم هستیم که روی آن [احیای توافقی] کار کنیم، اما

به همین بهانه و در شرایطی که با برگزاری مراسم تحلیف در روز پنج‌شنبه دولت ابراهیم رئیسی به طور رسمی کار خود را آغاز کرده، ناتاشا برتراند و نیکول گائوتی تحلیل‌گران سی‌ان‌ان با انتشار یادداشتی با عنوان «امیدها نسبت به احیای مذاکرات هسته‌ای در بجنوبه تأخیر به وجود آمده به واسطه روی کار آمدن رئیس‌جمهور محافظه‌کار جدید کم‌رنگ می‌شود»، با استناد به منابعی آگاه به روند مذاکرات ادعا کرده‌اند که با شرایط جدید از امکان حصول توافق نسبت به هر زمان دیگری کاسته شده است.

نگرانی از بابت تأخیر در مذاکرات امضاکنندگان اصلی توافقی هسته‌ای موسوم به گروه ۱+۵ - ایالات متحده، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان - پیش از این بسیار امیدوار بودند که هفتمین دور مذاکرات تاکنون آغاز شده باشد. برخی از مقامات عضو نسبت به تأخیر در شروع دوباره مذاکرات از زمان پایان آخرین دور گفت‌وگوها (در ۲۰ ژوئن) ابراز ناامیدی کرده‌اند؛ به ویژه این که پیشرفت‌های هسته‌ای ایران باعث می‌شود توافقی کنونی (برجام) اهمیت خود را از دست بدهد. اکنون که ابراهیم رئیسی پس از مراسم تحلیف در روز پنج‌شنبه رسماً قدرت را در دست دارد، مقامات امیدوارند گفت‌وگوها طی چند هفته آینده دوباره از سر گرفته شود، با این حال هنوز مشخص نیست که چه زمانی و آیا اساساً این اتفاق خواهد افتاد یا نه. با وجود آن که رئیسی به طیف محافظه‌کارن تعلق دارد، او اظهار کرده که باصل با توافقی هسته‌ای موسوم به برجام مخالفتی ندارد و مقامات آمریکایی هم گفته‌اند که تصور نمی‌کنند او

بشر، نقض سلاح‌های متعارف و یا مسائل دیگر. ضمن این که چشم‌انداز آمریکا مبنی بر تلاش برای «طولانی و تقویت» کردن توافق هم به مذاکرات کمکی به ماجرا نکرده است. ایران هم چنان تمایلی ندارد در مذاکرات بعدی در مورد مسائل غیر هسته‌ای مانند برنامه موشک‌های بالستیک وارد مذاکره شود. بسط و گسترش این توافق در اولویت دموکرات‌های تندروتری چون سناتور باب مندز، رئیس کمیته روابط خارجی سناتور دارد. او به همراه ۴۲ سناتور دیگر در بهار در نامه‌ای دولت بایدن خواستند به توافقی دست یابد که به ادعای آن‌ها «از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری و فعالیت‌های [به زعم آن‌ها] بی‌ثبات‌کننده‌اش در سراسر خاورمیانه و برنامه موشک‌های بالستیک‌اش را محدود کند». این تقاضا زمانی مطرح شد که [ادعاشد] کلاس جدیدی از هواپیماهای بدون سرنشین ساخت ایران که ردیابی‌شان برای آمریکایی‌ها بسیار دشوار است، تاسیسات نظامی آمریکا در عراق را هدف قرار داد. یک «سوپرایز بد» با این حال، به گفته افراد درگیر در مذاکرات، مقامات آمریکایی هم چنان شگفت‌زده‌اند از این که تأخیر در تشکیل مجدد مذاکرات تا این مدت به درازا کشیده است. این مقام مطلع از مذاکرات، مدت‌زمان توقف در مذاکرات به بهانه انتخابات را یک «سوپرایز بد» توصیف کرد، به ویژه به این دلیل که مقامات ایرانی به همتایان خود گفته بودند که تهران بلافاصله پس از پایان انتخابات مذاکرات را ادامه می‌دهد.

#### ■ یک تاکتیک ایرانی

در میان اعضای ۱+۵ این گمانه‌زنی وجود دارد مبنی بر این که تأخیر می‌تواند یک حرکت تاکتیکی از سوی ایران باشد. با این حال، آن‌ها به طور فزاینده‌ای معتقدند که مسئله اصلی در داخل نظام ایران و در مورد نحوه ادامه مذاکرات در جریان است.

به گفته این مقام: «به نظر می‌رسد رئیسی تصمیم دارد درباره چگونگی کنترل امور و تأثیرگذاری بر مسائل تجدیدنظر کند و این چیزی فراتر از تاکتیک است». او افزود: «فرض ما این است که رئیسی، آن چنان که گفته، می‌خواهد به برجام باز گردد. اما ما نمی‌دانیم که آیا او قصد دارد تیم جدیدی را برای مذاکرات بگمارد یا نه». به نظر می‌رسد حضور یک تیم نمی‌تواند چندان

سازنده باشد، چرا که مذاکره‌کنندگان کنونی پس از ماه‌ها ماراتن جلسات در اتاق‌های کنفرانس در بسته هتل وین، به خوبی یکدیگر را می‌شناسند، و روزانه در مورد جنبه‌های توافق بحث کرده‌اند. همچنین در میان مذاکره‌کنندگان این نگرانی وجود دارد که اگر رئیس‌جمهور محافظه‌کار جدید ایران از عملکرد دولت قبلی در این زمینه ناراضی باشد، ممکن است انتظارات جدید غیرواقعی را مطرح کند که باعث عقب‌گرد در مذاکرات شود. به گفته این مقام: «ما، به روشنی به طرف ایرانی گفته‌ایم چه چیزی می‌توانیم بدهیم و چه نمی‌توانیم... تیم روحانی به خوبی این مسئله را فهمید... باید در انتظار این بود که آیا تیم اطراف رئیسی هم قادر به درک آن است و آیا این تیم تغییر می‌کند یا خیر».

با این حال، برای ایرانیان یک مسأله مهم هم چنان یا بر جا مانده و آن هم بحث تضمین است. این مقام مسئول گفت: «تهران می‌خواهد از این بابت مطمئن باشد که ورژن دوم ترامپی در کار نخواهد بود، آن هم در حالی که آن‌ها کاملاً به تعهدات خود پای‌بند هستند و در این شرایط با وضعیتی روبرو می‌شوند که آن‌ها به مفاد توافق پایبندند، اما رهبر آمریکایی از توافق خارج و دوباره تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی را اعمال می‌کند. اما آمریکایی‌ها نمی‌توانند تضمین کنند که دولت آینده چه کاری می‌تواند انجام دهد.

#### ■ بحران احتمالی در راه است

برخی از اعضای شورای امنیت ملی در آمریکا معتقدند در صورت عدم دستیابی به توافق تا پایان سال، یک بحران هسته‌ای شکل خواهد گرفت. جفری لوئیس، پروفیسور مرکز مطالعات عدم اشاعه جیمز مارتین در موسسه مطالعات بین‌المللی میدلبری، گفت که گزینه جایگزین این توافق چنین خواهد بود که ما به بحرانی باز می‌گردیم که دولت‌های متوالی با آن دست به گریبان بودند، تا اینکه در سال ۲۰۱۵ یک توافق حاصل شد. لوئیس با این ایده موافق نیست که بازگشت به توافق باید بر اساس استاندارد نقطه‌گریز هسته‌ای یک ساله بنا شود. به اعتقاد او، مقامات باید بیش‌تر نگران خروج سریع ایران از توافق باشند، با این هدف که ساخت تاسیسات هسته‌ای مخفی برای تهران برای سومین بار سخت‌تر شود.

با این حال همه بر این عقیده موافق نیستند که در

صورت شکست برجام، بحران هسته‌ای اجتناب‌ناپذیر است. مندز و سناتور جمهوری خواه لیندسی گراهام ایده دیگری را پیشنهاد کرده‌اند که گویا در بخش‌هایی از دولت هم با استقبال روبرو شده است - یعنی فشار بر ایران برای پذیرش ایجاد بانک سوخت هسته‌ای در منطقه خلیج فارس. بر اساس این ایده ایران فقط می‌تواند به چنین بانکی دسترسی داشته باشد و از این طریق به راکتورهای هسته‌ای نیروگاهی‌اش سوخت برساند، و این مشروط به کنار گذاشتن غنی‌سازی داخلی اورانیوم است. با این حال، این راه حل، حتی اگر توسط ایران پذیرفته شود، تنها به موضوع هسته‌ای و نه فعالیت‌های گسترده‌تر ایران در سراسر منطقه می‌پردازد. بازگشت ایران به پایبندی به برجام، هر چند توافق برجام محدود به فعالیت‌های هسته‌ای ایران است، اما بایدن و هم‌راهانش آن را نقطه عطف مهمی برای مذاکرات در مورد مسائل بیش‌تری قلمداد می‌کنند. در عین حال، اسرائیل همچنان با بازگشت مجدد به توافق هسته‌ای مخالف است. نفتالی بنت از ایالات متحده و شرکایش خواست تا چشمانشان را نسبت به خطرات ادامه مذاکرات باز کنند و مقامات اسرائیلی ادعا کرده‌اند مایلند راسا و مستقلاً امور مربوط به مهران برنامه هسته‌ای ایران را خود به دست بگیرند. کما این که رئیس سابق موساد در ماه ژوئن اعلام کرد که سازمان اطلاعات اسرائیل در انفجارهای ماه آوریل و سال گذشته نقش داشته است. به گفته هالی سیفر، مشاور سابق سیاست خارجی سناتور وقت کامالا هریس: «این یک مسابقه شبانه‌روزی است. ما تنها بر حسب شرایط می‌توانیم به توافق برسیم و چنان چه تا پایان سال نتوانیم مجدداً به توافق برسیم، این احتمال کاملاً وجود دارد که ایران به قابلیت شکست هسته‌ای رسیده باشد. در نهایت، دولت بایدن [ادعا می‌کند] متعهد است که از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کند و در این زمینه با متحدانش، از جمله اسرائیل، هم‌سو است». با این حال او خاطر نشان می‌کند که در ایالات متحده، اسرائیل و ایران همگی دولت‌های جدیدی بر سر کار آمده و هماهنگی برای مقابله با تهدیدات هسته‌ای و ثبات منطقه‌ای زمان بر خواهد بود. هر چند که به اعتقاد او «چیزی که مشخص نیست این است که ما چقدر زمان داریم».



دکتر روح اله رحمانی فر

کارشناسان برداشتن تحریم‌های بانکی، نفتی، پتروشیمی، بیمه و کشتیرانی دستکم ۸۰ درصد اقتصاد ایران را از سایه تحریم خارج می‌کند. در سمت ایران ملاحظه چالشی برداشتن تحریم‌های افراد حقیقی و حقوقی مورد مطالبه است اما امریکا اعلام کرده نمی‌تواند تحریم‌های غیر هسته‌ای که در زمان ترامپ وضع شده است را بردارد. در سمت مقابل امریکا و تروئیکای اروپایی با توجه به کاهش نقطه گریز هسته‌ای ایران اصرار دارند سانسورهای نسل جدید یا امحا و یا از ایران خارج شود امری که مورد موافقت تهران قرار نگرفته است. از طرفی عنوان می‌شود تهران خواستار تضمین جدی دولت امریکا برای حفظ پابندی به توافق و عدم امکان خروج واشنگتن به مانند تجربه دولت ترامپ است که ظاهراً امریکادر این زمینه تاکنون نتوانسته است ایران را قانع کند. بنابراین در ابعاد فنی - حقوقی توافقات اصلی حاصل شده و آنچه مورد اعتراض طرفین است در مقابل راه طی شده اهمیت به مراتب کمتری دارد.

حال سؤال اینجاست چرا ایران و امریکا علی‌رغم نمایش عزم جدی خود برای بازگشت به تفاهم و پیمایش مسیر بخش‌های کلان تعهدات متقابل

ادامه آن چگونه قابل تحلیل است و اکنش‌های متفاوتی به همراه دارد. به‌طور کلی اختلافات طرفین مذاکره‌رادر دو سطح فنی - حقوقی و سیاسی می‌توان ارزیابی کرد. در سطح فنی - حقوقی که به زعم من پوسته یا صورت مذاکرات است توافقات مهمی شکل

توقف مذاکرات وین به تردیدها و بدبینی‌ها به احیای برجام دامن زده است، به‌ویژه صحت‌های اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات که تا دور قبل همواره اظهارنظرهای امیدبخش داشت بر احتمالات منفی پیرامون توافق هسته‌ای افزوده است.

گرفته به طوری که رفع تحریم‌های موضوعی و در مقابل گام‌های عقب‌گرد هسته‌ای ایران با چالش مهمی مواجه نبوده است. طبق ارزیابی

با پایان دور ششم مذاکرات وین همچنان تاریخ دور جدید مذاکرات و بازگشت هیأت‌های سیاسی ۱+۴ و ایران و آمریکا به اتریش نامشخص است، این در حالی است که سخنگوی جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به یورونیوز گفته است؛ ایران پیام داده تا شروع به کار دولت رئیسی در ماه اوت به مذاکرات برخواهد گشت.

توقف مذاکرات وین به تردیدها و بدبینی‌ها به احیای برجام دامن زده است، به‌ویژه صحت‌های اولیانوف نماینده روسیه در مذاکرات که تا دور قبل همواره اظهارنظرهای امیدبخش داشت بر احتمالات منفی پیرامون توافق هسته‌ای افزوده است. او هفته قبل هشدار داد که تعویق مذاکرات ممکن است عزم طرف‌های درگیر توافق را سست کند.

این در شرایطی است که بعد از آغاز مذاکرات وین و توافقات اولیه اعضا و اعلام شروع نگارش متن نهایی توافق خوشبینی‌ها در رابطه با تفاهم زودهنگام افزایش یافت به طوری که برخی اعتقاد داشتند دور ششم مذاکرات توافق نهایی حاصل می‌شود. اینکه چرایی عدم حصول توافق بعد از شش دور مذاکره و تعویق زمانی نامعلوم

چرا که هر یک تلاش می‌کنند تا آخرین زمان و امکان موجود از برگ‌های برنده خود برای اخذ امتیازات حداکثری استفاده کنند تا در ابعاد مذکور با انتقاد روبرو نگردند. در چنین پس زمینه‌ای هر دو طرف اصلی دعوا باید ظرف روزهای آتی تصمیمات سرنوشت ساز و موثری بگیرند وگرنه قطعاً اصل توافق با تهدید مواجه می‌شود چرا که فرسایشی شدن مذاکرات و نیز اعمال نفوذ و لابی دول مخالف برجام در امریکا قطعاً در شکل‌گیری تفاهم نهایی اختلال ایجاد می‌کند.

ایران باید بپذیرد برای احیای برجام چاره‌ای جز واگذاری برخی امتیازات و عقب نشینی از بعضی مواضع وجود ندارد چرا که هر توافق برد-برد نیازمند تأمین منافع طرفین بطور متقابل است وگرنه حتی در صورت پیروزی یک طرف در

اختیار تهران است که اگر برجام زنده و اجرایی شود ایران امکان بهره برداری از این رویداد را بدست می‌آورد امری که انتظار می‌رود در آینده در مورد عراق هم صورت عملی به خود بگیرد. از طرفی دولت بایدن بر خلاف ترامپ با استناد به رویکردهای جدید کلان سیاست خارجه امریکا در دوره او با ما به موازانه قدرت شیعه-سنی و پرهیز از جانبداری محض یکطرفه در راستای منافع ملی کشورش معتقد است هر چند بطور نسبی تفاوت‌هایی با دولت او با ما دارد اما کلیت این دو ایده تلافی دارد که این سیاست در مجموع به سود جمهوری اسلامی خواهد بود. اما اگر برجام شکست بخورد خود به تنهایی می‌تواند مهمترین عامل استمرار حضور امریکا در منطقه باشد.

در سوی دیگر امریکا هم باید آگاه باشد اگر امتیازات مؤثر به تهران ندهد و بر مواضع فعلی خود اصرار داشته باشد هم ایران نقطه گریز هسته‌ای خود را کوتاه‌تر خواهد کرد و هم واشنگتن همچنان ملزم خواهد بود در باتلاق خاورمیانه ادامه حضور داشته باشد و هزینه‌های هنگفت این حضور را گردن بگیرد.

در مجموع و با نظر داشت عوامل صدرا اشاره هر دو کشور در مقطع کنونی وارد پیچ تند سیاسی تصمیم‌سازی برجامی شده‌اند و ناگزیر از اقدامات شجاعانه و خطیر هستند. به‌باور نگارنده علت اصلی توقف مذاکرات از سوی تهران صرفاً بحث انتقال قدرت به دولت جدید و هماهنگی‌های مورد نیاز در این راستاست و این موضوع ارتباطی به بروز موانع جدی در عزم تهران برای توافق ندارد. از آنجا که مقامات ایران به خوبی می‌دانند دولت بایدن امکان برداشتن تحریم‌های غیر هسته‌ای مصوب دولت ترامپ و نیز ارائه ضمانت مؤثر عدم خروج دوباره امریکا از برجام را ندارد باید در حاشیه مذاکرات مابه ازای موارد فوق در عراق و سوریه امتیازات عمده‌ای به نفع خود و هم پیمانانش بگیرد امری که قطعاً در حدود اختیارات دولت مستقر در واشنگتن است.

چرا که هر یک تلاش می‌کنند تا آخرین زمان و امکان موجود از برگ‌های برنده خود برای اخذ امتیازات حداکثری استفاده کنند تا در ابعاد مذکور با انتقاد روبرو نگردند.

در چنین پس زمینه‌ای هر دو طرف اصلی دعوا باید ظرف روزهای آتی تصمیمات سرنوشت ساز و موثری بگیرند وگرنه قطعاً اصل توافق با تهدید مواجه می‌شود چرا که فرسایشی شدن مذاکرات و نیز اعمال نفوذ و لابی دول مخالف برجام در امریکا قطعاً در شکل‌گیری تفاهم نهایی اختلال ایجاد می‌کند.

ایران باید بپذیرد برای احیای برجام چاره‌ای جز واگذاری برخی امتیازات و عقب نشینی از بعضی مواضع وجود ندارد چرا که هر توافق برد-برد نیازمند تأمین منافع طرفین بطور متقابل است وگرنه حتی در صورت پیروزی یک طرف در

در سوی دیگر بایدن با مخالفت‌های جدی از هر دو حزب در مسیر احیای برجام روبه روست امری که دست او را بسته و با محدودیت‌های جدی مواجه کرده است. بایدن برای رفع تحریم‌های غیر هسته‌ای به حمایت کنگره نیازمند است موضوعی که در شرایط کنونی امکان تحقق ندارد.

زمان تنظیم توافق قطعاً پایداری آن با چالش مواجه می‌شود. اگر واقعیت‌های میدانی تحولات منطقه را مدنظر قرار دهیم به این نتیجه می‌رسیم تهران در صورت احیای برجام به جز مواهب اقتصادی، رفع تحریم‌ها و پیروزی حقوقی و دستاوردهای سیاسی می‌تواند از موقعیت تغییر استراتژی‌های کلان امریکا برای خروج از خاورمیانه استفاده حداکثری کند. خروج امریکا از افغانستان یک نمونه از فرصت‌های جدید در

روی موضوعات کوچکتر حساسیت نشان می‌دهند به طوری که اصل و ماهیت توافق را به مخاطره می‌اندازند؟ پاسخ در ماهیت حاکم بر موضوع مذاکرات است، یعنی هسته اصلی که امر سیاسی است نه فنی و حقوقی، آنچه طرفین را در تحصیل تفاهم نامه پایانی با محدودیت و وسواس روبه رو می‌سازد حساسیت‌های سیاسی است. ابعاد سیاسی مذاکرات و توافق‌ها بر دو پایه حیثیتی-اعتباری و بازخوردها و مصارف داخلی است. در سوی ایران سالها تبلیغ و ترویج اهمیت دانش هسته‌ای موانع جدی در برگشت به عقب ایجاد کرده است به ویژه حامیان و حاملان گفتمان انقلابی مرسوم روی این فقره بشدت حساس هستند بنابراین عقب نشینی از پیشرفت‌های هسته‌ای اگر بیش از حدود تعیین شده توسط رهبری باشد از حیث اعتباری برای تهران پرهزینه خواهد بود. از سمت دیگر رقابت‌های جناحی و اعتراضات دامنه دار اصولگرایان به دولت روحانی و دستگاه دیپلماسی خارجی ظریف امکان توافق به سبک دولت روحانی را از رئیس جمهوری منتخب گرفته است، بنابراین دولت جدید سعی خواهد کرد انتظارات هواداران و پایگاه رأی خود را به شکل نسبی جوبگو باشد.

در سوی دیگر بایدن با مخالفت‌های جدی از هر دو حزب در مسیر احیای برجام روبه روست امری که دست او را بسته و با محدودیت‌های جدی مواجه کرده است. بایدن برای رفع تحریم‌های غیر هسته‌ای به حمایت کنگره نیازمند است موضوعی که در شرایط کنونی امکان تحقق ندارد. از طرفی بایدن طبق سنت رؤسای جمهوری امریکا به جز ترامپ که خرق عادت کرد نمی‌خواهد در دور اول و در سال آغازین مسئولیت خویش با استفاده از فرمان‌های اجرایی چالش برانگیز موقعیت خود و حزبش را در رقابت‌های جناحی داخلی به خطر اندازد.

بنابراین علی‌رغم تکیه و تأکید تهران و واشنگتن بر مفاد فنی-حقوقی گره اصلی را باید در مؤلفه‌های سیاسی و اعتباری جستجو کرد،



روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی با اطمینان از حضور دوباره ترامپ  
در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ پرده برداشت

## مخمصه هویتی ترامپ

علی آزادی

مایکل ولف، روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی و نویسنده کتاب پرفروش «آتش و خشم» ضمن تشریح دیدار اخیر خود با دونالد ترامپ، ابراز اطمینان کرد که وی برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ کاندیدا خواهد شد.

مایکل ولف، روزنامه‌نگار و نویسنده ۳ کتاب درباره ریاست جمهوری ترامپ در مطلبی برای روزنامه نیویورک تایمز اطمینان داد که «ترامپ در سال ۲۰۲۴ کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری می‌شود». نویسنده کتاب مشهور «آتش و خشم؛ درون کاخ سفید ترامپ» که ۲ کتاب انتقادی دیگر نیز درباره ریاست جمهوری دونالد ترامپ منتشر کرده است، در مقاله خود برای روزنامه نیویورک تایمز آورده است: «نوشتن سه کتاب در طی چهار سال در مورد دونالد ترامپ غوطه وری در وسواس و تصمیمات وی را به همراه داشته است. به همین دلیل است که من این را واضح می‌دانم: دونالد ترامپ دوباره نامزد ریاست جمهوری خواهد شد.

در بهار امسال، در یکی دیگر از پیشنهادات او برای توجه اجباری -فارغ از خوب یا بد بودن آن- او برای مصاحبه و شام میزبان من در مار-ا-لاگو بود؛ حتی بعد از اینکه من دو کتاب ناخوشایند درباره او نوشته بودم که سعی کرد جلوی انتشار یکی از آن‌ها را بگیرد.

بعد از شام، من در مورد برنامه‌های او برای یک کتابخانه ریاست جمهوری، پروژه بازنشستگی سنتی و طرح افزایش سرمایه‌روسی جمهوری سابق سؤال کردم. در چهره غیرقابل خواندنش، انفجاری از سردرگمی وجود داشت، و سپس عصبانیتی که ناشی از آنچه که به نظر می‌رسید می‌خواهم بگویم -مبنی بر این که زمان حضور او در دفتر گذشته است- در حال برانگیخته شدن بود.

وی با غرولند گفت: راه ندارد، هیچ راهی، به هیچ وجه راه ندارد (حرفش را هم نزن).

این یک مخمصه هویتی و موجودیتی است: او بدون ادعای ریاست جمهوری نمی‌تواند دونالد ترامپ باشد. اگر پادشاهی هم در گذشته و هم بطور بالقوه در آینده نباشد، او نمی‌تواند توجه و ارادت حزب جمهوریخواه را جلب کند و اساساً چرا او هیچوقت از این کار منصرف شود؟ در

دشمنان جمهوری خواهش از سمت‌هایی که داشتند کمک کرد، در مورد اخراج آقای مک کانل به قدرت اطمینان دارد. شک دارم او به این واقعیت توجه داشته باشد که آقای مک کانل برای یک دوره شش ساله مجدداً انتخاب شده و احتمال معقولی دارد که دوباره رهبر اکثریت سنا شود. بسیاری از دموکرات‌ها معتقدند که پیگیری قانونی تخلفات مشاغل خانوادگی رئیس جمهور سابق در نیویورک و سایر پرونده‌ها، از جمله تحقیق در مورد تلاش وی برای لغو نتایج انتخابات در جورجیا، می‌تواند آینده سیاسی وی را به طور جدی مختل کند. اما در منطق آقای ترامپ، این مسئله برعکس خواهد بود: کاندیداتوری برای ریاست جمهوری بهترین راه برای به چالش کشیدن مستقیم دادستان‌ها است.

هاکستر یسم کلاسیک ترامپ با کلیدواژه «سرقت»

آقای ترامپ همچنین معتقد است که او یک گلوله جادویی دارد. در گفتار، وی مطمئن است که در سال ۲۰۲۲ با طراحی وی برای نامزدهای انتخاباتی جمهوری خواهان، این حزب اکثریت کنگره را پس می‌گیرند. و در واقع، این ممکن است درست باشد. اما شاید مهمترین موضوع، هاکستر یسم کلاسیک (فروش محصول با استفاده از معرکه گیری و کارهای نمایشی) وی باشد که با یک پیشنهاد فروش منحصر به فرد (U.S.P) سینیوپتیک تکمیل می‌شود. در سال ۲۰۱۶ این محصول، «دیوار مرزی» بود. برای سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۴ وی پیشنهاد دیگری در دسترس خواهد داشت: فریادی خشمگین و ساده درباره «سرقت انتخابات».

برای دموکرات‌ها، که وی را در مار آلاگو در تبعید، محروم از سیستم عامل‌های اصلی در شبکه‌های اجتماعی، و در مواجهه با دادستان‌های مصمم می‌بینند، آینده او اگر رقت‌انگیز نباشد، پررنگ است. اما او دونالد ترامپ است، و همیشه آماده است تا ساخت‌تر از آن ضربه‌ای که خورده، واکنش نشان دهد، هر کسی را به جز خودش سرزنش کند، و هر صدای انحرافی را حذف کند تا تمام توجه موجود را خود به دست بگیرد.

اگر آقای ترامپ هم نامزد شود. این ایده که آقای دسانتیس - که آقای ترامپ معتقد است با حمایت او به این جایگاه رسیده است - ممکن است وابستگی و التزام به آقای ترامپ را نپذیرد، از نظر ترامپ یک توهین شخصی است که باید برطرف شود. آقای ترامپ در خواست فرماندار مبنی بر به تعویق انداختن راهپیمایی فلوریدا پس از فرو ریختن ساختمان سرفساید را آشکارا نادیده گرفت. این یک پیام روشن به همراه داشت: فرماندار رئیس او نیست.

چالشی به نام میچ مک کانل ادامه کار آقای مک کانل، که آقای ترامپ از زمانی که سناتور به پیروزی جو بایدن اعتراف کرده، با او سر جنگ داشته است، یک کار ناتمام است.

ترامپ معتقد است که او یک گلوله جادویی دارد. در گفتار، وی مطمئن است که در سال ۲۰۲۲ با طراحی وی برای نامزدهای انتخاباتی جمهوری خواهان، این حزب اکثریت کنگره را پس می‌گیرند. و در واقع، این ممکن است درست باشد.

دستیاران ترامپ معتقدند این دو احتمالاً دیگر هرگز صحبت نخواهند کرد. جنگ علیه آقای مک کانل جنگی است درباره اینکه چه کسی حزب جمهوریخواه را کنترل می‌کند - اگر این فرد آقای ترامپ باشد، یعنی اینکه حزب جمهوریخواه ترامپ نمی‌تواند شامل آقای مک کانل باشد. اگر نامزدها به دلیل تأییدهای وی پیروز شوند، در نتیجه آقای ترامپ خود را به عنوان برنده نهایی و نامزد اصلی اجتناب‌ناپذیر معرفی می‌کند، و مطمئناً این دیگر حزب او خواهد بود.

آقای ترامپ، که بازوی سیاسی وی در انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۲۰۱۸ به برکناری برخی

واقع، به نظر می‌رسید که وقتی دقیقاً وارد لابی مار-ا-لاگو شدم به لحاظ استراتژیک نشست بودم تا بتوانم نظاره‌گر و شنونده تلاش‌های یک هیئت جمهوریخواه در برابر آقای ترامپ و سلطه انکار آمیز وی بر آنها باشم.

بعد از اندکی مکالمه او با من در مورد تحقیق و نسبت به هر جمهوریخواهی که در ارادت نسبت به او کمتر از حد مطلق باشد صحبت کرد - به هر حال او قدرت شکستن افرادی را که از آن زمان او را ناامید کرده‌اند (مانند سناتور میچ مک کانل و قاضی برت کاونو)، داشته است.

به نظر می‌رسید او نه تنها پارانویای چندانی در مورد چالش‌های پیش روی خود ندارد، بلکه جنگجویانه بود، و از صحبت درباره تلافی‌های بالقوه آینده اش لذت می‌برد.

او بارها و بارها با دلخوری از کینه خود نسبت به معاونش مایک پنس سخن گفت که وی در مورد بلندپروازی‌های سیاسی خود بیشتر در معرض دید عموم قرار گرفته است. به زعم خود این آقای پنس است که در ژانویه ریاست جلسه در سنارا بر عهده داشت، و با امتناع از لغو شمارش آرای الکترا، "دزدی" را تأیید کرد. من معتقدم که او حتی فقط برای جلوگیری از موفقیت مردانی که از نظر او کمک کردند تا ریاست جمهوری را از دست بگیرند، دوباره کاندیدا خواهد شد. گزارش‌هایی که افرادی از بال غربی و اعضای دولت وی از پذیرفتن ایده "دزدی" امتناع می‌کنند، فقط خشم و عزم وی را برای مجازات همه آن‌ها تقویت می‌کند؛ همانطور که او به من گفت «برخی از افراد بسیار ضعیف که برای من کار کرده‌اند، در آینده برنده خواهند شد».

فرماندار رون دسانتیس از فلوریدا به یکی دیگر از سوالات مکرر باشگاه گلف آقای ترامپ در بدمینستر، نیوجرسی تبدیل شده است، جایی که رئیس جمهور سابق تابستان را به دور از گرمای فلوریدا می‌گذرانند. بسیاری از اعضای جهان ترامپ بر این باورند که آقای دسانتیس، که در یک نظر سنجی CPAC در ماه دوم به جای آقای ترامپ به پیش‌تاز تبدیل شد، ممکن است به طور باورنکردنی نامزد ۲۰۲۴ شود حتی

# چرایی تورم افسار گسیخته در ایران

حمیدرضا عظیمی نیا\*



پایین در انتخابات نیز در نظر سنجی ها و تحلیل ها به مشکلات اقتصادی نسبت داده شد. چه اتفاق جدیدی در اقتصاد ایران در سالیان گذشته موجب افزایش نارضایتی مردم شده است؟ معمولاً هنگام سخن از مشکلات اقتصادی، مردم از "گرانی" می‌توانند به "سختی" سخن می‌گویند. آیا این سخن بدین معنی است که مردم به "تورم" اشاره دارند؟ آیا کاهش تورم به تنهایی موجب افزایش رضایت‌مندی مردم از شرایط عمومی اقتصاد کشور می‌شود؟ یا اینکه مشکل امروز مردم، فراتر از تورم است؟

معمولاً هنگام سخن از مشکلات اقتصادی، مردم از "گرانی" می‌توانند به "سختی" سخن می‌گویند. آیا کاهش تورم به تنهایی موجب افزایش رضایت‌مندی مردم از شرایط عمومی اقتصاد کشور می‌شود؟ یا اینکه مشکل امروز مردم، فراتر از تورم است؟ وضعیت عمومی اقتصاد کشور برای مردم غیر قابل تحمل شده و این امر، واقعیتی انکارناپذیر است. این نارضایتی به حدی رسیده که در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ وعده‌ها و ایده‌های تمام نامزدها حول بهبود وضعیت اقتصادی شکل گرفته بود. مشارکت



داشته است. در نتیجه حتی اگر درآمد خانوار به میزان تورم افزایش یابد، باز هم قدرت خرید خانوار در تهیه این اقلام کاهش داشته و خانوار متحمل زیان رفاهی شده است.

زمانی که خانوار ایرانی از "گرانی ما یحتاج زندگی" گلایه مند است؛ فراتر از تورم، به کاهش قدرت خرید خود اشاره دارد که این امر در کاهش بیش از ۱۵ درصدی مصرف سرانه در سال‌های ۹۷ تا ۹۹ نمایان است. بر مبنای اطلاعات منتشر شده توسط مرکز آمار، مصرف سرانه ایرانیان در طی ۱۴ سال گذشته (از سال ۱۳۸۶) رشد نکرده و در سال‌های ۹۷ تا ۹۹، در اتفاقی کم‌سابقه، سه سال پیاپی رشد منفی را تجربه کرده است. این آمار بدین معنی است که در سه سال گذشته مردم ایران به صورت متوسط، هر سال با سفره‌ای کوچک‌تر از سال گذشته روبرو بوده‌اند و توانایی خرید کالا و خدمات آن‌ها کاهش داشته است. شاید بتوان گفت که علت اصلی نارضایتی شدید مردم از وضعیت اقتصادی کشور عبارت است از ۱۴ سال درجا زدن زندگی و عدم افزایش رفاه (با وجود رشد چشم‌گیر کشورهای مشابه در ارتقای رفاه شهروندانشان) که به سه سال سقوط قدرت خرید ختم شده است.

این سخن بدین معنی نیست که کاهش تورم از اولویت‌های سیاست‌گذاری اقتصادی نیست؛ بلکه بدین معنی است که کاهش نارضایتی مردم نسبت به شرایط اقتصادی به اقداماتی فراتر از کاهش تورم از طریق انضباط مالی و پولی نیاز دارد. در غیر این صورت (حتی در صورت کاهش تورم) روند کاهنده قدرت خرید خانوار (به دلیل رشد کمتر دستمزد نسبت به تورم و افزایش قیمت نسبی کالاهای حیاتی) متوقف نشده و روند افزایشی نارضایتی مردم ادامه‌دار خواهد بود. راز درجا زدن قدرت خرید خانوار در طی ۱۴ سال گذشته را باید در چرایی توقف رشد اقتصاد ایران جست. چرایی خاموش شدن موتور رشد اقتصاد ایران سوالی است که می‌تواند موضوع یادداشت‌های دیگری باشد.

\* پژوهشگر اندیشکده حکمرانی شریف

اقتصاد ایران در دهه گذشته به صورت عام و در سه سال گذشته به صورت خاص با معضل "کاهش قدرت خرید خانوار" روبرو بوده که معمولاً برای عموم مردم به صورت "گرانی ما یحتاج زندگی" خود نمایی می‌کند. کاهش قدرت خرید خانوار در شرایط تورمی به دو صورت خودنمایی می‌کند:

رشد دستمزد کمتر از تورم؛ در صورتی که افزایش دستمزد‌ها هم‌تراز با تورم یا بیشتر از تورم باشد؛ زیان رفاهی تورم برای خانوار بسیار پایین است. آنچه شرایط اقتصادی را برای خانوار غیر قابل تحمل کرده؛ رشد دستمزد

تورم به معنی افزایش مستمر سطح عمومی قیمت‌ها است. منظور از سطح عمومی قیمت‌ها نیز هزینه‌لازم برای تهیه سبدی از کالاها و خدمات مورد نیاز خانوار است. به عنوان مثال، اعلام تورم ۴۷٫۶ درصدی برای خرداد ۱۴۰۰ بدین معنی است که برای تهیه سبدی از کالاها و خدمات مورد نیاز مردم در خردادماه ۱۴۰۰ باید ۴۷٫۶ درصد بیش از خرداد ۱۳۹۹ پول پرداخت کرد. تورم شاخصی از کاهش ارزش پول ملی در مقابل کالاها و خدمات است. سبدی از کالاها و خدمات که در خرداد ۱۳۹۹ با ۱ میلیون تومان قابل تهیه بود؛ در خرداد ۱۴۰۰ به صورت متوسط با ۱،۴۷۶ میلیون تومان تهیه می‌شود. باید توجه داشت که تورم بالا نمی‌تواند ناشی از گران‌فروشی و تخلف چند فروشنده و تولیدکننده باشد. چند فروشنده ممکن است بتوانند محصول خود را با قیمت بالاتر بفروشند. اما در تورم ما با افزایش قیمت "همه" تولیدکنندگان و فروشندگان مواجه هستیم. وقتی همه فروشندگان قیمت محصول خود را افزایش می‌دهند؛ ارزش پول ملی کاهش یافته است. در نتیجه راه حل تورم را باید در نهاد متولی ارزش پول ملی (بانک مرکزی) جست؛ نه نهاد متولی تولید و توزیع کالا (وزارت صمت)!

بر مبنای آمارهای منتشر شده توسط بانک جهانی، میانگین تورم در دنیا (فارغ از سطح توسعه یافتگی و درآمد) زیر ۵ درصد است و کشور ما از معدود کشورهای ناتوانسته مشکل تورم را حل کند. از این رو می‌توان گفت مشکل تورم در دنیا یک مسئله حل شده است و فقط از طریق کنترل رشد نقدینگی ممکن است. رشد نقدینگی بالای کشور ما نیز ناشی از کسری بودجه دولت و ناترازی نظام بانکی است. از این رو برای حل مشکل تورم باید به اصلاح ساختار بودجه و نظام بانکی همت گذاشت. با این حال سؤال ابتدای نوشتار همچنان باقی است: آیا کاهش تورم به تنهایی موجب افزایش رضایت‌مندی مردم از شرایط عمومی اقتصاد کشور می‌شود؟

بر مبنای آمارهای منتشر شده توسط بانک جهانی، میانگین تورم در دنیا (فارغ از سطح توسعه یافتگی و درآمد) زیر ۵ درصد است و کشور ما از معدود کشورهای ناتوانسته مشکل تورم را حل کند. از این رو می‌توان گفت مشکل تورم در دنیا یک مسئله حل شده است.

کمتر از تورم است. در نتیجه این امر، خانوار باید مصرفی حقیقی خود را کاهش دهد.

افزایش قیمت نسبی کالاهای حیاتی: نرخ ۴۷٫۶ درصدی تورم نشان می‌دهد سبد مصرفی خانوار "به صورت متوسط" ۴۷٫۶ درصد گران شده؛ با این حال تمام اجزای سبد به یک میزان افزایش قیمت نداشته است. بر مبنای اطلاعات منتشر شده توسط مرکز آمار، تورم "خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها" به مثابه یکی از مهم‌ترین اقلام مصرفی خانوار، در اغلب مواقع ده سال گذشته بالاتر از تورم عمومی بوده است. یعنی قیمت نسبی خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در ده سال گذشته نسبت به دیگر کالاها افزایش داشته و توانایی عمومی خانوار برای تهیه آن کاهش

وضعیت بد اقتصادی مردم مانعی بزرگ بر سر واقعی سازی قیمت حامل‌های انرژی

## دوراهی اقتصادی ایران

عاطفه حسینی

کاوه مدنی، دانشمند دانشگاه بیل و معاون سابق سازمان محیط زیست ایران گفت: "فشاری که برای مدتی طولانی به محیط زیست وارد شده، بیشتر از ظرفیت اکولوژیکی آن بوده است. در حال حاضر خوزستان مانند بیشتر بخش‌های ایران در وضعیت ورشکستگی آبی قرار دارد." آقای مدنی همچنین گفت که دولت‌های ایران همواره منابع طبیعی را برای ایجاد شغل، دستکاری و تخریب کرده‌اند. به عنوان مثال، او به پروژه‌های اشاره کرد که منابع آب خوزستان را از طریق خطوط لوله و تونل‌ها به مناطق کویری مرکزی ایران هدایت می‌کند.

اعتراضات به کمبود آب در ایران سابقه‌دار است. برای مثال، کشاورزان اصفهانی در اعتراض به خشک شدن رودخانه‌ای که محل حیات کشاورزی آن‌ها بود، تظاهرات کردند. اعتراضاتی علیه خشک شدن دریاچه نمکی برجسته در ارومیه، در غرب ایران نیز به راه افتاد. اما همزمانی تغییرات آب و هوایی، خشکسالی، پاندمی و انزوای ایران به دلیل تحریم‌های آمریکا، نگرانی‌ها از اعتراضات اخیر را افزایش داده است.

صادق الحسینی، اقتصاددان برجسته ایرانی، روز سه‌شنبه در گفتگویی در کلاب‌هاوس با حضور هزاران ایرانی گفت: "ما در سراسر کشور با مشکل جدی برق و کمبود آب روبرو هستیم و اگر طی چند ماه آینده وضعیت آب و هوا بهتر نشود، این بحران حادثه‌تری می‌شود." آقای الحسینی علت این مشکل را بخشی از یارانه‌های دولتی و همچنین قیمت ارزان برق و آب می‌داند که منجر به مصرف بی‌رویه انرژی می‌شود. از طرفی دیگر، هرگونه افزایش قیمت باعث نارضایتی بیشتر می‌شود، زیرا اکثریت جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران، از نظر اقتصادی با مشکل روبرو هستند.

در حال آشکار شدن است. وزیر نیرو در ماه می هشدار داد که این تابستان، خشک‌ترین تابستان ایران در ۵۰ سال گذشته است و افزایش دما تا ۵۰ درجه سانتیگراد - ۱۲۲ درجه فارنهایت - منجر به قطع برق و کمبود آب می‌شود. سازمان هواشناسی ایران نیز در ماه ژوئن هشدار داد که مناطق جنوبی و غربی با کاهش ۵۰ تا ۸۵ درصدی بارندگی و افزایش دما از دو تا سه درجه سانتیگراد مواجه شده‌اند.

خوزستان ۸۰ درصد از نفت و ۶۰ درصد از ذخایر گاز ایران را دربردارد و یک ستون مهم اقتصادی است. در مزارع زراعی این استان، نیشکر، گندم و جو کشت می‌شود. اما حالا با کمبود آب محصولات از بین می‌رود، گاو میش‌ها از تشنگی می‌میرند و دولت با یکی از جدی‌ترین معضلات خود مواجه است.

دولت ایران هیاتی را برای بررسی بحران آب به خوزستان فرستاده و حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران تعهد داده که به ساکنان این استان کمک و خسارت آنان را جبران کند. دو رئیس‌جمهوری پیشین، محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد نیز از معترضین حمایت کردند و خشونت علیه آن‌ها را محکوم کردند.

اما کارشناسان محیط زیست و آب گفتند اقدامات کوتاه مدت مانند بردن تانکرهای آب به خوزستان برای رفع این مشکل اساسی سود چندانی نخواهد داشت. همچنین افتتاح سدها و مخازن یک راه حل موقت برای بحران آب خوزستان است که باعث کمبود آب در شهرهایی مانند اصفهان، شهری در مرکز ایران و استان‌های اطراف آن می‌شود.

چالش‌های زیست محیطی خوزستان کاملاً جدی است. مخازن خالی، تالاب‌های خشک، طوفان‌های گرد و غبار، گرمای شدید، آتش‌سوزی و آلودگی جدی هوا و آب و خاک بخشی از این چالش‌ها هستند.

خشکسالی طولانی مدت که با تغییرات آب و هوا و سوء مدیریت دولت حادث شده است، مشکل جدیدی را به سایر معضلات ایران از همه‌گیری کرونا تا تحریم‌های ایالات متحده، اضافه کرده است.

به گزارش نیویورک تایمز، ایران با موج پنجم همه‌گیری ویروس کرونا درگیر است، اقتصاد توسط تحریم‌های آمریکا تحت فشار قرار گرفته است و مذاکرات در مورد نجات برجام، که زمانی به عنوان راهی برای نجات اقتصاد قلمداد می‌شد، متوقف شده است. اما اکنون کشور با یک بحران متفاوت که به راحتی قابل پیش‌بینی بود، روبرو است: کمبود شدید آب. خشکسالی طولانی مدت و افزایش درجه حرارت ناشی از تغییرات آب و هوایی، همراه با دهه‌ها مدیریت نادرست دولت در منابع طبیعی و عدم برنامه‌ریزی، بحران آب را به دلیل برای اعتراضات و ناآرامی‌های روزهای اخیر تبدیل کرده است. طی هفته گذشته، تظاهرکنندگان به خیابان‌های استان خوزستان، استانی در جنوب غربی ایران، آمده‌اند.

بخشی از استان خوزستان را قوم‌های عرب تشکیل می‌دهند که در طول تاریخ با تبعیض‌هایی روبرو بوده‌اند، همچنین در این استان جنبش‌های جدایی طلبانه‌ای وجود داشته است. اما معترضین همواره تاکید کرده‌اند که آن‌ها خواستار جدایی نیستند و اعتراضات آن‌ها نباید با جنبش‌های جدایی طلبانه اشتباه گرفته شود.

مجتبسی محفوظی، نماینده آبادان در مجلس، در سخنرانی روز دوشنبه خود در صحن مجلس فریاد زد: "خوزستان و مردم مظلوم آن را نجات دهید! آنچه را سزاوار آن است به آن بازگردانید"

مقامات دولتی نباید با بحران آب و خشکسالی غافلگیر شوند، چون این بحران‌ها در طی سال‌ها بوجود آمدند و این روزها فقط عواقب این بحران‌ها

کمبود آب مشکلات ایران را پیچیده کرده است

## سوءمدیریت منابع طبیعی

فرناز فصیحی

اصفهان منجر شود. چالش‌های محیط زیستی خوزستان کاملاً جدی است: ذخایر آب خشک شده؛ تالاب‌ها خشک شده، گرد و غبار فلج کننده است، گرمای شدید بیداد می‌کند، آتش سوزی جنگل‌ها و آلودگی هوا، آب و خاک از صنعت نفت استان را به منطقه‌ای دشوار برای سکونت تبدیل کرده است. پروژه‌هایی مانند انتقال ذخایر آب خوزستان به مناطق مرکزی با اقلیم خشک‌تر از طریق خط لوله و تونل‌ها هم آسیب بیشتری به این استان وارد آورده است. کمبود آب پیشتر در دیگر استان‌های ایران هم موجبات تظاهرات عمومی را فراهم آورده بود. برای نمونه می‌توان به تجمع کشاورزان در نزدیکی اصفهان در پی خشک شدن رودخانه‌ای اشاره کرد که شاه‌رگ کشاورزی استان محسوب می‌شد، و همچنین تجمعات دست‌انداران محیط زیست در اعتراض به خشک شدن دریاچه نمکی برجسته در ارومیه در غرب ایران به دلیل ساخت و ساز نادرست روی آن. اکنون، تلاقی تغییرات آب و هوایی، خشکسالی، همه‌گیری کرونا و انزوای طولانی مدت به دلیل تحریم‌های آمریکا، نگرانی‌ها را تشدید کرده و اهمیت اعتراض‌های اخیر را افزایش داده است. صادق‌الحسینی، کارشناس برجسته اقتصادی، سه شنبه گذشته در «کلاب‌هاوس» گفت: «در سراسر کشور با کمبود برق و کمبود جدی آب روبه‌رو هستیم. اگر هوا در چند ماه آینده بهتر نشود، شرایط خیلی بدتر از حالا خواهد بود.» حسینی در ادامه بخشی از مشکل را یارانه‌های دولت دانست که موجب ارزان بودن نرخ برق و آب و در نتیجه، مصرف بی‌رویه می‌شوند. با این حال، هرگونه افزایش قیمت باعث نارضایتی بیشتر می‌شود، چرا که اکثریت ۸۵ میلیون نفری ایران از نظر اقتصادی با مشکل روبه‌رو هستند.

با خشکسالی غافلگیر شده باشند؛ شواهد آن مدت‌هاست که عیان است. وزیر نیرو در ماه مه هشدار داد که ایران خشک‌ترین تابستان در ۵۰ سال گذشته را پیش رو دارد که با کمبود آب و قطعی برق همراه خواهد بود. سازمان هواشناسی ایران هم در ماه ژوئن هشدار داده بود مناطق جنوبی و غربی با کاهش ۵۰ تا ۸۵ درصدی بارندگی و افزایش دما مواجه می‌شوند. ۸۰ درصد از نفت و ۶۰ درصد از ذخایر گاز ایران در استان خوزستان است و این استان یک ستون مهم اقتصادی قلمداد می‌شود. زمانی در این استان زمین‌های زراعتی نیشکر، گندم و جو وجود داشت که با کمبود آب بیشتر آنها خشک شدند. جدای از شهرهای اصلی استان خوزستان، مردم تهران و مشهد هم با تجمعات کوچک‌تر در صد نشان دادن همبستگی خود با آنها برآمدند. دولت تاکنون پاسخ مناسبی به اعتراض‌ها به کمبود آب نداده و این در حالی است که مقامات تظاهرات را مشروع می‌دانند. دولت گروهی را برای بررسی بحران آب به خوزستان فرستاد و حسن روحانی، رئیس‌جمهوری فعلی که دوره او به زودی پایان می‌یابد، متعهد شد به ساکنان این استان کمک و جبران خسارت کند. دو رئیس‌جمهوری پیش از روحانی نیز در موارد مشابه از معترضان حمایت و هرگونه خشونت علیه آنها را محکوم کرده بودند، اما مشکل آب همچنان باقی است. کارشناسان محیط زیست و آب گفته‌اند اقدامات کوتاه مدت مانند استفاده از تانکرهای آب کمک اساسی به رفع مشکل نخواهد کرد. بازگشایی سدها و استخرهای پشت آنها هم شاید یک راه حل موقت برای خوزستان باشد و می‌تواند به کمبود آب در دیگر استان‌ها در بخش‌های مرکزی کشور از جمله

ایران با موج پنجم همه‌گیری کرونا، اقتصاد آسیب دیده از تحریم‌های آمریکا و مذاکرات متوقف شده برای نجات توافق هسته‌ای درگیر است و حالا، بحران کمبود شدید آب هم به این مشکلات اضافه شده. خشکسالی طولانی مدت و افزایش درجه حرارت ناشی از تغییرات آب و هوایی همراه با چندین دهه سوءمدیریت منابع طبیعی و عدم برنامه ریزی، بحران آب را به دلیلی برای اعتراض و ناآرامی‌های خشونت آمیز تبدیل کرده است. تظاهرات کنندگان در استان خوزستان در هفته گذشته در خیابان‌ها تجمع کردند و فریاد «ما آب می‌خواهیم» و «من تشنه‌ام» سر دادند و رسیدگی فوری به شرایط و استعفای مقامات محلی را خواستار شدند. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در اظهاراتی که نشان می‌داد به اعتراضات توجه دارد، در اینستاگرام نوشت: «مقامات موظفند به مشکلات خوزستان رسیدگی کنند.»

این چالش برای مقامات درست چند هفته قبل از روی کار آمدن رئیس‌جمهوری جدید فوق‌محافظة کار و نزدیک به آیت‌الله خامنه‌ای نمود یافته و می‌توان گفت اولین آزمون برای نحوه پاسخگویی او به مشکلات است. ابراهیم رئیسی، رئیس سابق قوه قضائیه کشور، اکنون در مواجهه با مردم عادی که شکایت اصلی آنها به کمبود آب است، با یک وظیفه ظریف روبه‌رو است. معترضان حتی در میان قانونگذارانی که مانند آقای رئیسی از مدافعان سرسخت سلسله مراتب انقلاب اسلامی هستند، حامیان و متحدانی ندارند. مجتبی‌محموظی، نماینده آبادان در مجلس، دوشنبه گذشته گفت: «خوزستان و مردم مظلوم آن را نجات دهید! آنچه لیاقتش را دارد، به آن بازگردانید!» اینطور نیست که مقامات دولت در مواجهه

## نایب‌رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران مطرح کرد اقتصاد جزیره‌ای مانعی پیش روی توسعه اقتصاد ایران

مریم فکری

نایب‌رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران معتقد است کشور دیگر فرصت آزمون و خطا ندارد؛ دولت آینده باید فارغ از جریانات سیاسی، افراد با تجربه، متخصص و پاک‌دست را برای تیم اقتصادی خود انتخاب کند. گمانه‌زنی‌ها درباره تیم اقتصادی دولت آینده همچنان ادامه دارد؛ گروهی معتقدند فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق، اعضای اصلی تیم اقتصادی دولت را تشکیل می‌دهند و در این میان، نام‌هایی هم شنیده می‌شوند که مسوولیتی در دولت احمدی نژاد داشتند. اما فارغ از نام‌هایی که مطرح می‌شود، فعالان اقتصادی معتقدند سیستمی که حاکم می‌شود و تفکری که وجود دارد، به سمت و سوی باید برود که یک تیم هماهنگ را تشکیل دهد. در این خصوص، نایب‌رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی می‌گوید: دیگر فرصت آزمون و خطا نداریم. افراد باید فارغ از جریانات سیاسی، اگر لیاقت و توانمندی را برای انجام کارها دارند، انتخاب شوند.

وی می‌افزاید: با اقتصاد دستوری و قیمت‌گذاری دستوری راه به جایی نخواهیم برد. هیچ کجای دنیا دولت نتوانسته اداره‌کننده خوبی برای کشور باشد. فضا برای توسعه هر چه بیشتر بخش خصوصی فراهم کند و کسب و کارهای کوچک و متوسط رونق بیشتری بگیرند. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران عنوان می‌کند: این عملکرد، توسعه اشتغال و صادرات را به دنبال خود خواهد داشت، ولی دولت معمولاً عملکرد و کارآمدی مناسب را در اقتصاد ندارد. دولت باید نقش خود را از تصدی‌گری و دخالت در اقتصادی، به نقش نظارت و هدایت در اقتصاد تغییر دهد. آرگون در پاسخ به این پرسش که اتاق بازرگانی تحلیلی از تیم اقتصادی دولت آینده ندارد، تصریح می‌کند: هنوز همه چیز در حد حدس و گمان است. امیدواریم که یک تیم قوی، منسجم و هماهنگ بتواند یک سر و سامانی به وضعیت اقتصادی کشور که در این شرایط هستیم و چالش‌های سنگینی روبه‌رو هستیم، بدهد. وی در پاسخ به این پرسش که دولت ریسی تاکنون مشورتی از اتاق بازرگانی خواسته است؟ می‌گوید: تا آن جایی که من اطلاع دارم، خیر. باید از هیات ریسیسه اتاق بازرگانی سؤال شود. به صورت کلی و عام خواسته شده که هر کسی می‌تواند پیشنهاد خود را درباره کابینه

و ارتباطات بانکی. او تأکید می‌کند: این محدودیت‌ها اگر وجود داشته باشد، هر تیمی هم روی کار آید، کار بسیار سختی پیش روی خود خواهد داشت. فکری باید برای رفع محدودیت‌ها صورت گیرد و از سوی دیگر، در داخل کشور نیز باید یک سری اقدامات اصلاحی صورت گیرد که بتوانیم شاهد کاهش تورم و رشد نقدینگی در کشور باشیم و ثباتی در قواعد و قوانین وجود داشته باشد تا پیش‌بینی‌پذیری را در کشور شاهد باشیم. نایب‌رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران متذکر می‌شود: این موضوع در سایه یک تیم هماهنگ با توسعه دیپلماسی و کاهش تنش روابط بین‌المللی به وجود می‌آید. از آن طرف، نگاه به تولید و بخش‌های مولد اقتصادی باید وجود داشته باشد. اقتصاد دولتی هیچ‌گاه جواب نداده است آرگون در پاسخ به این پرسش که با توجه به شرایط کشور، دولت آینده بهتر است سمت و سوی اقتصاد دولتی داشته باشد یا اقتصاد آزاد، می‌گوید: اقتصاد دولتی هیچ‌گاه جواب نداده و جواب نمی‌دهد. اقتصاد باید به سمت اقتصاد آزاد حرکت کند. دولت نمی‌تواند اقتصاد را تنظیم کند. اقتصاد اگر مبتنی بر مکانیزم بازار باشد، اقتصاد کشور می‌تواند رشد کند.

عباس آرگون درباره طیف‌های فکری تیم اقتصادی دولت سیزدهم می‌افزاید: معتقد هستیم از همه نخبگان اقتصادی باید استفاده شود؛ فارغ از جریان‌های سیاسی؛ چرا که در شرایطی قرار داریم که دیگر فرصت آزمون و خطا در کشور نیست. وی تأکید می‌کند: دولت باید فارغ از جریانات و گرایش‌های سیاسی، از افرادی که شایسته و نخبه هستند، استفاده کند تا یک تیم هماهنگ تشکیل شود و بتوانند این شرایط اقتصادی را سامان دهد و از این مسائل و موضوعات و مشکلاتی که پیش روی ما است، راه را برای سمت توسعه اقتصادی کشور هموار کنند. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران در پاسخ به این پرسش که تیم اقتصادی دولت آینده چه گرایش فکری‌ای دارند؟ تصریح می‌کند: مهم‌تر از سمت و سوی فکری، برداشته شدن محدودیت‌ها اهمیت دارد؛ به طوری که بتوانیم تحریم‌ها را به حداقل برسانیم، کشور به اقتصاد جهانی بازگردد و توسعه تعاملات را با دنیا داشته باشیم. آرگون می‌افزاید: برای رشد و توسعه نمی‌شود در یک محیط بسته عمل کرد؛ به طور قطع باید تعاملات گسترده‌ای با دنیا تعریف شود و محدودیت‌هایی که وجود دارد، از بین رود؛ چه در زمینه صادرات نفت و چه صادرات غیرنفتی



بدهد، ولی این که از اتاق چنین چیزی خواسته باشند، تا آن جایی که می‌دانم، درخواستی نبوده است. نایب‌رییس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران در پاسخ به این پرسش که آیا تاکنون اتاق بازرگانی پیشنهادی داشته است؟ می‌افزاید: بحث اشخاص که مهم نیست، سیستمی که حاکم می‌شود و تفکری که وجود دارد، به سمت و سوی باید برود که یک تیم هماهنگ را تشکیل دهد. تیم اقتصادی را دولت و رییس‌جمهور منتخب باید بچینند. آرگون عنوان می‌کند: اگر بخواهیم کشور رشد و توسعه داشته باشد، باید فضا را برای فعالیت بخش خصوصی فراهم کنیم تا کشور بتواند رشد بیشتری داشته باشد. اگر اقتصاد را دولتی کنیم، روز به روز ضعیف‌تر خواهیم شد.

#### ■ فرصت آزمون و خطا نداریم

وی با اشاره به ویژگی‌های یک کابینه کارآمد، تصریح می‌کند: افراد متخصص، متعهد، هماهنگ، پاک‌دست و با تجربه، از ویژگی‌های یک کابینه کارآمد است که بتواند اقدامات مؤثر را برای بهبود شرایط اقتصادی کشور

رقم بزنند. عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران درباره نگرانی‌ها درباره تبدیل تیم اقتصادی به یک تیم حزبی، رفاقتی و سیاسی می‌گوید: ما نیازمند مدیریت مؤثر نخبگان در شرایط

ما فشار حداکثری را در سال‌های گذشته شاهد بودیم. بالاخره کشوری که بخش از درآمد عمده‌اش متکی به نفت بوده و با محدودیت‌هایی که ایجاد شد، درآمد دولت کاهش پیدا کرد و فشارهای بیشتری به کشور وارد شد. به این ترتیب، شاهد افزایش نرخ ارز و به دنبال آن، کالاها در کشور بودیم.

کنونی هستیم. همان‌طور که گفتم، دیگر فرصت آزمون و خطا نداریم. افراد باید فارغ از جریانات سیاسی، اگر لیاقت و توانمندی را

برای انجام کارها دارند، انتخاب شوند.

#### ■ اگر برجام اتفاق نیفتد، چه می‌شود

آرگون در پاسخ به این پرسش که اگر برجام اتفاق نیفتد، دولت آینده با چه شرایطی در کشور روبه‌رو خواهد بود، می‌افزاید: ما فشار حداکثری را در سال‌های گذشته شاهد بودیم. بالاخره کشوری که بخش از درآمد عمده‌اش متکی به نفت بوده و با محدودیت‌هایی که ایجاد شد، درآمد دولت کاهش پیدا کرد و فشارهای بیشتری به کشور وارد شد. به این ترتیب، شاهد افزایش نرخ ارز و به دنبال آن، کالاها در کشور بودیم. وی تصریح می‌کند: ما اگر بخواهیم رشد و توسعه داشته باشیم، باید بتوانیم مشکل مان را با دنیا حل کنیم. این که مشکل مان را حل کنیم، به این معنا نیست که هر چه آن‌ها می‌گویند گوش دهیم، بلکه روابط مان با دنیا باید تعریف شود و نمی‌توانیم به صورت جزیره‌ای و بدون ارتباط با دنیا رشد و توسعه مناسبی را داشته باشیم. نایب‌رییس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق بازرگانی تهران عنوان می‌کند: به طور قطع اگر همچنان در مسیر بسته‌ای باشیم، فشارهای بسیاری به کشور خواهد آمد.

## حبیب احسنی پور

## مطالبات صنعت دارو از دولت سیزدهم حذف رانت خواری با ارز ۴۲۰۰ تومانی

رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران، ضمن اشاره به خواسته‌های صنعت داروسازی کشور از دولت سیزدهم، خواستار حذف ارز دولتی برای برچیدن بساط رانت خواری شد. صنعت داروسازی ایران با توجه به سهم زیادی که در تأمین داروهای مورد نیاز داخل کشور دارد، اما آن طور که باید و شاید از حمایت‌های دولتی برخوردار نیست و از همین رو با چالش‌های زیادی در مسیر توسعه و پیشرفت صنعت دارویی کشور مواجه هستیم. مشکل نقدینگی، واقعی نبودن قیمت دارو، مشکلات تخصیص ارز، عدم همکاری دستگاه‌های دولتی با صنعت و... مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های صنعت داروسازی کشور است. تجارت دارو که بعد از اسلحه به عنوان مهم‌ترین تجارت پرسود شناخته می‌شود، در ایران آن طور که باید نتوانسته به حق خودش برسد و برای کشور درآمدزایی ایجاد کند. زیرا، صادرات دارو علاوه بر اینکه موجب رونق کسب و کار دست‌اندرکاران صنعت می‌شود، می‌تواند برای کشور هم مفید باشد. این در حالی است که جمعیت ۴۰۰ میلیونی منطقه می‌تواند بهترین ظرفیت برای صادرات داروی ایرانی باشد. محمد عبده زاده رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران، به مسائل و مشکلات صنعت داروسازی کشور پرداخت و خواسته‌های دست‌اندرکاران صنعت از دولت سیزدهم را مطرح کرد. وی در ابتدا به جزئیات نامه‌ای که برای رئیس جمهور منتخب نوشته است، اشاره کرد و اظهار داشت: در این نامه خواسته‌های صنعت داروسازی را خیلی شفاف با رئیس جمهور منتخب مطرح کرده‌ایم.

### ■ موانع صنعت داروسازی را دچار مشکلات زیادی کرده است

عبده‌زاده با اشاره به شعار سال ۱۴۰۰ که پشتیبانی از تولید و مانع زدایی نامگذاری شده است، افزود: با توجه به اینکه تاکید رهبری بر حمایت از صنعت و تولید داخلی است، موانعی را با رئیس جمهور منتخب مطرح کرده‌ایم که صنعت داروسازی را دچار مشکلات زیادی ساخته است. ما معتقدیم که اگر این موانع از سر راه صنعت برداشته شود، مسیر توسعه و پیشرفت شرکت‌های داروسازی کشور هموار خواهد شد و این به نفع کشور است. وی ادامه داد: آنچه ما در نامه‌ای به رئیس جمهور منتخب نوشته‌ایم، این است که هر وزارتخانه و دستگاهی به صورت شفاف برنامه‌های حمایتی خودش از صنعت دارو را اعلام کند و بگوید قرار است چگونه مانع زدایی کند. این حمایت‌ها و کمک‌ها را در قالب تعهد نامه‌ای تهیه می‌کنیم و در پایان سال از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مربوطه می‌خواهیم پاسخگو باشند.

عبده‌زاده افزود: در واقع مسئولین برای سیاست‌های کلان کشور، از وزیر گرفته تا کارشناس آن وزارتخانه و دستگاه مربوطه می‌بایست پاسخگوی مطالبات صنعت دارویی کشور باشند.

رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایرانی در ادامه گفت: مسئولین باید بدانند که صنعت دارویی کشور یک پیمانکار ارزان قیمت و بی‌ارزش نیست.

وظایف دولت در قبال صنعت دارویی

وی با اشاره به جایگاه صنعت تولید داروهای پیشرفته و "های تک" در دنیا که معدود کشورها و شرکت‌های داروسازی توان تولید آن را دارند، تاکید کرد: دولت، دو وظیفه در قبال صنعت دارویی و بیماران دارد.

عبده زاده افزود: دولت باید از صنعت دارویی کشور به گونه‌ای حمایت کند که علاوه بر سودآور بودن برای تولید کننده، پرداخت از جیب مردم و بیماران برای تهیه دارو، کمتر شود. نمی‌توان فقط به خاطر اینکه دارو گران به دست مردم نرسد، قیمت دارو را واقعی نکنند و صنعت ورشکسته شود.

وی گفت: با این سیاست اگر قیمت دارو واقعی نشود، علاوه بر اینکه صنعت ورشکسته خواهد شد، بیمار هم آسیب خواهد دید. چون صنعت دارویی نمی‌تواند از تمام ظرفیت خودش برای تولید استفاده کند و در نتیجه بیمار در تأمین دارو با مشکل مواجه می‌شود.

رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران با تاکید بر حذف سیاست ارز چند نرخ دارو، افزود: دولت باید ضمن حذف این سیاست چند نرخ، مابه‌التفاوت آن را برای کمک به بیماران، در اختیار بیمه‌ها قرار دهد.

وی گفت: سیاست ارز چند نرخ، رانت ایجاد می‌کند و فسادزا است. زیرا، ارز ۴۲۰۰ تومانی فقط برای ۳۰ تا ۳۵ درصد دارو تخصیص می‌یابد و آن هم ماده مؤثره تولید دارو است و مابقی نیازهای تولید دارو با ارز آزاد تهیه می‌شود. یعنی ۶۵ تا ۷۰ درصد عوامل مورد نیاز برای تولید دارو با استفاده از ارز آزاد است. البته ناگفته نماند که همان ارز دولتی هم فریز شده و صنعت روز به روز ورشکسته می‌شود. دولت برای تأمین نقدینگی صنعت دارو کمک کند عبده زاده با اشاره به مزایای ارز تک نرخ برای صنعت دارو، افزود: دولت برای تأمین نقدینگی صنعت دارو باید کمک کند که بازپرداخت بدهی‌های بیمه‌ها به صنعت کاهش یابد و این مشکل با افزایش پوشش بیمه‌ای داروها امکان پذیر است. زیرا، اگر پوشش بیمه‌ای داروهای بیماران سرپایی تا ۹۵ درصد بالا برود، علاوه بر اینکه پرداختی از جیب مردم کاهش می‌یابد، بیمه‌ها را تقویت می‌کند و آنها می‌توانند به صنعت دارو در به روز شدن پرداخت‌ها کمک کنند.

وی ادامه داد: این اقدام نیازمند اختصاص بودجه بیشتر برای کمک به صنعت و مردم است.

عبده زاده تاکید کرد: هزار بار فریاد زده‌ایم ارز ۴۲۰۰ تومانی را جمع کنند تا فساد و رانت هم برچیده شود. زیرا، ارز دولتی، فسادزا و رانت خواری ایجاد می‌کند. وی با عنوان این مطلب که نکته دیگر برای حمایت از صنعت دارویی کشور، برداشتن سقف ارزی است، افزود: تخصیص ۱.۵ میلیارد دلار ارز تر جیحی در بودجه جوابگوی تأمین داروهای



از سوی بانک مرکزی دریافت نکرده است. به طوری که از ۸۱۵ میلیون دلار ارز تخصیص یافته بانک مرکزی فقط ۱۴۶ میلیون دلار به تولید داده شده و بقیه برای واکنش و تجهیزات بوده است که نباید به اسم صنعت تمام شود. در واقع، کمتر از ۲۰ درصد ارز تخصیص یافته برای تولید بوده است، در حالی که شرکت‌های تولید دارو در کشور نزدیک به ۶۰۰ میلیون دلار ثبت سفارش داده‌اند و در نوبت دریافت ارز هستند. رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران با تاکید مجدد بر حذف همزمان ارز چند نرخ و دادن بودجه بیشتر به بیمه‌ها برای حمایت از بیماران و جلوگیری از گران نشدن دارو برای مردم، تصریح کرد: اگر قرار باشد این اتفاق همزمان رخ ندهد، قطعاً دچار مشکل خواهیم شد. زیرا، حذف ارز چندنرخ بدون حمایت از بیمه‌ها، آسیب‌زا خواهد بود و در ابتدا این آسیب متوجه مردم خواهد شد. لذا، بهتر است که همزمان با حذف ارز چند نرخ دارو، منابع مالی بیمه‌ها از بودجه دولت برای حمایت از بیماران افزایش یابد و قطعاً بیمه‌ها نیز از این سیاست استقبال می‌کنند.

اجازه بدهد داروهای جدید وارد فهرست دارویی کشور شود تا مردم گرفتار داروهای تک نسخه‌ای نشوند. رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران با عنوان این مطلب که پیشنهاد تک نرخی شدن ارز دارو را به دولت روحانی دادیم، گفت: پاسخی که به ما دادند این بود که حداقل برای ۶ ماهه اول سال همین سیاست چندنرخ را نگه داریم. لذا، ما معتقدیم برای نیمه دوم سال می‌توان از ظرفیت دولت سیزدهم استفاده کرد و این سیاست چندنرخ بودن ارز دارو را برداشت. وی با اشاره به مشکلاتی که صنعت دارو در مسیر تولید دارد، افزود: صنعت دارو در تولید برخی داروها به ماده مؤثره وارداتی نیاز دارد و وابسته است که اغلب از کشورهای هند و چین می‌آید. زیرا، این دو کشور عمده تأمین کننده ماده اولیه دارو در دنیا هستند. با توجه به اینکه ما در این دو کشور منابع نداریم، در نتیجه شرکت‌های تولید کننده دارو در کشور نمی‌توانند از این ظرفیت استفاده کنند و دچار مشکل هستند. عیبه زاده، خواستار شفاف سازی وزارت بهداشت در تخصیص ارز دارو شد و گفت: متأسفانه صنعت دارو ارز زیادی از محل ارز تخصیص داده شده

مورد نیاز داخل نیست. قبلاً از میزان ۲.۲ تا ۲.۳ میلیارد دلار ارز تخصیصی فقط یک میلیارد آن برای تولید بود و مابقی سهم واردات دارو بود. حالا که شده ۱.۵ میلیارد دلار، سهم تولید هم کمتر شده و در این دو سال که بیماری کرونا نیز پیدا شده، سهم زیادی از همین ارز تخصیصی به دارو، برای واکنش و داروهای کرونا رفته و در نتیجه این رقم ارز تخصیص داده شده به دارو، جوابگوی نیاز کل کشور نیست. رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران با اشاره به افزایش حداقل ۴۰ درصدی حقوق و دستمزدها، گفت: این وضعیت باعث شده تا میزان سرمایه گذاری ثابت در صنعت دارو به سرعت پایین بیاید. دستگاه‌های خط تولید مستهلک می‌شود و جایگزین هم نداریم. عیبه زاده ادامه داد: تولید در اولویت آخر سهم ارزی قرار دارد و صنعت با دو مشکل تخصیص ارز و قیمت گذاری دارو مواجه است. وی افزود: فهرست دارویی کشور دو سال است بسته شده و داروی جدید وارد این فهرست نشده، در حالی که ما می‌توانیم داروهای جدید را تولید و وارد فهرست کنیم. از شورای تدوین دارو می‌خواهیم

تدابیر دولت سیزدهم در بازار خودرو چه خواهد بود

## ریسک احتمالی بازار خودروهای وارداتی

مریم فکری

زاویه تصریح می‌کند: جدای این موضوع، من همچنان معتقدم که آقای ریسی بر خلاف شعاری که اطرافیان او می‌دهند، چون خود ایشان بر جام را تأیید کردند، به بر جام برمی‌گردند و راه تعامل را در پیش می‌گیرند و اتفاقاً از انتفاع آن هم استفاده خواهند کرد.

وی متذکر می‌شود: بر این اساس، اگر این اتفاق بیفتد، دولت برای این که خبط بانک مرکزی و سازمان برنامه و وزارت اقتصاد را در سال ۹۹ جمع کند - فروش ارزی که ریال آن را توزیع کرده، ولی ارز آن را هزینه نکرده، چون دسترسی به آن نداشته است - یکی از بهترین جاها واردات خودرو است. زیرا اولاً تعرفه بالا روی این کالا پذیرفته شده است. همین الان هم که واردات خودرو آزاد شود، به ازای هر دلار می‌توانند ۴۰ تا ۴۵ هزار تومان پول از مردم در قالب درآمدهای مالیاتی و پول ارز بگیرند.

این کارشناس خودرو بیان می‌کند: دوم این که برای مثال، می‌توان یک میلیارد دلار این طوری در بازار تزریق کرد و این خاصیت را هیچ مارکت دیگری در ایران ندارد. این می‌تواند اثر ضد تورمی خیلی خوبی داشته باشد، یعنی اگر این اتفاق بیفتد، چیزی در حدود ۴۰ تا ۴۵ هزار میلیارد تومان از اضافه تولید پولی که در کشور اتفاق افتاده، آن را می‌شود در داخل بانک مرکزی بر گرداند و حبس کرد و داخل جامعه برنگرداند. یا حداقل بخشی از آن را به جامعه برنگرداند و هزینه کرد دولت نشود. زاویه تأکید می‌کند: این اتفاق به شدت ضد تورمی است. به عبارتی، اگر دولت این کار را بکند، به

شعارهای تندتری در حوزه اقتصاد سوسیالیستی می‌دهند، اما به طور معمول لیبرال تر برخورد می‌کند. یعنی هر چه لیبرالیسم را تقبیح می‌کنند، خودشان به سمت اقتصاد لیبرال بیشتر حرکت می‌کنند. در مقابل، جناح چپ با وجود این که به لیبرالیسم متهم بودند، اما خیلی بسته تر عمل

به نظر می‌رسد فضای اقتصادی ایران در دوره آقای ریسی بازتر از دوره آقای روحانی خواهد بود. البته من این را عطف به رفتارهایی که در ۴۰ سال گذشته جناح‌های سیاسی در ایران داشتند، می‌گویم. رفتاری که عموماً جناح‌های اصولگرا داشتند، این بوده که با وجود این که شعارهای تندتری در حوزه اقتصاد سوسیالیستی می‌دهند، اما به طور معمول لیبرال تر برخورد می‌کند.

می‌کنند و فضای اقتصاد سیاسی را در دوره خود بسته‌اند.

این کارشناس خودرو عنوان می‌کند: با توجه به این سابقه تاریخی، قاعدتاً ما باید منتظر این باشیم که مثل دوران گذشته در حوزه اقتصادی بازتر عمل کنیم و یکی از منویات اولیه آن، آزاد کردن واردات و حذف قوانینی است که برای بسته بازارها اتفاق افتاده است.

■ به برجام برمی‌گردیم؟

یک کارشناس صنعت خودرو می‌گوید: دولت آقای ریسی در حوزه خودرو نمی‌شود گفت با ابرچالش روبه‌رو است، اصلاً وسط ابرچالش است. بر همین اساس، چاره‌ای ندارد جز این که عقلایی و بانخبگان واقعی، نه نخبه‌نماها، برای چالش‌های کشور فکری کند.

روزها برای آغاز به کار دولت سیزدهم به شماره افتاده و در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد بازارها در انتظار اتفاقاتی نشستند که احتمالاً در دولت آینده رخ خواهد داد. بازار خودرو و به خصوص خودروهای وارداتی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و با وجود افزایش صف‌های فروش خودرو، اما در سمت تقاضا نگاه‌ها مملو از ریسک احتمالی در بازار حاکم است؛ بازاری که از سال ۹۷ با ممنوعیت واردات خودرو، درگیر تغییرات قیمتی بسیار شد. بر همین اساس، به اعتقاد کارشناسان و فعالان بازار خودرو، یکی از مهم‌ترین تغییراتی که می‌تواند در آغاز به کار دولت سیزدهم برای حوزه خودرو به ارمغان بیاورد، آزادسازی دوباره واردات خودرو به ایران است.

فربد زاویه، کارشناس صنعت خودرو در باره وضعیت احتمالی واردات خودرو در دولت سیزدهم می‌گوید: به نظر می‌رسد فضای اقتصادی ایران در دوره آقای ریسی بازتر از دوره آقای روحانی خواهد بود. البته من این را عطف به رفتارهایی که در ۴۰ سال گذشته جناح‌های سیاسی در ایران داشتند، می‌گویم.

وی می‌افزاید: رفتاری که عموماً جناح‌های اصولگرا داشتند، این بوده که با وجود این که



خودرو عنوان می‌کند: بر همین اساس، یکی از راهکارهای دولت این است که پروژه اس کی دی و ۲۰ درصد ساخت داخل را حذف کند و این گونه حداقل ارز کمتری از کشور خارج می‌شود. زاوه تصریح می‌کند: به هر شکل دولت آقای ریسی در حوزه خودرو نمی‌شود گفت با ابرچالش روبه‌رو است، اصلاً وسط ابرچالش است. دولت آقای روحانی هم با این شرایط روبه‌رو بود، ولی به نظر نمی‌رسد آقای ریسی این شانس را داشته باشد، مثل قضیه آب خوزستان، که ابرچالش‌های ایران را بخواند با پمپاژ پول به تعویق بیندازد. چاره‌ای ندارد جز این که عقلایی و با نخبگان واقعی، نه نخبه‌نماها، فکری برای چالش‌های کشور کند. وی با پیش‌بینی وضعیت بازار خودروهای وارداتی متذکر می‌شود: اگر واردات آزاد شود، کاهش ۵۰ درصدی قیمت در بازار کاملاً محتمل است، اما اگر واردات آزاد نشود، به لطف تورم احتمالاً قیمت‌ها تا دو برابر بالا می‌رود.

یورویی، ۳۰ یورو می‌شود. همین است که مردم با تعجب می‌گویند چرا یک خودرو ۱۵ هزار دلاری در ایران که باید قیمتی ۴۰۰ میلیون تومانی داشته باشد، ۹۰۰ میلیون تومان می‌شود. زاوه می‌افزاید: دولت آقای ریسی می‌تواند این بازی را جمع کند و جلوی این پدیده مزحک تولیدی را بگیرد و در ازای آن، واردات را آزاد کند. با این موضوع، دو اتفاق می‌افتد: یکی این که ارز کمتری از کشور خارج می‌شود و دوم این که فشار روی بازار به شدت می‌شکند و قیمت‌ها پایین می‌آید. وی با بیان این که در حال حاضر حجم تقاضا در بازار بسیار محدود است، تصریح می‌کند: این که یک دفعه تقاضای سنگینی برای واردات اتفاق بیفتد، نگرانی بی‌جایی است و پروپاگاندا بی‌است که خودرو سازان دولتی و قطعه سازان درست کردند. همین الان واردات باز هم شود، ۵۰۰ هزار دستگاه خودرو هم نمی‌شود وارد کرد. این کارشناس صنعت

شدت می‌تواند این سیاست اشتباه را جبران کند و تورمی که می‌رود به سمت اعداد بالاتر برسد را تا حدی کند کند.

وی متذکر می‌شود: من فکر می‌کنم آقای ریسی این دو کار را حتماً انجام می‌دهد. اما این که چه زمانی، خودش مساله است. با این حال، امیدوارم هر چه زودتر آقای ریسی این تصمیم را بگیرد، یعنی هم واردات را آزاد کند و هم تعامل را انجام دهد. اگر تعامل اتفاق نیفتد، دیگر احتمال باز شدن واردات ۵۰ درصد می‌شود، زیرا منابع ارزی تحت فشار است. بر این اساس، اگر واردات آزاد نشود، ما شاهد تداوم فشار در بازار داخلی خواهیم بود.

راهی برای کاهش مصرف انرژی این کارشناس صنعت خودرو در ادامه می‌گوید: یک سیاست اشتباهی که در سه سال اخیر دنبال شد، این بود که شرکت‌ها را به سمت اس کی دی به جای واردات سوق دادند. این باعث می‌شود که مصرف انرژی کشور زیاد شود و یک خودرو ۲۰



# بنادر ویتترین انقلاب صنعتی

علی اکبر سعیدی کبا

یک مطالعه در سال ۲۰۲۱ توسط ائتلاف Getting to Zero نشان داد که سوخت‌های با کربن صفر باید حداقل پنج درصد از مخلوط سوخت را تا سال ۲۰۳۰ برای حمل و نقل بین‌المللی نشان دهند تا در تطابق با پیمان پاریس باشد. طبق گفته GTT، یک شرکت متخصص در حمل و نقل و ذخیره سازی گاز طبیعی مایع (LNG)، حدود ۱۰۰۰۰۰ کشتی تجاری تحت تأثیر این انتقال انرژی قرار می‌گیرند. در سال ۲۰۲۰ به منظور ایجاد صنعت دریایی اروپای فرده، آغاز شد.

برای سبب‌تر شدن بخش، به سوخت‌های جدید با ردپای کربن کمتر مانند گاز طبیعی مایع، آمونیاک و اتانول و تصویب سریع سیستم‌های پیش‌رانه جایگزین، نیاز است.

در سال ۲۰۲۰، بندر بوردهو به لطف مکانیسم لایروبی تزریق آب، مجهز به یک لایروگر مجهز به LNG شد که به انرژی کمتری احتیاج دارد و از نظر محیط زیست سازگارتر است.

سوخت هیدروژن (در ابتدا «اکستری») اکنون به طور فزاینده‌ای «سبز» نشان دهنده یک گزینه مناسب دیگر در میان مدت برای ناوگان تحت بهره برداری بالاست. اگر چه این پروژه در حال حاضر در مراحل اولیه است (شامل شناورهای کوچک ۶۰-۸۰ تایی)، اما طرح‌های بلند پروازانه تری مانند قایق Hydrotug در حال ساخت در بندر آنتورپ است. ورود موتورهای مجهز به بخار به استفاده از کلیپ‌های بزرگ بادی در اواخر دهه ۱۸۰۰ پایان داد. اما فناوری‌هایی که باد را مهار می‌کنند، می‌توانند با بازگشت کشتی‌های بادبانی با سیستم جدید برای کاهش مصرف سوخت، بازگردند. توربین‌های بادی دریایی، یک راه حل امیدوار کننده است. توسعه

در حمل و نقل را به خود اختصاص داده‌اند. در همین حال، پیش‌بینی می‌شود ترافیک دریایی طی مدت مشابه ۳۵ تا ۴۰ درصد افزایش یابد. این وابستگی به هیدروکربن‌ها همچنین به دلیل اعمال استانداردهای جدید زیست‌محیطی، یک آسیب‌پذیری اقتصادی برای بخش حمل و نقل دریایی است. در فرانسه، حمل و نقل فله سوخت مایع از سال ۲۰۰۹ در حال کاهش است (از سال ۲۰۱۶ به طور متوسط سه درصد کاهش می‌یابد)، با وجود افزایش ناچیز در سال ۲۰۱۷ (۲،۱ درصد) بوده است. حمل و نقل سوخت (۵۰ درصد حمل و نقل وزنی در بنادر اصلی دریایی) نیز از سال ۲۰۰۸ تاکنون ۲۵ درصد کاهش یافته است. با توجه به تأثیرات زیست‌محیطی و کمبود روزافزون عصر طلایی نفت، نمی‌تواند مدت زمان بیشتری طول بکشد. با کاهش مصرف هیدروکربن‌ها و زغال سنگ، ما باید شاهد کاهش مداوم حمل و نقل سوخت نیز باشیم. استراتژی ملی کم کربن دولت فرانسه «Stratégie nationale bas carbone» یا SNBC با هدف کاهش انتشار از بخش صنعتی تا ۳۵ درصد تا سال ۲۰۳۰ و ۸۱ درصد تا سال ۲۰۵۰ می‌باشد. این به معنای یک کربن زدایی تقریباً کامل در حمل و نقل دریایی و یک چالش واقعی فناوری برای این بخش است. برای دستیابی به این اهداف، بنادر در تلاشند تا با طراحی مجدد عملیات لجستیکی (مدیریت جریان) و ابزارهای تولید (ایجاد ارزش)، به عنوان بخشی از یک رویکرد تبدیل صنعتی، کربن خنثی شوند. آن‌ها در حال بهره‌گیری از فن‌آوری‌های جدید زیست‌محیطی هستند تا سود مضاعفی را اعم از زیست‌محیطی و اقتصادی به دست آورند. برای دستیابی به این اهداف می‌توان از سه روش استفاده کرد: بهره‌وری انرژی، تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و زیست‌محیطی صنعتی.

■ ساخت کشتی‌های فرده

بنادر به دلیل کمبود فضا و با ایجاد مناطق بزرگ بندر صنعتی در حومه شهر، از محیط شهری حذف شدند. اکنون این جدایی زیر سؤال رفته است و بازگشت بندر به محیط شهری را فضایی می‌داند که برای بقیه شهر مفید است. وقتی نوبت به شروع انتقال انرژی می‌رسد، سیاست‌های دریایی یکی از مهمترین میدان‌های نبرد است. اما بسیاری از بنادر با آگاهی از آسیب‌پذیری اقتصادی خود، متعهد به استراتژی‌های توسعه پایدار شده‌اند. طبق آخرین تحقیقات، سطح دریاها تا سال ۲۱۰۰ به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد (به طور متوسط از ۱،۱ به ۲ متر)، در نتیجه ۱۴ درصد از بنادر بزرگ دریایی جهان در معرض خطر طغیان سیل و فرسایش قرار دارد. از جمله بنادری در فرانسه، از جمله ۶۶ مورد که برای تجارت دریایی استفاده می‌شود، نیز در معرض تهدید قرار دارند و باید زیرساخت‌های خود را تنظیم کنند. حجم حمل و نقل دریایی حدود ۸۰ درصد تجارت کالاها را تشکیل می‌دهد. حمل و نقل مسئول سه درصد از انتشار CO2 در جهان است که طی ۲۰ سال گذشته ۳۲ درصد افزایش یافته است. اگر کاری انجام نشود، انتشارات حمل و نقل می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ به ۱۷ درصد از انتشار جهانی برسد.

وارد «بندرهاى آینده» شوید

بنادر فعالیت اقتصادی جهانی را کنترل می‌کنند و «قطب انرژی» واقعی هستند که انواع حمل و نقل (دریایی، زمینی، آبراهه‌ای و هوانوردی) را یک جا جمع می‌کند. اکنون، آن‌ها قصد دارند املاک را کاهش دهند، به محیط احترام بگذارند و به ویژه از طریق مفهوم «بنادر شهری» بهتر در شهرها ادغام شوند.

■ آزادی از نفت

حداقل باید یک تریلیون دلار آمریکا بین سال‌های ۲۰۳۰ و ۲۰۵۰ سرمایه‌گذاری شود تا اثر کربن حمل و نقل تا سال ۲۰۵۰ به میزان ۵۰ درصد کاهش یابد. سال گذشته، سوخت‌های فسیلی ۹۵ درصد انرژی مصرفی



است، انتقال انرژی از طریق برنامه ریزی هماهنگ بین شهر و بندر آن انجام می‌شود. این بندر متعهد به ابتکاراتی شده است که تأثیرات زیست محیطی و انرژی آن را محدود می‌کند، در حالی که مزایایی را برای اقتصاد محلی فراهم می‌کند. در لو هاور، مانند بوردو و جاهای دیگر، این اتصال به بندر شهر با ترکیب چالش‌های مربوط به انرژی و فرصت‌های دیجیتالی تقویت می‌شود. به مرور، این امر باید به تولد «شهرهای بندری هوشمند» (اتصال «شهرهای هوشمند» با «بندرهای آینده») منجر شود، برای «مدل جدید مناطق بندری شهری و صنعتی، که با نوآوری ترکیب شده است».

ایجاد بنادر در سایت انرژی مدرن اگر چه چالش زیست محیطی به وضوح عظیم و پیچیده است، اما این انتقال انرژی به ما این فرصت را می‌دهد تا بنادر را به عنوان آزمایشگاهی مجدد تفسیر کرده و روش‌ها و فن‌آوری‌های جدید را آزمایش کنیم. مورد ذکر شده:

- بندر روتردام میزان انتشار CO<sub>2</sub> خود را بین سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰ به میزان ۲۷ درصد کاهش داد. بندر همیشه و بترین انقلاب صنعتی با ورود موتور بخار، پروانه ملخی و سپس بدنه‌های فلزی بوده‌اند. آن‌ها اغلب جدیدترین فناوری مربوط به انرژی را نشان می‌دهند، همانطور که توسط نقاشی بندر لو هاور، توسط کامیل پیسارو نشان داده شده است. اکنون این وظیفه آنهاست که این میراث را به عنوان دروازه واقعی برای یک اقتصاد با دوام و مقاوم‌تر، زنده نگه دارند.

الکترولیز آب دریا تولید کنند.

#### ■ نزدیک کردن شهر و بندر به یکدیگر

انتقال انرژی دولت‌ها را مجبور می‌کند تا در تبادلات بین شهر و بندر تجدید نظر کنند. پروژه‌های توسعه مبتنی بر اقتصاد کاملاً نفتی و رونق جهانی حمل و نقل و حمل و نقل کانتینری در نیمه دوم قرن بیستم، شهر و بندر را از هر سطح جدا کردند. بنادر به دلیل کمبود فضا و با ایجاد مناطق بزرگ بندر صنعتی در حومه شهر، از محیط شهری حذف شدند. اکنون این جدایی زیر سؤال رفته است و بازگشت بندر به محیط شهری را فضایی می‌داند که برای بقیه شهر مفید است. برای شهرهای بندری، جایی که کشتی‌ها با ساکنان، صنعت، مشاغل و گردشگری زندگی می‌کنند، آلودگی باعث ایجاد انگیزه در شهر و ندان شده است. محیط زیست محلی باعث شده است بنادر را ترویج توسعه اقتصادهای دایره‌ای و بوم‌شناسی صنعتی به شهرها باز کرده شوند. بسیاری از بنادر با هدف تغییر روابط شهر و بندر، پروژه‌های انتقال انرژی را آغاز کرده‌اند و در حال تبدیل شدن منطقه بندر به یک محیط عالی برای آزمایش شیوه‌های جدید مبتنی بر همکاری بیشتر بین بازیکنان محلی هستند. به عنوان مثال، در La Rochelle، موضوعات زیست محیطی و مبتنی بر انرژی فرصتی را برای شروع یک بحث مشترک و مشترک در مورد آینده منطقه شهری فراهم کردند. پروژه La Rochelle Zero Carbon Territory، جایی که بیشتر مناطق شهری هدف خنثی سازی کربن تا سال ۲۰۴۰

امکانات و فناوری الکتریکی نیز برای انتقال انرژی ضروری است، خواه از طریق اسکله‌های برقی، تبدیل دیوارهای دریایی بندر به تولیدکننده انرژی یا توسعه کشتی‌های الکتریکی که از انرژی خورشیدی، انرژی زیستی یا انرژی دریایی استفاده می‌کنند. با پیشرفت انتقال انرژی، شاهد خواهیم بود که بنادر از مصرف مقادیر زیادی از یک منبع انرژی واحد به استفاده از چندین منبع انرژی، به تولیدکننده برق تبدیل می‌شوند. با توجه به این یادداشت، توربین‌های بادی دریایی طی سال‌های آینده سواحل فرانسه را عمیقاً تغییر خواهند داد. اولین سایت‌ها در نزدیکی بندرها خواهند بود (اولین مزرعه بادی توربین ۸۰ توربینی فرانسوی با راه‌اندازی در سنت نازیر در سال ۲۰۲۲). در میان مدت می‌باشد. در فرانسه هدف دستیابی به ظرفیت ۵,۲ تا ۶,۵ گیگاوات انرژی بادی دریایی تا سال ۲۰۲۸ است. این فناوری در جستجوی تنوع صنعتی، بهینه‌سازی درآمد مستغلات و تخصص محلی (عملیات ساخت و ساز و نگهداری) نشاط جدیدی را به مناطق بندری می‌آورد. مزرعه بادی فراساحلی نزدیک قوای هرمان دو پاسکویه در شهر لو هاور، که در سال ۲۰۲۲ راه‌اندازی می‌شود، به عنوان «بزرگ‌ترین پروژه انرژی‌های تجدیدپذیر صنعتی در فرانسه» ارائه می‌شود و نماد انتقال صنعتی و انرژی بندر است. چه اینکه بعد از ۵۳ سال خدمت، نیروگاه حرارتی در این منطقه که روزانه ۲۲۰ تن زغال سنگ استفاده می‌کرد، در ۳۱ مارس ۲۰۲۱ تعطیل شد. در آخر، باید توجه داشت که مزارع بادی دریایی فرصتی برای بنادر است که می‌توانند هیدروژن خود را با

## اقتصاد در دوره رئیسی با چه تنگنانهایی مواجه است ابرچالش‌های پیش روی دولت سیزدهم

آیناز سعیدیان

دولت سیزدهم با چالش‌های بسیاری در حوزه اقتصاد کشور مواجه است.

در ۲۲ فروردین ماه سال ۱۳۹۲ حسن روحانی رسماً نامزدی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرد. مردم نیز با اعتماد بر شعارهای دولت تدبیر و امید به ریاست جمهوری ۴ ساله روحانی رأی دادند. در آن زمان روحانی در کمپین‌های انتخاباتی خود به مردم وعده‌های بسیاری داد؛ رفع تحریم‌ها، توافق سر پرونده هسته‌ای ایران با ۵+۱، بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت مردم از آن دسته بود. متأسفانه نبود برنامه مدون در دولت یازدهم موجب شد، تا پایه‌های اقتصاد ایران در طولانی مدت دچار تزلزل شود. پس از آغاز به کار دولت دوازدهم به ریاست جمهوری روحانی، بخت با او یار نبود؛ چراکه دونالد ترامپ به سمت ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا انتخاب شد و بزرگترین افتخار سیاسی کسب شده توسط تیم حسن روحانی را به یکباره بی اعتبار خواند و از توافق برجام خارج شد.

با خروج آمریکا از توافق برجام، بازار ایران به این امر واکنش نشان داد و قیمت ارز در داخل کشور نیز روند افزایشی خود را به صورت تصاعدی به یکباره آغاز کرد. در این دوره برخی از تحریم‌های نفتی با شدت بیشتری اعمال شده و بر اقتصاد ایران سایه افکندند. البته در برهه زمانی حساس یاد شده در دولت دوازدهم با اتخاذ تصمیمات عجولانه و غیر کارشناسی، اقتصاد کشور را دچار مشکلات بسیاری کرد که به صورت اجمالی به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

### ■ اشتباه بزرگ ارز دولتی

یکی از بزرگترین اشتباهات کارنامه اقتصادی روحانی دلار ۴۲۰۰ تومانی بود. کابینه دولت دوازدهم در یک جلسه شبانگاهی ناگهان تصمیم گرفت که ارز را تک نرخ اعلام کند و اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهور به صورت رسمی اعلام کرد که قیمت ارز در کشور تک نرخ و ۴۲۰۰ تومان خواهد بود! ارز ۴۲۰۰ تومانی تصمیمی غیر کارشناسی بود و در آن برهه ضربه مهلک‌تر از تحریم‌ها بر اقتصاد کشور وارد کرد. از سویی دیگر شکاف قیمت ارز آزاد در بازار با ارز تک نرخ موجب شد تا موجی از فساد، رانت و قاچاق کالا در کشور ایجاد شود.

حسن روحانی دولت را با ارز ۳۵۰۰ تومانی در دور اول ریاست جمهوری خود تحویل گرفت اما در دولت دوازدهم قیمت دلار تا مرز ۳۳ هزار تومان جهش پیدا کرد و البته پیش‌بینی می‌شود این دولت نرخ ارز را در مرز کانال ۲۰ هزار تومان را به دولت آتی تحویل دهد.

### ■ جهش رشد نقدینگی

بر اساس آمارهای رسمی بانک مرکزی، مقایسه نرخ رشد نقدینگی در ۱۰ دولت گذشته از سال ۶۰ تا کنون نشان می‌دهد دولت آقای حسن روحانی بارش نقدینگی حداقل ۶۴۳.۴ درصد طی سال‌های ۹۲ الی تابستان ۱۴۰۰ رکورددار بالاترین نرخ رشد نقدینگی بین این دولت‌ها بوده و بدترین عملکرد را در این زمینه داشته است. به طوری که حجم نقدینگی در پایان سال ۹۱ برابر ۴۶۰ هزار میلیارد تومان بوده که در آذرماه سال ۹۹ به ۳۱۳۰ هزار میلیارد تومان

افزایش یافته است.

برآوردها حاکی از آن است که این رقم در تابستان ۱۴۰۰ به بیش از ۳۶۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. این در حالی است که حجم نقدینگی در دولت احمدی‌نژاد از ۶۸ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۸۳ به ۴۶۰ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۹۱ رسید و رشد ۵۷۰ درصدی را تجربه کرد و در دولت خاتمی هم حجم نقدینگی از ۱۱ میلیارد و ۶۵۵ میلیون تومان در پایان سال ۷۵ به ۶۸ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۸۳ رسید که رشد ۴۸۶ درصدی را نشان می‌دهد.

در دوران جنگ هم نقدینگی کمترین رشد را داشته و از ۴۵۰ میلیارد تومان در پایان سال ۵۹ به ۱ میلیارد و ۵۶۸ میلیون تومان در سال ۶۷ رسید و رشد ۲۴۸ درصدی را تجربه کرد. شرایط فعلی یک رکورد تاریخی در خلق نقدینگی از سال ۱۳۳۰ تا کنون محسوب می‌شود. البته حجم پایه پولی نیز همگام با حجم نقدینگی رشد خیره کننده در طی ۸ سال گذشته را داشته است.

حجم نقدینگی و پایه پولی با سفره اقتصادی مردم چه کرد؟

خلق پول به واسطه حجم تولید ناخالص داخلی هر کشور اتفاق بسیار مبارکی است که می‌تواند ارزش ذاتی پول ملی هر کشوری را تقویت کند و برعکس اگر نقدینگی بدون پشتوانه تولید ناخالص داخلی خلق شده باشد، تورم و تزلزل ارزش ذاتی پول ملی را به همراه خواهد داشت. متأسفانه نقدینگی خلق شده در ۸ سال گذشته فاقد پشتوانه واقعی تولید ناخالص داخلی ایران بود.

است نمی توان امید داشت که این امر به راحتی تحقق یابد! باید یادآور شد بانکها مسبب بوجود آمدن بخشی از نقدینگی و وضع اقتصادی فعلی هستند، زیرا سیستم و شبکه بانکی کشور از نظم صحیح برخوردار نیستند و در برخی موارد به منظور حفظ و به دست آوردن منافع هر چه بیشتر ابایی از برهم زدن نظم پولی و مالی در کشور را ندارند. به طوری که بنگاه داری و مسابقه در پرداخت سود بی ضابطه از سوی بانکهای کشور طی ۷ سال گذشته ضربه بسیار سنگینی به اقتصاد کشور وارد آورده است.

تورم لجام گسیخته در حوزه های مختلف: دولت در سه دهه اخیر همواره به بانک مرکزی و دیگر بانکها بدهکار بود، بنابراین موفق نشد از موضع (قدرت) مناسبی با بانکها در این خصوص مذاکره داشته باشد. با توجه به رشد لجام گسیخته تورم در کشور، دولت ۱۳ ام مجبور خواهد بود یارانه پرداختی به بخش انرژی را به صورت جدی اصلاح کند. احتمالاً افزایش پلکانی قیمت در بخش برق، گاز و همچنین سوخت در دولت حجت الاسلام رئیسی اجرا خواهد شد. این اقدامات احتمالاً در راستای تعدیل منابع بودجه، جلوگیری از رانت موجود شکاف بین قیمت ها، تعدیل قیمت ها همسو با نرخ تورم و جلوگیری از قاچاق سوخت انجام خواهد پذیرفت.

#### ■ دارو:

احتمال می رود در دولت سیزدهم به صورت کلی پرونده ارز ۴۲۰۰ بسته شود و به همین روی قیمت دارو افزایش خواهد یافت.

#### ■ مسکن:

در دولت گذشته قیمت مسکن جهش بزرگی را به خود دیده است، در دولت آتی انتظار کاهش قیمت در بخش مسکن را نخواهیم داشت اما احتمال می رود بازار مسکن وارد یک رکود تورمی سنگین در میان مدت شود. به بیان ساده قیمت مسکن با شیب ملایم همراه با تورم، افزایش خواهد یافت اما میزان حجم معاملات در این بخش کاهش خواهد یافت.

ابتدا نرخ رشد مناسبی داشتند. اما پس از مدتی بازار سرمایه دچار ریزش شدید و مداوم شد. در نتیجه بسیاری از سهامداران که با تشویق دولتمردان و به هدف حفظ ارزش ذاتی پول خود به بازار سرمایه وارد شده بودند، متضرر و حتی مالباخته شدند.

#### ■ جهش نرخ مسکن و اجاره بها

در طی ۸ سال گذشته نرخ مسکن جهش خیره کننده ایی را به ثبت رسانید به طوری که خرید خانه برای بسیار از اقشار مردم در زمان کنونی عملی نیست. از سویی دیگر نرخ اجاره بها به قدری افزایش یافت که در برخی مواقع شاهد سکونت از مرکز به در حاشیه شهرها بودیم. رویکردهای دولت آتی در حوزه اقتصاد چه خواهد بود؟

مهم ترین دغدغه دولت ابراهیم رئیسی، کنترل حجم نقدینگی کل کشور است که ساعت به ساعت در حال افزایش است و به متابه یک بمب ساعتی در ساختار اقتصادی ایران قرار گرفته است. متاسفانه آمار و ارقامی که دولت تدبیر و امید برای دولت حجت الاسلام رئیسی به میراث گذاشته است حکایت از یک موج تورمی شدید در ۱۸ ماه آینده دارد. در اقتصاد کلان تلاش می شود حجم نقدینگی به سمت تولید سوق داده شود اما با وضعیت فعلی تا زمانی که سرمایه گذاران بصورت ملموس قانع نشوند که ریسک سرمایه گذاری پایین

روحانی ارزش ریال در برابر دلار را در محدوده ۳۲۰۰ تومان از دولت بهار احمدی نژاد تحویل گرفت و با حجم نقدینگی فعلی با دلار حدوداً ۲۵ هزار تومان تحویل داد. به نوعی ارزش ذاتی پول ملی ایران در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی در طی ۴۰ سال گذشته این چنین مورد تحقیر واقع نشده بود.

#### ■ افزایش قیمت بنزین

بحران کسری بودجه روز به روز عرصه را بر دولت دوازدهم تنگ کرده بود و در تصمیمی ناگهانی به منظور تأمین برخی از هزینه ها و پوشش کسری بودجه، بنزین گران شد. افزایش قیمت به بنزین محدود نماند و با بالا رفتن نرخ ارز و موج تورم و افزایش بهای سوخت در کشور، لاجرم نرخ کالا و خدمات در کشور به شدت افزایش یافت.

با توجه به اتکای محض دولت یازدهم به واردات و تخصیص یارانه به کالاهای وارداتی از طریق ثبات مصنوعی نرخ ارز، در زمان وقوع تحریم ها و افزایش نرخ ارز، نرخ کالاهای وارداتی سیر صعودی شدیدی داشتند.

با توجه به کاهش چشمگیر ارزش پول ملی که در ۴۰ سال اخیر سابقه نداشته است، ارزش ریالی دارایی های مردم به شدت کاهش یافت و قدرت خرید مردم کاهش قابل ملاحظه ای داشت. در این بین سفره خانوار کوچک و کوچکتر شد.

#### ■ تلاطم بازارهای مالی

افزایش نرخ ارز، تورم لجام گسیخته و نقدینگی سرگردان از جمله عواملی بودند که طی ۴ سال گذشته موجب جهش خیره کننده نرخ مسکن در اکثر شهرهای ایران شدند و به موازات آن نرخ اجاره بها نیز در طی این مدت به صورت فزاینده ای افزایش داشته است. همچنین بازار خودرو و نیز مانند دیگر بازارها از رشد بی سابقه قیمت در طی مدت زمان یاد شده در امان نماند. در میان این بازارها بازار سرمایه (بورس) در دولت دوم حسن روحانی شاهد نوسانات و اتفاقات بسیاری بود. با توجه به افزایش نرخ کالا و خدمات و متناسب با افزایش نرخ ارز و تورم قیمت اکثر سهم ها در بازار سرمایه در

در دولت گذشته قیمت مسکن جهش بزرگی را به خود دیده است، در دولت آتی انتظار کاهش قیمت در بخش مسکن را نخواهیم داشت اما احتمال می رود بازار مسکن وارد یک رکود تورمی سنگین در میان مدت شود. به بیان ساده قیمت مسکن با شیب ملایم همراه با تورم، افزایش خواهد یافت.

مالکان خودروهای خارجی چقدر باید مالیات بدهند؟

## چالش جدید لوکس سواران

محمد مهدی حاتمی

میلیارد تومان، مشمول سالانه دست کم ۱۰ میلیون تومان مالیات می شوند.

به این ترتیب، مثلاً اگر در خانواده ۲ خودرو دارید (فقط خودروهایی که به نام افراد تحت تکفل شما هستند) و مجموع ارزش روز این ۲ خودرو هم بالاتر از یک میلیون تومان است، باز هم مشمول مالیات بر خودروهای لوکس خواهید بود.

امیدعلی پارسا، رییس سازمان امور مالیاتی و معاون وزیر اقتصاد، همین چند روز پیش در این مورد گفت: «تعداد سازمان‌ها و نهادهایی که اطلاعات مالیاتی را به سازمان امور مالیاتی گزارش می کنند، از ۴۷ دستگاه در سال ۱۳۹۹، اکنون به بیش از ۹۰ مورد رسیده و این صرفاً شامل مالیات بر خودروهای لوکس هم نمی شود، بلکه انواع مالیات، از جمله مالیات بر عایدی سرمایه را هم در بر می گیرد.» او ادامه داد: «در مورد خودروهای لوکس هم نیروی انتظامی، اطلاعات کامل خودروهای مورد نظر را به سازمان امور مالیاتی تحویل داده و ما منتظر اعلام آیین‌نامه‌های اجرایی در این خصوص هستیم تا اخذ مالیات را شروع کنیم.»

پارسا ادامه داد: «این مالیات به صورت پله‌ای محاسبه می شود، به این صورت که از مالکان خودروهایی که قیمت روز آنها بین یک میلیارد تا یک و نیم میلیارد تومان باشد، مبلغی معادل یک درصد ارزش روز خودرو مالیات دریافت می شود و هر چه ارزش روز خودرو از این مبلغ بالاتر باشد، میزان مالیات اخذ شده هم به صورت تصاعدی افزایش پیدا می کند.»

مالک یک «لکسوس RX» به قیمت حدود ۶۰۵ میلیارد تومان، مشمول پرداخت مالیات سالانه حدود ۲۶۰ میلیون تومانی خواهد بود.

این مقام مسئول ادامه داد: «بر اساس قانون،

در این شرایط، از آنجا که درآمدهای دولت از محل صادرات نفت و محصولات وابسته به آن به شدت کاهش پیدا کرده (از حدود ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به حدود ۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۹)، ظاهراً چاره‌ای نمانده جز آنکه تلاش‌ها برای گسترده‌تر کردن پایه مالیاتی در ایران افزایش پیدا کند.

اما از آنجا که فشارهای اقتصادی بر دهک‌های درآمدی پایین همین حالا هم بیش از توانایی تحمل این دهک‌ها است، مجلس و دولت برای نخستین بار، آستین‌ها را بالا زده‌اند تا ثروتمندان را هدف مالیات قرار دهند.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، صاحبان خودروهایی که ارزش روز آنها بالاتر از یک میلیارد تومان باشد، مشمول پرداخت مالیات بر خودروهای لوکس می شوند و باید به صورت سالانه این مالیات را به سازمان امور مالیاتی پرداخت کنند.

کمترین می‌زات مالیات بر خودروهای لوکس، به خودروهایی بر می‌گردد که قیمت روز آنها در بازه یک تا ۱۰۵ میلیارد تومان باشد و به این ترتیب، در اختیار داشتن یک خودروی «سراتو اتوماتیک» به ارزش حدود ۱۰۲ میلیارد تومان، مشمول پرداخت مالیاتی در حدود سالانه ۱۲ میلیون تومان خواهد بود. (یعنی ماهانه حدود یک میلیون تومان)

اما نکته‌ای که ممکن است خیلی‌ها ندانند این است که اگر خودروهایی که یک فرد یا افراد تحت تکفل او در اختیار دارند نیز به صورت تجمیعی ارزشی بیش از یک میلیارد تومان داشته باشند، باز هم فرد، مشمول پرداخت مالیات مورد اشاره در بالا خواهد بود.

خودروهای خارجی و لوکس نمایشگاه‌های تهران مالکان خودروهایی با ارزش روز بالاتر از یک

«لوکس سواران» بالاخره باید مالیات بدهند. این تصمیمی است که طی ماه‌های گذشته با عبور از گردنه مجلس، شورای نگهبان و دولت، حالا به ایستگاه اجرا نزدیک شده و به زودی اجرایی می‌شود. در آخرین رویداد، وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کرده که اطلاعات کامل خودروهای لوکس (خودروهایی که ارزش روز آنها بیش از یک میلیارد تومان باشد)، از سوی نیروی انتظامی در اختیار سازمان امور مالیاتی قرار گرفته است.

اما صاحبان خودروهای لوکس چقدر باید مالیات بدهند؟ بر اساس قانون جدید، خودروهایی که ارزش روز آنها بالاتر از یک میلیارد تومان باشد، مشمول «مالیات خودروهای لوکس» هستند. بر اساس قانون جدید، اگر در خانواده ۲ خودرو دارید (فقط خودروهایی که به نام افراد تحت تکفل شما هستند) و مجموع ارزش روز این ۲ خودرو هم بالاتر از یک میلیارد تومان است، باز هم مشمول مالیات بر خودروهای لوکس خواهید بود.

به این ترتیب، به نظر می‌رسد که صاحبان تقریباً تمامی خودروهای خارجی، مشمول پرداخت مالیات جدید هستند. با این همه، میزان مالیات خودروهای لوکس، بسته به نوع و مدل خودرو (که اصلی‌ترین عوامل تعیین‌کننده قیمت هستند)، متغیر است.

تحریم‌ها موجب شده‌اند که ساختار حاکمیتی در ایران، طی یک دهه گذشته تقریباً به طور کامل از رانت نفت جدا شود. به این ترتیب، با توجه به سهم کنونی نفت از بودجه سالانه در ایران، اقتصاد ایران را دیگر نمی‌توان به سادگی یک «اقتصاد نفتی» به حساب آورد.

ثروتمندان ایرانی در مقایسه با هم‌تایان‌شان در کشورهای دیگر، مالیات بسیار کمی می‌پردازند.

مالکین خودروهایی که قیمت روز آنها بین یک تا ۱۰۵ میلیارد تومان باشد، یک درصد مالیات پرداخت خواهند کرد. مالکین خودروهایی که از ۱۰۵ تا ۳ میلیارد تومان قیمت دارند، ۲ درصد و مالکین خودروهایی که بین ۳ تا ۴۰۵ میلیارد تومان قیمت دارند هم سالانه معادل ۳ درصد از قیمت روز خودرو را به عنوان مالیات به سازمان امور مالیاتی پرداخت می‌کنند. خودروهایی که ارزش روز آنها بالاتر از ۴۰۵ میلیارد تومان باشد هم مشمول پرداخت سالانه ۴ درصد از ارزش روز خودرو به عنوان مالیات خواهند بود.»

اما اگر گفته‌های رییس سازمان مالیاتی را مبنای قرار دهیم، صاحبان خودروهای به اصطلاح «لوکس»، در عمل چقدر باید مالیات بدهند؟ بگذارید مثال بزیم؛ مالک یک خودروی «آزرا» که قیمت آن حدود ۲۰۵ میلیارد تومان است، باید سالانه حدود ۵۰ میلیون تومان مالیات پرداخت کند. آمارهای گمرک نشان می‌دهند که با این حساب، دست کم حدود ۴۵۰ هزار خودرو از سال ۱۳۹۰ به این سو وارد کشور شده‌اند. اگر حداقل قیمت را برای این خودروها در نظر بگیریم (یعنی همان یک میلیارد تومان)، صاحب هر کدام از این خودروها باید سالانه حدود ۱۰ میلیون تومان به دولت مالیات بدهد. مالک یک خودروی «سوناتا» به ارزش حدود ۱۰۷ میلیارد تومان هم باید سالانه حدود ۳۴ میلیون تومان مالیات پرداخت کند. کمترین مالیات در این زمینه، به خودروهایی بر می‌گردد که قیمت روز آنها در بازه یک تا ۱۰۵ میلیارد تومان باشد و به این ترتیب، در اختیار داشتن یک خودروی «سراتو اتوماتیک» به ارزش حدود ۱٫۲ میلیارد تومان، مشمول پرداخت مالیاتی در حدود سالانه ۱۲ میلیون تومان خواهد بود.

### ■ بهشت مالیاتی

ایران بر اساس برخی شاخصه‌های غیررسمی، یک بهشت مالیاتی است.

اما وقتی پای خودروهای گران قیمت‌تر به میان می‌آید، ارقام مالیات بر خودروهای لوکس، واقعاً نجومی می‌شوند. به عنوان نمونه، مالک یک «لکسوس RX» به قیمت حدود ۶٫۵ میلیارد

تومان، مشمول پرداخت مالیات سالانه حدود ۲۶۰ میلیون تومانی خواهد بود. (همه قیمت هاترینی هستند.)

اما این سقف مالیاتی نیست که لوکس‌سواران به زودی ناگزیر از پرداخت آن خواهند بود. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در زمان بررسی گزارش لایحه بودجه سال ۱۳۹۹، به برخی داده‌های آماری اشاره کرد که نشان می‌دهند اخذ مالیات بر خودروهای لوکس، واقعاً می‌تواند جیب دولت را پر پول کند.

بر اساس این گزارش، حدود ۰٫۳ درصد خودروهای سواری داخل کشور (۳ در ده هزار) «مرسدس بنز» با سال ساخت بالای ۲۰۱۰ هستند. این رقم برای

مالک یک خودروی «سوناتا» به ارزش حدود ۱٫۷ میلیارد تومان هم باید سالانه حدود ۳۴ میلیون تومان مالیات پرداخت کند. کمترین مالیات در این زمینه، به خودروهایی بر می‌گردد که قیمت روز آنها در بازه یک تا ۱٫۵ میلیارد تومان باشد و به این ترتیب، در اختیار داشتن یک خودروی «سراتو اتوماتیک» به ارزش حدود ۱٫۲ میلیارد تومان، مشمول پرداخت مالیاتی در حدود سالانه ۱۲ میلیون تومان خواهد بود.

بنزهای تولید سال ۲۰۱۵ میلادی به بعد، به ۷ در صد هزار می‌رسد.

از آنجا که بر اساس آمارهای رسمی حدود ۲۱ میلیون خودرو در کشور پلاک شده‌اند و واردات خودرو به کشور هم از سال ۱۳۹۷ تا کنون ممنوع بوده است، می‌توان گفت حدود ۶ هزار و ۵۰۰ دستگاه بنز با سال ساخت بالاتر از ۲۰۱۰ در ایران وجود دارد.

### ■ مرسدس بنز S۵۰۰

مالکان انواع بنز، احتمالاً بیشترین مالیات بر خودروهای لوکس را پرداخت می‌کنند، که می‌تواند به بیش از ۲۵۰ میلیون تومان در سال برسد.

اما مالکان این بنزها چقدر باید مالیات بدهند؟ مالک یک خودروی «بنز E۲۰۰» که حدود ۷ میلیارد

تومان قیمت دارد، باید سالانه حدود ۲۸۰ میلیون تومان (یا ماهانه حدود ۲۳ میلیون تومان) مالیات بدهد.

بر اساس آمارها، حدود ۰٫۰۳ درصد خودروهای سواری داخل کشور (۳ در ده هزار) «مرسدس بنز» با سال ساخت بالای ۲۰۱۰ هستند. این رقم برای بنزهای تولید سال ۲۰۱۵ میلادی به بعد، به ۷ در صد هزار می‌رسد.

اگر حداقل قیمت یک بنز با سال ساخت بالای ۲۰۱۰ را حدود ۲ میلیارد تومان در نظر بگیریم و حدود ۶ هزار و ۵۰۰ دستگاه از این بنزها هم در ایران موجود باشند، این به معنای آن است که مالک هر یک از این بنزها سالانه حدود ۴۰ میلیون تومان مالیات خواهد داد و مجموع این مالیات هم در کمترین حالت به سالانه ۲۶۰ میلیارد تومان می‌رسد.

به این ترتیب، دولت فقط و فقط از «بنز سوارها» و آن هم آنهایی که مدل بنزشان بالاتر از ۲۰۱۰ میلادی است، در کمترین حالت سالانه ۲۶۰ میلیارد تومان مالیات اخذ می‌کند. از آن سو، در حالی که آمار دقیقی از تعداد خودروهای خارجی با قیمت بالاتر از یک میلیارد تومان در ایران در دسترس نیست، می‌توان با بررسی آمار واردات خودرو به کشور از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۷ (سال آغاز ممنوعیت واردات خودروهای خارجی) تعداد تقریبی خودروهای خارجی که بین ۳ تا ۱۰ سال عمر دارند را محاسبه کرد.

در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷، حدود ۴۵۰ هزار دستگاه خودروی خارجی وارد کشور شده است. آمارهای گمرک نشان می‌دهند که با این حساب، دست کم حدود ۴۵۰ هزار خودرو از سال ۱۳۹۰ به این سو وارد کشور شده‌اند. اگر حداقل قیمت را برای این خودروها در نظر بگیریم (یعنی همان یک میلیارد تومان)، صاحب هر کدام از این خودروها باید سالانه حدود ۱۰ میلیون تومان به دولت مالیات بدهد. مجموع این مالیات‌ها، ماهانه به ۴۵۰ میلیارد تومان و سالانه به حدود ۵ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. توجه داشته باشید که این محاسبه تنها برای خودروهای «وارداتی»، آن هم در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ صورت گرفته و علاوه بر این، برای ساده‌سازی محاسبه قیمت همه این خودروها «یک میلیارد تومان» در نظر گرفته شده است!

دلهره‌های که «طرح صیانت از حقوق کاربران» بر جان صاحبان کسب‌وکارهای مجازی انداخت

## آتش انداختن به روی سرمایه هزاران نفر

زهرا معرفت

از پس هزینه‌های زندگی، خرج بچه‌ها، اجاره خانه و قسط بریاید برای همین من هم دست به کار شدم و کم کم توانستم کسب و کاری راه بیندازم. من نمی‌دانم مجلس با این طرح دقیقاً می‌خواهد چه بلایی بر سر ما بیاورد! مثل این می‌ماند که یکی بخواهد سرمایه‌ای که سال‌ها با خون و دل جمع کرده‌ای را آتش بزند. با اجرای طرح مجلس کسب و کارهای مجازی دومینوار دچار شوک و آسیب می‌شوند عادل طالبی (عضو هیئت مدیره انجمن صنفی کسب و کارهای مجازی) در خصوص آسیبی که طرح مجلس به کسب و کارهای مجازی وارد می‌کند، گفت: مهم‌ترین تحولی که اینترنت ایجاد کرد این بود که اجازه داد هر فردی و در هر جایی به مخاطبان گسترده‌ای دسترسی داشته باشد. زمانی صاحبان کسب و کارهای خانگی نهایتاً به محله و یا شهر کوچک خود دسترسی داشتند اما با اینترنت عملاً دامنه دسترسی افراد در مقیاس وسیع گسترش پیدا کرد. اتفاقی که با اجرای این طرح می‌افتد این است که این دسترسی از بین خواهد رفت. وی با بیان اینکه مدافعان این طرح بر پلتفرم‌های جایگزین تاکید دارند، گفت: این ادعا عملاً امکان‌پذیر نیست؛ اولاً به خاطر تحریم‌ها ما زیرساخت لازم برای اینکه این حجم از تبادل محتوا اتفاق بیفتد نداریم و دوم اینکه اگر بر فرض محال به لحاظ فنی آنچه می‌گویند امکان‌پذیر باشد، باید از این دوستان پرسید که آیا مردم و مخاطبان به افرادی که اینگونه با کسب و کارشان بازی می‌کنند اعتماد خواهند کرد و آیا از جایگزین‌ها استفاده می‌کنند؟ عضو هیئت مدیره انجمن صنفی کسب و کارهای مجازی گفت: اتحادیه کسب و کارهای فضای مجازی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار کسب و کار مجازی را به صورت مستقیم تعریف کرده است که البته

که فارغ التحصیل کامپیوتر هستم و مسلط به زبان انگلیسی کار راحت پیدا می‌شود اما هر چه گشتم کار مناسبی پیدا نکردم. نزدیک به چهار ماه بیکار بودم تا اینکه به پیشنهاد یکی از دوستانم یک صفحه فروش در اینستاگرام راه انداختیم؛ از مهاباد جنس آوردیم و در اینستاگرام فروختیم. اول سود کمی داشت اما بعد از کار روی صفحه و تبلیغات و هزینه کردن حالا درآمد ماهیانه نسبتاً خوبی داریم. این‌ها را کسی می‌گوید که شبکه اجتماعی اینستاگرام برایش نه صرفاً فضایی برای تفریح - آنطور که احتمالاً نمایندگان مجلس می‌پندارند - که جایی برای کسب درآمد است. یکی از هزاران جوانی که از ظرفیت فضای مجازی برای اشتغال استفاده می‌کند. او در خصوص طرح مجلس می‌گوید: «دلهره گرفته‌ایم! بعد از این همه هزینه و امید به گسترش کارمان در اینستاگرام حالا مجلس طرحی ریخته تا همین درآمد را هم از ما بگیرد. چرا باید هر روز ترس از دست دادن شغل داشته باشیم؟ یک روز کرونا می‌آید شغلمان را از دست می‌دهیم و یک روز هم با تصمیم مجلس آینده‌مان خراب می‌شود! فرزند کدامیک از نمایندگان مجلس مثل ما بیکاری را تجربه کرده است؟ مجلس به جای اینکه کاری کند تا اشتغال زیاد شود همین راه کسب درآمد را هم می‌خواهد از ما بگیرد.» برای پیدا کردن سوژه‌های این گزارش نیاز نیست راه دوری برویم؛ سرمان را که بچرخانیم دوروبرمان پر است از افرادی که طرح صیانت از حقوق کاربران سرمایه آن‌ها را نابود و زندگی‌شان را مختل می‌کند. «بخشی از هزینه زندگی‌مان با پولی تأمین می‌شود که من از طریق فروش تولیداتم در اینستاگرام به دست می‌آورم. از سه سال پیش دیگر همسرم به تنهایی توانست

طراحان این طرح با استفاده از رسانه‌های رسمی به دنبال القای این پیام هستند که عملاً اتفاق خاصی نخواهد افتاد؛ آن‌ها می‌گویند ما حواسمان به مردم و کسب و کارهای آن‌ها هست اما تجربه سالیان گذشته نشان می‌دهد که تصمیم‌گیران مراقب ما نیستند. نامش «طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی» است اما کارش محدود کردن کاربران و البته نابود کردن بسیاری از کسب و کارهاست. چند سالی است که به اعتبار فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی آن، کسب و کارهای آنلاین پا گرفته‌اند و اگر بگوییم نان بسیاری در این دوران سخت اقتصادی از همین فضا به دست می‌آید پربراه نگفته‌ایم. حالا درست در زمانی که وضعیت اشتغال در کشور فاجعه‌بار است و بیکاری بیداد می‌کند، در دوره‌ای که رکود اقتصادی بالا، رشد اقتصادی پایین و گرانی و تورم سرسام‌آور است، مجلس به دنبال اجرای طرحی است تا با محدود کردن فضای مجازی، نان بسیاری را آجر کند! فرزند کدامیک از نمایندگان بیکاری را تجربه کرده است؟ یک سال و اندی از شیوع کرونا می‌گذرد؛ بسیاری از افراد در سال کرونا بیکار شده‌اند و بسیاری از کسب و کارها از رونق افتاده‌اند، اما در همین دوران سخت هم عده‌ای توانستند به مدد شبکه‌های اجتماعی کسب و کاری رُمقی خود را رونق دهند و عده‌ای نیز در بازار کار آنلاین، شغلی برای خودشان دست و پا کردند تا روزگار سخت خود را بگذرانند. «کرونا که آمد بعد از مدتی از کارم اخراج شدم. کارفرما می‌گفت اوضاع مالی شرکت خراب شده و نمی‌تواند همه را نگه دارد. از فردای همان روز دنبال کار گشتم. فکر می‌کردم برای من





این بی‌تدبیری گرفته شود، گفت: طراحان این طرح با استفاده از رسانه‌های رسمی به دنبال القای این پیام هستند که عملاً اتفاق خاصی نخواهد افتاد؛ آن‌ها می‌گویند ما حواسمان به مردم و کسب و کارهای آن‌ها هست اما تجربه‌ی سالیان گذشته نشان می‌دهد که تصمیم‌گیران مراقب ما نیستند.

■ سخن آخر

طرح صیانت از حقوق کاربران را مجلس زمانی ارائه می‌دهد که مردم برای تأمین نیازهای اولیه‌ی زندگی خود با مشکل مواجه هستند. طبق آمارهای رسمی در سال شیوع کرونا بیش از یک میلیون نفر شغل خود را از دست داده‌اند و حالا در شرایطی که مردم بیش از پیش با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند مجلس به اسم صیانت از حقوق کاربران می‌خواهد بر این آمار بیفزاید. درک اینکه در دوره بحران اقتصادی، فضای مجازی نقطه‌اتکای بسیاری برای رونق بازار خودرواهاندازی کسب و کارشان است، کار سختی نیست اما آیا بهارستان نشینان این را نمی‌دانند؟ اگر قرار نیست مردم از اجرای چنین طرحی منتفع شوند پس آن‌ها به نفع چه کسانی چنین تصمیماتی را می‌گیرند؟

آن خارج شویم. طالبی اظهار کرد: مدافعان این طرح معتقدند از آنجا که چین در اجرای چنین طرحی موفق بوده پس ما هم می‌توانیم آن را پیش ببریم اما این دوستان باید بدانند که چین وقتی این کار را انجام داد که تازه اینترنت آمده بود؛ آن‌ها از همان ابتدا پایه‌های آن را چیدند اما ما الان ۶۰ میلیون کاربر اینترنت با دسترسی قابل قبول داریم و نمی‌توانیم به آن‌ها بگوییم آنگونه که مسئولان می‌پسندند از اینترنت استفاده کنید! وی با بیان اینکه اجرای طرح مجلس باعث می‌شود تمام کسب و کارهای مجازی دومینووار دچار شوک و آسیب شوند، گفت: این کسب و کارها مخاطبان خود را از دست می‌دهند و شوک حاصل از این وضعیت را احتمالاً تا دو-سه سال نمی‌توان برطرف کرد. باید توجه داشته باشیم که میزان تحمل و تاب‌آوری کسب و کارهای ما در شرایط اقتصادی کنونی به دو-سه سال قد نمی‌دهد؛ صاحبان بسیاری از این کسب و کارها اگر دو تا سه ماه درآمد نداشته باشند ورشکست می‌شوند بنابراین با اجرای این طرح ما با یک گستره ورشکستگی اقتصادی روبه‌رو خواهیم شد. عضو هیئت مدیره انجمن صنفی کسب و کارهای مجازی با بیان اینکه امیدواریم جلوی

این تعداد بسیار کمتر از آن چیزی است که در عمل وجود دارد. با این طرح تمام این کسب و کارها دچار مشکل خواهند شد. طالبی با تأکید بر اینکه ما با اصل صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی مخالفتی نداریم، گفت: از ابتدای دهه ۸۰ که قانون تجارت الکترونیک شکل گرفت و بعد نیمه دوم دهه ۸۰ که مرکز توسعه تجارت الکترونیک شکل گرفت، ما معتقد بودیم که باید بیشتر روی این زمینه کار کرد و به شکل حرفه‌ای‌تر قوانین مرتبط را برای حمایت و صیانت از حقوق کاربران تنظیم کرد، اما اینکه بخواهیم در این مقطع تمام مشکلات حوزه فضای کسب و کار آنلاین را در قالب یک قانون حل کنیم و کمیسیون تشکیل دهیم که برای همه شئون زندگی مردم در فضای مجازی تصمیم بگیرد و هیچ راهی هم برای جلوگیری از آن وجود نداشته باشد، بسیار خطرناک است. عضو هیئت مدیره انجمن صنفی کسب و کارهای مجازی افزود: نمایندگان می‌گویند این طرح سه تا پنج سال به صورت آزمایشی اجرا می‌شود اما ما می‌گوییم این یک راه بدون بازگشت برای پایان اینترنت به شکلی است که ما اکنون می‌شناسیم؛ دره‌ای است که اگر دور آن بیفتیم دیگر نمی‌توانیم از

## نسل چهارم مناطق آزاد در ایران فعال می‌شوند؟

علی چاغروند \*

اهداف سه نسل قبلی، واقع‌بینانه و امکان‌پذیر است؟ نسل چهارم مناطق آزاد، بعد از سه نسل تجاری، صنعتی و خدماتی، به عنوان نسل شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها هدف‌گذاری شده است؛ اما تحقق نسل چهارم مناطق آزاد مستلزم چه پیش‌نیازهایی است و آیا استفاده از فرصت‌ها و پتانسیل‌های این مناطق، می‌تواند تبدیل به سکوی پرتاب بنگاه‌های دانش‌بنیان و تحقق رشد و توسعه اقتصادی کشور شود؟

مناطق آزاد در حال حاضر متهم به ناکارآمدی و ناکامی در دستیابی به اهداف از جمله اهداف صادراتی و توسعه‌ای هستند. این در حالی است که متولیان این مناطق از نسل چهارم مناطق آزاد و پیشروی در این مسیر صحبت می‌کنند. اما چرا نسل چهارم مناطق آزاد برای اقتصاد کشور که حدود یک دهه است، رشد اقتصادی نزدیک به صفر را تجربه می‌کند و با انواع تحریم‌های بین‌المللی و بی‌ثباتی‌های داخلی همراه بوده، حائز اهمیت است و اساساً پرداختن به نسل چهارم، بدون تحقق

### ■ چرا اقتصاد دانش‌بنیان اهمیت دارد؟

نظریات اقتصادی طی سال‌های اخیر با ارائه مدل‌های رشد درون‌زا بر نقش دانش، فناوری‌های جدید و نوآوری بر رشد اقتصادی درون‌زا تاکید کرده‌اند. بر اساس این نظریه‌ها، نوآوری باعث افزایش تولید، افزایش بهره‌وری تولید و خدمات و تقویت رشد اقتصادی پایدار می‌شود. بررسی روند توسعه کشورهای مختلف جهان نیز بیانگر اهمیت توجه به اقتصاد دانش‌بنیان و نوآوری طی سال‌های اخیر است. بر اساس اصول علم اقتصاد، دانش از طریق بهره‌وری کل عوامل تولید رشد اقتصادی را به دنبال دارد و به عنوان یک منبع دائمی ناتمام‌ناپذیر، بهره‌گیری از آن در فرایندهای تولیدی و خدمتی باعث افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده در بنگاه‌های اقتصادی می‌شود و از این طریق باعث افزایش رفاه اقتصادی اجتماعی و توسعه شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد طی سال‌های اخیر کسب و کارهای نو و اقتصاد دانش‌بنیان تمامی زمینه‌ها از قبیل تجارت، ساختار اقتصادی، بهره‌وری و نوع مدیریت را در دنیا متحول کرده است و بسیاری از جریانات اقتصادی شکل گرفته از جمله آزادسازی تجارت و جهانی شدن بازرگانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مدیریت دانش، تغییر ساختاری در اقتصاد، تغییرات در محل نیروی کار، افزایش حق انتخاب مصرف‌کنندگان، کوچک شدن دولت و کسب و کارهای الکترونیکی از حوزه‌های تحت تأثیر نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان بوده است.

کشور ما اما به رغم وجود قوانین و اسناد بالادستی و پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود، همچنان جایگاه مناسبی در وضعیت اقتصاد دانش‌بنیان ندارد. برنامه چهارم توسعه نخستین برنامه‌ای بود که در آن به اقتصاد دانش‌بنیان به طور مشخص اشاره شد. پس از اجرای برنامه چهارم و ناکامی‌هایی که در دسترسی به اهداف وجود داشت، این موضوع در برنامه پنجم نیز دنبال شد. بالا بودن حجم فعالیت‌های اقتصاد دولت و غیررقابتی بودن فضای اقتصاد کشور، پایین بودن سهم تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی، کمبود سرمایه‌های ریسک‌پذیر، پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، ضعف قوانین در جهت حمایت از حقوق مالکیت فکری و معنوی، وابستگی شدید صادرات غیر نفتی به محصولات مرتبط با فناوری غیر برتر و محصولات بنگاه‌های دولتی، ضعف منابع و مشوق‌های مالی توسعه تحقیق و فناوری در بخش غیر دولتی از جمله دلایلی است که باعث شده روند توسعه و تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در کشور به کندی پیش رود. در این میان یکی از عرصه‌هایی که به دلیل ظرفیت‌ها، امکانات، قوانین، تسهیلات و معافیت‌ها، پتانسیل کمک به تقویت جریان نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان و کسب و کارهای نو را دارد، مناطق آزاد است.

### ■ فرصت‌های مناطق آزاد برای رشد اقتصاد دانش‌بنیان

از آنجایی که سرمایه‌گذاری در نوآوری تکنولوژیک

و دانش با نااطمینانی بسیار بالایی همراه است، سرمایه‌گذاران، بخش خصوصی و نگاه‌های ریسک‌گریز همواره تمایل کمتری برای سرمایه‌گذاری در این زمینه‌ها نشان می‌دهند، از همین رو لازم است دولت و نهادهای بالادستی به عنوان یک سرمایه‌گذار خطرپذیر برای حمایت از این شرکت‌ها وارد عرصه شوند.

در واقع یکی از عوامل اصلی گسترش اقتصاد دانش بنیان وجود دولتی است که نه فقط هماهنگ‌کننده ساز و کارهای خلق و کاربرد دانش در جامعه باشد، بلکه بستر مالی، حقوقی و اجتماعی لازم را برای ایجاد کاربرد دانش در حوزه مختلف فراهم آورد. در یک اقتصاد دانش بنیان نقش دولت‌ها فراتر از حفاظت از حقوق مالکیت است و تأمین مالی مستقیم دولت نقش مهمی دارد.

علاوه بر این از آنجایی که یکی از نیازهای عمده کسب و کارهای نوین، وجود شتاب‌دهنده‌هاست، تقویت حضور شتاب‌دهنده‌ها در مناطق آزاد می‌تواند زمینه‌ساز رشد فعالیت کسب و کارهای نو و دانش بنیان و کارایی زنجیره ایده‌پردازی، تجاری‌سازی و صادرات محصولات این شرکت‌ها شود. تأمین بخشی از سرمایه در ازای سهام مورد نیاز، تأمین زیرساخت‌های لازم، آموزش‌های صحیح و اصولی، ارتباطات راهبردی با شرکت‌ها، سازمان‌ها و شبکه‌های مشتریان و منتورینگ حرفه‌ای بخشی از خدماتی است که در قالب توسعه و استقرار شتاب‌دهنده‌ها در مناطق آزاد می‌توان به استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوآور مستقر در این مناطق ارائه داد.

## ■ بازارسازی و تجاری‌سازی محصولات دانش بنیان در مناطق آزاد

یکی از مشکلات اصلی و موانع توسعه شرکت‌های دانش بنیان، نبود بازار مناسب برای محصولات است. تمرکز فعالان این کسب و کارها بر بعد دانش، منجر به ضعف‌هایی در بحث تجاری‌سازی و بازارسازی برای محصولات شده است. درک منافع نوآوری از دیدگاه مشتریان، ایجاد اعتبار، جلب پشتیبانی سهامداران، فروش و... برخی از چالش‌های شرکت‌های دانش بنیان در زمینه تجاری‌سازی است.

از همین رو و از آنجایی که تجاری‌سازی در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین نیازهای شرکت‌های نوآور و دانش بنیان محسوب می‌شود، یکی از اقدامات اساسی که در مناطق آزاد برای کمک به رشد شرکت‌های نوآور می‌تواند صورت گیرد، ایجاد تقاضا برای تولیدات و خدمات آنهاست. انواع معافیت‌ها و تسهیلات تعریف شده و ارتباط با دستگاه‌ها و نهادهای مختلف فرصت ایجاد تقاضا برای این شرکت‌ها به صورت حاکمیتی از سوی این مناطق را فراهم می‌کند و لازم است سازوکاری در این زمینه تدوین شود.

## ■ فرصت صادراتی دانش بنیان‌ها در مناطق آزاد

اگرچه در دو سال اخیر به دلیل تحریم‌ها و کرونا، صادرات و جذب سرمایه‌گذار خارجی در مناطق آزاد

واقعیت این است که سیاست‌گذاری برای اقتصاد دانش بنیان نباید در حلال صورت بگیرد و باید با بستر و زمینه سیاسی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر کشوری تطبیق پیدا کند. علاوه بر این تحقق اهداف نسل چهارم مناطق آزاد متأثر از شرایط اقتصادی و سیاسی کشور است.

روند کاهشی داشته‌ها اما به دلیل وجود شرکت‌هایی با تجربه صادرات بالا، دسترسی به اطلاعات و بازارهای خارجی بیشتر از سایر مناطق فراهم است و از این پتانسیل در جهت توسعه صادرات محصولات و خدمات شرکت‌های نوآور می‌توان بهره برد.

تسهیل در تأمین مواد کالاهای مصرفی دانش بنیان، معرفی محصولات شرکت‌های دانش بنیان، حمایت از تدوین و اجرای برنامه‌های بازاریابی، منتورینگ و مشاوره صادراتی، حمایت از تبلیغات در بازارهای صادراتی، اخذ گواهینامه‌ها و مجوزهای بین‌المللی، ثبت بین‌المللی محصولات، داروها و علائم

تجاری، ارزیابی آمادگی صادرات، حمایت از حضور در نمایشگاه‌های خارجی، حمایت از پذیرش و اعزام هیئت‌های تجاری، حمایت از حضور در مناقصات بین‌المللی، یارانه سود تسهیلات صادراتی، حمایت از واسطه‌های صادراتی، حمایت از آموزش بازرگانی و صادرات، حمایت از ورود شرکت‌ها به بورس از جمله اقداماتی است که در راستای توسعه تولید و صادرات نگاه‌های نوآور می‌تواند در مناطق آزاد صورت گیرد و از این طریق علاوه بر حمایت از شرکت‌های دانش بنیان و نوآور، اهداف صادراتی این مناطق محقق و امکان سرزیر رشد و توسعه اقتصادی صورت گرفته در کل کشور فراهم می‌شود.

## ■ پیش شرط تحقق نسل چهارم مناطق آزاد

واقعیت این است که سیاست‌گذاری برای اقتصاد دانش بنیان نباید در حلال صورت بگیرد و باید با بستر و زمینه سیاسی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هر کشوری تطبیق پیدا کند. علاوه بر این تحقق اهداف نسل چهارم مناطق آزاد متأثر از شرایط اقتصادی و سیاسی کشور است. کاهش ریسک‌های سیاسی و اقتصادی و ثبات، پیش زمینه هر گونه فعالیت اقتصادی در مناطق آزاد و سایر مناطق کشور است. یکی از شرایطی که برای رشد و ارتقای نگاه‌های نوآور حاضر در این مناطق ضروری است، تسهیل روند ورود سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و ارتباط با بانک‌های خارجی برای جذب منابع و همچنین تسهیل روند انتقال تکنولوژی و فراهم شدن زمینه ارتباط با شرکت‌های خارجی است. در راستای تحقق نسل چهارم مناطق آزاد، عملیات بانکی و جریانات مالی در این مناطق باید بر اساس استانداردهای رایج مالی دنیا صورت گیرد. پیوستن به جریان تجارت جهانی، ارتباط با نهادهای تجاری، اقتصادی و بانکی بین‌المللی، حذف موانعی همچون تحریم، اف‌ای‌تی‌اف و ارتباط با بانک‌های خارجی معتبر و سرمایه‌گذاران بین‌المللی در کنار رفع موانع و بروکراسی‌های داخلی، ارتقای حقوق مالکیت، فراهم کردن زمینه‌های تولید و فروش محصولات و خدمات نوآور و ایجاد زیرساخت‌های صادراتی، جهش نوآوری و رشد اقتصاد دانش بنیان را به دنبال خواهد داشت.

\*مدیر طرح و برنامه اتاق بازرگانی ایران

بنادر فرانسه برای استفاده از انرژی سبز دوباره زنده می‌شوند

## رنجی که بر دوش می‌کشیم

سجاد بهزادی



زحمت یک وعده غذای ساده است اما در گوشه‌های دیگر از همین مملکت "دبیرکل بنکداران مواد غذایی" گفته بود بیسکویت‌های وارداتی یک میلیونی در کشور مورد استقبال قرار گرفته است و خبر از ورود بیسکویت‌های یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی به کشور داد.

امان از رنج بی‌امان؛ این همه رنج را به دوش کشیدیم ولی معلوم نیست روشنی و ارزانی کی فرا می‌رسد و رنج‌ها و آلام‌ها از کی کاسته می‌شود. تازه به ما می‌گویند منتظر تورمی باشید که تاکنون آن را تجربه نکرده‌اید. نایب رییس اتاق بازرگانی ایران در مطلبی هشدار آمیز نوشته است: "طبق آمار بانک مرکزی میزان نقدینگی از ۳۷۰۰ هزار میلیارد عبور کرده و نسبت به دو سال پیش ۲ برابر شده. اگر چه طی ماه‌های گذشته نسبت به عواقب افزایش نقدینگی بر اقتصاد و تورم هشدار داده شده اما دریغ؛ با این روند در ماه‌های آینده

ماریشه‌های خارجی داشته باشند، کدام جریان نمی‌خواهد مانند همه دنیا، ما نیز خردگرایی و تعامل را پیشه کنیم و ارتباط خود را با دیگر دولت‌ها و قدرت‌ها عادی کنیم؛ شاید که اندکی از رنج‌ها کاسته شود؟

امان از رنج بی‌امان؛ وقتی به قول فرشاد مؤمنی اقتصاددان و صاحب‌نظر امور توسعه می‌گوید "۸۹ درصد فقرای ایران کسانی هستند که شاغل و بازنشسته هستند!!" یعنی برخی با اینکه کار کرده‌اند و رنج کشیده‌اند و شاغلند اما فقیرند و از هزینه‌های زندگی شان بر نمی‌آیند. آن طبقه‌ای از جامعه که شغل و درآمدی ندارند چقدر در رنج و عذابند.

امان از رنج بی‌امان؛ سخت زندگی می‌کنیم و خیلی ساده می‌میریم. بدون یک ذره دل خوشی. فاصله طبقاتی مان روز بروز بیشتر می‌شود. حاصل همه عرق ریختن‌ها و رنج‌های یک طبقه از جامعه، به

جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور که به تازگی سفری به خوزستان داشته؛ در برابر دردها و مصیبت‌های این استان گفته است "فکر می‌کنید نمی‌دانیم مردم ما از چه مسائلی رنج می‌برند؟" او البته مطابق یک رویه منسوخ شده، بسیاری از این رنج‌ها را به تقصیر دشمن انداخت و گفت "حق ایران است که کشور توسعه یافته بزرگی باشد و مردمش در بهترین امکانات رفاهی زندگی کنند. اما دشمنان نمی‌گذارند آب خوش از گلوی ما پایین برود."

باید به معاون اول گفت کاش از رنج‌های ما بی‌خبر بودید. مردم می‌پرسند اگر درد را می‌دانید چرا درمان نمی‌کنید؟ صاحب‌نظران توسعه و جامعه‌شناسان، مدت‌هاست از رنج‌های بی‌امان جامعه می‌گویند اما درمانی نیست. تا کی می‌خواهیم دردها و رنج‌های درونی جامعه را به عامل بیرونی نسبت دهیم؟ شما به رنج‌های ما نگاه کنید؛ کدامین آنها ریشه داخلی و کدام خارجی دارند؟ اگر رنج‌های داخلی

دولت با توری رویه رو خواهد شد که هیچگاه در کشور تجربه نشده است."

امان از رنج و درد بی امان، دختر کم سن و سال این مملکت به جای اینکه در لذت کودکی خود غرق باشد به ازدواج تن می دهد. مرکز آمار ایران گزارش رسمی منتشر کرده است که "بیش از ۷۳۰۰ دختر ۱۰ تا ۱۴ ساله در پاییز ۹۹ ازدواج کرده اند." فریاد این رنج را به کجا باید گفت. امان از رنج بی امان؛ به استناد داده های مرکز آمار ایران و براساس نتایج آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی ایران در سال ۱۳۹۹، متوسط هزینه سالانه یک خانوار شهری حدود ۶۲ میلیون تومان بوده است؛ این رقم برای خانوارهای روستایی ۳۴ میلیون تومان اعلام شده است.

حالا خودتان و انصافتان را قاضی کنید. اول اینکه هزینه های سالانه یک زندگی ساده در ایران بسیار بالاتر از این ارقام است و حتی در روستاها نیز هزینه ها دست کمی از شهر ندارد و اختلاف آنقدر که مرکز آمار منتشر کرده نیست. دوم اینکه اگر همین داده های مرکز آمار ایران را هم مینا قرار دهیم چند درصد خانوارهای ایرانی صاحب این درآمد در سال هستند؟

وقتی بیکاری و تورم در بالاترین حد خود طی سالهای اخیر قرار دارد؛ یک ایرانی چقدر باید صاحب درد و رنج شود تا نیمی از این درآمد را در طی سال بدست آورد؟

ضمن اینکه بحران های اقتصادی باعث شده است که بهای اجاره مسکن تصاعدی شود. وزارت راه و شهرسازی اعلام کرده است که ۶۴ درصد از متوسط درآمد خانواده ها در تهران و دیگر کلان شهرها به اجاره بهای مسکن اختصاص می یابد. بر اساس برآورد این وزارتخانه، در سال ۱۳۹۹ اجاره ماهیانه یک واحد مسکونی ۷۵ متری در تهران، حدود پنج میلیون تومان بوده؛ در حالی که متوسط درآمد خانواده ها در این سال حدود هشت میلیون تومان برآورد شده است. به گزارش سایت انتخاب، در دیگر شهرها نیز که بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت دارند، ۵۹ درصد متوسط درآمد خانواده برای پرداخت اجاره بهای مسکن صرف می شود و در شهرهایی که جمعیت آن ها زیر ۲۰۰ هزار نفر

است، تا حدود ۴۹ درصد متوسط درآمد خانواده به اجاره مسکن اختصاص پیدا می کند. امان از رنج بی امان؛ ما و دنیا با هم گرفتار رنج بیماری کرونا شدیم. بسیاری از آنها از این رنج رها شدند اما همچنان از این ویروس رنج می بریم. تا کنون ۴ موج ویرانگر این ویروس؛ بسیاری از ما را یا کشته است و یا تا آستانه مرگ برده است. اکنون نیز سایه مرگ در موج پنجم، بر کل کشور سنگینی می کند. وضعیت به گونه ای است که اصلاً معلوم نیست چقدر از این رنج باقی مانده است و چه جمعیتی خواهیم مرد.

امان از رنج بی امان؛ توافق برجام انجام شد و کمی از رنج های ما کاسته شد. احساس خوشحالی و خوشبختی می کردیم که ناگهان ترامپ در آن سوی جهان و دلواپسان در همین نزدیکی، برجام را آتش زدند. به ما گفتند برجام توافق بدی است و رنج های ما دوباره شدت گرفت. عرصه زندگی بر ما تنگ تر شد و رنج ها بر ما مضاعف تر؛ تا جایی که قدرت خریدمان به پایین ترین حد خود از بعد از انقلاب رسید.

به ما گفتند برجام خوب نیست و راهی جزء تحمل رنج بی امان هم نیست. حالا همان نماینده و گروهی که برجام را در آتش زدند حالا می گویند قطعاً دولت آینده نمی گوید، چون برجام ناموفق بوده من برجام را رها خواهم کرد. قطعاً نه سیاست نظام جمهوری اسلامی این است و نه دولت جدید این سیاست را خواهد داشت، بلکه دولت جدید اتفاقاً مدعی ادامه برجام است."

امان از رنج بی امان؛ افراد مختلفی از طبقات جامعه که نخواستند بیش تر از این رنج و درد را تحمل کنند، کشور را ترک کردند. از پرستار گرفته تا سرمایه دار تا دانشجو تا زنان و دختران مجرد. گفته می شود مهاجرت در ایران خاکستری یا زبانه شده و طی سال های اخیر تعداد زیادی از زنان و دختران مجرد به کشورهای اروپایی یا آسیایی مهاجرت کرده اند. یک جمعیت شناس دانشگاه تهران به تازگی گفته است "ایران از نظر مهاجرت دانشجویی رتبه اول را در جهان دارد و از لحاظ توده ای، رتبه چهارم مهاجرت را در جهان به خود اختصاص داده است." حالا ما مانده ایم و رنجی که

در جامعه ریشه دوانده است. رنج های ما تمامی ندارد و ما نیز ناگزیر با آن خو گرفته ایم و زندگی سخت ونجیبانه ای با آن داریم. شاید بدترین حالت ممکن برای یک جامعه، همین وضعیت باشد.

وقتی که جامعه با بدبختی و رنج بی امان عادت می کند و به قول دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی، "چرخ زندگی این جامعه در گل ولای گرانی ها و بی عرضگی ها گیر می کند" دیگر قامت آرزوهایش هم می میرد و تمام دغدغه هایش می شود آب ولقمه ای نان.

این جامعه حتی گاهی آرزوی مرگ می کند. به قول خسرو شکیبایی "کاش می شد آدمی، گاهی فقط گاهی به اندازه نیاز بمیرد؛ بعد بلند شود و آهسته آهسته خاک هایش را بتکاند، اگر دلش خواست بر گردد به زندگی؛ دلش نخواست، بخوابد تا ابد..." اگر مرگ این طور بود بسیاری از ما آن را امتحان می کردیم. شاید از رنج و درد زنده بودن بهتر باشد. مدیریت کشور بعد از ۴۲ سال به گونه ای پیش رفته است که رئیس جمهور می گوید کشور پر از "گردنه ها و تکانه هایی مشکل زا است. از جنگ اقتصادی گرفته تا کرونا." ما مردم به چه جرمی باید این همه "تکانه و گردنه" را تحمل کنیم و در رنج باشیم. به راستی جامعه ما چقدر و تا کی "برای دوری از رنج" باید در کنشی نابرابر با محیط پیرامون باشد؟! رسیدن به خوشبختی پیش کش؛ اما امان از رنج که تمامی ندارد!

آنتونی رابینز جمله ای دارد که در بسیاری از کتاب های روانشناسی تکرار شده است و آن اینکه "تمامی رفتارهای فرد در جامعه برای رسیدن به لذت است یا دوری از رنج."

سخن رابینز روانشناس آمریکایی دقیق است اما وای بر ما که همه تلاشمان برای دوری از رنج است و لذتی بدست نمی آید. کاش به جای این همه رنج، کمی هم نارنج بودیم. غصه ها کم تر می شد، رنگ ها زیباتر و زندگی هم شیرین تر. چنان عمل کردیم که جملات قصار سعدی هم زیر سؤال رفته است؛ مگر نه اینست که "نابرده رنج، گنج میسر نمی شود..." ما که عمری است رنج کشیدیم، پس چرا گنجی حاصل نمی شود!

\*دانشجوی دکتری جامعه شناسی

در نشست مجازی مطرح شد؛

## زیر و بم عدم موفقیت بخش خصوصی در واردات واکسن

فاطمه کریمی

وزارت بهداشت یک پاسخ قطعی دریافت کنند. از سوی دیگر سازمان غذا و دارو اعلام کرده که بخش خصوصی در واردات واکسن کرونا موفق نبوده و با وجود صدور ۳۸ مجوز اولتیماتوم داده که به زودی مجوزها لغو می شود.

کارشناسان و فعالان گردشگری حوزه سلامت پیرو این موضوع در یک نشست مجازی درباره علت اجرایی نشدن این طرح سخن گفتند و در لابه لای سخنانشان از وجود مافیایی حرف زدند که اجازه فعالیت را به بخش خصوصی نمی دهد. بخش دیگری از این صحبت ها پیرو عدالت در اجرای واکسیناسیون مردم بود و اینکه چقدر استفاده از واکسن وارداتی برای اجرای تورهای گردشگری داخلی صحیح خواهد بود.

فعالان بخش خصوصی گردشگری در تلاش بودند تا واکسن وارد کنند اما پیگیری آنها به درهای بسته خورد، دلایل عدم موفقیت بخش خصوصی در نشست مجازی که با حضور این افراد برگزار شد مورد بررسی قرار گرفت.

برخی از کارشناسان حوزه گردشگری، واردات واکسن توسط بخش خصوصی برای رونق گردشگری را یک شوخی می دانند. چندی پیش نامه نگاری ها برای دریافت مجوز واردات واکسن توسط بخش خصوصی گردشگری نیز انجام شد ولی از هیچ طریقی به نتیجه نرسید. رئیس جامعه گردشگری الکترونیک، اتاق بازرگانی، مناطق آزاد و جامعه هتلداران کشور از جمله تشکل ها و نهادهایی بودند که برای این موضوع پیگیری کردند اما هنوز هیچیک نتوانسته اند از

بخش خصوصی انجام می شد. در وزارت بهداشت نامه ها به تأخیر می افتد و جواب نمی دهند. ما از پشت پرده ها خبر نداریم. الان مشتریان بارها از ما سؤال می کنند که چند میلیون نفر در ایران واکسن زده اند مهر ماه می خواهیم به کشور شما بیاییم اما نمی دانیم که واکسیناسیون در ایران چطور است و چه زمانی به گردشگران ویزا می دهند. ما نمی توانیم به آنها جواب درستی بدهیم. شرکت های توریستی نیاز به گردش کار دارند نه درآمد بالا. می خواهند که کارمندانشان را از دست ندهند.

آرش انیسیان عضو هیئت مدیره انجمن خدمات بین المللی گردشگری سلامت ایران گفت: تا الان ۱۲ میلیون دوز واکسن وارد کشور شده است که حدود ۹ میلیون دوز از این واکسن ها را هلال احمر وارد کرده و سهم بخش خصوصی بسیار کم است. مشکلات زیادی برای واردات توسط بخش خصوصی وجود دارد. واکسن سهمیه بندی شده از طریق کوواکس، برای ایجاد عدالت در اختیار کشورها قرار می گیرد.

اما در ذهن ما این سؤال مطرح هست. پورفرج گفت: اتفاقی که در ارمنستان افتاد می توانست در جزایر ایران توسط

تا الان ۱۲ میلیون دوز واکسن وارد کشور شده است که حدود ۹ میلیون دوز از این واکسن ها را هلال احمر وارد کرده و سهم بخش خصوصی بسیار کم است. مشکلات زیادی برای واردات توسط بخش خصوصی وجود دارد. واکسن سهمیه بندی شده از طریق کوواکس، برای ایجاد عدالت در اختیار کشورها قرار می گیرد.

این نشست مجازی در غیاب افرادی مانند انصاری رئیس جامعه گردشگری الکترونیک، حمزه زاده، رئیس جامعه هتلداران، امین حقیقت دبیر شورای راهبردی گردشگری سلامت و ولی تیموری معاون گردشگری کشور برگزار شد. آن ها که پیگیر جدی واردات واکسن بوده اند، صلاح دانستند در وضعیت فعلی، سکوت کنند.

در این نشست مجازی، ابراهیم پورفرج رئیس جامعه تورگردانان ایران گفت: همه چیز پر واضح است. به نظر می رسد هنوز همه مردم ایران در انتظار واکسن هستند. همه کشورها تلاش می کنند که مردم ایمن شوند. میدانیم که باید واکسن به همه مردم تزریق شود. اما چرا این اتفاق نمی افتد برای ما روشن نیست. نمی دانم چه موانعی هست



تزریق صادر نکرده است. اگر بخواهیم گردشگری را در کشور راه بیندازیم و به عنوان کشور ایمن مطرح شویم باید بتوانیم حداقل ۷۰ درصد مردم را ایمن کنیم یعنی به ۱۰۰ میلیون دوز واکسن نیاز داریم هیچ کشوری هنوز به این درصد ایمنی نرسیده اما کشورها با ۳۰ درصد ایمنی شروع به راه اندازی صنعت گردشگری کرده‌اند.

واکسیناسیون می‌توانست برای ما عامل و جاذبه گردشگری باشد اما الان به عامل گردشگری معکوس تبدیل شده است و افراد به خارج از کشور برای تزریق واکسن می‌روند.

رئیس بیمارستان ابن سینا گفت: ما در اخلاق پزشکی موضوع عدالت در سلامت را داریم. کشورها و سازمان‌های بهداشتی و درمانی موظف هستند که بر این اساس دسترسی همه مردم را به خدمات سلامت به صورت یکسان برقرار کنند پس هیچ جای دنیا بابت تزریق واکسن پولی دریافت نمی‌کنند. یک چالش جدی هست در اینکه هر کسی پول دارد واکسن بزند و هر کسی ندارد صبر

باید تحویل داده شود. وی در ادامه بیان کرد: با مذاکراتی که با سازمان غذا و دارو انجام داده‌ایم قرار شده اگر صنفی توانست از ستاد کرونا و وزارت بهداشت بگیرد بتواند با ارز آزاد یا ارز نیمایی واکسن را وارد کند مشروط به اینکه رایگان تزریق شود. ما با نظام مهندسی و مجموعه‌های گردشگری قدم‌هایی برداشته‌ایم اما هنوز وزارت بهداشت مجوز

دوز از این واکسن‌ها را هلال احمر وارد کرده و سهم بخش خصوصی بسیار کم است. مشکلات زیادی برای واردات توسط بخش خصوصی وجود دارد. واکسن سهمیه بندی شده از طریق کووآکس، برای ایجاد عدالت در اختیار کشورها قرار می‌گیرد. سهم ایران ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز است ولی ما کمتر از یک چهارم سهمیه‌مان را توانسته‌ایم شاید یکی از دلایل دیر اقدام کردن دولت ایران بوده باشد. دو شرکت در روسیه و کره جنوبی مجاز هستند که از طریق کووآکس واکسن ایران را تأمین کنند واکسن‌های برگشتی که از شرکت‌های مختلف می‌آید عمدتاً اگر قابلیت توزیع مجدد داشته باشد، به این شرکت‌ها بر می‌گردد و آنها توزیع می‌کنند اما متأسفانه یک دوز واکسن برگشتی هم از این شرکت‌ها به ایران داده نشده است. اما الان در اروپا واکسن‌های مازادی وجود دارد که شرکت‌های واسط آنها را توزیع می‌کنند. وقتی ما می‌خواهیم واکسن را بخریم تعهد می‌گیرند که حتماً به دولت

مشکلات زیادی برای واردات توسط بخش خصوصی وجود دارد. واکسن سهمیه بندی شده از طریق کووآکس، برای ایجاد عدالت در اختیار کشورها قرار می‌گیرد. سهم ایران ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز است ولی ما کمتر از یک چهارم سهمیه‌مان را توانسته‌ایم بگیریم شاید یکی از دلایل دیر اقدام کردن دولت ایران بوده باشد.

کند تا سهمیه کووآکس بیاید. چنین چیزی در اخلاق پزشکی جایی ندارد. تا زمانی که ۷۰ درصد مردم واکسن نزده باشند عملاً زنجیره انتقال بیماری نمی‌شکند. در کلان سیاست گذاری باید به این موضوع فکر کرد که باید مردم را به صورت کامل واکسینه کرد و اولویت با کسب و کارهای پر خطر باشد. فعالان گردشگری نیز در اولویت هستند. وقتی واکسن مازاد داشته باشیم می‌توان از این مزیت رقابتی برای گردشگری استفاده کنیم اما تا زمانی که مردم خودمان و مشاغل پر خطر واکسینه نشده‌اند نمی‌توان انتظار داشت که افرادی از خارج از کشور بیایند و واکسینه شوند.

علی اکبر عبدالملکی رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی نیز در ادامه درباره وجود مافیای دارو سخن گفت و ادامه داد: داروی کرونا شاید در بیمارستان ۵۰۰ هزار تومان است اما در خارج از داروخانه، مافیا آن را به قیمت ۵ میلیون تومان می‌فروشند. اگر کسی بخواهد واکسن بگیرد با سرعتی که دنیا واکسن می‌زند، قیمت آن چقدر تمام می‌شود؟ اتاق بازرگانی برآورد کرد برای هر فرد ۲۵۰ هزار تومان کل هزینه خرید واکسن می‌شود. بیماری کرونا برای هر فرد چقدر هزینه دارد؟ کدام به صرفه است؟ حتماً این وسط مافیایی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد دارو به قیمت بهتر به دست مردم برسد.

آرش انیسیان رئیس بیمارستان ابن سینا گفت: فرایندهای پیچیده‌ای در داخل کشور و سازمان دارو وجود دارد که هیچ بخش خصوصی تاکنون نتوانسته واکسنی به ایران بیاورد. به عنوان مثال نامه‌هایی که سازمان غذا و دارو می‌دهد تا شرکتی را برای خرید دارو معرفی کند، دارای چندین متن مختلف است. این‌ها شاید تعمدی نباشد اما باید اصلاح شود. واکسن یک کالای استراتژیک است و از اسفند ماه سال گذشته بخش خصوصی وارد شده اما حمایتی از آن نشد. وی گفت: خیلی وقت‌ها فرایندهای پروکراتیک به گونه‌ای پیش می‌رود که تنها گروه خاصی موفق می‌شوند. در خصوص

واکسن به جایی نرسیدیم که تعمدی وجود داشته باشد اما نتیجه آن وارد نشدن واکسن بود حالا می‌خواهید اسمش را مافیا بگذارید یا ناکارآمدی سیستم. الان ۹ میلیون دوز را هلال احمر وارد کرده و تصور می‌کنم سه میلیون دوز دیگر سهمیه ما از کووآکس بوده که مستقیماً هیأت امنای ارزی آن را وارد کرده است. فکر نمی‌کنم چیز دیگری تا امروز وارد شده باشد در حالی که بیش از ۳۶ شرکت تلاش کرده‌اند برای اینکه واکسن را وارد کنند اما مهمترین عامل قیمت است. اگر قرار است بخش خصوصی واکسن وارد کند، باید از بازار آزاد خریداری کند. اگر دولت سوبسیدی که الان برای داروی کرونا می‌دهد برای مابه‌التفاوت قیمت کووآکس و واکسن بدهد، بخش خصوصی می‌تواند تمام نیاز واکسن کشور را تأمین کند چون الان ما سوبسید بالایی



چند ماه پیش اقدامی برای خرید یک میلیون دوز واکسن سینوواک چین با حدود ۲۲ و نیم میلیون دلار قیمت انجام دادیم و به وزارت میراث فرهنگی اعلام کردیم. دوستان پیگیری کردند اما جوابی از سوی وزارت بهداشت دریافت نشد. وزارت بهداشت تمایلی ندارد به بخش گردشگری نگاه کند. در یک سال اخیر وزارت بهداشت به جای اینکه به گردشگری کمک کند گردشگری را مترادف با کرونا دید و هیچ وقت نه حمایتی کرد و نه کمکی.

برای درمان و داروی کرونا می‌دهیم اما برای واکسن هزینه نمی‌کنیم. انیسیان تصریح کرد: واکسن‌ها به صورت دوزی تعریف شده است اخیراً هم به این جمع بندی رسیده‌اند که دوز سوم هم لازم است. اگر کسی به جزایر ماز یاد سفر کند مشکلی نیست اما به طور معمول اینکه سه بار کسی به یک جا سفر کند دور از ذهن است. در قالب ساختار عدالت در سلامت اینکه خارج از برنامه ستاد کرونا واکسیناسیون

انجام شود، هنوز ممکن نشده است و از نظر اخلاقی هم شاید درست نباشد. به هر حال جامعه ما سیاست زده است و اگر هر اقدامی انجام می‌شد منتقدانی داشت که ممکن بود آنقدر قوی باشند که سیاست مداران را وادار به محافظه کاری کند. بنابراین گردشگری در کشور ما به عنوان یک اولویت برای دولت محسوب نمی‌شود. کشورهای اطراف معمولاً تمایلی به واکسن ندارند این ما هستیم که برای واکسن به کشورهای دیگر سفر می‌کنیم. بعید می‌دانم که بتوانیم هر چقدر هم زیرساخت خوبی داشته باشیم از کشورهای همسایه افرادی را برای تزریق واکسن به کشور بیاوریم کشورهای دیگر نیز که خودشان واکسن دارند.

## ■ اقدام برای خرید یک میلیون دوز سینوواک

حسین نکونام رئیس هیأت مدیره جامعه حرفه‌ای گردشگری سلامت گفت: چند ماه پیش اقدامی برای خرید یک میلیون دوز واکسن سینوواک چین با حدود ۲۲ و نیم میلیون دلار قیمت انجام دادیم و به وزارت میراث فرهنگی اعلام کردیم. دوستان پیگیری کردند اما جوابی از سوی وزارت بهداشت دریافت نشد. وزارت بهداشت تمایلی ندارد به بخش گردشگری نگاه کند. در یک سال اخیر وزارت بهداشت به جای اینکه به گردشگری کمک کند گردشگری را مترادف با کرونا دید و هیچ وقت نه حمایتی کرد و نه کمکی.

وی درباره اینکه چه توجیهی برای وزارت بهداشت دارند گفت: بر اساس برنامه‌ای که به وزارت گردشگری اعلام کرده بودیم گفتیم یک میلیون دوز برای فعالان گردشگری تزریق شود. حتی اعلام شد که مطمئنیم مجموعه داران صنعت گردشگری خودشان حاضرند برای پرسنلشان هزینه کنند تنها نیاز است که دولت اعتبار اولیه را بدهد و باز از بخش خصوصی آن پول را بگیرد اما این اتفاق نیفتاد. اگر می‌شد می‌توانستیم گواهینامه صنعت گردشگری



در ادامه این نشست؛ مهدی عباسی از فعالان گردشگری درباره تجربه کشورهای دیگر در حوزه واردات واکسن و رونق گردشگری بر اساس آن گفت: ایتالیا برای اینکه بتواند صنعت گردشگری را نجات دهد؛ طرح جزیره بدون کووید را اجرا کرده است. ساکنان این جزایر را واکسینه کرده‌اند و برخی می‌گفتند که چرا وقتی همه مردم دوز اول واکسن را نگرفته‌اند برخی از جزایر باید دو دوز واکسن بزنند. این کاری بود که ایتالیا با همکاری وزارت بهداشت و گردشگری انجام داد و با شروع فصل گردشگری و تابستان این جزایر به مدار گردشگری پیوستند.

عباسی بیان کرد: در کشور روسیه شرط گذاشتند که مسافران دو بار باید تست بدهند. یونان هم به شهروندان کشورهای اروپایی گفت یک هفته قرنطینه را بر می‌داریم ولی افرادی که واکسن زده‌اند می‌توانستند وارد شوند. قبرس شمالی دستبندی را تهیه کرد و به همه گردشگران ورودی آن را داد تا ردیابی شوند و نشان می‌داد آن مسافر مبتلا شده است یا نه.

وی گفت: در حال حاضر ترکیه به گردشگران خارجی واکسن نمی‌زند. تا کنون ۶۲ میلیون واکسن تزریق شده که بیشتر فایزر زده‌اند. خیلی از استانداران گفتند کسانی که می‌خواهند در جایی مثل مارماریس سفر کنند می‌توانند دوز دوم را در هتل‌های چهار و ۵ ستاره دریافت کنند. به این ترتیب هتل‌ها با تشویق مردم به سفر، این کار را در هتل‌ها انجام دادند. هیچیک از کشورهای دنیا خرید و عرضه واکسن توسط بخش خصوصی نبوده بلکه توسط دولت انجام می‌شده است. در آذربایجان نیز مردم از واکسن اسپوتنیک و سینوفارم استقبال کردند اما از آسترانکا استقبال نشد و دولت آذربایجان مجبور شد ۴۰ هزار دوز به قزاقستان ۵۰ هزار دوز به ازبکستان و ۴۰ هزار دوز به بوسنی و هرزگوین اهدا کند و این هفته هم ۲۰ هزار دوز به تاجیکستان داد.

اتاق بازرگانی گفت که در حال وارد کردن هستیم اما باز هم اجازه داده نشد. وی افزود: اگر فردا در کیش واکسن بزنند برخی می‌گویند تعدادی پولدار به کیش رفته‌اند. چند عکس هم منتشر می‌شود و می‌گویند پس افرادی پول چی. چرا دولت برای پولدارها واکسن می‌زند. شاید برای دولت اولویت این باشد که بگوید من برای کارمندان یا کارگران می‌زنم. اما درباره زیرساخت نمی‌توانیم برای گردشگر ورودی فکر کنیم چون غیر از واکسن جانسون‌اند جانسون هیچ واکسنی تک مرحله‌ای نیست و هیچ مسافر ورودی روزهای زیادتری در ایران نمی‌ماند. ما فقط می‌توانیم این زیرساخت را برای تأسیسات گردشگری ایجاد کنیم که مردم مراجعه کنند.

نکونام نیز در ادامه بیان کرد: اگر وزارت بهداشت درست و اصولی کار کند و



در حال حاضر ترکیه به گردشگران خارجی واکسن نمی‌زند. تا کنون ۶۲ میلیون واکسن تزریق شده که بیشتر فایزر زده‌اند. خیلی از استانداران گفتند کسانی که می‌خواهند در جایی مثل مارماریس سفر کنند می‌توانند دوز دوم را در هتل‌های چهار و ۵ ستاره دریافت کنند.

گردشگری را حمایت کند زیرساخت‌های لازم را در ایران داریم. اگر شرایط ویزای درمانی را نیز برای کشورهای بازار هدف به خصوص عراق و افغانستان مهیا کنیم حتماً گردشگر خارجی نیز خواهیم داشت و نزدیک به ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر را جذب کنیم. الان هم متقاضیان زیادی برای درمان به ایران مراجعه می‌کنند. تجربه کشورهای دیگر

ایمن را صادر کرده و آن را در تبلیغات و رسانه‌های داخلی و خارجی استفاده کنیم. ما فقط دیدیم که وزارت بهداشت تنها هشدار سفر نروید می‌داد و حتی فعالان گردشگری را در اولویت پنجم هم قرار نداده بود. وزارت بهداشت اصلاً گوش نمی‌کند که ما بخواهیم آنها را توجیه کنیم. الان خیلی از کشورها واکسنی می‌دهند که در حال منقضی شدن است.

وی گفت: هر دوز واکسن سینوواک اگر با دلار آزاد حساب می‌کردیم یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌شد. الان ایرانی‌ها یک میلیون تومان برای خروج از کشور پول عوارض می‌دهند پس مبلغ زیادی نبود. ما می‌خواهیم تبلیغات کنیم که گردشگر با اطمینان خاطر به کشور بیاید چه دلیلی از این واضح‌تر برای وزارت بهداشت می‌آوردیم؟ اگر وزارت بهداشت در چند روز آینده حاضر باشد کمک کند حاضریم که برای تأمین بودجه ضمانت هم بدهیم در حالی که وظیفه دولت است که واکسن رایگان در اختیار مردم قرار دهد. مصطفی سروی عضو هیأت مدیره جامعه تورگردانان ایران نیز درباره نرخ تورهای گردشگری واکسن گفت: قیمت اصلی واکسن آنقدر نیست که هزینه سفر را گران کند مگر اینکه برخی از هتلداران خودشان پول این واکسن را تأمین کرده و شرط را اقامت در آن هتل بگذارند و قیمت را بالا ببرند.

سروی در ادامه گفت: وقتی از طرف جامعه تورگردانان درخواست می‌دهیم که حاضریم تنها افرادی که واکسن زده‌اند را به ایران بیاوریم در بدو ورود تست و سه روز بعد هم تست بگیریم و بعد این طرح از طریق وزارت میراث فرهنگی به ستاد کرونا می‌رود، وزارت بهداشت آن را به تنهایی و تو می‌کند. پس گردشگری ورودی ما با لحاظ کردن تمام شرایط در اولویت‌های وزارت بهداشت نیست. شاید در جامعه تورگردانان اولین مجموعه‌ای بودیم که برای واکسن بخش خصوصی اقدام کردیم در میانه راه

## گزارش اکونومیست از نحوه سازگاری جهان با تغییر اقلیم

علی آزادی



وضعیت بدتر خواهد شد.

■ ۲۰۲۱ جالب‌ترین سال قرن ۲۱؟  
متأسفانه سال ۲۰۲۱ احتمالاً یکی از جالب‌ترین سال‌های قرن ۲۱ خواهد بود. اگر درجه حرارت در دهه‌های آینده ۳ درجه سانتیگراد بالاتر از سطح روزهای پیشاصنعتی (قبل از انقلاب صنعتی) افزایش یابد، حتی اگر همه بتوانند وعده‌های محکم امروز خود را برآورده کنند، ممکن است بخش‌های زیادی از مناطق استوایی برای کار در فضای باز بیش از حد گرم شوند. صخره‌های مرجانی که زیست و حیات جنگل به آنها وابسته است از بین می‌روند و جنگل‌های بارانی آمازون به شبحی از آنچه اکنون است، تبدیل می‌شوند. ورشکستگی شدید در امر برداشت محصول امری عادی خواهد بود. صفحات یخی در قطب جنوب و گرینلند از نقطه بدون بازگشت هم کمتر می‌شوند، و ناامیدکننده‌تر، بالا رفتن دریا است که اندازه آن نه مانند امروز با معیار میلی‌متر، بلکه با متر گزارش خواهد شد.

پیشرفت ناکافی در اهداف توافق پاریس شش سال پیش در پاریس، کشورهای جهان

امری متعالی، و از «لذت بی‌نظیری» نوشت که ویرانی وحشتناک می‌تواند رقم بزند؛ البته به شرطی که بتوان از فاصله‌ای مطمئن به تماشای آن نشست. وحشتناک‌ترین نکته در مورد صحنه‌های تماشایی تخریب که طی هفته‌های گذشته در سراسر جهان پخش شده، این است که هیچ مکان امنی برای از دور به تماشای نشستن آنها وجود ندارد. زمین در زیر شهر ارفستدات آلمان مانند دستمال کاغذی پاره شده است. لیتون در بریتیش کلمبیا فقط یک روز پس از ثبت رکورد دمای بالا، به سرعت سوخته است. اتومبیل‌ها مانند ماهی‌های مرده در خیابان‌های شهر ژنگزو چین که به کانال تبدیل شده‌اند شناور می‌شوند. همه دنیا خطر را احساس می‌کند و بیشتر آنها در حال لمس آن هستند. انتشار گازهای گلخانه‌ای، سیاره را بیش از ۱ درجه سانتیگراد (۱٫۸ درجه فارنهایت) بیشتر از روزهای پیشاصنعتی بزرگ، گرما تولید کرده است. اتمسفر سیاره، متشنج است و هوای سنگین راز به روش‌های هم‌پیش‌بینی شده و هم تعجب‌آور تولید می‌کند، و با ادامه انتشار،

نشریه هفتگی اکونومیست در شماره این هفته خود به اثرات مخرب تغییرات آب‌وهوایی پرداخته و پیشنهادهایی برای سازگاری با شرایط جدید و کاهش تبعات مخرب پدیده‌های ناشی از گرمایش زمین پرداخته است. هفته‌نامه اکونومیست پرونده اصلی شماره تازه خود را با تیتر جلد «هیچ‌جا امن نیست»، به اثرات گرمایش زمین و تغییرات آب‌وهوایی اختصاص داده است. اکونومیست در سرمقاله این شماره با عنوان «یک جهان ۳ درجه سانتیگراد، هیچ‌جا امنی ندارد» به نحوه سازگاری با شرایط ایجاد شده در نتیجه تغییر اقلیم پرداخته و نوشته است: «وضعیت سیل و آتش‌سوزی شدید از بین نمی‌رود، اما سازگاری می‌تواند تأثیر آن‌ها را کاهش دهد». در سال ۱۷۴۵ هنگامی که رودخانه لیفی با شکستن بستر خود، پایه‌های خانه‌ای که ادموند برک جوان در آن نشسته بود را در بر می‌گرفت، وی هیجانی عجیب و انحرافی را تجربه کرد. مردی که می‌توانست محافظه‌کاری مدرن را پایه‌گذاری کند، با الهام از این تجربه، در مقاله بعدی در مورد

اندازه لازم سرعت نگیرد. و به گفته برخی دانشمندان، ممکن است سیستم آب و هوایی ثابت کند حساس تر از آنچه که تاکنون نشان داده، خواهد بود، به ازای هر تن کربن در جو، گرمای بیشتری نسبت به آنچه تاکنون تولید کرده، به وجود آورد.

#### ■ مهندسی ژئوماتیک خورشیدی

از این رو، مطالعه دقیق ترین و ترسناک ترین شکل سازگاری: مهندسی ژئوماتیک خورشیدی نیز محتاطانه است. با این کار می توان خاصیت انعکاس ابرها یا لایه های ذره ای موجود در جو را کمی بیشتر نمود تا نور خورشید را بیشتر منعکس کنند. این نمی تواند یک پاسخ مستقیم و برابر برای گرم شدن ناشی از گازهای گلخانه ای ارائه دهد. به عنوان مثال، تا حدودی بیش از دما، تغییر بالقوه در الگوهای بارشی وجود دارد. اما تحقیقات انجام شده در ۱۵ سال گذشته حاکی از آن دارد که مهندسی ژئوماتیک خورشیدی ممکن است به طور قابل توجهی برخی از آسیب های گرم شدن گلخانه ای را کاهش دهد. چیزی که هنوز هیچ کس نمی داند این است که چگونه می توان چنین طرح هایی را توسعه داد تا منافع تمام کشورها را که تحت تأثیر قرار دهند. ممکن است کشورهای مختلف به دنبال مقادیر مختلف خنک سازی زمین باشند. برخی از روش های به کار رفته در مهندسی زمین خورشیدی به برخی مناطق کمک می کند در حالی که به مناطق دیگر آسیب می رساند. همچنین هنوز یک پاسخ قابل قبول برای این خطر وجود ندارد که تصور چنین مواردی برای فردا، انگیزه بلند پروازانه امروز در کاهش انتشار گازهای گلخانه ای امروز را کاهش دهد. فکر کردن در مورد مهندسی زمین خورشیدی نیازمند روبرو شدن با این مشکلات است و این خطر را دارد که قدرت هایی که علاقه چندانی به آن ندارند بدون در نظر گرفتن چنین طرح هایی ممکن است فقط سود بردن از آن را امتحان کنند. این طبیعت نیست که انسانها نمی توانند بر آن فرمانروایی کنند، بلکه خودشان هستند، با قدرت تغییر ناچیز در جهان.

می کنند که به اندازه آن ها به تعهدات خود پایبند نبوده و پکن حاضر نیست به نفع کاهش انتشار گاز گلخانه ای، از تولیدات خود بکاهد. معضل مفت بری ممکن است وقتی رخ دهد که حقوق مالکیت به وضوح تعریف نشده باشند و اعمال نشوند.

#### ■ سازگاری جهانی با تغییر اقلیم

برخی از سازگاری ها به راحتی در جای خود قرار می گیرند. سیستم های هشدار نسبت به سیل های آینده آلمان مطمئناً بهبود خواهد یافت. اما برخی سازگاری ها به سرمایه گذاری عمومی بسیار بیشتری نیاز دارد، مانند آنچه در هلند برای مدیریت آب استفاده شده است.

کشورهای ثروتمند توانایی تهیه چنین چیزهایی را دارند. اما کشورهای فقیر و افراد فقیر نیازمند کمک هستند. به همین دلیل توافق نامه آب و هوایی پاریس خواستار انتقال سالانه ۱۰۰ میلیارد دلار از ثروتمندان به فقیران است. کشورهای ثروتمند هنوز مطابق با این مسئله عمل نکرده اند. در تاریخ ۲۰ ژوئیه جان کری، نماینده ویژه رئیس جمهور جو بایدن در مسائل تغییر اقلیم، بار دیگر تأکید کرد که آمریکا حمایت خود از سازگاری کشورهای فقیرتر را تا سال ۲۰۲۴ تا سه برابر افزایش دهد و به ۱٫۵ میلیارد دلار برساند. این، بخشی از یک اقدام گسترده برای افزایش سرمایه گذاری در زمینه افزایش سازگاری و کاهش انتشار، در کشورهای در حال توسعه است. افزایش چنین تلاش هایی حیاتی است.

اما محدودیت هایی نیز دارند. کار با آب کم ممکن است امکان پذیر باشد. برخی از سطوح دما و رطوبت فعالیت در فضای باز را غیرممکن می کند. یک سیل بیش از حد قوی وجود دارد که پس از آن شما زمین را رها می کنید. آب رفته به جوی برخواهد گشت.

اگر هدف پاریس برای حفظ افزایش دمای زیر ۲ درجه سانتیگراد محقق شود، دامنه کامل این محدودیت ها مورد آزمایش قرار نمی گیرد. اما تلاش برای کاهش انتشار ممکن است به

خود را متعهد کردند که در زمینه از بین بردن انتشار خالص گازهای گلخانه ای به اندازه کافی سریع عمل کنند تا افزایش درجه حرارت زمین را زیر ۲ درجه سانتیگراد نگه دارند و از بدترین کابوس ها جلوگیری کنند. پیشرفت آنها به این منظور به طرز ناخوشایندی ناکافی باقی مانده است. با این وجود حتی اگر تلاش آنها بطور شگفت آوری برای رسیدن به هدف ۲ درجه سانتیگراد کافی باشد، باز هم آتش سوزی امروز جنگل ها را متوقف نمی کرد. همچنان چمن ها می خشکیدند، رودخانه ها بستر ساحل خود را می شکستند و یخچال های کوهستانی ذوب می شدند.

#### ■ کاهش انتشار کافی نیست

کاهش انتشار گازهای گلخانه ای کافی نیست. جهان همچنین باید فوراً برای سازگاری با تغییر شرایط آب و هوایی سرمایه گذاری کند. خبر خوب این است که سازگاری، منطبق سیاسی دارد. مردم به وضوح می توانند نیاز به آن را ببینند. هنگامی که کشوری در زمینه دفاع از سیل سرمایه گذاری می کند، بیش از همه به فکر شهروندان خود است؛ هیچ «معضل مفت بری» وجود ندارد، در صورتی که ممکن است برای کاهش انتشار گازهای گلخانه ای وجود داشته باشد. و همچنین همه هزینه از محل بودجه عمومی نیست. شرکت ها و افراد خصوصی می توانند نیاز به سازگاری را ببینند و بر اساس آن عمل کنند. وقتی این کار را نکنند، شرکت های بیمه می توانند چشم خود را به ریسک هایی که در معرض بروز هستند، باز کنند.

\* معضل مفت بری یا مفت سواری (Free-rider problem) در علم اقتصاد وقتی رخ می دهد که کسانی که از منابع، کالاها یا خدمات سود می برند بهای آنها را - دست کم به اندازه کافی - پرداخت نکنند. امری که که منجر به کمبود تأمین آن کالاها یا خدمات می شود. در اینجا منظور سوء استفاده برخی اعضای توافق پاریس از مفاد آن در مقابل سایر اعضاست. مثلاً کشورهای غربی گاهی چین را متهم

نگاهی به بودجه شهرداری تهران در سال ۱۴۰۰

# رویای بلدییه پولدار یا واقعیت اداره تهران با قرض

امید سلیمی بنی

تومان، حاصل شد. به بیان دیگر نمی‌شود انتظار داشت زمانی که در بهترین فصول ساخت و ساز سال گذشته تنها ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان گیر شهرداری آمد، در سال کساد بی‌رونقی افزونتر ساخت و ساز، به درآمد بیش از ۳ برابر سال گذشته، رسید. این تلقی چندان واقعگرایانه به نظر نمی‌رسد.

## ■ نگاهی به کلیات بودجه

بودجه حدود ۴۹ هزار میلیارد تومانی شهرداری تهران در حالی به تصویب شورای شهر رسید که عملاً ساز و کار ملموس و قابل اجرایی برای تأمین و دسترسی به آن در لایحه ۱۳۶ صفحه‌ای و نه چندان مفصل شهرداری دیده نشده است. کلیات بودجه حاکی از آن است که نزدیک به ۱۶ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان هزینه برای خدمات عمومی شهر در نظر گرفته شده است، اندکی بیش از ۲۳ هزار و ۳۱۰ میلیارد تومان برای توسعه عمرانی کالبدی شهر و ۸ هزار و ۸۸۰ میلیارد تومان هم برای خرید دیون و پرداخت سودوام، قروض، تسهیلات و نظایر آن باید اختصاص یابد. بودجه سال ۱۴۰۰ شهرداری در حالی به تصویب شورای شهر رسید که نسبت به بودجه حدود ۳۰ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی سال گذشته (۱۳۹۹) بیش از ۶۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد. سال گذشته

یکی از عجایب بودجه ریزی در بین برنامه‌های مالی در کلانشهرهای کشور است. بودجه‌ای مبتنی بر ارقامی که دسترسی به آنها به نظر می‌رسد با کساد بازار و بی‌رونقی ساخت و ساز، چندان شدنی نباشد. به عنوان مثال نمی‌توان به رسیدن به چشم انداز بودجه ۴۹ هزار میلیارد تومانی‌ای دل خوش داشت که برای گرفتن عوارض پروانه ساخت و سازهای مجاز ۹ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده در حالی که در ۹ ماهه ابتدایی سال گذشته یعنی اوج ساخت و سازها و گرمی هوا، کمتر از ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد

بودجه حدود ۴۹ هزار میلیارد تومانی شهرداری تهران در حالی به تصویب شورای شهر رسید که عملاً ساز و کار ملموس و قابل اجرایی برای تأمین و دسترسی به آن در لایحه ۱۳۶ صفحه‌ای و نه چندان مفصل شهرداری دیده نشده است.

شهرداری تهران با سبلی صورت خود را سرخ نگه می‌دارد. این راز بودجه سال ۱۴۰۰ به خوبی می‌توان دریافت. بودجه‌ای که بر اساس درآمد‌های غیر قابل وصول و مخارج بالا بسته شده و انتظار نمی‌رود در پایان سال یا هنگام تفریغ بودجه ۱۴۰۰ به رسیدن به اهداف آن امیدوار بود. این روزها که بحث انتخاب شهردار تهران داغ است و گروه‌های شهری و سیاسی در حال کشمکش برای نشان دادن فرد مورد نظر خود در کاخ خیابان بهشت هستند، باید توجه داشت که دستگاه عریض و طویل بلدییه وضعیت خوبی ندارد. واقعیت این است که شهرداری تهران از لحاظ مالی در تنگناهای شدیدی است که بودجه ۱۴۰۰ به روشنی این تنگناها را توضیح می‌دهد. پس از آنکه برنامه توسعه شهرداری تهران در سال ۱۳۹۷ نوشته شد، باید بودجه بندی در شهرداری تهران قانوناً تبدیل به برش‌های یکساله از این برنامه می‌شد ولی از آنجایی که نه برنامه قدرتمند و مبتنی بر واقعیت نوشته شده بود و نه شهرداری تمایلی به مقید کردن خود به برنامه‌های میان مدت ۵ ساله دارد، برای همین بودجه‌های سالانه شهرداری، دست کم در خلال سالهای ۹۸ تا کنون، هر یک برای خود سازی می‌زند که نواهای متفاوتی از آن شنیده می‌شود. بودجه امسال شهرداری تهران هم

که چرا شهرداری تهران به سمت پرداخت دیون خود می‌رود در حالی که انتخابات در راه است و می‌توان از حالا با درصد بالایی از احتمال گفت که تیم مدیریت ارشد شهر در دوره بعدی در کاخ بهشت بعید است حضور یابد. دلیل آن به نظر می‌رسد در پیگیری‌های طلبکاران باشد. به بیان دیگر، طلبکاران، پاشنه در شهرداری تهران را از جا درآورده‌اند!

■ لایحه‌ای با طعم کلاس درس

واقعیت این است که لایحه بودجه شهرداری تهران در سال ۱۴۰۰ یک ضعف بسیار بزرگ دارد و آن، خلط کردن مفهوم بودجه نویسی عملیاتی با آموزش کلاسیک بودجه نویسی است. گویا نویسندگان بخشهایی از این بودجه متوجه نبوده‌اند کسی قرار نیست بودجه پایتخت را بخواند تا بفهمد تعریف انواع قراردادهای مشارکتی چیست ولی در کمال

تعجب می‌بینیم آموزش دادن به خوانندگان این لایحه بسیار مهم، بخش قابل توجهی از حجم لایحه بودجه را در بر گرفته است. مثلاً در صفحه ۷۸ بودجه، درباره مفهوم مشارکت عمومی و خصوصی، توضیحاتی کلاسیک و آموزشی داده می‌شود و در صفحات بعدی درباره روشهای مشارکت خصوصی در ماده ششم سند جامع سرمایه گذاری و مشارکت شهرداری تهران مصوب سال ۱۳۹۸ شورای شهر، توضیحات مبسوطی داده می‌شود تا مثلاً مخاطب بداند منظور از پروژه BOT چیست. این توضیحات تا صفحه ۸۳ به طول می‌انجامد و پس از آن، جداول مشارکت در برنامه پنج ساله سوم شهرداری تهران به بیان جزئیات مشارکت از قبیل چشم انداز، راهبرد، سیاست و اقدامات که در عرف برنامه ریزی کلان سازمانها به مدل برنامه ریزی بخشی (هسته‌ای) معروف



تأمین بدهی‌های شهرداری اختصاص یافته است. همانطور که مشاهده می‌شود شهرداری تهران هم و غم خود را برای پرداخت دیون و بدهی‌ها دو برابر کرده است. مسئله اینجاست

واقعیت این است که لایحه بودجه شهرداری تهران در سال ۱۴۰۰ یک ضعف بسیار بزرگ دارد و آن، خلط کردن مفهوم بودجه نویسی عملیاتی با آموزش کلاسیک بودجه نویسی است. گویا نویسندگان بخشهایی از این بودجه متوجه نبوده‌اند کسی قرار نیست بودجه پایتخت را بخواند تا بفهمد تعریف انواع قراردادهای مشارکتی چیست.

بودجه شهرداری تهران حدود ۳۰ هزار و ۵۷۵ میلیارد تومان بود هزینه‌های جاری شهر حدود ۱۱ هزار و ۴۵۰ میلیارد تومان تخمین زده شده بود. بیش از ۱۴ هزار و ۷۱۱ میلیارد تومان برای بودجه عمرانی کنار گذاشته شده بود و رد دیون و پرداخت قروض و سود آنها به طور عام هم حدود ۴ هزار و ۴۱۲ میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود.

■ بیشترین رشد بودجه

شهرداری کجاست؟

روی کاغذ، بودجه سال ۱۴۰۰ حدود ۶۰ درصد نسبت به بودجه سال ۱۳۹۹ افزایش نشان می‌دهد. از تخصیص واقعی عملکرد بودجه که بگذریم، می‌توان گفت در مقایسه با بودجه بندی سال گذشته، رشد بودجه در بخش هزینه‌های جاری شهر حدود ۴۵ درصد رشد داشته است. بودجه عمرانی شهرداری

حدود ۶۰ درصد (۵۸ درصد) رشد را نشان می‌دهد و پرداخت دیون شهرداری هم بیش از دو برابر سال گذشته افزایش داشته است. همچنین سهم هر یک از سه بخش مخارج عمده بودجه در شهرداری تهران در سال ۱۴۰۰ در نمایی ساده حاکی از آن است که سهم بودجه هزینه‌های جاری شهر حدود ۳۴ درصد کل بودجه را شامل می‌شود. بودجه پروژه‌های عمرانی در تهران، حدود ۴۷ درصد کل بودجه را شامل می‌شود و بودجه خرید و تأدیه دیون شهرداری حدود ۱۸ درصد از کل بودجه شهر را در بر می‌گیرد. در حالی که در سال گذشته (۱۳۹۹)، بررسی سهم هر یک از رؤس بودجه حاکی از آن است که بیش از ۳۷ درصد بودجه به هزینه‌های جاری اختصاص داشت، همچنین بیش از ۴۸ درصد بودجه برای پروژه‌های عمرانی کنار گذاشته شده بود و الباقی (حدود ۱۵ درصد) بودجه برای

است، می‌پردازد. از صفحه ۹۰ به بعد هم این بودجه به بیان قوانین، مقررات و مصوبات مرتبط با سرمایه‌گذاری مشارکتی بخش خصوصی می‌پردازد و انواع مصوبات به تفصیل نام برده و شرحی از آن هم بیان می‌شود تا در صفحه ۹۸ به بیان چالشها و نارسایی‌های توسعه مشارکتی در پروژه‌های زیرساختی برسیم و بلافاصله جداولی از راهبردها و راهکارهای شهرداری در غلبه به این چالشها بیان شده که این جداول در صفحه ۱۰۱ به متن تبصره ۱۹ بودجه سال ۱۴۰۰ شهرداری منجر شود. علاوه بر اشتباه گرفتن لایحه نویسی بودجه سالانه شهرداری تهران با کلاس آموزش و درس دادن پای تخته سیاه، باید گفت اصولاً این نوع بودجه نوشتن، را نمی‌توان «بودجه نویسی» به معنی خالص آن دانست، بلکه پر کردن صفحات برای ارائه سندی در حد بیش از ۱۰۰ صفحه بدون آنکه محتوای خاصی از آن منتشر شود، یادآور بودجه نویسی به سبک محمود احمدی نژاد است که چند ورقی را به رئیس مجلس داد و گفت چه نیازی است بودجه‌های چند صد صفحه‌ای نوشته شود؟ منطق جالب آن نوع بودجه نویسی این بود که مملکت را باید با کار اداره کرد نه بودجه نویسی؛ و در نهایت، طرز فکر او منجر به پدیده‌های نظارت‌گریزی مانند بابک زنجانی شد. بخش بعدی لایحه بودجه به پروژه‌های مشارکتی بالقوه در مناطق و سطح شهر اشاره دارد که بررسی آنها چیز دندانگیری به مخاطب نمی‌دهد. چون برخی چنان ریز و جزئی نوشته شده است (توسعه پمپ بنزین در فلان محله) و برخی چنان کلی و مبهم آمده‌اند (احداث پیاده راه دو طبقه از برج میلاد تا پل طبیعت) که نمی‌توان درباره کم و کیف آنها قضاوت کرد.

## ■ عجایی از بودجه ۱۴۰۰

اصلی‌ترین بخش ارقام بودجه را در جداول پرتراکم انتهای این لایحه باید دید که در ۴ صفحه خلاصه شده و مهمترین بخش داده‌های اصلی بودجه ۱۴۰۰ را شامل می‌شود. روشی همانند روش بودجه نویسی دولت احمدی نژاد

و منطق «حالا به کاریش می‌کنیم» ی که چند سال بر بودجه بندی کشور حاکم بود. در این جدول است که می‌بینیم درآمدی به نام عوارض آلاینده‌گی که در سال ۹۹ پیش بینی نشده بود در سال ۱۴۰۰ بالغ بر ۸۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. همچنین همانطور که در مقدمه این گزارش بیان شد عوارض پروانه‌های ساختمانی در حد تراکم مصوبه سال ۹۹ برابر با ۷ هزار و ۱۰۵ میلیارد تومان بود که در ۹ ماهه ابتدای سال گذشته تنها ۲ هزار و ۲۸۶ میلیارد تومان آن وصول شد با این حال شهرداری پیشنهاد کرده است در سال ۱۴۰۰ این مبلغ به ۹ هزار و ۱۶ میلیارد تومان افزایش یابد که شورا با ۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان آن موافقت کرده است.

سال‌ها منتقدان شهرداری ادوار قبلی از جمله رئیس سابق شورای عالی شهرسازی و معماری که اکنون در جایگاه شهردار تهران نشسته است، شهرداران سابق را به درستی متهم به فروش شهر، تراکم فروشی یا درآمدزایی از اضافه اشکوب می‌کردند.

بودجه ناپایدار یا همان درآمد از تراکم فروشی سال‌ها منتقدان شهرداری ادوار قبلی از جمله رئیس سابق شورای عالی شهرسازی و معماری که اکنون در جایگاه شهردار تهران نشسته است، شهرداران سابق را به درستی متهم به فروش شهر، تراکم فروشی یا درآمدزایی از اضافه اشکوب می‌کردند. اتفاقی که همین امسال در بودجه شهرداری تهران به شکل غلیظی افتاد. بهتر است اینطور بیان شود که اگر کسی خواست به شما بقبولاند تراکم فروشی با اضافه اشکوب، هلوگرام شناور و بودجه ناپایدار معانی مختلفی

دارد، یا شما را ساده گیر آورده یا می‌خواهد حقایقی را مخفی کند چون همه این کلمات یک معنی بیشتر ندارند: شهر فروشی! اتفاقی که در بودجه ۱۴۰۰ به عینه افتاده است. باید گفت ردیف ۱۱۰۲۰۳ بودجه خطرناکترین ردیف بودجه‌ای است که تاکنون در شهرداری تهران نوشته شده و انتشار عمومی پیدا کرده است. چون نباید از حق گذشت اگر شهرداران سابق، در این راه قدم کج می‌گذاشتند، آن را علنی نشر نمی‌دادند. در این ردیف که با نام عوارض بر پروانه ساختمانی مازاد بر تراکم پایه برای فضاهای مسکونی عنوان شده و معنی واضح آن تراکم فروشی است، در سال گذشته ۶ هزار و ۸۹۴ میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود که در نه ماهه ابتدای سال گذشته تنها ۳ هزار و ۴۳۱ میلیارد تومان آن وصول شد. این مبلغ برای امسال به پیشنهاد شهرداری ۱۰ هزار و ۶۳۷ میلیارد تومان بود که شورای شهر با کاستن بیش از ۱۰ درصد از آن، مبلغ ۹ هزار میلیارد تومان آن را به تصویب رساند. همچنین تراکم مازاد بر پایه برای فضاهای غیر مسکونی (خدماتی-اداری-تجاری) بیش از ۹ هزار و ۳۷۶ میلیارد تومان پیشنهاد شده بود که شورای شهر با نزدیک به ۷ هزار و ۷۴۰ میلیارد تومان آن موافقت کرد. در دل این ارقام می‌توان به میزان تراکم فروشی در مجتمع‌های ایستگاهی (همان مغازه‌ها و فروشگاه‌هایی که در ایستگاه‌ها به وجود آمده‌اند) و پروژه‌های مشارکتی با بخش خصوصی که اکثراً پروژه‌های خدماتی و تجاری هستند، اشاره کرد که ارقام درشتی است، همچنین برای مجتمع‌های ایستگاهی حدود ۱۷۰ میلیارد تومان و برای پروژه‌های مشارکتی حدود ۲۳۷ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. عمده‌ترین درآمدهای شهرداری از کجاست؟ عوارض قطع اشجار، عوارض جدی است که در بودجه ۱۴۰۰ تهران در ردیف ۱۱۰۲۰۷ آمده و انتظار می‌رود درآمدزایی آن در حد ۳۰۰ میلیارد تومان پیش بینی شود و عوارض آتش نشانی ساختمانها هم که در سال گذشته رقم آن صفر



منظور شده در سال جدید ۲۶۰۰ میلیارد تومان منظور شده است. جریمه نداشتن پارکینگ یا به بیان بودجه‌ای آن، عدم امکان تأمین پارکینگ هم سرجمع ۱۶۵۴ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. معنی دیگر این ردیف، شلوغ شدن بیشتر کوچه و پس کوچه‌ها از اتومبیل‌های پارک شده است که جایی برای پارکینگ در ساختمانها ندارند. درآمد ورود به طرح ترافیک هم پیش بینی شده برای شهرداری ۳۸۰ میلیارد تومان آورده داشته باشد. یکی دیگر از نکات بودجه‌ای ۱۴۰۰ شهرداری، این است که پیاده روه‌ای تهران هم به بهره برداران اجازه داده می‌شود و انتظار می‌رود طبق بودجه امسال، ۲۰ میلیارد تومان از این راه عاید شهرداری شود که در مقایسه با گستردگی شهر، رقم بالایی نیست. برج میلاد هم باید با بلیت‌های ۷۰ هزار تومانی بازدید ایرانیان و ۲۵ دلاری بازدید توریست‌ها در پایان سال ۱۴۰۰ بتواند ۳۰۰ میلیارد تومان درآمد به شهرداری برساند. شرکت‌های خدماتی که آسفالت خیابانها را حفاری می‌کنند هم باید در طول سال، طبق پیش بینی بودجه ۵۵ میلیارد تومان پول به شهرداری بدهند و درآمد باز یافت زباله در شهرداری ۱۰۰ میلیارد تومان تخمین زده شده است. شهرداری انتظار دارد درآمد حاصل از تأخیر در پرداخت چک‌هایی که دریافت کرده است هم سالانه ۱۰۰ میلیارد تومان شود و

جریمه حاصل از کمیسیون ماده ۱۰۰ که برای

را برآورده کرد.

## ■ بدهکاری روی بدهکاری

ظاهراً شهرداری تهران حساب ویژه‌ای برای کسب درآمد از طریق ایجاد دین و بدهی باز کرده است. ردیف ۳۰۰۰۰۰ بودجه به روشنی نشان می‌دهد شهرداری به فکر تأمین منابع مالی مورد نیاز خود از طریق وام و فروش اوراق مشارکت با سود بالا و به بیان دیگر، افزایش بدهکاری مدیریت شهری است. این ردیف به استقراض، وام، فروش اوراق قرضه (مشارکت) و سهام سازمانهای زیر مجموعه شهرداری می‌پردازد. طبق ردیف یاد شده، درآمد شهرداری از محل قرض و بدهی در این ردیف بودجه‌ای، ۵ هزار و ۷۶۶ میلیارد تومان پیش بینی شده بود که شورای شهر به شهرداری اجازه داد تا ۵ هزار و ۹۱۶ میلیارد تومان استقراض کرده، اوراق مشارکت و سهام بفروشد. نکته اینجاست که شهرداری درصدد است که ۲ هزار میلیارد تومان اوراق مشارکت بفروشد که پیش بینی می‌شود عمده‌ترین خریداران این اوراق که سود بالا و تضمین شده دارند، بانک‌ها و مؤسسات مالی باشند که هم اکنون دهها هزار میلیارد تومان از شهرداری طلبکارند. همچنین شهرداری پیشنهاد داده بود که ۵۰ میلیارد تومان از سهام مؤسسات و شرکت‌های خود را بفروشد که شورای شهر تصمیم گرفت این مبلغ را تا ۲۰۰ میلیارد تومان افزایش دهد.

ظاهراً شهرداری تهران حساب ویژه‌ای برای کسب درآمد از طریق ایجاد دین و بدهی باز کرده است. ردیف ۳۰۰۰۰۰ بودجه به روشنی نشان می‌دهد شهرداری به فکر تأمین منابع مالی مورد نیاز خود از طریق وام و فروش اوراق مشارکت با سود بالا و به بیان دیگر، افزایش بدهکاری مدیریت شهری است.

جلوگیری از تخلفات تشکیل شده و حالا تبدیل به منبع درآمدی برای شهرداری شده، برای امسال حدود ۲۵۶ میلیارد تومان در نظر گرفته شده است. شهرداری تصمیم گرفته است در سال ۱۴۰۰ از محل فروش اموال و دارایی‌های غیرمنقول خود، ۸ هزار و ۲۷۸ میلیارد تومان درآمد کسب کند. این مبلغ در سال گذشته ۱۶۸۹ میلیارد تومان در نظر گرفته شده بود که در ۹ ماه ابتدای سال گذشته شهرداری موفق شد تنها ۵۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان از دارایی‌های سرمایه‌ای خود را واگذار کند. یعنی این عدد تنها ۳ درصد انتظار شهرداری در سال گذشته

## تأمین هزینه‌های درمان یک معلول فلج مغزی از طریق زباله‌گردی

### سطل زباله

### بی‌منت

### به‌ما

### همه چیز

### می‌دهد

نجمه رحمتی

"سطل آشغالی" تنها دوست و رفیق ما است که بی‌منت به ما کمک می‌کند و هیچ چیز را از ما دریغ نمی‌کند. من از سطل آشغالی ممنونم که خیلی سال است زندگی ما را می‌چرخاند.

در حوالی این شهر شلوغ و در ازدحام کوچه پس کوچه‌های آن در خانه‌ای کوچک که پُر شده از وسایل ضایعاتی دختری زندگی می‌کند که اگر چه به دلیل بیماری فلج مغزی (CP) دست‌ها و پاهایش دفرمه است و حتی قادر به حرکت نیست و در گوشه‌ای از اتاق خوابیده، در نگاه‌هایش اما مهربانی‌ست، چشم‌هایش برای حرف می‌زند؛ چشم‌هایش از غصه‌ها و رنجی که در این سال‌ها به دلیل بیماری و فقر کشیده می‌گوید؛ فقط چشمی می‌خواهد برای دیدن نگاه‌هایش و ذهنی کنجکاو برای باور کردنش.

لیلا اگر چه قادر به صحبت نیست، اما بسیار باهوش و کنجکاو است، به گفته خواهرش، مادر او زمانی که لیلا را باردار بوده، به دلیل مشکلات خانوادگی، قرص اعصاب مصرف می‌کرده است و زمانی که لیلا با بیماری پا به این دنیا می‌گذارد، برای همیشه او و خواهر و برادرش را ترک می‌کند. البته این روزها مادر گهگاهی به لیلا سر می‌زند. لیلا مدتی است به بیماری لوپوس مبتلا شده و این بیماری شرایط او را با مشکلات بسیاری همراه کرده است و هزینه‌های مضاعفی را بر دوش خواهر و برادرش که از طریق زباله‌گردی امرار معاش می‌کنند، گذاشته است.

لیلا روزی ۳۸ عدد قرص مصرف می‌کند خواهر لیلا درباره شرایطش می‌گوید: خواهرم دچار عقب افتادگی ذهنی جسمی است. همچنین علاوه بر عقب افتادگی ذهنی و جسمی چندین سال است که به بیماری لوپوس مبتلا شده، بیماری لوپوس به دلیل اینکه یک بیماری رونده است، کلیه‌های، کساله‌های ران و غدد زیر بغلش را نیز درگیر کرده است. متأسفانه ما هیچ کاری نمی‌توانیم برای انجام دهیم، چرا که هزینه‌های دارویی لیلا بسیار سنگین است.

وی ادامه می‌دهد: لیلا روزی ۳۸ عدد قرص مصرف می‌کند و هزینه‌های درمان و دارو برای ما بسیار گران تمام می‌شود. ما بیمه سلامت هستیم،

اما برخی از داروهای لیلا نایاب و کمیاب هستند و برخی از داروهایش اصلاً توسط بیمه سلامت پوشش بیمه‌ای ندارد و بیشتر داروهایی که تهیه می‌کنیم، آزاد است.

خواهر لیلا در ادامه صحبت‌هایش کیف داروهای لیلا را می‌آورد و با اشاره به نام داروهایی که لیلا برای بیماری‌های مختلفش مصرف می‌کند، می‌گوید: کوئیناکس ۱۰۰ میل، پریمیدون ۲۵۰، آزارام ۵۰ میل و... از جمله داروهایی است که روزانه به دستور پزشک لیلا مصرف می‌کند.

وی تصریح می‌کند: به دلیل بیماری لوپوس ریه لیلا آب آورده است و نزدیک به یک سال و نیم است که ریه‌اش نیز درگیر شده است. میزان گلبول‌های سفید لیلا خیلی پایین است و وقتی سرفه می‌کند ما فکر می‌کردیم به دلیل عفونت ریه است. دکتر نیز به او داروهای چرک خشک کن می‌داد، اما متأسفانه به داروها جواب نمی‌داد، تا اینکه پزشک روماتولوژیست به ما گفت، اسکن و اکو قلب بگیریم و آنجا بود که متوجه شدیم ریه سمت راستش آب آورده است، دوباره مجبور شدیم لیلا را به پزشک دیگری ببریم و آب ریه‌اش را تخلیه کردند، اما متأسفانه در عرض یک ماه ریه لیلا مجدداً دو برابر آب آورد و بدون اکسیژن هم اصلاً نمی‌تواند تنفس کند. آب ریه را دوباره تخلیه کردند، پس از آن دکتر گفت حتماً باید بیمارستان بستری شود و یک آمپول به اسم بلتوماسین در داخل ریه‌اش تزریق کند، تا از جمع شدن آب در ریه جلوگیری کند، اما به دلیل شرایطی که لیلا دارد نمی‌توانستیم او را در بیمارستان بستری کنیم، از سوی دیگر ما هم توان پرداخت هزینه بیمارستان را نداشتیم و نتوانستیم این آمپول را به او بزنیم.

■ برای اینکه در خواب خفه نشود، برایش "درن" گذاشتند

وی که بیش از سی سال است از خواهرش نگهداری می‌کند، می‌گوید: آخرین کاری که توانستیم برای لیلا انجام دهیم، این بود که به توصیه یکی از پزشکان برای او در ریه‌اش درن گذاشتند تا آب ریه از طریق درن خارج شود، به گفته پزشکش با این کار از خفه شدن او در خواب جلوگیری می‌کنیم، اما روزی چند بار این کیسه تا





۱۰۰ سی سی پر می شود و باید آن را خالی کنم. برای درن هم باید از پانسمن های مخصوص استفاده کنیم که اخیراً برای تهیه آن ۸۱۹ هزار تومان هزینه کرده ایم، البته می توانیم از چسب معمولی هم استفاده کنیم، اما به دلیل اینکه لیلا دارای مشکل سی پی است، ممکن است متوجه نشده و به یکباره درن را بکشد و باعث بروز مشکل و پارگی ریه اش شود.

■ **مستمری لیلا ۱۷۵ هزار تومان است**

لیلا به دلیل بیماری فلج مغزی (CP) قادر به حرف زدن نیست، اما از هوش و حافظه بسیار خوبی برخوردار است و همچنین قدرت شنوایی بالایی دارد. در هنگام صحبت هایم با خواهرش او با دقت به من نگاه کرده و دستانم را لمس می کند، از خواهر لیلا می پرسم آیا تحت پوشش سازمان بهزیستی هستید، می گوید: بله، تحت پوشش هستیم. من سی سال است که از خواهرم نگهداری می کنم، اما اخیراً و در دو ماه گذشته به ما ۶۰۰ هزار تومان حق پرستاری پرداخت کرده اند و این حق پرستاری علاوه بر مستمری ۱۷۵ هزار تومانی است که هر ماه برای لیلا واریز می شود. البته در تیرماه این مبلغ را به ما ندادند

و مادر حال پیگیری این موضوع هستیم، از طرف بهزیستی به ما گفتند، واریز شده اما بانک به شما پرداخت نکرده است، اما بانک گفت اگر پول به بانک بیاید، ما سر بعه حساب واریز می کنیم، به هر حال ما همچنان در حال پیگیری هستیم. برای من، همین ۶۰۰ هزار تومان هم خیلی پول است، اما شاید به چشم خیلی ها این پول نیاید. وقتی باید در ماه ۳ میلیون ۳ میلیون و نیم هزینه درمان خواهرم را بدهم این پول خیلی

می تواند کم کم کند.

■ **با کارت بهزیستی توانستم برای پدرم یک**

**قبر قسطی تهیه کنم**

از خواهر لیلا درباره اینکه امورات زندگی شان چگونه می گذرد می پرسم و او پاسخ می دهد: مادرم بعد از تولد لیلا ما را ترک کرد و ما با پدرم و همسر اول او که بسیار به ما محبت داشت، زندگی می کردیم. پدرم در گذشته در بازار مغازه داشت و وضع ما خوب بود، اما به یکباره ورشکسته شد و همه چیز از دستمان رفت، بعد از آن پدرم سگته کرد و زمین گیر شد و مادرم هم به بیماری مبتلا شد و هر دو زمین گیر شدند و من و برادرم هم از آن ها و هم از لیلا مراقبت می کردیم. در آن سال ها خیلی تلاش کردم تا پدرم را به دلیل فلج شدن ناشی از سگته مغزی تحت پوشش سازمان بهزیستی ببرم، اما زمانی موفق به این کار شدم که دو هفته بعد از آن پدرم فوت شد و تنها با کارت بهزیستی که برای پدرم صادر شده بود، توانستم یک قبر قسطی برای او تهیه کنم. وی ادامه می دهد: در تمام این سال ها برادرم با زبانه گردی تلاش می کند تا هزینه زندگی مان را تأمین کند، البته قطعاً با زبانه گردی نمی توان

لیلا اگر چه قادر به صحبت نیست، اما بسیار باهوش و کنجکاو است، به گفته خواهرش، مادر او زمانی که لیلا را باردار بوده، به دلیل مشکلات خانوادگی، قرص اعصاب مصرف می کرده است و زمانی که لیلا با بیماری پا به این دنیا می گذارد، برای همیشه او و خواهر و برادرش را ترک می کند.

هزینه دکنتر و درمان لیلا را تأمین کرد و برخی از دوستان و همسایه‌ها که از وضعیت ما با اطلاع هستند به ما در این زمینه کمک می‌کنند مثلاً پول فطره یه‌شان را برای ما می‌آورند، اما واقعاً تأمین هزینه درمان برایمان سخت است، از سوی دیگر هم نمی‌توانیم این اقدامات را برای لیلا انجام ندهیم، من نمی‌توانم ببینم خواهرم درد می‌کشد و دست روی دست بگذارم و برای او کاری انجام ندهم. آخرین بار هم که لیلا را به دکتر بردیم مجبور شدم تنها یادگاری که از مادرم برایمان ماند بود را بفروشم و هزینه درمان لیلا را بدهم. البته نفری ۴۵ هزار تومان هم یارانه می‌گیریم که ۳۵ هزار تومان آن برای قسط وامی که سال گذشته برای شرایط کرونا پرداخت کردند کم می‌شود.

## ■ سطل زباله تنهایی جایی است که بی‌منت به ما همه چیز می‌دهد

خواهر لیلا با اشاره به تشک‌های کهنه تخت که در کنار در اتاق برای حفاظت گذاشته است، می‌گوید: همه این‌ها را برادرم از ضایعات جمع می‌کند. ما حتی لباس‌هایمان را هم از طریق ضایعاتی که کنار خیابان گذاشته می‌شود تأمین می‌کنیم، اما با همین شرایط هم تا آخرین لحظه‌ای که جان در تنم باشد از خواهرم نگهداری می‌کنم. من در جایگاهی نیستم که بخواهم کسی را نصیحت کنم اما این را برای کسانی می‌گویم که به راحتی بچه‌هایشان را کنار می‌گذارند و همه چیز را رها می‌کنند؛ ما با سختی از خواهرمان نگهداری و مراقبت می‌کنیم و تا آخرین لحظه‌ای که جان در بدن داشته باشیم از خواهرمان نگهداری می‌کنم.

کهنه‌های لیلا را هم از ضایعات تهیه می‌کنیم و می‌ادامه می‌دهد: خدا خواهرم را خیلی دوست دارد، چند سال پیش شب یلدا هیچ چیزی در خانه نداشتیم، برادرم از خانه بیرون رفت و بعد از ساعتی با یک هندوانه ترک خورده به خانه برگشت، هندوانه را از یکی از سطل‌های زباله پیدا کرده بود؛ وقتی هندوانه را برش زدیم اصلاً برایمان قابل تصور نبود که هندوانه‌ای که از سطل آشغال پیدا کردیم آنچنان شیرین و خوشمزه باشد. من همیشه می‌گویم سطل زباله تنهایی جایی است

که بی‌منت به ما همه چیز می‌دهد اگر دیگران ما را رها کرده‌اند و ما جزو نبوده‌های این دنیا هستیم، اما خدا چشمش همیشه به ما بوده است تا الان هم خدا ما را نگه داشته است.

کهنه پارچه‌هایی که بجای پوشک برای لیلا استفاده می‌شود در گوشه‌ای از اتاق به چشم می‌خورد، خواهرش به آن‌ها اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: لیلا به دلیل بیماری فلج مغزی (CP) و ایزوله بودنش نیاز به پوشک دارد اما متأسفانه ما نمی‌توانیم به دلیل هزینه‌های سنگین پوشک تهیه کنیم و لیلا را کهنه می‌کنیم، کهنه‌ها را هم بیشتر از طریق همین ضایعات تهیه می‌کنیم و بعد می‌شویم و تمیز می‌کنیم تا بتوانیم از آنها برای لیلا استفاده کنیم. هزینه پوشک بسیار زیاد است و ما قادر به تأمین آن نیستیم مگر اینکه فردی پیدا شود و بیمار پوشکی داشته باشد و بعد خدای نکرده بیمارش فوت کند و یک جعبه پوشک نیمه باز داشته باشد و به ما بدهند تا برای لیلا مصرف کنیم یا کسی برای لیلا نذر و نیاز کند و بسته پوشک بیاورد، اما در کل برای لیلا از کهنه استفاده می‌کنیم و لیلا به دلیل اینکه یک کلیه دارد همیشه کلیه‌اش عفونت دارد.

خانه کوچکی که لیلا و خواهر و برادرش در آن زندگی می‌کنند در طبقه چهارم است، بالا و پایین رفتن از پله‌های باریک و بلند این ساختمان برای افراد سالم هم سخت است چه برسد به اینکه بخواهی یک فرد معلول را از این پله‌ها جابجا

کنی. اما خواهر لیلا با عشقی که به خواهرش دارد هر بار که قرار است برای درمان لیلا به پزشک مراجعه کنند، او را کول کرده و تمام این پله‌ها را که حدود ۹۰ پله است پایین می‌رود و بعد هم موقع بازگشت دوباره او را کول کرده و بالا می‌آورد. او می‌گوید: هر بار که به دکتر می‌رویم و لیلا را پایین می‌برم و بعد او را به خانه برمی‌گردانم تا یک هفته مجبور هستیم با او و پدرم حرکت کنیم. مشکلات لیلا ۴۰ ساله در این خانه کوچک بسیار زیاد است، اما خواهرش که در تمام این سال‌ها عاشقانه از او پرستاری کرده، تمام تلاشش را می‌کند تا شرایط مناسبی را برای خواهرش فراهم کند. روزهای قطعی برق هم برای لیلا و خانواده‌اش دردسرساز شده بود، چراکه وقتی برق می‌رفت لیلا که با کپسول اکسیژن تنفس می‌کند با مشکل مواجه می‌شود و به گفته خواهرش در زمانی که برق نیست او را ثابت و بی‌تحرك نگاه می‌دارند تا مشکلی برایش ایجاد نشود.

من و برادرم همه وجودمان را برای خواهرمان گذاشته‌ایم

از او وقتی می‌پرسم آیا تا به حال تصمیم گرفته‌ای خواهرت را به آسایشگاه ببری، در حالی که موهای کوتاه لیلا را نوازش می‌کند و عروسک مورد علاقه‌اش را به او می‌دهد، می‌گوید: لیلا نزدیک بهار که می‌شود دچار مشکلات عصبی شده و کاملاً بهم می‌ریزد به حدی که اگر او را کنترل نکنیم ممکن است به خودش یا به دیگران آسیب وارد کند. حدود ۲۰ سال پیش وقتی برای اولین بار لیلا دچار این مشکل شد ما که علت آن را نمی‌دانستیم خیلی ترسیدیم شب عید بود و پدرم توانست یک جای خالی در یک آسایشگاه در تهران پیدا کند. لیلا را در شب چهارشنبه‌سوری به آن جا بردیم. هیچ وقت آن شب را فراموش نمی‌کنم همه در خانه ما از نبود لیلا بی‌قرار و ناراحت بودند. فردای آن روز پدرم از غصه و غمی که به دلیل عدم حضور لیلا در خانه داشتم، صبح زود از خانه بیرون رفت. من و برادرم هم که دیگر نتوانستیم دوری لیلا را تحمل کنیم به آسایشگاه رفتیم.

از او وقتی می‌پرسم آیا تا به حال تصمیم گرفته‌ای خواهرت را به آسایشگاه ببری، در حالی که موهای کوتاه لیلا را نوازش می‌کند و عروسک مورد علاقه‌اش را به او می‌دهد، می‌گوید: لیلا نزدیک بهار که می‌شود دچار مشکلات عصبی شده و کاملاً بهم می‌ریزد به حدی که اگر او را کنترل نکنیم ممکن است به خودش یا به دیگران آسیب وارد کند.

چه عواملی سفره مردم را با چالش مواجه کرد؟

## گام‌های تنظیم بازار

محبوبه فکوری

ذخیره‌سازی به مفهومی که در برخی کشورهای دیگر صورت می‌گیرد، دور بوده‌اند؛ در ماه‌های ابتدایی شیوع ویروس کرونا، با پاسخ منفی از سوی فروشندگان مواد غذایی در دنیا مواجه شدند که از فروش کالاهای خود به هر دلیلی از جمله ممنوعیت‌هایی که کشور هدف وارداتی برای صادرات کالاهای غذایی اعمال کرده بود، امتناع می‌کردند.

### ■ خشکسالی‌های بی سابقه کار دست دولت داد

نکته دیگری که باید در این میان به آن پرداخته شود، خشکسالی‌های بی سابقه‌ای است که ایران را فرا گرفته و بسیاری از برنامه‌های تولید را با انحراف قابل توجهی مواجه ساخته است؛ به این معنا که اگر پیش‌بینی عدد مشخصی برای واردات گندم یا جو صورت گرفته بود، به دلیل خشکسالی‌ها و البته برخی سوءتدبیرهای دولت در حمایت از کشاورزان، باید عدد تعیین شده برای واردات کاملاً مورد بازنگری قرار گرفته و تعدیل شود تا زمینه‌ای را فراهم سازد که کشور با کمبود کالا مواجه نشود؛ بنابراین میزان واردات نسبت به پیش‌بینی انجام شده و عدد محقق شده سال قبل، با افزایش مواجه گردید.

نکته حائز اهمیت کاهش شدید ثبت سفارش، تخصیص و تأمین ارز واردات کالاهای اساسی مشمول ارز ۴۲۰۰ تومانی است که از ابتدای سال با کاهش بسیار شدید مواجه بوده است.

حال این موضوع مسئولیت سنگینی را به دوش سیاستگذاران و برنامه‌ریزان قرار داده است تا علاوه بر اینکه جدول آمارهای نیاز به یک کالای اساسی، میزان توانایی تأمین از داخل و عدد ضروری واردات را به روزرسانی کنند، زمینه‌ای برای تخصیص بهینه ارز و تأمین به موقع کالا فراهم نمایند تا مردم از بابت کمبود کالا در بازار با مشکل مواجه نشود؛ چراکه به هر حال، در تنظیم بازار، اصل بر فراوانی است و باید ابتدا تقاضای بازار را تأمین کرده و در گام بعدی به سمت تعیین قیمت پیش رفت.

هیچ یک احساس نمی‌کنند که آنچه که در قالب افزایش ۲۷ درصدی تأمین ارز در ۴ ماهه ابتدایی سال از سوی بانک مرکزی نشان داده شده، در بهبود اوضاع آنها نقش داشته باشد؛ چرا که از یک سو واردکنندگان باید کالاها را گرانتر از سال گذشته از بازارهای جهانی خریداری نمایند و مصرف‌کنندگان نیز نه تنها باید همین تجربه را در بازار و خرید اقلام مورد نیاز خود داشته باشند، بلکه در بسیاری از مواقع با کمبود کالاهای گسترده در بازار و صف‌های طولانی هم مواجه شده‌اند.

برخی کارشناسان بر این باورند که این آمار در کنار تناقضی که واردکنندگان و مصرف‌کنندگان مشاهده می‌کنند، چند نکته را در درون خود جای داده است؛ اول اینکه به دلیل شرایط ناشی از کرونا، بسیاری از اقلام مواد غذایی و کالاهای اساسی در دنیا با افزایش فزاینده قیمت مواجه شده است.

### ■ بانک مرکزی تناژ متناظر ارز تأمین شده برای واردات کالاهای اساسی را اعلام کند

یکی از فعالان واردات کالاهای اساسی در گفتگو با اقتصاد آنلاین می‌گوید: با توجه به اینکه بانک مرکزی تناژ منطبق بر ۱۵ میلیارد دلار ارز تخصیص داده شده به کالاهای اساسی، تجهیزات صنعتی و دارو را منتشر نکرده، بسیاری را با این سؤال مواجه می‌کند که چرا علیرغم افزایش حدود ۳۰ درصدی، آثار افزایش تأمین ارز بر سفره مردم و تسهیل دسترسی واردکنندگان به ارز نشان نداده است.

وی می‌افزاید: از سوی دیگر، به دلیل شرایط پیش‌بینی نشده دنیا در رابطه با چشم‌انداز اتمام گسترش ویروس کرونا، بسیاری از کشورها اقدام به انجام ذخیره‌سازی‌های گسترده کالایی نموده‌اند که به طور قطع، ورود این تقاضای پیش‌بینی نشده به بازار، منجر به برهم خوردن عرضه و تقاضا و در نتیجه افزایش قیمت شده است.

او می‌گوید: بسیاری از کشورهایی که تا پیش از این به دلیل دسترسی مناسب به منابع غذایی در دنیا

بانک مرکزی می‌گوید که در ۴ ماهه ابتدای امسال، ۲۷ درصد بیشتر نسبت به سال گذشته ارز به واردات کالاهای اساسی اختصاص یافته و بر این اساس، تاکنون ۱۵ میلیارد دلار بابت تأمین کمبود کالاهای مورد نیاز سفره مردم ارز از کشور خارج شده است؛ اما نمود همه اینها در سفره مردم، تقریباً هیچ است. گزارش بانک مرکزی از میزان تأمین ارز برای واردات کالاهای اساسی حکایت از رشد ۲۷ درصدی میزان تخصیص ارز در ۴ ماهه ابتدایی سال جاری دارد. آماري که شاید در نگاه اول، بسیاری آن را متناقض با واقعیتی بدانند که هم‌اکنون کمبود کالاهای اساسی از یک سو و عدم دسترسی واردکنندگان به ارز از سوی دیگر روایت می‌کنند.

### ■ روایت بانک مرکزی از ۱۵ میلیارد دلار ارزی که برای واردات کالاها تأمین کرد؟

مروری بر آمارهای منتشر شده از سوی بانک مرکزی نشان می‌دهد طی چهار ماهه نخست سال جاری، به منظور واردات کالاهای اساسی و ضروری حدود ۱۵ میلیارد دلار ارز تأمین شده که نسبت به دوره مشابه سال ۱۳۹۹ رشدی بالغ بر ۲۷ درصد را نشان می‌دهد. به گواه آمارهای بانک مرکزی، تأمین ارز به منظور واردات کالاهای اساسی، تجهیزات پزشکی و دارو آن هم با نرخ ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی، با افزایش ۷۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه بوده و اکنون، به عدد ۴۶ میلیارد دلاری رسیده است.

آمارها نشان می‌دهند که در ۴ ماهه ابتدای سال جاری، بالغ بر یک و نیم میلیارد دلار برای واردات ذرت، جو و گندم، ۱.۱ میلیارد دلار برای واردات دانه‌های روغنی و روغن خام و ۳۴۸ میلیون دلار برای واردات کنجاله سویا، تأمین ارز شده است.

### ■ چرا آمارهای افزایشی بانک مرکزی ذی نفعان را اقناع نمی‌کند؟

نکته حائز اهمیت آن است که این آمارها، در نگاه اول هیچ‌یک از ذی‌نفعان این حرکت بانک مرکزی را اقناع نمی‌کند؛ نه واردکنندگان و نه مصرف‌کنندگان

چه کسانی منابع آب ایران را خالی کردند؟

# توزیع رانت آب

محمد مهدی حاتمی

برده‌اند برخی طبقات اجتماعی و برخی گروه‌های خاص بوده‌اند. این گروه را شاید بتوان با اغماض، همان «برثروتمندانی» دانست که این روزها هم در موردشان زیاد می‌شنویم. این در حالی است که حتی اصالت و محل زادگاه وزرای ایرانی در طول ۴ دهه گذشته هم می‌تواند به عنوان مهر تاییدی بر این «سوگیری» عمل کند. خبرگزاری تسنیم، در مطلبی که در زمان آغاز به کار دولت یازدهم در سال ۱۳۹۲ منتشر شده بود، به این نکته اشاره کرده بود که حجم عمده‌ای از پست‌های وزارت در دولت‌های هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی، در واقع تنها به متولدين برخی استان‌های خاص اختصاص پیدا کرده‌اند. سهم شهروندان استان‌های مختلف از پست‌های وزارت در ایران، می‌تواند نشان دهنده سطح لابی‌گری سیاسی و اقتصادی استان‌ها هم باشد.

به عنوان نمونه، تا سال ۱۳۹۲ خورشیدی، ۳۴ نفر از وزرای دولت‌ها در ایران، اهل استان تهران بوده‌اند. استان اصفهان با ۲۸ وزیر در جایگاه دوم قرار داشته و استان فارس هم با ۱۱ وزیر در جایگاه سوم بوده است. این در حالی است که از استان قزوین تنها یک وزیر در این فهرست حضور داشته و استان‌هایی مانند کردستان یا زنجان، تا آن سال وزیری در کابینه دولت‌های ایرانی نداشته‌اند.

■ باز هم احمدی‌نژاد: رانت‌بازی با آب

اما بدیهی است که توزیع رانت آب، فقط به محل تولد سیاستمداران ایرانی ربط ندارد و در

استقرار صنایع در بخش‌های مختلف کشور، بدون توجه به «مزیت نسبی» این مناطق صورت گرفته است. مثلاً، «ممکن است» بتوان در جنوب تهران هم خرما کاشت و محصول آن را صادر کرد، اما کشت و صادرات خرما، در خوزستان و کرمان مزیت نسبی تاریخی دارد و بعید است کسی برای تولید خرما در تهران سرمایه‌گذاری کند. توسعه مبتنی بر رانت و ناشی از نزدیکی به مراکز قدرت، از زمان پهلوی شروع شد. علاوه بر این، اگر قرار است خودرویی تولید شود و بعد صادر شود، بهتر است کارخانه در کنار سواحل خلیج فارس تأسیس شود، نه مثلاً در تهران. فاجعه اما زمانی رخ داده که صنایع فولادی، یکی از آب‌برترین صنایع، در دل کویرهای خشک ایران ایجاد شده‌اند. توضیح فرآیند به نسبت ساده است و از زمان «پهلوی» شروع شده و تاکنون ادامه داشته است: لابی‌گران سیاسی (نمایندگان مجلس، وزرا و نخبگان سیاسی-اجتماعی) بر جانمایی صنایع در استان‌های زادگاه خود تأکید داشته‌اند و این موضوع، فارغ از «آمایش سرزمینی» بوده است. به این ترتیب، فرآیندی از توزیع «رانت» شکل گرفته که نه تنها شامل منابع مالی و بودجه‌ای می‌شده است، که به توزیع منابع آب و مواردی از این دست هم ختم شده است. نتیجه هم روشن است: حتی استان‌هایی که بیشترین سرمایه‌گذاری تاریخی در آنها صورت گرفته، اکنون مشکلات متعددی دارند. از آن سو، به نظر می‌رسد تنها کسانی که از خالی شدن منابع کشور، اعم از منابع آب، سود

بحران آب در ایران که سال‌ها متخصصان در مورد آن هشدار می‌دادند، حالا یک نمونه عینی پیدا کرده که نشان می‌دهد کمبود آب، چقدر سریع می‌تواند به یک بحران بدل شود: اعتراض به وضعیت آب در خوزستان.

طی روزهای اخیر، در مورد منشأ این بحران اما کمتر گفته شده و آنچه که بوده، بیشتر نگرانی در باب خودتجمعات بوده است. با این همه، بررسی‌هایی هستند که نشان می‌دهند بحران امروز آب در خوزستان، تصویری است از آینده بحران آب در دیگر بخش‌های ایران و اگر فکری به حال این وضعیت نشود، دیر یا زود، نگرانی‌ها گسترش پیدا می‌کند.

در این میان اما کمتر پرسیده می‌شود که اساساً چرا خوزستان، پرآب‌ترین استان ایران، به این وضع افتاده است و حتی وقتی آب رودهایی مانند «کارون» (بزرگ‌ترین و پرآب‌ترین رود ایران) به استان‌هایی مانند اصفهان پمپاژ می‌شوند، چرا هم اصفهان خشک مانده و هم خوزستان؟ به نظر می‌رسد این برخی طبقات اجتماعی و برخی گروه‌های خاص بوده‌اند که از نبود «آمایش سرزمینی» و خالی شدن منابع کشور، اعم از منابع آب، سود برده‌اند. این گروه را شاید بتوان با اغماض، همان «برثروتمندانی» دانست که این روزها هم در موردشان زیاد می‌شنویم. پاسخ را احتمالاً می‌توان در «مدل توسعه» در ایران در دهه‌های اخیر جست‌وجو کرد، مدلی که اساساً فاقد «آمایش سرزمینی» (Spatial planning) بوده است. به بیان ساده، این یعنی



اصفهان با بیش از ۱۶ هزار حلقه چاه غیرمجاز در صدر استان‌های دارای چاه غیرمجاز قرار دارند. استان فارس با ۱۴ هزار حلقه، استان‌های البرز و آذربایجان شرقی با ۶ هزار حلقه، خراسان رضوی با ۴ هزار و ۲۰۰ حلقه، همدان با ۴ هزار حلقه و خوزستان نیز با ۳ هزار و ۵۰۰ حلقه در ادامه فهرست استان‌های دارای بیشتر تعداد چاه‌های غیرمجاز قرار گرفته‌اند. در این بین استان‌های مازندران و گیلان نیز دارای حجم بسیار بالای چاه غیرمجاز هستند ولی به دلیل اینکه بیشتر چاه‌های غیرمجاز حفر شده در این استان‌ها کم‌عمق هستند و در مقاطع زمانی خاصی از سال که این مناطق با کاهش بارندگی روبه‌رو هستند مورد استفاده قرار می‌گیرند، تأثیر چندانی زیادی بر وضعیت سفره‌های زیرزمینی ندارند. در این میان، گزارش‌های دیگری هم هستند که نشان می‌دهند استان‌های مرکزی و اصفهان، با بیشترین میزان افت منابع آب زیرزمینی در کشور طی سال‌های اخیر مواجه بوده‌اند. وجه متمایز این استان‌ها با بسیاری از دیگر استان‌های کشور هم در میزان صنعتی بودن آنها است. در واقع، به نظر می‌رسد الگوی «توسعه به هر قیمت» که با فشار لابی‌های سیاسی در طول دهه‌ها همراه بوده، باز هم در اینجا در حال خودنمایی است.

سال ۱۳۸۴ تنها ۱۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز احداث شده بود. در این میان، الگوی توزیع چاه‌های غیرمجاز هم نشان می‌دهد که باز، این استان‌های عمدتاً توسعه‌یافته‌تر هستند که بیشترین تعداد چاه غیرمجاز را دارند. بنابراین، ظاهراً مشخص است که باز هم نسبتی مستقیم میان احداث چاه و لابی‌های سیاسی وجود دارد. «خانه آب ایران»، در گزارشی که به سال ۱۳۹۷ بر می‌گردد، آماري ارائه داده که نشان می‌دهد استان‌های آذربایجان غربی با بیش از ۳۰ هزار حلقه، استان تهران با ۲۰ هزار حلقه و استان

این میان، برهه‌های بسیار وحشتناک‌تری را هم در سال‌های اخیر تجربه کرده است: صدور مجوزهای بی‌رویه برای حفر چاه از یک سو و آسان‌گیری در مورد حفر چاه‌های غیرمجاز از سوی دیگر. محاسبات سازمان بازرسی کل کشور در سال ۱۳۹۴ نشان می‌داد که در ایران، به ازای هر ۱۰۴ نفر جمعیت، یک حلقه چاه (اعم از مجاز و غیرمجاز) وجود دارد. «علی‌مراد اکبری»، معاون اسبق وزیر جهاد کشاورزی در امور آب، خاک و صنایع، در سال ۱۳۹۴ گفته بود: «در دولت گذشته [دولت احمدی‌نژاد] بالغ بر ۳۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز احداث شد و از سوی دیگر نیز بدون نظارت، چندین برابر مجوزها، از چاه‌های مجاز آب برداشت شد و میلیاردها متر مکعب آب از این طریق هدر رفت که می‌توان از آن به خیانتی بزرگ و «غارت منابع آبی کشور» نام برد.»

حفر بی‌رویه چاه در دهه‌های اخیر، یکی از نمودهای توزیع رانت آب در ایران است، رانتی که «ابرتومندان» بیش از همه از آن بهره بردند. او ادامه داده بود: «از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۲، براساس اطلاعات و آمار از سازمان بازرسی کل کشور ۳۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز در کشور احداث شد

حفر بی‌رویه چاه در دهه‌های اخیر، یکی از نمودهای توزیع رانت آب در ایران است، رانتی که «ابرتومندان» بیش از همه از آن بهره بردند. او ادامه داده بود: «از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۲، براساس اطلاعات و آمار از سازمان بازرسی کل کشور ۳۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز در کشور احداث شد، در حالی که از ابتدای انقلاب تا

# در دسر عشق‌های مجازی

معصومه نیک‌نام

شده‌اند و کمتر در تصمیم‌گیری‌های بزرگ فرزندان خود دخیل هستند. جوانان امروزی ملاک درست و مشخصی از همسر آینده خود ندارند و گاه به ظاهر و تیپ افراد بسنده می‌کنند اما زمانی این اتفاق بدتر رقم می‌خورد که به فضای مجازی کشیده می‌شود، چه بسیار افرادی که در فضای مجازی به دوستی و ازدواج‌های اینترنتی روی آورده و در انتها با شکست مواجه شده‌اند البته شکست‌هایی که گاه قابل جبران نیست. والدین در این زمینه گلايه‌هایی دارند و به گفته برخی آنها این گلايه‌ها را با خود در میان می‌گذارند و گوش شنوایی ندارند.

این روزها در عصر دیجیتال همه چیز تغییر کرده؛ این تغییرات به حدی بوده که در فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی‌ها نیز تأثیر گذاشته مثل همین نحوه ازدواج جوانان. اگر تا دیروز حجب و حیای جوانان قدیم اجازه نمی‌داد تا سر صحبت در این زمینه را با والدین خود باز کنند اما اکنون چنین نیست. جوانان امروزی کمتر به نقش والدین در زمینه ازدواج که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین اتفاق در زندگی هر فردی است، توجه دارند، گویا به حدی از تجربه رسیده‌اند که بد یا خوب زندگی را بدانند، انتخاب درست از نادرست را تشخیص دهند، متأسفانه این روزها والدین تنها

زمینه در گفت و گو با رسانه‌ها، گفته بود، چند وقتی بود که با پسری از طریق واتس‌آپ آشنا شدم، چیز زیادی از او نمی‌دانستم ولی آنطور که فهمیدم ۲۵ سال داشت، مدت زیادی نبود که او را می‌شناختم ولی در همین مدت کوتاه خیلی برایم جذاب به نظر می‌رسید البته آنگونه که خودش را در پشت واتس‌آپ معرفی کرده بود و من نیز به این دوستی اعتماد کرده بودم او را قبول داشتم. با اینکه زمان کوتاهی از مدت‌شناسی ما از طریق واتس‌آپ می‌گذشت اما در همین مدت کوتاه بسیاری از اطلاعات زندگی من در اختیار او قرار گرفت البته او با زیرکی در بعضی از پست‌هایی که برایم می‌فرستاد از زندگی شخصی من نیز سوالاتی می‌پرسید، درآمد و شغل پدرم برایش خیلی اهمیت داشت یادم هست وقتی که گفتم پدرم یک تاجر ثروتمند است برای دفعه اول اصلاً باورش نشد و فکر می‌کرد من واقعیت را پنهان می‌کنم، برای همین چند مرتبه در مورد شغل پدرم سؤال می‌کرد و من ندانسته از نقشه‌ای شوم تمام واقعیت‌های زندگی‌ام را با او در میان گذاشتم. یک روز گفت می‌خواهم از نزدیک ببینمت، وقت آن رسیده که با یکدیگر ملاقات داشته باشیم و من هم مثل همه روزهای گذشته که به او اعتماد کرده بودم، حاضر به این ملاقات شدم، دیداری که به دور از اطلاع خانواده‌ام شکل گرفت و تقدیری بد را برایم رقم زد. در یکی از شهرهای

والدین تشکیل می‌دهند، بی‌مهری می‌کنند و این بی‌مهری‌ها بیشتر در شیوه انتخاب همسر رخ می‌نماید. اگر یک روزی والدین رأس و محور شکل‌گیری زندگی دو جوان بودند گویا اکنون به حاشیه رانده شده و جای آن‌ها را فضای مجازی گرفته است. وی ادامه می‌دهد: اگر قدیمی‌ها با والدین مانکنه‌ای را مدام یادآور می‌شوند هر چند با ادبیاتی ساده، از سر تجربه و پختگی بوده، تجربه‌ای که اکنون دیگر دیده و شنیده نمی‌شود. چه بسیار آشنایی و در نهایت ازدواج‌هایی که از فضای مجازی آغاز شده و به نتیجه‌ای نافرجام ختم شده است. در همسایگی ما دختری با پسری که در فضای مجازی با او آشنا شده بود ازدواج کرده که بعد از چند سال به طلاق انجامید، دختر جوان متوجه شده بود همسرش در فضای مجازی با زنان و دختران دیگر در ارتباط است. در شرایط فعلی وقتی فردی را از نزدیک می‌بینی و درباره‌اش تحقیق می‌کنی باز نمی‌توانی به او اعتماد کنی در تعجبم جوانان چطور فردی را به عنوان همسر بر می‌گزینند که بیشتر در فضای مجازی او را شناخته‌اند، زندگی شوخی نیست که آغازش را با دنیای مجازی شروع کنیم. مثال‌ها در این رابطه بسیار است مثل داستان دختری که فرزند تاجری ثروتمند ساکن یکی از استان‌های کشور بود که از طریق واتس‌آپ فریب مردی را خورده بود که جز پیشیمانی برایش سودی نداشت. خودش در این

برخی از والدین می‌گویند به حدی جوانان را نصیحت کرده و خواسته‌ایم آنها را از یک تصمیم اشتباه آگاه کنیم اما فایده‌ای نداشته و حرف‌های ما برای آن‌ها تکراری شده است. یکی از والدین می‌گوید: یک زمانی والدین جایگاه خاصی در بین اعضای خانواده داشتند و بدون اجازه آن‌ها کسی حق آب خوردن نداشت، یک زمانی جلوی بزرگترها پاهایمان را دراز نمی‌کردیم حالا همه این‌ها به کنار و اصلاً نمی‌خواهیم مثل گذشته با ما رفتار شود اما حداقل احترام به والدین را فراموش نکنند و چند وقت پیش پسر من به اجبار خودش با دختری که در فضای مجازی با او آشنا شده بود، ازدواج کرد اما طول ازدواج آنها همین چند ماه بود و از همسرش جدا شد و اکنون باید مهریه سنگین خانومش را بپردازد، وقتی زیر یک سقف رفت تازه فهمید با فردی ازدواج کرده که اصلاً اهل زندگی نیست و به دنبال مسائل مربوط به خودش است. پسر من ابراز تأسف کرد که چرا به حرف ما گوش نداد اما چه فایده، کار از کار گذشته و او مانده با یک تجربه تلخ و بدهی سنگین. یکی از والدین دیگر در این زمینه می‌گوید: ما ایرانی‌ها در تاریخ خود ثابت کرده‌ایم که اصل احترام به والدین همواره برای ما مهم و ارزش بوده، ارزشی که این روزها گویا به کم‌رنگی روی آورده و جوانان به آنها کمتر بها داده‌اند، این روزها جوان‌ها تا حدودی به خانواده که نهاد آن را



اعتماد به نفس کودک و نوجوان در خانواده و مدرسه جلوی منزوی شدن جوانان در اجتماع و روی آوردن آنها به دوستی‌ها در فضای مجازی را بگیرند. بازگشت به ریشه ارزش‌ها و باورهایمان و استفاده صحیح و به‌جا از تکنولوژی راهگشای حل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی است، راهکاری ساده که اکنون بسیاری از کشورهای توسعه یافته به آن دست یافته‌اند، راهکاری که روزگاری ریشه در نهاد خانواده ایرانی داشت. بیایید به باورهایمان بازگردیم. همه این‌ها در حالیهست که شواهد و آمارها نشان می‌دهد که گویا دوره از دواج سنتی که عاقلانه‌تر بود، به سر آمده و این روزها والدین هیچ نقشی در شکل‌گیری و انتخاب همسر فرزندان‌شان ندارند و جایگاه آنها به حاشیه رانده شده است. این روزها جوانان بیشتر وقت و سرمایه جوانی خود را صرف فضای مجازی کرده و همه انتخاب‌های آنها اعم از خرید و آموزش و بویژه دوستی‌ها و ازدواج آن‌ها مجازی شده است. در برخی روابط شکل گرفته در فضای مجازی یکسری اطلاعات و عکس‌هایی بین طرفین رد و بدل می‌شود که در این بین خانم‌ها بیشترین آسیب را می‌بینند زیرا چه بسیار پرونده‌هایی که در پلیس فتا به دلیل هتک حیثیت تشکیل می‌شود که بیشتر شاکیان پرونده را خانم‌ها تشکیل می‌دهند این در حالیهست که به استناد ماده ۱۷ قانون جرائم رایانه‌ای، هر فردی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا دسترس دیگران قرار دهد، به حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا ۴۰ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

موافقت زوجین برای ازدواج، والدین نیز موافق باشند. دل‌بستگی‌های بوجود آمده در دوستی‌های اینترنتی در دراز مدت ممکن است منجر به سوء استفاده افراد فرصت طلب شود و در تجربه این دوستی‌ها، فرصتی برای انتخاب و شناخت صحیح دختر و پسر از یکدیگر به وجود نمی‌آید.

معمولاً افراد در این گونه دوستی‌ها فقط ادعا می‌کنند که ارتباطشان با انگیزه از دواج است و این رابطه بیش‌تر بر عشق و ورزی کور استوار است و عنصر خردورزی و عقلانیت در تصمیم‌گیری‌های اینچنینی وجود ندارد. دوستی‌های اینترنتی نه تنها مشکلی را برای پسران و دختران حل نمی‌کند بلکه اگر هم این روابط به ازدواج بیانجامد، در زندگی مشترک سوء ظن و بی‌اعتمادی را برای دو طرف به همراه دارد. معمولاً دوستی‌های اینترنتی با انگیزه تفنن، سرگرمی و هوسرانی شکل می‌گیرد، عمر این دوستی‌ها بسیار کوتاه است و آنچه که در پی آن باقی می‌ماند تعارض فکری و احساسی دختران و پسران و از دست دادن اعتماد به نفس و به وجود آمدن بدبینی در بین آنها است. برای پیشگیری از چنین آسیب‌هایی باید خانواده‌ها به نقش حیاتی خود در برابر فرزندان آگاه شوند تا بتوانند الگوهای صحیح رفتاری را به فرزندان ارائه دهند و آنها را در برابر آسیب‌های اجتماعی واکسینه کنند. در این باره جامعه، خانواده و سازمان‌های مسئول می‌توانند با تقویت ارزش‌های اخلاقی، معنوی و انسانی و سست گرداندن معیارهای مادی در نظر جوانان، تقویت و توسعه مراکز ورزشی و تفریحی و برنامه ریزی صحیح برای اوقات فراغت آنها، ارائه خدمات رفاهی و اجتماعی جهت برطرف کردن کمبودهای عاطفی کودکان و نوجوانان، پرورش احساس عزت نفس و

خراسان رضوی قرار ملاقات گذاشت، آن روز به هر بهانه‌ای بود خودم را به قرار ملاقات رساندم. او مثل همان پست‌های واتس آپی که برآیم می‌فرستاد جذاب به نظر می‌رسید و حرف‌هایش بیشتر مجذوبم می‌کرد. او مرا به شهری که بعداً فهمیدم زابل است آورد، بلافاصله پس از رسیدن به زابل مرا در اتاق منزلی زندانی کرد و تلفن همراهم را گرفت، تازه فهمیده بودم چه کلاهی بر سرم رفته و امید آرزوهای من قلبی است. به صراحت می‌گفت من تو را فقط به خاطر پول پدرت به اینجا آوردم، او درخواست ۷۰۰ میلیون پول از پدرم داشت، حتی تصمیم داشت که مرا به افغانستان ببرد تا ۷۰۰ میلیون به دستش برسد اما پدرم پس از اولین تماس خودش را به زابل رساند، البته با همان مقدار پولی که او می‌خواست و سربازان گمنامی که مرا از چنگال دام شیطانی واتس آپ نجات دادند. در طول شبانه روز هزاران اتفاق این چنینی در پس این تکنولوژی رخ می‌دهد که یا بیند نبودن به ارزش‌های خانواده مسیر پر نگاه را بیشتر برای قربانیانش فراهم می‌کند. بسیاری از کارشناسان خانواده معتقد هستند برخی استفاده کنندگان از شبکه‌های اجتماعی تاجایی پیش‌رفته‌اند که زندگی خانوادگی آنها تحت تأثیر قرار گرفته و مشکلاتی برای آنها به وجود آمده و گاهی نیز زندگی برخی افراد در اثر استفاده از این شبکه‌ها به مرز جدایی و طلاق رسیده است، نگرانی خانواده‌ها نیز از حضور فرزندان خود در این شبکه‌ها در اوج قرار دارد. آسیب‌شناسان معتقدند در ازدواج‌هایی که مورد تأیید والدین نیست، زوج جوان از اعتماد به نفس کمتری در زندگی مشترک برخوردار هستند زیرا از حداقل حمایت‌ها برخوردارند این در حالی است که ازدواج‌های موفق شامل ازدواج‌هایی است که علاوه بر

ایران به جرگه دارندگان ارز دیجیتال می‌پیوندد

# نسل جدید پول از راه می‌رسد

نگار علی



سایت حقوقی دینا

به مبلغ ۶۰۲ میلیون دلار، پول دیجیتال چینی به شهروندان خود در پکن بدهد. در میان سایر کشورهایی که در چند سال اخیر نسبت به خلق ارز دیجیتال ملی اقداماتی صورت دادند می‌توان به کشورهای اکوادور، سنگال، سوئد، روسیه، ژاپن و ونزوئلا اشاره کرد؛ گزارش‌های سیان بی‌سی حاکی از آن است که اکوادور در سال ۲۰۱۵ اولین کشوری در دنیا بود که ارز دیجیتال ملی را در شیوه‌های پرداخت خود ثبت کرد. بحث ارز دیجیتال ملی این روزها در ایران نیز بسیار داغ است.

ارز دیجیتال ملی ایران حالا با توجه به اتمام بررسی پروژه توسط بانک مرکزی امکان انتشار و رونمایی دارد اما سؤال مهم اینجاست که این ارز دیجیتال ملی یا ریال دیجیتال چه ویژگی‌هایی دارد؟ با استقبال گسترده از ارزهای دیجیتال در سال‌های اخیر بانک‌های مرکزی در سراسر دنیا اقداماتی را جهت ساخت و عرضه این ارزهای دیجیتال صورت داده‌اند؛ چین یکی از کشورهایی است که در سال‌های اخیر در تولید و عرضه یوان دیجیتال بسیار موفق عمل کرده است و اخیراً نیز قرار شده است بانک مرکزی این کشور

ارز دیجیتال ملی در نظر گرفته شده باشد و تأثیرات اقتصادی این موضوع که یک مدیا تازه برای انتشار و جابه جایی ریال ساخته شده باشد نیز مسئله‌ای است که کارشناسان اقتصادی باید در خصوص آن به اظهار نظر و بررسی بپردازند، ولی به لحاظ تکنیکال حداقل در کوتاه و میان

خواستیم می‌توانیم با تهیه زیرساخت‌های مناسب در بانک مرکزی ارز دیجیتال ملی را در اختیار داشته باشیم. این کارشناس ارز دیجیتال در ادامه افزود: ضوابط قانونی و تأثیرات اقتصادی دو امر حائز اهمیت در بحث ارز دیجیتال ملی هستند؛ به لحاظ قانونی طبیعتاً باید ضوابط مشخصی برای

سعید خوشبخت، کارشناس از دیجیتال، در پاسخ به این پرسش که آیا از نظر فنی ایران قادر است به ارز دیجیتال ملی دست یابد؛ به خبرنگار خبرآنلاین گفت: این پروژه در سال گذشته توسط شرکت خدمات انفورماتیک بانک مرکزی انجام شد و به پایان رسید و حال مادر هر زمان که



مصرف برق ما در سال‌های اخیر به طور چشمگیری زیاد نشده است و در نتیجه قطعی‌های اخیر برق اصلاً چیزی نیست و ما باید در سال‌های آینده منتظر بدتر از اینها باشیم. به گفته وی قانونگذاری و قرارگیری این صنعت جدید در چارچوب قابل مدیریت مهمترین اقدامی است که باید صورت گیرد. خوشبخت در ادامه افزود: در واقع اگر ما در حال حاضر در رکود نبودیم و واحدهای صنعتی مشغول فعالیت با ظرفیت بالا بودند این بحران برق بسیار گسترده‌تر بود. تنها راه برون رفت از این بحران این است که صنعت برق نوسازی شود و سرمایه‌گذاری‌های جدی در این حوزه انجام شود و در این میان تنها راهی که به جذب افراد بیشتر در صنعت برق کمک می‌کند این است که نیروگاه‌ها بتوانند ۲۴ ساعته کار کنند و مطمئن شوند که تولید آنها همیشه و در تمام ایام سال خریدار دارد و همچنین مطمئن شوند که دستمزدها را به موقع می‌گیرند و اینطور نباشد که ۲۰ درصد توانشان را تولید کنند و آن را به دولت بفروشند و دو سال دیگر پول خود را بگیرند. وی در آخر افزود: دلیل اصلی اینکه کشور ما با بحران برق مواجه است این است که صنعت برق ایران چند سال است که ظرفیتش به طور جدی افزایش پیدا نکرده است چراکه بازگشت سرمایه نیروگاه‌های ایران را کاملاً غیرقابل تولید کرده است به عبارت دیگر اگر شما کل صنعت ماینینگ را از ایران ریشه کن کنید سال دیگر بحران برق پر قدرت تر نمایان خواهد شد. در حال حاضر نیز سایت‌ها در ایران خاموش هستند پس چرا بحران برق داریم و اصلاً بحران برق ایران بر می‌گردد به این موضوع که کسی در صنعت برق ایران حاضر به سرمایه‌گذاری نیست و بالعکس می‌توان از ماینینگ به عنوان یک راهکار برای کمک به توسعه صنعت برق در ایران بهره گرفت.

دیجیتال بانک مرکزی و یا پول دیجیتال بانک مرکزی اصلاً تعریف این چینی ندارد و برای دور زدن تحریم‌ها ساخته نشده است و دقیقاً همان ربالی است که استفاده می‌کنیم منتها در تولید آن از زیر ساخت‌های بلاکچینی استفاده شده است و برای مجموعه‌ای از مزایایی که سمت مردم نیست و قابلیت‌های حاکمیتی دارد ساخته شده است؛ مانند قابلیت رهگیری بهتر، مبارزه با پولشویی به صورت بهتر و یا ایجاد سیستم‌هایی که به لحاظ فنی پایداری بیشتری داشته باشند. از میان مزایای مختلف دیگر آن می‌توان به استفاده از آن در توسعه پذیری و امکان سرویس دهی به سینک‌ها اشاره کرد و اصلاً این ابزار برای دور زدن تحریم‌ها ساخته نشده است و همان قدر که با ریال می‌توان تحریم دور زد همان قدر نیز با ارز دیجیتال بانک مرکزی می‌توان تحریم‌ها را دور زد. این کارشناس در بخش دیگری ز سخنانش به‌مسئله ماینینگ اشاره کرد و گفت: نکته مهمی که وجود دارد این است که مبارزه با ماینینگ کمکی به بهبود اوضاع صنعت برق ایران نمی‌کند؛ اصلاً یکی از دلایلی که فاجعه صنعت برق ایران هنوز کاملاً رخ نشان نداده است این است که کشور ما در حال حاضر در رکود جدی است و تولید در آن خوابیده است و اصلاً

به گفته‌ی وی قانونگذاری و قرارگیری این صنعت جدید در چارچوب قابل مدیریت مهمترین اقدامی است که باید صورت گیرد. خوشبخت در ادامه افزود: در واقع اگر ما در حال حاضر در رکود نبودیم و واحدهای صنعتی مشغول فعالیت با ظرفیت بالا بودند این بحران برق بسیار گسترده‌تر بود.

مدت تولید و عرضه ارز دیجیتال ملی در ایران چالش ساز نخواهد بود. تولید و عرضه ارز دیجیتال ملی در تشدید بحران برق نقشی خواهد داشت؟ خوشبخت در ادامه در پاسخ به این پرسش که نقش ارز دیجیتال ملی در تشدید بحران برق چقدر پررنگ خواهد بود؛ افزود: در اینجا باید به یک اشتباه تاریخی بپردازیم؛ ما یک پدیده‌ای داریم به نام بیت کوین که تولید آن در اختیار شخص خاصی نیست بلکه در اختیار پروتکل شبکه است و برای تولید آن باید هزینه سنگینی در نظر گرفته شود چراکه برق بالایی را مصرف می‌کند اما ارز دیجیتال بانک مرکزی پدیده‌ای پابلیک نیست و در دنیا به عنوان ارزی که بانک مرکزی آن را تولید می‌کند تعریف می‌شود دقیقاً مانند ریال در ایران و در نتیجه تولید آن در اختیار بانک مرکزی است و الگوریتم‌ها و روش‌هایی که برای رسیدن به اجماع در شبکه بلاکچین از آن استفاده می‌شود مانند الگوریتم‌ها و روش‌هایی که بسیار پرهزینه و انرژی بر هستند و در شبکه بیت کوین و امثال آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند نیست چراکه این شبکه‌ها به اصطلاح پرابویت و یا شناسا هستند به این معنا که بازیگرهای کلیدی این شبکه‌ها شناخته شده هستند. در نتیجه روش‌های رسیدن به اجماع و الگوریتم‌های رسیدن به ارز دیجیتال ملی بسیار کم هزینه است و به هیچ عنوان مسائلی که در حول محور بیت کوین به وجود می‌آید در این دنیا نمی‌گنجد؛ بیت کوین به این دلیل که می‌خواهد بین المللی شود و ناشناس باقی بماند و غیرمتمرکز باشد طبیعتاً نیاز دارد به روش‌های خیلی پیچیده‌تری استخراج شود و در اینجا اما ماناگر که در حال دیجیتال کردن پول ملی خود هستیم. وی در پاسخ به این پرسش که ارز دیجیتال ملی می‌تواند در دور زدن تحریم‌ها مؤثر واقع شود یا خیر، افزود: قطعاً خیر. ارز

خطر بزرگ طرح صیانت برای بازار پول و ارز با طرح مجلس

# تحمیل خودتحریمی

مهفام سلیمان بیگی



است توسط نمایندگان دستگاه‌های نظامی، قوه قضاییه، وزارت اطلاعات، صداوسیما، سازمان تبلیغات اسلامی انجام شود.

همچنین طبق این قانون، گوگل، واتس‌آپ، اینستاگرام و هر سرویس خارجی باید مجوزی شبیه ای‌نماد بگیرند.

آن هم در حالی که ایران به دلیل عدم پذیرش FATF اساساً امکان تعاملات بین‌المللی را از بین برده و حتی با رفع تحریم‌ها هم چنین مناسباتی را از پیش مسدود کرده است.

نمایندگان برداشت درستی از مسائل

قیمت‌ها و خبرهای نگران‌کننده از وین را به حاشیه برده است.

یکی از انتقادات بزرگ به این طرح این است که طبق این قانون، زمامداری کامل فضای مجازی به کمیسیون عالی شورای عالی فضای مجازی سپرده شده است.

یعنی تهیه ضوابط صدور یا تمدید اعتبار خدماتی مثل جی‌میل، گوگل، دخالت در سطوح مالکیت و مدیریت و حتی تعرفه دسترسی به API ها و سرویس‌های پرداخت و بانکی و... و نحوه احراز هویت کاربران و یا حتی ضوابط استفاده سرویس‌های داخلی از گوگل وب سرویس و... قرار

کارشناسان هشدار می‌دهند که تصویب طرح صیانت مجلس یازدهم و ایجاد محدودیت برای اینترنت فقط مساله کاربران عمومی اینترنت نیست و درآمدهای ارزی و ارتباطات مالی کشور را هم در شرایط تحریم و عدم عضویت در FATF به شدت به خطر می‌اندازد.

طرح صیانت از کاربران در فضای مجازی «عنوانی که از هر طرف بخوانی اش هیچ ربطی به محتوی طرح ندارد.

طرحی که حالا چند روزی است که بین کاربران بلوا به پا کرده تا آن‌جا که حتی چالش بحران آب و رشد سریع

بانکی ندارند

در این میان اما وضعیت ارتباطات و راه‌های مالی کشور بعد از اجرای احتمالی طرح، حلقه مفقود مانده است. بهاء‌الدین حسینی هاشمی، کارشناس امور بانکی، با ابراز نگرانی درباره اجرای این طرح به تجارت‌نیوز می‌گوید: با توجه به این که ما امکان دسترسی به شبکه سوئیفت را به دلیل تحریم‌ها نداریم و ارتباطاتمان از طریق راه‌های مجازی دیگر است، در این شرایط طبیعتاً ایجاد محدودیت برای نهادها و بنگاه‌های مالی که با شرکای خارجی یا صرافی‌ها یا مؤسسات مالی ارتباط دارند، بسیار مشکل‌ساز است.

به گفته او تمام فعالیت بخش خصوصی که با فعالان خارجی آنلاین در ارتباط هستند و جابجایی اسناد، فاکتورها، بروشورها، قراردادها، اطلاعات یا حتی خود معاملات از طریق اینترنت بین‌الملل انجام می‌شود. به اعتقاد این کارشناس گرچه سوئیفت شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی است و هیچ چیز دیگری جایگزین آن نیست اما تجار و صراف‌ها در حال حاضر فقط می‌توانند با داخل از راه‌های غیررسمی مثل واتس‌آپ و تلگرام در ارتباط باشند و بعد هم از طریق ارتباط با صرافی‌ها پول جابجا شود.

او تأکید می‌کند: مسدودیت تمام راه‌ها در حالی که تحریم هم هستیم برای ارتباطات مالی ما بسیار آسیب‌زا است. نمایندگان نه تنها در طرح بلکه در برخی طرح‌های دیگر بانکی‌شان هم نشان می‌دهند که برداشتی از مسائل بانکی ندارند.

## ■ آب باریکه ارتباط در دوران تحریم را می‌بندند

کمیل طیبی، کارشناس اقتصاد بین‌الملل، نیز نسبت به اجرای طرح نگران است و از تأثیر اینترنت در ایجاد

بازار رقابت‌پذیر و از نقش این بازار در رفاه عمومی می‌گوید. او تأکید می‌کند: دخالت در شبکه اینترنت و ایجاد محدودیت نشانه گرفتن رفاه جامعه است.

این کارشناس همچنین عنوان می‌کند: اگر این طرح اجرا شود در طولانی مدت بلای عظیمی سر ارتباطات مالی و فعالیت‌های اقتصادی نازل می‌کند. او ادامه می‌دهد: در شرایط تحریم و fatf همین آب باریکه ارتباط مالی ما هم قطع می‌شود و با این کار ما خودمان را از امکان استفاده از رمز ارزها و اقتصاد دیجیتال که می‌تواند از تحریم‌ها عبور کند، هم محروم می‌کنیم.

به گفته طیبی با محدودیت اینترنت منابع عرضه ارز ما به شدت دچار مشکل می‌شود. چرا که انتقال پول در بخش صادرات غیرنفتی ما با این طرح مختل می‌شود و جریان انتقال سرمایه می‌خواهد.

او همچنین یادآوری می‌کند که یکی از مسائلی که طی از کرونا برای ارزیابی نیاز داریم گردشگری است که با محدودیت اینترنت آن هم مختل می‌شود.

طیبی می‌گوید: حتی روابط بین بانکی هم از بین می‌رود ما زیرساخت

داخلی برای این نوع ارتباط را نداریم و پلت‌فرم‌های داخلی پاسخگوی روابط بانکی داخلی ما هم نیستند. بنابراین حتی با از بین رفتن تحریم‌ها و روشن شدن تکلیف fatf، محدودیت اینترنت خودتحریمی بزرگی است.

به باور این کارشناس حتی اگر تحریم‌ها را هم بردارند با قطع ارتباط اینترنتی ما با دنیا، ارتباطات مالی ما همچنان با حلقه‌های گم شده مواجه است. به خصوص حالا که گزارش‌ها می‌گویند گردش مالی در نیمه دوم دوره کرونا رشد بسیار داشته و آن هم به علت تحولات تکنولوژیک در جهان بوده است.

## ■ تأثیر طرح صیانت بر بازار ارز

عباس آرگون، نائب رئیس کمیسیون پول و سرمایه اتاق تهران، نیز معتقد است مطرح کردن این طرح در حال حاضر حتی اگر هیچ خللی هم در ارتباط مالی ما ایجاد نکند، برای مردم نااطمینانی ایجاد می‌کند و هزینه می‌آفریند.

او می‌گوید: باید دید طرح در نهایت چه می‌شود اما هر محدودیت و کاهش دسترسی قطعاً تأثیر منفی دارد و بیشترین تأثیر آن را هم برای بخش خصوصی است اما نمی‌توانم اطلاعات شفافی در این باره بدهم چرا که طرح هنوز تصویب نهایی نشده و اظهار نظر من درباره تبعاتش می‌تواند تأثیر روانی روی جامعه داشته باشد.

آرگون ادامه می‌دهد: این طرح فضا را ملتهب و نااطمینانی‌ها را بیشتر می‌کند. برای مثال در همین چند روز اخیر دلار افزایشی شد که بخشی از رشد آن تحت تأثیر همین خبر بود.

ضمناً حتی اگر شرایط تحریم هم بهتر شود ولی این طرح به همین شکل اولیه اجرا شده باشد، سرمایه‌گذار خارجی میلی به سرمایه‌گذاری در کشور ما نخواهد داشت و این قطعاً برای ما تبعات مالی دارد.

به باور این کارشناس حتی اگر تحریم‌ها را هم بردارند با قطع ارتباط اینترنتی ما با دنیا، ارتباطات مالی ما همچنان با حلقه‌های گم شده مواجه است. به خصوص حالا که گزارش‌ها می‌گویند گردش مالی در نیمه دوم دوره کرونا رشد بسیار داشته و آن هم به علت تحولات تکنولوژیک در جهان بوده است.

دولت به جای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نظارت را بالا ببرد

## پدیده عجیب «میلیاردرهای فقیر»



بغزبان تاکید کرد: می‌خواهند ارز ۴۲۰۰ تومانی را حذف کنند و ارز تک نرخ ۱۷ هزار تومانی را جایگزین کنند؛ این به معنای آن است که قیمت نهاده دامی که با ارز ۴۲۰۰ تومان وارد می‌شود را ۱۷ هزار تومان کنند که در نهایت باعث افزایش قیمت کالاهای اساسی می‌شود و از طرفی هم ممکن است وارد کنندگان به جای الزام به وارد کردن کالاهای اساسی و یا کالاهای مرتبط با نیاز اساسی مردم، کالای لاکچری وارد کنند که در اینصورت هم با مشکل کمبود کالای اساسی در بازار مواجه خواهیم شد. وی افزود: من تعجب می‌کنم دولت به جای اینکه نظارت خود را قوی کند می‌خواهد صورت مسئله را پاک کند؛ تبعات حاصل از

غیراساسی تخصیص داده‌اند و عده‌ای دیگر کالا را وارد کردند اما با قیمت آزاد فروختند، درست نیست و کفایت نمی‌کند. این استاد دانشگاه بیان اینکه با این اظهار نظرهای صرف به جایی نمی‌رسیم، ادامه داد: این‌ها صرفاً به دنبال خسته کردن اذهان عمومی هستند. واقعیت این است که دولت، رانتی را در اختیار عده‌ای خاص قرار داده و این عده هم اجازه نمی‌دهند مزایای ناشی از تخصیص این ارز در نهایت به دست مصرف‌کننده برسد تا قیمت کالای اساسی کاهش پیدا کند. بنابراین راهکار مقابله با فساد و رانت، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نیست بلکه باید بر تخصیص این ارز نظارت کرد و فساد حاصل از آن را از بین برد.

ستاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی گفت: من توجیه موجهی برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از جانب مسئولان ندیدم. راهکار مقابله با فساد و رانت، حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نیست بلکه باید بر تخصیص این ارز نظارت کرد و فساد حاصل از آن را از بین برد. آلبرت بغزبان (استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی) در خصوص حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی گفت: من توجیه موجهی برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی از جانب مسئولان ندیدم. اینکه بگویند توان جلوگیری از رانتی که در جریان توزیع ارز ۴۲۰۰ تومانی ایجاد شده را ندارند و صرفاً لیستی از افرادی که در جریان گرفتن این ارز دچار فساد شده‌اند را اعلام کنند و بگویند عده‌ای این ارز را به واردات کالای

این استاد دانشگاه با اشاره به پیامد سیاستهای اقتصادی دولت و حذف طبقه متوسط در نتیجه اعمال این سیاستها، اظهار کرد: ما قبلاً یک طبقه متوسط داشتیم که حالا این طبقه متوسط پایین تر آمده و از آنطرف هم طبقه غنی بالاتر رفته است؛ یعنی با خلاء طبقه متوسط مواجهیم. این اتفاق برای این است که نرخ تورم افزایش پیدا کرده و این وضعیت مدام باز تولید می شود.

بغزبان با بیان اینکه ما چنین میلیاردرهایی را در هیچ کجا سراغ نداریم، گفت: این رشد میلیاردرها را در آمریکا هم نمی توان دید، یا در ونزوئالی که می گوئیم ابر تورم وجود دارد، میلیاردرهای آنچنانی پیدا نمی شود. و همین ارز ۴۲۰۰ تومانی که در خصوص آن صحبت کردیم در به وجود آوردن این وضعیت بی تأثیر نبوده است؛ اینها افرادی هستند که رانت گسترده می گیرند و روز به روز غنی تر می شوند.

این استاد دانشگاه با اشاره به تاکید برخی از مسئولان به افزایش قیمت ها طی ماه های اخیر گفت: برخی از مسئولان دائم می گویند مراقب باشید ما در ماه های آینده با ابر تورم مواجه خواهیم شد. یا مثلاً مرکز پژوهش های مجلس از افزایش فقر بین کارگران صحبت می کند اما سؤال من این است که آیا همین صرف گفتن بیماری کفایت می کند یا باید آن را درمان کرد. عده ای خودشان مسبب این وضعیت بوده اند حالا همان ها اخطار می دهند که ماه های آینده وضعیت بدتر خواهد شد، خب کاری انجام دهید. وظیفه مجلس و دولت صرفاً ارائه گزارش از وضعیت فعلی یا هشدار نسبت به آینده نیست؛ اینها عذر بدتر از گناه است. وی در پایان تاکید کرد: الان لیست مشکلات برای دولت آینده وجود دارد و آقای رئیسی و همکارانشان باید دنبال افرادی باشند که بتوانند این مشکلات را حل کنند نه اینکه صرفاً وعده و وعید و یا هشدار بدهند. وظیفه دولت مهم است اگر نمی خواهند کاری کنند تعطیل کنند تا بازاربان کشور را اداره کنند!

تومانی را نگه دارد، جنس را با این نرخ وارد کند و درست هم توزیع کند در واقع این وظیفه ایست که دولت باید انجام دهد نه اینکه ارز را حذف کند. این کار خیلی راحتتر از پرداخت یارانه و بن است. اینکه عده ای به دنبال حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی هستند شاید باز هم پای سود در میان است.

این اقتصاددان در بخش دیگری از صحبت هایش در واکنش به گسترش فقر در جامعه و همچنین گزارش مرکز پژوهش های مجلس مبنی بر اینکه ۸۹ درصد از کارگران و بازنشستگان جزو فقرا به حساب می آیند، گفت: وقتی در خصوص فقر صحبت می کنیم شاخص اقتصادی را معیار قرار می دهیم؛ به طور مثال می گوئیم افرادی که درآمدشان از مقداری به پایین است جزو فقرا به حساب می آیند. خب وقتی کسی نتواند با این قیمت ها و با توجه به حداقل درآمدی که دارد سفره خود را رنگین کند، جزو اقشار فقیر و ضعیف جامعه به حساب می آید.

وی در ادامه گفت: یکی از همکاران من به درستی از اصطلاح «میلیاردرهای فقیر» استفاده می کند؛ یعنی کسی که به واسطه افزایش نرخ تورم دارایی میلیاردری - خانه ای با قیمت میلیاردری و ماشین و... - دارد اما از پس تعمیر موتور یخچال فریزر «ساید بای ساید» خود بر نمی آید. ما امروز با چنین پدیده ای در ایران مواجه هستیم.

چنین اقدامی سبب می شود دولت مجدداً به نرخ حمایتی برگردد و این باز باعث فساد و سوءاستفاده عده ای می شود. اینکه عده ای می گویند ارز ۴۲۰۰ تومانی هیچ فایده ای روی قیمت کالای اساسی نداشته برای این است که اراده ای برای نظارت نبوده پس باید مشکل اصلی را حذف کرد؛ حذف نرخ ارز حمایتی هیچ کمکی به بهبود اوضاع نمی کند.

استاد دانشگاه شهید بهشتی با بیان اینکه دولت امکانات لازم برای نظارت بر فساد حاصل از تخصیص ارز ترجیحی را دارد، بیان کرد: منافع عده ای مانع از انجام اقدامات سختگیرانه می شود. اگر نظارت و بازرسی سالم و همچنین دولتی پاسخگو وجود داشت ما نباید با چنین مشکلی مواجه می شدیم.

وی تاکید کرد: ابزار نظارت صحیح وجود دارد. وقتی می توانیم به راحتی دفترچه بیمه را حذف کنیم و دارو را به صورت شبکه ای سفارش دهیم پس می توانیم به راحتی تخصیص ارز را رصد کنیم که چه کسی، چه کالایی وارد کرده و کالا کجاست و با چه قیمتی فروخته شده و مسائلی از این دست. استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی در خصوص پیشنهاد عده ای مبنی بر تخصیص بن و یارانه به مردم به جای ارز ۴۲۰۰ تومانی گفت: ما نمی توانیم این کار را انجام بدهیم و هزینه توزیع خیلی بالاتر از این حرفهاست. اینکه عده ای می گویند کالا با ارز ۴۲۰۰ وارد کنیم و همان کالا را مثل زمان جنگ با کوپن توزیع کنیم، امکان پذیر نیست؛ در آن زمان سی میلیون جمعیت داشتیم اما الان جمعیت رشد کرده است. از طرفی اینکه عده ای هم می گویند ارز ۴۲۰۰ تومانی را برداریم و کالا را با ارز ۱۷ هزار تومانی وارد کنیم و بعد منابع حاصل از تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی را یارانه بدهیم هم نشدنی است؛ با این کار این امکان وجود دارد که تمام مردم نیازمند از آن بهره مند نشوند و باز هم فواید حاصل از آن به گروه های صاحب رانت برسد.

بغزبان گفت: دولت باید همین نرخ ارز ۴۲۰۰

برخی از مسئولان دائم می گویند مراقب باشید ما در ماه های آینده با ابر تورم مواجه خواهیم شد. یا مثلاً مرکز پژوهش های مجلس از افزایش فقر بین کارگران صحبت می کند اما سؤال من این است که آیا همین صرف گفتن بیماری کفایت می کند یا باید آن را درمان کرد. عده ای خودشان مسبب این وضعیت بوده اند.

# منشأ تورم چیست

راضیه بایی بالاگریوه



پول،  $P$  سطح عمومی قیمت‌ها و  $Y$  تولید است. طبق این رابطه چون  $Y$  و  $V$  تقریباً ثابت در نظر گرفته می‌شوند هر گونه تغییر در حجم پول مستقیماً بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر می‌گذارد. نظریه تئوری تورم ناشی از فشار تقاضا؛ کینز و طرفداران مکتب وی، منبع تورم ناشی از فشار تقاضا را افزایش تقاضای کل می‌دانند. تقاضای کل اجزای متفاوتی مثل مصرف، سرمایه‌گذاری و مخارج دولت دارد. هنگامی که اقتصاد در وضعیت اشتغال کامل قرار دارد با افزایش تقاضای کل، شکاف تورمی به وجود می‌آید. براساس تئوری تورم ناشی از فشار تقاضای کینز، سیاست‌هایی که موجب کاهش تقاضای کل شوند تورم را کاهش می‌دهند. بنابراین در این نظریه، با کاهش هر کدام از اجزای تقاضای کل می‌توان تورم را کاهش داد به عنوان مثال با کاهش هزینه‌های دولت و کنترل حجم پول به صورت مشترک یا به تنهایی می‌توان تقاضای کل را کاهش داد و تورم را کنترل کرد. مثلاً فرض کنید در بازار ده عدد سیب وجود دارد و برای ده عدد سیب موجود، ده خریدار وجود دارد

یکباره و مقطعی است. حال که با تعریف تورم آشنا شدیم بررسی علل به وجود آمدن تورم ضروری است چرا که در مورد دلایل ایجاد تورم نیز باورهای نادرستی در جامعه رواج دارد. نظریه‌های مختلفی در مورد تورم وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ۱- نظریه مقداری پول ۲- نظریه تورم ناشی از افزایش تقاضا ۳- نظریه تورم ناشی از فشار هزینه ۴- نظریه پولی تورم نظریه مقداری پول: از اولین نظریات اقتصادی می‌توان به تئوری مقداری پول اشاره کرد. تئوری مقداری پول تأکید می‌کند که تغییر در سطح عمومی قیمت‌ها با تغییر در مقدار پول در گردش، تعیین می‌شود. این تئوری هسته مرکزی تجزیه و تحلیل پولی کلاسیک در قرن نوزدهم را تشکیل داد. دیوید هیوم اولین تجزیه و تحلیل در مورد تأثیر تغییرات پولی از یک بخش اقتصاد به بخش دیگر، تغییر قیمت و مقدار نسبی را در این فرآیند ارائه کرد. معروف‌ترین معادله این تئوری به صورت  $MV = PY$  است که در این رابطه  $M$  حجم پول،  $V$  سرعت گردش

بسیاری از افراد در کودکی آرزوی داشتن دستگاه چاپ پول را داشته‌اند تا با چاپ پول هر آنچه نیاز دارند را به دست آورند، اما کودکان از آثار چاپ پول بر اقتصاد اطلاعی ندارند. در برخی از جوامع این آرزو تا بزرگسالی با افراد باقی می‌ماند و حتی سیاستمداران کشورها نیز این آرزو را در سر دارند غافل از اینکه چاپ پول عامل اصلی تورم است. در کشور ما، با افزایش قیمت‌ها در سال‌های اخیر، تورم به مهم‌ترین دغدغه مردم تبدیل شده است اما بسیاری از افراد در مورد تورم و علل بروز آن اطلاعات درست و دقیق ندارند و باورهای غلطی در مورد تورم در جامعه و حتی در فضای علمی کشور وجود دارد. تورم به افزایش مستمر و همه‌گیر قیمت تمامی کالاها گفته می‌شود به عبارتی هنگامی که قیمت یک کالا یا گروهی از کالاها به یکباره افزایش می‌یابد تورم به وجود نمی‌آید بلکه این حالت را جهش قیمت‌ها می‌گویند. بنابراین هنگام استفاده از واژه تورم باید دقت کرد که آیا واقعاً تورم است یا جهش قیمت، چرا که بیشتر مشکلات ناشی از تورم به معنی افزایش مداوم قیمت‌ها و نه افزایش

یعنی ده نفر متقاضی خرید این سیب‌ها هستند، فرض کنید قیمت هر سیب هزار تومان باشد حال اگر دوازده نفر متقاضی خرید سیب‌ها باشند چون تعداد سیب‌های موجود در جامعه افزایش نیافته است ناچار قیمت‌ها افزایش می‌یابند تا بعضی از این خریدارها منصرف شده و بازار به تعادل برسد چرا که هر سیب برای هر فرد ارزش خاصی دارد مثلاً تعدادی از خریدارها حاضر نیستند بیش از هزار تومان برای یک سیب پرداخت کنند و وقتی قیمت مثلاً هزار و دویست تومان شود از خرید منصرف شده و ده خریدار باقی می‌ماند که در این حالت بازار به تعادل می‌رسد. نظریه تورم ناشی از فشار هزینه: نظریه تورم فشار هزینه که ناشی از افزایش هزینه‌های بنگاه‌ها است، پدیده‌ای جدید نیست و حتی در دوره قرون وسطی نیز مشاهده شده است. اما در دهه ۱۹۵۰ و دهه ۱۹۷۰ به عنوان عامل اصلی تورم شناخته می‌شد. علت اصلی تورم ناشی از فشار هزینه، افزایش سریع‌تر دستمزد نسبت به بهره‌وری کارگران است. اتحادیه‌های کاری به کارفرمایان برای افزایش دستمزد کارگران فشار می‌آورند و کارفرمایان به دلیل افزایش هزینه‌های تولید، قیمت محصول را افزایش می‌دهند. با افزایش قیمت‌ها اتحادیه‌ها تقاضای دستمزد بالاتر می‌کنند. به این ترتیب اقتصاد درگیر مارپیچ دستمزد شده و در نتیجه تورم ناشی از فشار هزینه یا فشار دستمزد به وجود می‌آید. این نوع تورم با تعدیل دستمزد‌ها برای جبران افزایش هزینه‌های زندگی تشدید می‌شود. همچنین افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی نیز می‌تواند منجر به این نوع تورم شود. زمانی که هزینه‌های بنگاه‌ها افزایش پیدا می‌کنند منحنی عرضه آن‌ها به سمت چپ و بالا منتقل می‌شود و چون منحنی تقاضا ثابت است میزان تولید کاهش یافته و قیمت‌ها افزایش پیدا می‌کنند. به زبان ساده، وقتی هزینه‌های بنگاه‌ها افزایش می‌یابند، هزینه تمام شده و در نتیجه قیمت کالاها افزایش می‌یابد و بنابراین طبق این نظریه تورم به وجود می‌آید. عوامل مختلفی از جمله افزایش دستمزد، افزایش قیمت کالاهای وارداتی، افزایش قیمت مواد اولیه،

افزایش مالیات و... موجب بروز تورم ناشی از فشار هزینه می‌شوند. نظریه پولی تورم: طرفداران این نظریه معتقدند که در تثبیت اقتصادی سیاست پولی مهم است. از نظر پول‌گرایان آنچه سطح تولید و قیمت‌ها را در کوتاه‌مدت و بلندمدت تعیین می‌کند، عرضه پول است. فریدمن معتقد است تورم همیشه و در همه جا یک پدیده پولی است و از افزایش سر‌بستر حجم پول نسبت به کل تولید ناشی می‌شود. مشخص است که این نظریه مشابه نظریه مقداری پول است و پول‌گرایان از آن نظریه استفاده کرده‌اند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۷۰ میلادی دیدگاه رایج در جهان نسبت به تورم به این صورت بود که تورم ناشی از فشار هزینه است اما کم‌کم این دیدگاه جای خود را به نظریه پولی داد و تقریباً برای تمامی کشورها تورم پدیده‌ای پولی است. از مدت‌ها قبل کشورهای توسعه‌یافته به این نتیجه رسیده‌اند که تورم را باید از طریق کنترل نقدینگی مهار کرد به همین دلیل قوانین زیادی در مورد استقلال بانک مرکزی به تصویب رسیده است تا دولت‌ها نتوانند به بانک مرکزی به عنوان حساب پس‌انداز خود نگاه کنند و کسری بودجه و سایر هزینه‌های خود را با چاپ پول جبران کنند. اما متأسفانه در ایران هنوز باور رایج این است که تورم موجود ناشی از فشار هزینه است بطوریکه بسیاری از مردم و مسئولین معتقدند به دلیل بالا رفتن نرخ ارز و افزایش قیمت مواد اولیه وارداتی، قیمت

محصولات بالا رفته و تورم به وجود آمده است. در حالیکه در کشور ما دولت به دلیل پرداخت یارانه و سایر هزینه‌های جاری مثل حقوق کارمندان دولت، که تعداد آن‌ها بسیار زیاد است معمولاً هزینه‌های هنگفتی دارد از طرفی در سال‌های اخیر درآمد دولت نسبت به گذشته کاهش چشمگیری داشته است، بنابراین دولت با کسری بودجه بسیار بزرگی مواجه بوده است که برای رفع آن دست خود را در جیب بانک مرکزی کرده و با پولی کردن کسری بودجه مالیاتی تحت عنوان تورم از تمامی مردم دریافت کرده است. در این حالت چون پول بدون پشتوانه تولید، چاپ شده است نقدینگی افزایش یافته به زبان ساده‌تر چون تولید افزایش نیافته و پول در جامعه بیشتر شده است برای خرید همان محصولات که قبلاً در بازار وجود داشت باید قیمت بالاتری پرداخت کرد مثلاً اگر در اقتصاد ده واحد سیب وجود داشته باشد و ده هزار تومان پول نیز در بازار موجود باشد قیمت هر واحد سیب (دقت کنید در اینجا فرض کردیم سیب تنها کالای موجود است) هزار تومان می‌شود حالاً فرض کنید سیب بیشتری تولید نشود و همان ده واحد وجود داشته باشد اما در بازار بیست هزار تومان پول موجود باشد که افراد باید با این مقدار پول همین یک کالا را بخرند و نگره داشتن پول بی‌فایده است، بنابراین این حال قیمت هر سیب دو هزار تومان می‌شود. در نتیجه هنگامی که پول موجود در اقتصاد افزایش یابد اما تولید افزایش نیابد ناچاراً قیمت‌ها افزایش می‌یابند. متأسفانه با وجود حل شدن مساله تورم در دنیا هنوز هم در کشور ما این باور وجود دارد که تورم ناشی از فشار هزینه و افزایش هزینه‌های بنگاه‌هاست. برای حل مساله نیاز به شناخت دقیق آن داریم و باید دقت کرد که تورم تنها یک دلیل دارد و آن هم رشد نقدینگی است بنابراین باید به دنبال حل عواملی باشیم که موجب رشد نقدینگی شده‌اند. در حالی که تفکر فشار هزینه منجر به پرداخت انواع یارانه‌ها توسط دولت می‌شود که خود کسری بودجه دولت و به تبع آن رشد نقدینگی و تورم را تشدید می‌کند.

\*دانشجوی دکتری اقتصاد شریف

**هنگامی که پول موجود در اقتصاد افزایش یابد اما تولید افزایش نیابد. ناچاراً قیمت‌ها افزایش می‌یابند. متأسفانه با وجود حل شدن مساله تورم در دنیا هنوز هم در کشور ما این باور وجود دارد که تورم ناشی از فشار هزینه و افزایش هزینه‌های بنگاه‌هاست.**

دلان بازار سیمان را تحت سلطه خود گرفتند

## گرد تاریکی بر صنایع

فهیمة اکبری صحت

گرفته است. تابلو مسافران را به سمت سیمان هگمتان هدایت می‌کند. نزدیک کوهی بلند کارخانه‌ای عظیم قد علم کرده است. این کارخانه که علاوه بر تأمین سیمان مورد نیاز استان همدان، استان‌های همجوار خود مانند زنجان قزوین را پوشش می‌دهد این روزها در کار مردمان بومی منطقه مانده است. صف‌های طولانی مردم برای دریافت یک پاکت سیمان و توزیع کنندگانی که فقط دست روی دست گذاشته‌اند خبر از حال ناخوش این صنعت در تمامی کشور می‌دهد.

کمبود و نایابی کالاهای مختلف دیگر امری بدیهی برای مردم کشورمان شده است. سیمان در دسته کالاهای استراتژیکی است که با وجود تولید در کشور در ادوار مختلف چالش‌های جدی در اقتصاد به وجود آورده است. نزدیک به یک ماه است سیمان قله‌های مرتفع قیمت را طی کرده و گرد تاریکی بر صنایع مرتبط با خود پاشیده است. تابلوی آبی رنگ بزرگ، مسیر تهران به همدان با فلش بزرگ سفید رنگی یکی از بزرگترین کارخانه‌های تولید سیمان را نشانه

## ■ سیمان برای نور چشمی‌ها

رانندگان در صف‌های طولانی و بلند در انتظار بارگیری محصولات کارخانه هستند؛ اما گویی بی رمقی بازار به جان سیستم توزیع هم رخنه کرده است. رانندگان هم کم کار شده‌اند.

مصطفی زمانی مقدم، دبیر انجمن صنفی رانندگان شهرستان درگزین و رزن فعال در پایانه سیمان هگمتان مدعی شد: «مشکلاتی که در حوزه توزیع سیمان مانند بسیاری از صنایع دیگر ریشه در رانت دارد. در سیستم فروش یک مشتری‌های خاصی وجود دارد که کارخانه به صورت ثابت با آنها ارتباط دارد. عمده سیمان این کارخانه به نور چشمی‌هایی که مشتری‌های ثابت هستند و می‌توانند ارقام کلان و قابل توجهی برای خرید سیمان هزینه کنند، می‌رسد.

در بسیاری از مواقع همین نور چشمی‌ها یکجا هزینه را پرداخت کرده و پول را به حساب کارخانه واریز می‌کنند. پس از آن سیمان با قیمت مناسب و در حجم بالا برای آنها ارسال می‌شود.»

به گفته وی «نور چشمی‌های بازار فقط افراد خاص نیستند، شرکت‌هایی هم هستند که رقم قابل توجهی از تولیدات کارخانه را پیش خرید کرده و با قیمت مناسب دریافت می‌کنند. کارخانه در مواقع بحران مالی و کسری بودجه از این افراد و شرکت‌ها تأمین بودجه می‌کند و در مقابل آن زمان‌هایی که

می‌افتد و هیچ هزینه حمل و مالیات و... برای عمده فروش به وجود نمی‌آید.» وی معتقد است «گفته می‌شود سیمان در حال حاضر کیسه‌ای ۴۰ هزار تومان است. اگر باین قیمت به فروش برسد، نهایتاً ۲۰ درصد سود خالص برای فروشنده دارد. شرکتی که سیمان را به صورت عمده خریده است سود می‌برد. هزینه حمل و نقل بار سنگینی بر دوش سیستم توزیع نمی‌گذارد. بر اساس تعرفه سازمان حمل و نقل رانندگان اجرت دریافت می‌کنند. باتوجه به گرانی لاستیک و روغن و... راننده سود چندانی در این مسیر نمی‌برد.»

وی در پاسخ به این سؤال که چرا افزایش هزینه‌های حمل و نقل را یکی از دلایل افزایش قیمت سیمان تلقی می‌کنند، می‌گوید «بسیاری از شرکت‌هایی که سیمان را به صورت عمده خریداری می‌کنند در تهران و شهریار فعالیت دارند. سیمان را با یک قیمت مشخص از کارخانه خریداری کرده با افزایش قیمت سیمان شرکت نمی‌توانست قراردادهای قبلی خود را ملقی کند در نتیجه سعی می‌کرد هزینه‌های حمل و نقل را ناچیز کند تا سود فروش بالاتر برود. تمامی تلاش‌ها برای بالا رفتن سود عمده فروشان بود و رانندگان و توزیع کنندگان خردبازنده این بازی بودند. مسئله ترانسفر نیست، مسئله رانت خوارانی است که بازار را قبضه کرده‌اند.»

امان از بی برقی!

آزیر بحران در بازار کشیده می‌شود این گروه به صورت ویژه سیمان دریافت می‌کنند. کارخانه به دلیل نمک گیر بودن به این گروه نمی‌تواند سهمیه آنها را کم کند.»

زمانی مقدم که خود سابقه فعالیت در سیستم توزیع سیمان را دارد در تشریح نحوه توزیع سیمان در چند مدت اخیر می‌گوید «اگر فردی خرده فروش مانند یک مصالح فروش به سیمان نیاز داشته باشد باید به شرکت‌های بزرگی که سیمان را به صورت ویژه از کارخانه خریداری کرده‌اند زنگ بزند و از آنها بخرد. شرکت‌های بزرگ به صورت ویژه روزانه بین ۸ تا ۱۰ ماشین سنگین سیمان آزاد شده در کارخانه موجود دارند. در نتیجه می‌توانند یک ماشین سیمان را به خرده فروش، بفرشند؛ اما اگر یک خرده فروش بخواهد از کارخانه خرید کند باید یک هفته قبل پول به حساب کارخانه واریز کند در نوبت یک هفته تا یک ماهه بماند تا یک ماشین سیمان دریافت کند. در نتیجه خرده فروشان از عمده فروشان خرید می‌کنند. همین موضوع باعث سود چند برابری عمده فروشان می‌شود. چون عمده فروشان محصول را از کارخانه به یک قیمت می‌خرند، در زمان فروش سود، مالیات و... را محاسبه می‌کنند. در نتیجه هر پاکت سیمان ۲۳ هزار تومانی در کارخانه را ۲۶ هزار تومان به خرده فروش، می‌فروشند. این اتفاق در در کارخانه





غرب کشور یکی از مهمترین تولیدکنندگان صنعت سیمان است. کارخانه‌های متعددی در این منطقه قرار دارند که در بسیاری از مواقع محصولات آنها از مرزهای خارجی عبور می‌کند. مجتبی اکبری شهپر، فعال حوزه توزیع سیمان در رابطه به مشکلات کنونی بازار می‌گوید «مشکل اصلی تولید است. از زمانی که کشور با کمبود برق مواجه شد صنعت سیمان و فولاد به قهقرا رفت. کارخانه‌هایی که ما با آنها در ارتباط بودیم تولید خود را متوقف کرده‌اند و در بازار سیمانی برای فروش وجود ندارد. یک عدم تعادل بین عرضه و تقاضا به وجود آمده است.»

بالبخندی که بر لب دارد، سری تکان می‌دهد و می‌گوید «بازار سیمان از عدم مدیریت‌ها رنج می‌برد. در خبرها قیمت سیمان را کیسه‌ای ۴۰ هزار تومان اعلام می‌کنند در حالیکه قیمت نزدیک به ۸۰ هزار تومان است. در اینجا سازمان تعزیرات چه نقشی دارد و چگونه بازار را مدیریت می‌کند.» به گفته وی «اگر از گرمای تابستان عبور کنیم و کارخانه‌ها به مدار تولید بازگردند بدون شک بازار سیمان هم متعادل شده و سیمان کیسه‌ای بین ۳۰ تا ۳۵ هزار تومان خرید و فروش می‌شود. تب بازار با افزایش تولید فروکش می‌کند.»

#### ■ کم‌خمیده صنعت ساختمان زیر بار گرانی سیمان

سیمان و بتن از جمله پرکاربردترین مصالح ساختمانی است که در تمامی سازه‌ها باید از آن

استفاده کرد و بدون وجود سیمان، ساخت و ساز معنایی ندارد. هادی نوری، فعال حوزه صنعت ساختمان معتقد است «در سال ۹۹ متوسط تولید ماهانه سیمان حدود ۶ میلیون تن بود که در تیر ماه ۱۴۰۰ این رقم به ۲ و نیم میلیون تن در ماه رسیده است. همین کمبود کالا یک تشنگی و تشنج در بازار ایجاد می‌کند.»

به گفته وی «بسیاری از سازندگان ساختمان این روزها در صف‌های خرید سیمان به سر می‌برند همچنین سازندگان خرده‌بر برابر گرانی سیمان کمر خم کرده‌اند. رشد قابل توجه قیمت سیمان در دو ماه اخیر هزینه‌های ساخت را بالا می‌برد. علاوه بر اینکه هزینه‌ها بالا می‌رود بسیاری از همکاران ما روند تولید را متوقف کرده و دست روی دست گذاشته‌اند. همین موضوع باعث بیکاری عده کثیری از کارگران فصلی شده است.»

#### ■ تبعات اجتماعی - اقتصادی خواب صنعت ساختمان

محمد بختیاری دیگر سازنده ساختمان که در شهریار و کرج فعالیت دارد، می‌گوید «ساخت و ساز در مناطق حاشیه‌ای تهران به اغما رفته است. به دلیل افزایش قیمت‌ها سازندگان روند ساخت و ساز را متوقف کرده‌اند تا تب بازار فروکش کند با این قیمت‌ها باز هم قیمت تمام شده ساختمان بالا می‌رود در حالیکه خریدار توان خرید ندارد. در نتیجه سازنده توقیف را به ضرر ترجیح می‌دهد.»

به گفته این فعال صنفی «بسیاری از مصالح فروشی‌ها سیمان ندارند و آنهایی که دارند هم قبل از هر چیز از بالا رفتن قیمت می‌گویند. سیمان به‌طور آشکاری کم است آن هم در شرایطی که تقاضا به دلیل کاهش چشمگیر ساخت و ساز، در اوج نیست. در مناطق حاشیه‌ای شهرهای بزرگ حدود ۲۵ درصد از بازار کار به کارگران ساختمان باز می‌گردد حال تصور کنید با توقیف پروژه‌های ساختمانی و بیکاری این گروه چه تبعات اقتصادی - اجتماعی به بار می‌آید.»

#### ■ دود بحران سیمان به چشم مصرف‌کننده نهایی ساختمان می‌رود

اسماعیل بیاتی کمالان فعال حوزه ساخت و ساز در شهر تهران می‌گوید «سازندگان ساختمان به هر قیمتی شده سیمان را خریداری می‌کنند در نهایت هم یک قیمت تمام شده برای هر متر ساختمان در نظر گرفته می‌شود و این خریدار نهایی ساختمان است که دود گرانی به چشم او می‌رود.»

به گفته وی «حتی سازندگان ساختمان هم علاقمند به کاهش قیمت‌ها هستند. هر چه قیمت‌ها پایین‌تر باشد میزان فروش بیشتر و قدرت خرید مردم هم بیشتر می‌شود در نتیجه یک چرخه سالم در اقتصاد ایجاد می‌شود. بحران سیمان و فولاد بحران جدی برای سازندگان به وجود آورده است. اگر روند همین طور ادامه داشته باشد با رشد ۱۵ تا ۲۰ درصدی هر متر ساختمان رو به‌رو می‌شویم که این موضوع یک بازی باخت - باخت برای سازنده و مصرف‌کننده است.»

موانع پیش روی رییس کل  
بانک مرکزی بعدی چیست؟

## مثت برمودای خلق نقدینگی

صبا نوپری

یک کارشناس اقتصادی گفت: ساختار غلط نهادسازی در کشور، محدودیت اختیارات رییس کل بانک مرکزی، مقاومت در برابر درخواست چاپ پول توسط دولت، نظام بانکی ناسالم و نابودی ذخایر ارزی کشور از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی رییس کل بانک مرکزی آینده خواهد بود.

در حالی که در روزهای آینده با اعلام کابینه ابراهیم ریسی دولت وی شروع به کار خواهد کرد، با توجه به شرایط اقتصادی بحرانی کشور، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، مردان اقتصادی است که رییس جمهوری برای بهبود وضعیت اقتصاد انتخاب خواهد کرد و رییس کل بانک مرکزی یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین این انتخاب‌ها خواهد بود.

در همین رابطه میثم خسروی، کارشناس بانکی در خصوص مهم‌ترین چالش‌های پیش روی رییس کل بانک مرکزی آینده گفت: وظایف بانک مرکزی مشخص است و باید با سیاستگذاری پولی به کنترل تورم پردازد و با نظارت بر بانک‌ها ثبات مالی ایجاد کند. رشد اقتصادی و کمک به تأمین مالی تولید هم از وظایف دیگر این نهاد تلقی می‌شود اما بانک مرکزی ما برای ایفای این وظایف با موانعی مواجه است.

وی ادامه داد: یکی از این موانع جدی به نهادسازی‌های غلطی برمی‌گردد که در قوانین پولی و مالی مادر کشور اتفاق افتاده است که عملاً بانک مرکزی را برای انجام وظایف ناتوان می‌کند. تقریباً می‌توان گفت بانک مرکزی یکی از شرکت‌های دولت است و دولت‌ها نیز خیلی تمایلی به کنترل تورم و اجرای برخی سیاست‌ها برای انضباط مالی خود و بانک‌ها ندارند.

به گفته خسروی، بانک مرکزی باید در این پارادایم و این چارچوب نهادی اهداف خود را دنبال نکند؛ پس بخشی از موانع ما به اشکالات ساختاری نهادهای پولی و مالی کشور برمی‌گردد. این کارشناس افزود: اختیارات بانک مرکزی در قانون ما بسیار محدود است و اولین معضلی که هر کسی فارغ از هر جناحی در سمت ریاست بانک مرکزی با آن مواجه می‌شود این است که چگونه در این چارچوب به اهدافش برسد. وی تأکید کرد: چالش بعدی انباشت بی‌تدبیری‌ها، بی‌عملی‌ها و بی‌کفایتی‌هایی است که طی سال‌های گذشته در نهادهای بانکی وجود داشته است و امروزه خود را در قالب تورم بالا و پرنوسان نشان می‌دهد. خسروی اظهار داشت: ما با کسری بودجه حدود ۵۰ درصدی مواجه هستیم که رییس کل بانک مرکزی در دولت سیزدهم آن را ایجاد نکرده است اما میراث‌دار آن است و باید در زمینه تأمین آن دقت زیادی به خرج دهد. این کارشناس یادآور شد: پس یکی از مهم‌ترین چالش‌های رییس کل بانک مرکزی آینده این است که مراقبت کند که بدهی‌های دولت به پایه پولی بانک مرکزی سرایت نکند. این کارشناس معتقد است رییس کل بانک مرکزی آینده، باید مطمئن باشد تماس‌ها و فشارهای زیادی برای چاپ پول از سمت نهادهای دولتی خواهد داشت و باید این خط قرمز را از همان ابتدا مشخص کند. خسروی در خصوص چالش بعدی که بانک مرکزی با آن روبه‌رو است، گفت: مسئله بعدی، مسئله ناترازی نظام بانکی است؛ گاهی رییس کل بانک مرکزی کارش را در یک نظام بانکی به عنوان ناظر آغاز می‌کند که سلامتی مالی نرمالی دارد و باید به این فکر کند که کفایت سرمایه این نظام بانکی را

افزایش دهد و سیاست‌هایی از این دست را پیش بگیرد. وی ادامه داد: ولی الان راجع به نظارت بر شبکه بانکی صحبت می‌کنیم که کل سرمایه آن در سال ۹۹ منفی ۶ هزار میلیارد تومان بوده است و زیان انباشته در آن، کل سرمایه بانک‌ها را از بین برده است و برخی بانک‌های آن اصلاً دارایی ندارند و فقط بدهی هستند.

این کارشناس بانکی افزود: از طرف دیگر، طبق آن چالش‌های نهادی که ذکر شد؛ دست رییس کل برای برخورد با این بانک‌ها چندان باز نیست، بنابراین رییس کل بانک مرکزی آینده باید با دولت ناتراز و کسری بودجه بالا و بانک‌های به شدت ناسالم مقابله کند که شاید بتوان این وضع را به مثکلیت برمودایی تشبیه کرد که نقدینگی خلق می‌کند و اگر فکری هم برای آن‌ها نکند، قطعاً با شرمندگی بدرقه خواهد شد. خسروی در ادامه وضعیت ارزی کشور را به عنوان یکی دیگر از چالش‌های اساسی پیش روی دولت بعدی عنوان کرد و گفت: دولتی که با شوک بین‌المللی نفتی مواجه می‌شود، طبعاً محدودیت منابع مالی و ارزی پیدا می‌کند ولی این مسئله زمانی به یک بحران تبدیل می‌شود که دولت قبلی صیانت لازم از ذخایر ارزی محدود خود را هم نداشته باشد. خسروی وضعیت ارزی کشور را به شرایطی تشبیه می‌کند که در آن یک شوک درآمدی به یک فرد وارد می‌شود و همزمان آن فرد علیرغم اینکه چشم‌اندازی ندارد که چه زمانی دوباره این درآمد برمی‌گردد؛ همزمان در هزینه‌های خود اسراف می‌کند. اینگونه تداوم زندگی اقتصادی آن فرد با یک بحران رو به رو خواهد کرد. این کارشناس در پایان تأکید کرد: از سالی که تحریم‌ها با خروج آمریکا از برجام جدی شد و نتوانستیم نفت بفروشیم، دولت در همه موارد به همین شکل رفتار کرد و با اجرای سیاست‌هایی مثل ارز ۴۲۰۰ تومانی اسراف‌های به شدت زیادی متحمل شد که ذخایر ارزی کشور را نابود کرد و قطعاً یکی از چالش‌های رییس کل بانک مرکزی آینده این مسئله خواهد بود که چگونه هم برای تأمین کالاهای اساسی ذخایر ارزی ایجاد کند و هم جهش ارزی نداشته باشد.

## اقتصاد آزاد قدرت می‌گیرد یا دولتی؟ رویکرد دولت سیزدهم در اقتصاد

مریم فکری

«انتخاب تیم اقتصادی دولت ریسی، اقتصاد آزاد خواهد بود یا دولتی یا سمت و سوی دیگری غیر از این خواهد داشت؟» این سوالی است که این روزها ذهن محافل اقتصادی را درگیر کرده؛ این در شرایطی است که احتمالاً در هفته جاری سید ابراهیم ریسی، از اعضای کابینه خود رونمایی خواهد کرد.

کارشناسان معتقدند در میان سیستم‌های اقتصادی تعریف شده در دنیا، یکی از بهترین و ایده‌آل‌ترین سیستم‌ها را می‌توان نظام اقتصاد بازار یا اقتصاد آزاد دانست. نظامی که در آن تمامی تصمیمات اقتصادی توسط فعالان بازارهای مختلف اتخاذ می‌شود و از تعامل بین افراد و نگاه‌های اقتصادی در جامعه نحوه تخصیص کالاها و منابع در اقتصاد تعیین می‌شود. در این نظام افراد در مورد نحوه سرمایه‌گذاری و مصرف کالاهای مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند و در واقع این مردم هستند که کلید تمامی فعالیت‌های اقتصادی و موفقیت‌های اقتصادی هستند.

برخی از کارشناسان معتقدند سمت و سوی تیم اقتصادی دولت سیزدهم، اقتصاد دولتی خواهد بود و برخی نیز، عنوان می‌کنند نام‌هایی که شنیده می‌شوند، اقتصاد بازار آزاد را قبول دارند. این در حالی است که صاحب‌نظرانی نیز به قدرت گرفتن شبه‌دولتی‌ها هشدار می‌دهند.

### ■ اقتصاد غیر آزاد قدرت می‌گیرد؟

در این خصوص، ابوالفضل روغنی گلپایگانی، رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به این پرسش که فکر می‌کنید تفکر اقتصادی دولت آقای ریسی به کدام سمت است؟ اقتصاد دولتی یا آزاد؟ به خبرآنلاین می‌گوید: آنچه که من می‌شنوم، بیشتر تفکر

اقتصاد غیر آزاد مطرح می‌شود، یعنی شبه‌دولتی. من اعتقاد دارم که ما تقریباً به سمت اقتصاد شبه‌دولتی داریم حرکت می‌کنیم. رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران توضیح می‌دهد: اولاً این که ما اقتصاد را خیلی دیگر نمی‌توانیم دولتی کنیم، چون قوانین اجازه این که ما بخواهیم دولت را بزرگ کنیم، به ما نمی‌دهد. اما این که اقتصاد بازار آزاد داشته باشیم، من خیلی این تفکر را در تیم آقای ریسی نمی‌بینم. روغنی گلپایگانی با اشاره به خطر وجود شبه‌دولتی‌ها در اقتصاد، عنوان می‌کند: ما باید بپذیریم که اقتصاد دولتی در دنیا جواب نداده است. یک سری از صنایع و تصمیمات باید در اختیار دولت باشد، مثلاً همه دولت‌ها یک ایرلین دولتی دارند، اما نه به مفهومی که ما در اقتصاد کشور شاهد هستیم. در حال حاضر ۷۰ درصد اقتصاد کشور شبه‌دولتی و تقریباً دولتی است و ۳۰ درصد آزاد است. اما این در دنیا برعکس است. یعنی ۸۵ درصد اقتصاد در اختیار بخش خصوصی و ۱۵ درصد جزو مراکز حساس و امنیتی است که نمی‌شود واگذار کرد. وی می‌افزاید: در حال حاضر نظارت بخش نفت باید در اختیار دولت باشد، اما تولید و توزیع نفت باید در اختیار بخش خصوصی باشد؛ کاری که دنیا تجربه کرده است. اقتصاد متورم و دیوان سالار کشور ما همین الان یک اقتصاد دولتی است و راه برون‌رفت هم این است که فرصت‌ها را در اختیار بخش خصوصی قرار دهیم و دولت نظارت داشته باشد. رییس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به این پرسش که کدام تفکر اقتصادی مطلوب شرایط کنونی اقتصاد کشور است؟ عنوان می‌کند: اقتصاد آزاد و شفاف بهترین گزینه است. قوانین جاری کشور نیز این موضوع را تأکید می‌کند. پیش‌بینی کارشناسان از مسیر حرکت اقتصاد در دولت سیزدهم/اقتصاد آزاد قدرت می‌گیرد یا دولتی؟

### ■ آب از سرمان گذشته است

مجیدرضا حریری، رییس اتاق بازرگانی ایران و چین نیز در گفت‌وگو با خبرگزاری خبرآنلاین می‌گوید: ما آب از سرمان گذشته که به این فکر کنیم به سمت اقتصاد آزاد می‌رویم یا دولتی.

وی می‌افزاید: در دولت آقای روحانی همه فکر می‌کردند سیاست‌ها به سمت اقتصاد بازار می‌رود، اما در عمل مداخله دولت کمتر از دولت‌هایی نبود که به نهادگرایی اعتقاد داشتند. پس با این عینک نباید نگاه کنیم. رییس اتاق بازرگانی ایران و چین تصریح می‌کند: مهم نیست که مشرب اقتصادی‌شان بازار است یا نهاد، مهم این است که رفتارشان منجر به کاهش تورم و ایجاد رفاه برای مردم شود.

حریری عنوان می‌کند: اهمیت ندارد چه کسی و با چه طرز فکری تصمیم می‌گیرد. هر طرز فکری که روی کار می‌آید، از نظر سیاسی ناچار است که هر کاری می‌کند، نتیجه‌اش کاهش تورم باشد.

### ■ اقتصادی دستوری تشدید می‌شود؟

در این میان، حسین سلاح‌ورزی، نایب‌رییس اتاق بازرگانی ایران با اشاره به این که افراد مطرح برای کابینه اقتصادی دولت سیزدهم به اقتصاد دستوری و برنامه‌ریزی شده اعتقاد تام دارند، می‌گوید: افراد مطرح برای کابینه اقتصادی دولت آقای ریسی جهت‌گیری‌های ضد بین‌المللی و ضد اقتصاد جهانی دارند. او می‌افزاید: معتقدم این پرسش که دولت آقای ریسی گرایش به کدام تفکر یا مکتب اقتصادی دارد را کسی نتواند به صورت مشخص پاسخ دهد. حتی شخص رییس‌جمهور دولت سیزدهم هم به نظر نمی‌تواند جوابی برای این سؤال داشته باشد.

سلاح‌ورزی تصریح می‌کند: واقعیت این است که ما در بحث حکمرانی اقتصادی این قدر درگیر بدیهیات و موضوعات اولیه هستیم که اصلاً پاسخ به این سؤال خیلی درجه اهمیت بالایی ندارد. وی عنوان می‌کند: اساساً در حال حاضر میان مدیران اقتصادی مطرح کشور و نه حتی در میان کابینه اقتصادی مطرح آقای ریسی جراحان حاذقی را نداریم که بیاید و بر سر این که نیم میلی‌متر کمتر یا بیشتر بافت ناسالم اقتصاد ایران را ببرند با هم بحث‌و‌جدل کنند. شرایط اقتصاد ایران به گونه‌ای است که انگاری یک پرستار بیمار دیابتی تا به حال روزی پنج وعده به بیمار خود نان خامه‌ای می‌داده‌اند. وی پیش‌بینی کرد اقتصاد ایران بسته‌تر از گذشته شود.

افزایش تعداد خودروهای ناقص در خطوط تولید

## نبود نقدینگی بلای جان خودروسازان

جواد هاشمی

این بدهی‌ها می‌افزاید. از سوی دیگر قیمت گذاری دستوری شورای رقابت از سوی فضایی بزرگ برای دلان صنعت خودرو به وجود آورده و از سوی دیگر، خودروسازان را با زبان انباشته‌ای بسیار گسترده مواجه کرده است.

از سوی دیگر قطعه سازان داخلی نیز تحت تأثیر طلب‌های وصول نشده خود و محدودیت‌هایی که تحریم‌ها و مشکل در تأمین مواد اولیه به وجود آورده به ستوه آمده‌اند و می‌گویند در صورتی که دولت جدید راهی جدی برای عبور از مشکلات پیدا نکند، صنعت خودرو ایران چاره‌ای جز کاهش فعالیت و کنار گذاشتن اهداف کلان نخواهد داشت.

در سه سالی که از دور جدید تحریم‌های آمریکا علیه اقتصاد ایران می‌گذرد، عملاً امکان همکاری با بسیاری از کشورها و شرکت‌های بزرگ خودروسازی از تولیدکنندگان ایرانی گرفته شده و بخش مهمی از تولیدات بر ظرفیت‌های داخلی متمرکز شده است. هرچند با افزایش درصد داخلی سازی قطعات محصولات ایرانی، ایران خودرو و سایپا توانستند در طول این سال‌ها، خطوط تولید خود را حفظ کنند و لاقط بخشی از تقاضای موجود برای خودروهای جدید در بازار داخلی را پاسخ دهند اما به نظر می‌رسد تداوم این اقدام در سال جاری با اما و اگرهای جدی مواجه خواهد بود.

پس از بحران تأمین قطعات برای خودروهای جدید در سال ۹۸، آمارها نشان می‌دهد که

و خروج آمریکا از برجام در ابتدای سال ۹۷ اما تمام این تصورات را بر هم ریخت و با از سرگیری تحریم‌ها، نه تنها دستاوردهای قبلی از بین رفتند که حتی در سال ۱۴۰۰، بسیاری از شاخص‌های اقتصادی نسبت به سال ۹۲ وضعیتی بحرانی‌تر را نشان می‌دهند.

در چنین شرایطی تیم اقتصادی دولت سیزدهم باید کار خود را آغاز کند. تیمی که در حوزه صنعت و به طور خاص بخش خودرو با چند پرسش مهم مواجه خواهد بود. در صورت تداوم تحریم‌ها، خودروسازان ایرانی همچنان باید بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی تمرکز کنند و حتی در صورت ادامه حمایت‌ها، احتمالاً تداوم شرایط فعلی برای صنعت خودرو ممکن نیست.

آمارها نشان می‌دهند که بدهی خودروسازان ایرانی از مرز ۴۰ هزار میلیارد تومان گذشته و کمبود جدی نقدینگی، ماه به ماه به عدد

با وجود آنکه در برنامه ریزی سالانه برای تولید خودرو در ایران، هدف گذاری بیش از یک میلیون دستگاهی پیش بینی شده اما به نظر می‌رسد تداوم وضعیت فعلی حتی تکرار ارقام تولیدی سال‌های گذشته را نیز ناممکن خواهد کرد.

با امضای حکم تنفیذ ابراهیم ریسی از سوی مقام معظم رهبری برگزاری مراسم تحلیف در روز پنج‌شنبه ۱۴ مرداد، رییس جمهوری منتخب در انتخابات ۲۸ خرداد امسال کار خود را در نیمه تابستان سال ۱۴۰۰ رسماً آغاز کرد و حالا با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی باید عمده تمرکز خود را بر حل معضلات و مسائل اقتصادی کشور قرار دهد.

حسن روحانی در حالی دولت را در سال ۹۲ تحویل گرفت که ایران تحت تحریم‌های هسته‌ای شورای امنیت سازمان ملل قرار داشت، رشد اقتصادی پایین آمده بود و نرخ تورم به بالاتر از ۳۰ درصد رسیده بود. روحانی شعار ۱۰۰ روزه ابتدایی دولت خود را بر حل اختلافات بین‌المللی و برطرف کردن تحریم‌های هسته‌ای با محوریت مذاکرات دیپلماتیک متمرکز کرد، شعاری که لاقط در چهار ساله نخست دولت بخش مهمی از آن محقق شد.

کنار رفتن تحریم‌های هسته‌ای، افزایش قابل توجه سرعت رشد اقتصادی و تک رقی شدن تورم بخشی از عملکرد دولت یازدهم را تشکیل می‌داد که باعث شد مردم بار دیگر به روحانی برای تشکیل دولت دوازدهم اعتماد کنند. روی کار آمدن ترامپ

هرچند آمار دقیقی از چرای ناقص ماندن فرایند تولید این خودروها منتشر نشده اما به نظر می‌رسد نرسیدن برخی قطعات به خودروسازان اصلی‌ترین علت خواهد بود، موضوعی که قطعه سازان از ماه‌ها قبل نسبت به آن هشدار داده بودند و همچنان بر آن تاکید می‌کنند.



دهد و در عین حال به اهداف کلان نیز دست پیدا کند.

این فعال صنعت خودرو ادامه داد: اگر قیمت گذاری دستوری پایان یابد، هم راه برای تأمین مالی خودروسازان فراهم می شود تا آنها بتوانند بدهی خود را بپردازند و هم راه برای کنار زدن رانت کلان به وجود آمده در بازار باز خواهد شد. امروز قطعه سازان با معضل جدی تأمین نقدینگی مواجه هستند و با تداوم شرایط فعلی، تأمین مواد اولیه و رساندن قطعات لازم به خودروسازان برای تکمیل فرایند تولید هر روز دشوارتر می شود. به گفته نجفی منش، هر چند تحریم ها عاملی مهم در محدود کردن فعالیت های صنعت خودرو ایران بوده اما تصمیمات غلط داخلی از جمله قیمت گذاری دستوری، محدودیت های گمرکی در ترخیص مواد اولیه و نرسیدن به موقع نقدینگی خطوط تولید را با چالش های جدی مواجه کرده است. امروز دولت سیزدهم باید با این سؤال مواجه شود که آیا برای حل مشکلات صنعت خودرو، حاضر به اتخاذ تصمیمات دشوار و حیاتی خواهد بود یا همچنان قرار است به تداوم مسیر غلط گذشته تن بدهد؟

معضلات مهمی در خطوط تولید خودرو مشاهده می شود.

وی با تأکید بر این موضوع که برای اصلاح روند فعلی، نیاز به تصمیمات قاطع در صنعت خودرو وجود دارد، بیان کرد: دولت جدید باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا همچنان قصد دارد با قیمت گذاری دستوری این بازار را اداره کند؟ وقتی بسیاری از بازارها آزاد هستند و با نرخ تورم افزایش جدی قیمت را تجربه می کنند، نمی توان توقع داشت که خودروسازی با زبان به کار خود ادامه

این معضل بار دیگر در سال ۱۴۰۰ شدت گرفته است. برآوردهای اعلامی در سامانه کدال نشان می دهد که در بهار ۱۴۰۰، تعداد خودروهای ناقص تولید شده در خودروسازی های بزرگ ایران رشدی ۵۸ درصدی را به ثبت رسانده و به عدد ۱۲۵ هزار دستگاه رسیده است.

هرچند آمار دقیقی از چرایی ناقص ماندن فرایند تولید این خودروها منتشر نشده اما به نظر می رسد نرسیدن برخی قطعات به خودروسازان اصلی ترین علت خواهد بود، موضوعی که قطعه سازان از ماه ها قبل نسبت به آن هشدار داده بودند و همچنان بر آن تأکید می کنند.

محمدرضا نجفی منش - رییس انجمن قطعه سازان همگن استان تهران - با بیان اینکه فعالان صنعت خودرو از مدت ها پیش نسبت به رسیدن به شرایط امروز هشدار داده بودند، اظهار کرد: فعالان صنعت خودرو در طول سال های گذشته بارها هشدار داده بودند که تداوم تصدی گری دولت در عرصه خودرو و اصرار بر تداوم قیمت گذاری دستوری کار را دشوار می کند اما با ناشنیده ماندن تمام این هشدارها امروز

**دولت جدید باید به این سؤال پاسخ دهد که آیا همچنان قصد دارد با قیمت گذاری دستوری این بازار را اداره کند؟ وقتی بسیاری از بازارها آزاد هستند و با نرخ تورم افزایش جدی قیمت را تجربه می کنند**

اگر مزد ترمیم شود تأمین اجتماعی برای جور کردن اعتبار همسان سازی خود را  
به در و دیوار نمی زند

## مطالبه کارگران و بازنشستگان از دولت سیزدهم

نسرین هزاره مقدم

دارند راهکارهای پیشنهادی آن‌ها برای «تسهیل فضای کسب و کار» را به اجرا در بیاورد. همه اینها رویهمرفته اسباب نگرانی مضاعف کارگران و بازنشستگان را فراهم کرده است. امروز کارگران و بازنشستگان حداقل بگیر در دشوارترین شرایط معیشتی به سر می‌برند. اگر دستمز در خیلی خوشبینانه ۴ میلیون تومان و سبد معیشت را با هم خوشبینانه ده میلیون تومان در نظر بگیریم سطح پوشش حداقل دستمزد به زحمت بین ۳۰ تا ۴۰ درصد است و در چنین شرایطی اگر قرار باشد نظریات تولیدکنندگان و اتاق‌های بازرگانی اجرایی شود یعنی از یک طرف ارز ۴۲۰۰ تومانی حذف و مجوز گرانی بیشتر کالاها داده شود و از سوی دیگر راهکارهای ضد کارگری و تعدیلی اتاق‌ها از جمله خصوصی سازی بیشتر و اصلاح قانون کار به اجرا در بیاید، اوضاع به مرحله‌ای خواهد رسید که نامی جز «بحران حاد و خارج از تحمل مردم» بر آن نمی‌توان نهاد. نشانه‌های اولیه هم اصلاح روشن نیست. همین حالا نمایندگان مجلس تلاش دارند با خودداری از تصویب لایحه دائمی شدن همسان سازی و ایراد گرفتن از افزایش حقوق بازنشستگان، به اصطلاح «دبه در بیاورند» و بار پرداخت بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی را بر دوش دولت سیزدهم نیاندازند!

کارگران و بازنشستگان چه می‌خواهند؟ راهکاری به نفع سازمان تأمین اجتماعی اما کارگران و بازنشستگان که شاهده این

### تعدیل هر چه بیشتر!

با این وجود، هنوز دولت جدید بر سر کار نیامده، تولیدکنندگان و اتحادیه‌های صنفی آن‌ها از دامداران و مرغداران و اتحادیه‌های آرد و نان گرفته تا تولیدکنندگان سیمان و میلگرد و مصالح ساختمانی، همگی بر ضرورت گرانی‌تر شدن تولیدات خود به این بهانه که «تولید دیگر سودآور» نیست تاکید دارند و از دولت می‌خواهند نظارت خود در بازار و قیمت‌گذاری دستوری را از میان بردارد و اجازه بدهد تولیدکنندگان هر چقدر که تمایل دارند همه چیز را گرانی کنند! و جالب اینجاست که همینها مدافع سرسخت حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی نیز هستند و ادعای کنندار از دولتی تولید رانت کرده و باید حتماً از میان برداشته شود. تنها دلیل منطقی مخالفت تولیدکنندگان و کارفرمایان با ارز دولتی ۴۲۰۰ این است که اگر دولت با نظارت و مدیریت، این ارز را به کالاهای اولیه و واسطه‌ای تولید به خصوص در زمینه اقلام اساسی اختصاص بدهد، مجوز گرانی هر چه بیشتر از تولیدکننده و واردکننده سلب می‌شود و نمی‌توانند به بهانه مثلاً گرانی دان و خوراک طیور، مرغ را هر قدر که می‌خواهند گرانی کنند! در چنین چیدمانی است که دولت سیزدهم کار خود را با انجام مراسم تحلیف در مجلس شورای اسلامی آغاز کرده است. در کنار پروپاگاندای رسانه‌ای تولیدکنندگان و اتحادیه‌های صنفی آن‌ها، اتاق‌های بازرگانی و اقتصادی نیز هستند که از دولت جدید درخواست

تنها راهکار نجات کارگران و بازنشستگان از بحران و تنها مسیر عادلانه و قانونی برای افزایش منابع و ورودی‌های سازمان تأمین اجتماعی، افزایش مزد کارگران شاغل بر اساس الزامات ماده ۴۱ قانون کار است. تورم ۴۴ درصدی، شاخص کلی و مجموع برای تخمین سربار هزینه‌های زندگی است اما افزایش واقعی هزینه‌های زندگی به خصوص در اقلام اساسی از جمله خوراکی‌ها و مسکن، خیلی بیشتر از این حرف‌هاست. به عبارتی اگر تورم را با معیارهای جمعیتی مرکز آمار و با نظام ارزش‌گذاری تقریباً غیر واقعی و قدیمی آن در نظر بگیریم، افزایش واقعی هزینه‌های زندگی کارگران و بازنشستگان بدون تردید بیش از صد درصد است آنهم در بازه‌ای کمتر از یک سال. شاهد اصلی این ادعا نیز به حساب نیامدن افزایش نرخ واقعی اجاره خانه و مسکن در سید توری مرکز آمار است. به گفته محمدرضا تاجیک (یکی از نمایندگان کارگران در شورایی کار) «تورم رسمی شاخص معتبری برای تعیین افزایش هزینه‌های زندگی نیست و بیابند توضیح دهند که افزایش حداقل ۳۰ درصدی اجاره فقط در بازه چهار ماهه ابتدای امسال را چطور توجیه می‌کنند و با چه معیاری تورم ۴۴ درصد است حتی خوراکی‌های اساسی خانوار در مواردی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش نرخ داشته است.»

نشانه‌های دردناک:

■ اصرار اتحادیه‌ها و اتاق‌های بازرگانی بر



دولت سیزدهم می تواند در ماه اول صدارت خود، زمینه ترمیم دستمزد بر اساس محاسبات عادلانه و قانونی سبد معیشت خانوار را فراهم کند و باید یادآوری کنیم که در متن صریح قانون کار هیچ ممنوعیتی برای افزایش دوباره و یا حتی چندباره دستمزد در طول یکسال تعریف نشده. در ماده ۴۱ قانون کار نیامده «افزایش مزد فقط سالی یکبار» و بنابراین می توان دستمزد را به راحتی در میانه سال ترمیم کرد. امروز مهمترین خواسته جمعی کارگران که البته به سود سازمان تأمین اجتماعی نیز هست، همین ترمیم دستمزد قبل از نیمه دوم سال است؛ گرچه کارگرانی که سالها و دههها از سیاستهای تعدیلی و نئولیبرالیستی دولت‌های پیاپی زخم خورده‌اند، هرگز چشم‌شان آب نمی خورد که دولت جدید آن‌ها را در اولویت قرار دهد و در آغاز کار سراغ ترمیم دستمزد برود. به قول یک کارگر شهرداری کوت عبدالله «سالی یکبار هم به زحمت و قطره چکانی مزد ما را افزایش می دهند و بعد هم نظارتی نمی کنند که همان افزایش دستمزد به همه کارگران تعلق بگیرد حالا شما توقع دارید که بیایند و اول کار دولت جدید، مزد من کارگر را ترمیم کنند؟! گرچه قبول دارم که ما کارگران باید یکصد فریاد بنیم و این مطالبه جمعی را متحدانه از دولت جدید بخواهیم اما ما حتی یک تشکل مستقل و سراسری نداریم که پشت کار بایستد و بگوید «الا و بلا فقط ترمیم دستمزد» یعنی نگذاشته‌اند که داشته باشیم!»

نیز خواهد بود و دیگر سازمان نیازی ندارد برای جور کردن اعتبار همسان سازی به در و دیوار بزند! اکبر شوکت (عضو کارگری هیات امنای سازمان تأمین اجتماعی) در این رابطه می گوید: اگر در جلسات شورایی کار، مزد کارگران شاغل به اندازه سبد معیشت افزایش یابد، ورودی‌های سازمان تأمین اجتماعی نیز که از محل حق بیمه شاغلان است به تبع آن افزایش می یابد و سازمان از محل ورودی‌های افزایش یافته خود می تواند مستمري بازنشستگان را نیز افزایش دهد. راهکار افزایش مستمري بازنشستگان به گونه‌ای که تأمین اجتماعی به مشکل برنخورد، همین افزایش عادلانه و قانونی مزد شاغلان است چراکه مزد شاغل که زیاد شود حق بیمه پرداختی زیاد می شود و منابع سازمان افزایش می یابد. بنابراین اگر دولت در جلسات شورایی کار می پذیرفت که مزدها به اندازه سبد معیشت یا لاقبل به اندازه تفاضل دو سبد (افزایش هزینه‌های زندگی در طول یکسال) زیاد شود دیگر نیازی به همسان سازی و جارو جنجال بر سر اعتبار و منابع آن نبود!

**■ راهکار فقط ترمیم مزد است و بس!**

پس تنها راهکار نجات کارگران و بازنشستگان از بحران و تنها مسیر عادلانه و قانونی برای افزایش منابع و ورودی‌های سازمان تأمین اجتماعی، افزایش مزد کارگران شاغل بر اساس الزامات ماده ۴۱ قانون کار است. لذا

نشانه‌های دردناک و بسیار نگران کننده هستند از دولت جدید یک درخواست کلی دارند: جدا از همسان سازی و قیل و قال آن و بلوایی که بر سر اعتبار مورد نیاز برای تداوم آن شکل گرفته، فضا را برای ترمیم مزد و مستمري فراهم کنید. به عبارتی در اولین فرصت در شهریورماه که وزیر کار جدید تعیین شد و به وزارتخانه رفت، جلسات شورایی کار برای ترمیم دستمزد را با فوریت بالا برگزار نماید تا حداقل دستمزد کارگران شاغل و مستمري کارگران بازنشسته به تبع آن افزایش یابد. در این مذاکرات فقط بند دوم ماده ۴۱ قانون کار یعنی بحث سبد معیشت را مبنای مذاکرات قرار دهید. حسین غلامی (فعال صنفی مستقل بازنشستگان) در این رابطه می گوید: اگر مستمري به اندازه سبد معیشت افزایش یابد و بازنشستگان بتوانند با دریافتی ماهانه خود تمام هزینه‌های زندگی را به صورت شرافتمندانه و بی دغدغه تأمین کنند، مسلم است که دیگر نیازی به همسان سازی یا متناسب سازی یا راهکارهای جدید و خارق العاده برای بهبود ناچیز مستمري نخواهد بود. قانون راهکار را به خوبی مشخص کرده: ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی و بند دوم ماده ۴۱ قانون کار. حتی حامیان تأمین اجتماعی و فعالان صنفی رسمی نیز از افزایش عادلانه مزد و مستمري و در اولویت قرار دادن آن به جای همسان سازی، استقبال می کنند چراکه اگر مزد عادلانه و براساس بند دوم ماده ۴۱ قانون کار افزایش یابد به نفع سازمان تأمین اجتماعی

راهکار مجلس برای «تبدیل وضعیت» نیروها چیست؟

## زخم‌های آشفته‌گی استخدام‌ها

پیام عابدی



موجب نشد که اندام دیوان سالاری غول آسای ایرانی کوچک شود؛ بلکه هزاران پیمانکار ریز و درشت جای بدنه دولت را پر و از آن ارتزاق می‌کنند؛ پیمانکارانی که الزاماً نماینده بخش خصوصی نیستند. برای نمونه در حوزه مسکن، راه‌سازی، پل سازی، سدسازی، آب‌رسانی و زهکشی و ساخت نیروگاه و برق‌رسانی، نگهداری فرودگاه‌ها، ساخت سیلوهای استراتژیک و تاسیسات نفتی، گازرسانی و توسعه زیرساخت‌های مخابراتی و فیبرنوری، ساخت شبکه ریلی مترو و حتی بهداشت، درمان و آموزش پیمانکاران دانه درشتی را می‌بینیم که در زیر مجموعه مؤسسات و شرکت‌های عمومی غیردولتی اما وابسته به دولت (خصولتی) قرار دارند؛

شدن رشته‌های اداری، تحصیلکردگان بیشتری بر سر خوان نعمت دولت نشستند و زندگی خود را با بودجه عمومی کشور تنظیم کردند. با این حال از دهه ۷۰، نظام دولتی کفه استخدامی خود را سبک کرد و پر و بال ریخت؛ به این امید که دیوان سالاری طویل خود را لاغر کند. کم‌کم پای شرکت‌ها و اقسام پیمانکاران به ادارات دولتی و حتی مؤسسات عمومی غیردولتی باز شد. از دهه ۷۰ به این سو استخدام شدن در دولت به عنوان یک انگیزه برای تشکیل زندگی، رنگ باخت؛ به نحوی که امروز هزاران نفر با حدود ۳۰ سال سابقه کار به صورت شرکتی در بدنه دولت، در شرف بازنشستگی هستند. با این همه، این سخت‌گیری

مدتی است که طرحی در کمیسیون اجتماعی مجلس، تدوین شده که محوریتش «مشاغل حاکمیتی» و مشاغل دائمی «غیرحاکمیتی» است. مبنای این طرح با وجود ایراداتی که دارد، به روح ماده ۷ قانون کار نزدیک‌تر است؛ چراکه کم و بیش، تکلیف قراردادهای کار را در مشاغل دارای ماهیت مستمر مشخص می‌کند. از شروع اصلاح نظام اداری ایران که اجرای آن عمری نزدیک به ۱۰۰ سال را دارد، بر خورداری از شغل دولتی به یک امتیاز تبدیل شده است؛ هرچند در زمان پهلوی اول عمده مشاغل دولتی در اختیار محصلان از فرنگ برگشته قرار داشت؛ اما آرام آرام با توسعه صنعتی ایران و تخصصی



پیمانکاری که بعضاً نامشان از نام بسیاری از وزرائی که انجام امور را به توسط نفوذ آنها تصاحب کرده‌اند، آشنا تر هستند.

## ■ ثبت بیشترین شکایت‌ها علیه یک پیمانکار

به همین دلیل، دولتی‌ها در مقابل آن‌ها سرتعظیم فرو می‌آوردند و نکوداشت آن‌ها را در جلسات مهم فراموش نمی‌کنند؛ البته این پیمانکاران تنها برای پروژه‌های چند هزار میلیاردی وقت می‌گذارند و با چند صد میلیارد تومان کار نمی‌کنند. بخش اعظم مشکلات کارگری بدنه دولت هم به همین پیمانکاران خوش خط و خال برمی‌گردد. آن‌ها در گذشته رقبایی از کشورهای چین و فرانسه هم داشتند اما با سنگین شدن بار نظام تحریم‌های بین‌المللی، عرصه را در اختیار گرفتند. به دلیل نداشتن رقیب خارجی و حمایت‌های بی‌دریغ داخلی، نام آن‌ها پیش از پیش به عنوان «سرباز اقتصادی» در جریان «جنگ نا جوانمردانه‌های تحریم‌ها» مطرح و به هر بهانه‌ای از آن‌ها تقدیر شد؛ بی‌آنکه به مشکلات کارگری که به دلیل عدم ایفای به موقع تعهدات دامن زده‌اند، پرداخته شود. یکی از معروف‌ترین این پیمانکاران که در حوزه عمران و زیرساخت‌های گول آسای فنی و مهندسی، فعال است، بیشترین شکایت‌های کارگری را در ادارت کار کشور به نام خود ثبت کرده است.

## ■ بحران موقتی‌سازی تعهدات دولت

اولین علائمی که از ظهور این دانه درشت‌های بعضاً بین‌المللی در اقتصاد ایران، بروز کرد، کوتاه کردن سایه دولت از روی سر نظام استخدامی کشور و اختصاص سهم کارگران به اینها بود؛ امری که با موقتی‌سازی حقوق و تکالیفی که قانون آن‌ها را در مقام کارفرما به دولت تفویض کرده، همراه شد. بدین ترتیب ثبات شغلی در بدنه اقتصادی مرتبط با

تکالیف حاکمیتی دولت، فروریخت و حوزه‌های مرتبط با تولید «کالاهای عمومی» صادره شدند؛ به نحوی که امروز بیشترین نیروی موقت را در حوزه برق، آب، نفت، بهداشت و درمان و حمل و نقل مشاهده می‌کنیم. همین نگرش کوتاه مدت به حوزه منابع انسانی به وسیله میدان دادن به پیمانکاران دانه درشت، موجب شد که امروز «کار» برای نیروهای مولد آن، مقوله‌ای موقت پیش پای دولت، افتاده، فرض گرفته شود؛ به ویژه اینکه پیمانکاران بزرگ، ابزار کار را در اختیار دارند و بدین واسطه زیر و بم حقوق کار را هم تفسیر می‌کنند.

■ **دراز شدن دست و پای پیمانکاران**  
این پیمانکاران تا جا داشته باشند از کارگران موقت (کار معین) برای پیشبرد کار خود استفاده می‌کنند و با اکثر آن‌ها قرارداد‌های یک ماهه منعقد می‌کنند؛ در حالی که امور دائمی را هم برعهده دارند؛ برای نمونه از بخشی از یک بیمارستان دولتی بهره‌برداری می‌کنند یا زیرساخت‌های شبکه مخابراتی را نگهداری می‌کنند. بدین ترتیب کار آن‌ها ماهیت مستمر دارد؛ اما مشکل از جایی شروع می‌شود که «قانون کار» انعقاد قرارداد موقت را در مشاغل دائم به رسمیت نمی‌شناسد و صرفاً در تبصره ۱ ماده ۷ بر ملزم بودن

دولت به شناسایی مشاغل موقت (دارای طبیعت غیرمستمر) تاکید می‌کند. اساساً انعقاد قرارداد‌های کار معین، روزمزد در مشاغل دائم، حجمی مدت معین، کارمزدی و... در خارج مفهوم تبصره ۱ ماده ۷ قانون کار معادلی ندارند اما زمانی که به نام مشارکت مردم در اقتصاد، پای پیمانکاران رانت‌جو، به نظام دولتی باز می‌شود، همه این موارد در امور مستمر هم معادلی پیدا می‌کنند؛ بویژه اینکه خصوصی‌سازی امور حاکمیتی هم دست بخش خصوصی را در اقتصاد سنگین کرد و دست و پای پیمانکاران وابسته به آن‌ها را درازتر کرد.

## ■ طرح مجلس برای تعیین تکلیف استخدام‌ها

در چنین شرایطی، از دوده‌پیش، تلاش‌هایی در مجلس برای سر و سامان دادن به این وضعیت شکل گرفت. گروهی از نمایندگان به تندی از دولت‌ها انتقاد کردند و بی‌نظمی آن‌ها در نظام اداری و استخدامی کشور را هزینه‌زا خواندند؛ حتی کار به استیضاح وزراء کشیده شد اما امروز به گفته نمایندگان، هرج و مرج در استخدام‌ها، زمینه‌ساز فساد و تباهی نظام اداری کشور شده است. از آنجا که اصلاح نظام اداری یک کشور، شرط اساسی توسعه است، طرح‌های متنوعی برای ساماندهی استخدام‌ها با تمرکز بر انعقاد قرارداد‌های دائم و یا طولانی مدت تر در مشاغل دارای ماهیت مستمر ارائه شد اما این تلاش‌ها به نتیجه نرسیدند؛ اما مدتی است که طرحی در کمیسیون اجتماعی مجلس، تدوین شده که محوریتش «مشاغل حاکمیتی» و مشاغل دائمی «غیرحاکمیتی» است. مبنای این طرح با وجود ایراداتی که دارد، به روح ماده ۷ قانون کار نزدیک‌تر است؛ چرا که کم و بیش، تکلیف قرارداد‌های کار را در مشاغل دارای ماهیت مستمر مشخص می‌کند. بر اساس این طرح، افراد در مشاغل حاکمیتی به صورت رسمی

اولین علائمی که از ظهور این دانه درشت‌های بعضاً بین‌المللی در اقتصاد ایران، بروز کرد، کوتاه کردن سایه دولت از روی سر نظام استخدامی کشور و اختصاص سهم کارگران به اینها بود؛ امری که با موقتی‌سازی حقوق و تکالیفی که قانون آن‌ها را در مقام کارفرما به دولت تفویض کرده، همراه شد.

استخدام می‌شوند. مشاغل حاکمیتی هم در امور نظامی، انتظامی و امنیتی شکل می‌گیرد و امور دیگری که باید در این رده قرار گیرند توسط دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس می‌رسند. با این حال حداقل ۳ و حداکثر ۶ سال زمان می‌برد تا افراد شاغل در این حوزه‌ها، از رسمی آزمایشی به رسمی دائم تبدیل و وضعیت شوند. بر این اساس بکارگیری نیروی موقت در مشاغل حاکمیتی ممنوع است و کلیه افرادی که از این طریق استخدام می‌شوند، باید آزمون‌های عمومی و تخصصی را بگذرانند و پس از استخدام به صورت رسمی آزمایشی به رسمی دائم ارتقاء یابند. با این همه از آنجا که این طرح، تعریف مشاغل حاکمیتی را محدود کرده، زمینه ایجاد رقابتی نابرابر برای ورود به این مشاغل را فراهم می‌کند و چه بسا به یک امتیاز اجتماعی برای خواص تبدیل شود. در سوی مقابل، مشاغل دائمی غیرحاکمیتی تفسیر موسعی را دارند. بر این اساس استخدام‌ها در قالب «پیمانی» سازمان داده می‌شوند. افرادی که حداقل ۵ سال به صورت شرکتی یا قراردادی در یک دستگاه کار کرده‌اند و افرادی که قبل از پایان مهر ۹۷ استخدام شده‌اند، مشمول این بندی می‌شوند. بادسته اول بدون برگزاری آزمون قرارداد پیمانی یک‌ساله بسته می‌شوند و پس از پایان این مدت، سیکل خودکار قرارداد دوساله، چهارساله، هشت‌ساله و پانزده‌ساله به جریان می‌افتد؛ پس از این مدت هم به ازای هر تعداد سالی که از خدمت کارکنان تا زمان بازنشستگی باقی مانده با آن‌ها قرارداد دیگری به صورت پیمانی بسته می‌شود. گروهی که قبل از پایان مهر ۹۷ استخدام شده‌اند هم به ازای هر سال خدمت، ۱۰ درصد امتیاز برای شرکت در آزمون‌های عمومی و تخصصی دریافت می‌کنند که این به معنای شانس بیشتر برای قبولی در آزمون است اما افرادی که بعد از مهر ماه ۹۷ استخدام شده‌اند،

حق شرکت در آزمون را ندارند.

## ■ تکلیف پیمانکاران چه می‌شود؟

این طرح در مورد پیمانکاران هم وضعیتی را ترسیم کرده است. بر این مبناء هر دستگاهی که بخواهد خدماتی را برون سپاری کند (امور غیرمستمر) ابتدا باید آن‌ها را به اطلاع «سازمان امور اداری و استخدامی کشور» برساند و برای آن تأییدیه بگیرد اما این به معنای صدور مجوز بکارگیری پیمانکار نیست؛ چرا که باید این موضوع به تأیید سازمان برنامه و بودجه برسد و پس از برگزاری مناقصه یا گزینش به جای دستگاه، سازمان برنامه و بودجه با پیمانکار قرارداد منعقد کند. هر بودجه‌ای که به اعتبار این قرارداد تخصیص می‌یابد، از سرجمع اعتبارات آن دستگاه کسر می‌شود. با این حال، مدت این قرارداد برای پیمانکاران حقیقی ۳ ماه و برای پیمانکاران حقوقی یک سال در نظر گرفته شده است اما برای اشخاص حقیقی تا ۳ نوبت هم قابل تمدید است. بر اساس این طرح اشخاص حقوقی مکلف شده‌اند که بیمه تأمین اجتماعی کارکنان خود را پرداخت کنند و مزد و مزایای آن‌ها را مطابق نیروهای پیمانی و با وظایف و شرایط مشابه شغلی، پرداخت کنند. سازمان برنامه و بودجه هم مکلف است که بر افتتاح حساب ویژه پرداخت دستمزد

و مزایای مزدی نیروی کار و همچنین نحوه اجرای کار، نظارت کند و در صورت تخطی پیمانکار از تعهداتش، قراردادی که با او بسته را فسخ کند.

## ■ سازماندهی قراردادهای موقت

پیش‌بینی‌های طرح موجب می‌شود که تکلیف امور غیرمستمر مشخص شود. در اینجا مجلس اجازه می‌دهد که در امور موقت، با کارکنان قرارداد موقت و حجمی منعقد شود؛ البته شرط می‌کند که اگر دستگاه برای ایفای تعهداتی که پیمانکار در قبال نیروی کار بر زمین گذاشته، دخالت کند، این عمل «تصرف در اموال عمومی» محسوب و بین ۶ ماه تا ۲ سال انفصال از خدمت را برای مقام مسئول در پی دارد. بدین ترتیب در یک ساز و کار چند لایه، ترتیبی برای رفع معضل استخدام‌های بی‌در و پیکر که در آن‌ها نیروی کار از حقوقی مانند پرداخت به موقع و کامل حق بیمه تأمین اجتماعی و پرداخت کامل مزد و مزایا تا پایان قرارداد محروم می‌ماند، دیده شده است اما باید مشخص شود که چرا دایره استخدام‌های رسمی محدود ترسیم شده و تکلیف نیروهایی که بعد از مهر ماه ۹۷ استخدام شده‌اند، چه می‌شود؛ چرا که طرح با منع حضور آن‌ها در آزمون، موضوع را مسکوت گذاشته است. باید مشخص شود که اگر دستگاه یا شرکت مربوطه آن‌ها را پس از پایان قرارداد یا حتی پیش از آن اخراج کند، تکلیفشان چه می‌شود.

تسلط شرکت‌ها بر بهداشت و درمان بارائه این طرح در کمیسیون اجتماعی مجلس، نیروهای شرکتی و قراردادی دستگاه‌ها دولتی نسبت به تعیین تکلیف وضعیت خود امیدوار شده‌اند؛ برای نمونه کارکنان بهداشت و درمان که با قراردادهای کوتاه مدت خطر اخراج و بیکاری را از سر می‌گذارند، خواهان تصویب هر چه سریعتر این طرح در مجلس هستند؛ بویژه اینکه آن‌ها از انتهای سال ۹۸ درگیر مقابله با بار سنگین

پیش‌بینی‌های طرح موجب می‌شود که تکلیف امور غیرمستمر مشخص شود. در اینجا مجلس اجازه می‌دهد که در امور موقت، با کارکنان قرارداد موقت و حجمی منعقد شود؛ البته شرط می‌کند که اگر دستگاه برای ایفای تعهداتی که پیمانکار در قبال نیروی کار بر زمین گذاشته، دخالت کند، این عمل «تصرف در اموال عمومی» محسوب و بین ۶ ماه تا ۲ سال انفصال از خدمت را برای مقام مسئول در پی دارد.



بدین وسیله اموراتش را بگذارند؛ بدون اینکه هیچ تعهد خاصی برایش ایجاد شود.»

### ■ دولت آینده فرصت را نسوزاند

این عده معتقدند که اگر کرونا وجود نداشت و دولت مجبور نمی شد سیستم درمان کشور را در زمان بروز بیک‌های تهاجمی این ویروس، با ۱۰ درصد ظرفیت در اختیار بگیرد، بسیاری از نیروهای شرکتی و قراردادی مانند کارمین‌ها و حجمی‌ها، بر روی موج تعدیل نیرو قرار می گرفتند. به همین دلیل، آن‌ها نگران آینده خود هستند. در سایر حوزه‌ها هم با وجود اینکه این حجم بار مراجعه و فشار کار وجود ندارد، اما وضع شغلی کارکنان، بویژه کارکنان شرکتی که با پایین‌ترین دستمزدها کار می کنند، اسفبار است؛ برای نمونه در حوزه آموزش هزاران نیروی خرید خدمات زیر دست شرکت‌ها، با دستمزد ۵۰۰ هزار تومانی که تا سال گذشته به ۴۰۰ هزار تومان هم می رسید، کار می کنند؛ بی آنکه از نیمچه قرارداد محکم یا حقوق اولیه کار مانند بیمه تأمین اجتماعی برخوردار باشند. این وضعیت ایجاب می کند که رئیس دولت سیزدهم، مسئولانه به موضوع ساماندهی استخدام‌ها ورود کند و فرصت ۴ ساله که بخشی از مردم به وی اعطا کرده‌اند، را نسوزاند.

حقوق و مزایای نیروهای رسمی و اعضای هیات علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی کند؛ به گونه‌ای که حقوق ناخالص آن‌ها به چند ده میلیون تومان در ماه برسد اما یک نیروی شرکتی تنها ۴ میلیون تومان دستمزد دریافت کند. در همین حال این سیستم تبعیض گسترده‌ای را سبب شده است؛ به نحوی که امروز اقسام قراردادهای کار را در قالب تبصره ۳ و ۴، ۸۹ روزه، شرکتی تأمین نیرو، خرید خدمات، شرکتی حجمی و شرکتی برون سپاری شاهد هستیم. این به معنای تسهیل شرایط تعدیل نیرو است؛ یعنی هر زمان که دولت دید به نیرو نیاز دارد، استخدام کند و هر زمان که هوا را پس تشخیص داد، آن‌ها را کنار بگذارد؛ تا

پنج پیک بزرگ کرونا بر سیستم سلامت کشور شده‌اند و حالا از نظر جسمی و روحی فرسوده هستند. آن‌ها در این مورد به ایلنا می گویند: «از زمان ورود کرونا به کشور، مانیروهای شرکتی و قراردادی مورد اجحاف قرار گرفتیم. در حالی که بیشترین بار را بر دوش می کشیم، نصف و حتی کمتر از نصف حقوق نیروهای پیمانی و رسمی را دریافت می کنیم؛ البته انتظار داشتیم که مجلس سریعتر از اینها، برای نیروهای شرکتی و قراردادی کاری را انجام دهد. در حال حاضر، شرکت‌ها بر حوزه بهداشت و درمان حاکم شده‌اند و در قراردادهایی که با دانشگاه‌های علوم پزشکی منعقد می کنند، سهم عمده‌ای را به خود اختصاص می دهند اما کمترین حقوق و مزایا را به کارکنان خود پرداخت می کنند.» به گفته کارکنان بهداشت و درمان، «تسلط شرکت‌ها موجب شده که پرداخت فوق‌العاده ویژه کرونا که رقم آن برای پیمانی‌ها و رسمی‌ها ۲ تا ۳ برابر شرکتی هاست، به کارکنان شرکتی چند دانشگاه علوم پزشکی، محدود شود و بسیاری که اتفاقاً در جریان فشار کار به کرونا مبتلا شدند، از این حق محروم بمانند. شرکتی و حتی قراردادی بودن بخش اعظم نیروها، بهانه‌ای شده تا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ارقام بیشتری را صرف‌ترمیم

این عده معتقدند که اگر کرونا وجود نداشت و دولت مجبور نمی شد سیستم درمان کشور را در زمان بروز بیک‌های تهاجمی این ویروس، با ۱۰ درصد ظرفیت در اختیار بگیرد، بسیاری از نیروهای شرکتی و قراردادی مانند کارمین‌ها و حجمی‌ها، بر روی موج تعدیل نیرو قرار می گرفتند. به همین دلیل، آن‌ها نگران آینده خود هستند.

وقتی که لاکچری‌ها پا به زندگی معمولی‌ها می‌گذارند

## پشت پرده زندگی‌های اینستاگرامی

فاطمه میرزا جعفری

کنید شاهد پیام‌هایی از قبیل «خوش به حالت چه زندگی»، «ای کاش همسر من هم مثل شما بود»، «وای چه خونه تمیزی، چه همسر خوب و همراهی»، اما کاربران نمی‌دانند که پشت پرده این عکس و ویدئوها چه می‌گذرد و همه چیز در قاب مربعی قرمز و بنفش رنگ اینستاگرام خلاصه نمی‌شود؛ کار بلاگرها و مخاطبانشان به جایی رسیده است که حتی برای تقویت مو و جلوگیری از ریزش آن و یا داشتن پوستی شاداب اقدام به تجویز قرص‌های مکمل خوراکی می‌کنند آن هم با این جملات «بچه‌ها چون توی دایرکت خیلی راجع به پوست و موهام سؤال پرسیده بودید ترجیح دادم توی یک ویدئو به همه جواب بدم، من از مکمل فلان استفاده می‌کنم که خیلی کمیابه توی ایران و اصلش به سختی پیدا میشه» در نهایت چنین حرف‌هایی منجر به تبلیغ یک پیج می‌شود که بلاگر مورد نظر اطمینان خاطر صد درصدی به مخاطبانش می‌دهد که اصل است و تنها این پیج وارد کننده تخصصی این مکمل هاست؛ غافل از اینکه بسته به نیاز هر فرد با انجام آزمایشات متفاوت و به تشخیص پزشک باید مکمل‌های غذایی تجویز و استفاده شوند.

### ■ کاش من هم مثل شما بودم

متأسفانه این روزها در اینستاگرام و پیج‌های رنگی رنگی با سه نوع مختلف از بی‌محتوایی مواجهه‌ایم دسته اول بلاگرهایی که زندگی بی‌هیجان و معمولی خود را گزارش می‌کنند و با دیالوگ‌هایی همچون «چون می‌پرسیدم میگم، «من فقط تجربیاتم رو باهاتون به اشتراک می‌گذارم»، «اینجا محلی برای انتقال حال خوب به همدیگه است» کار می‌کنند دسته دوم پکیج فروش‌هایی هستند که با ادعای بالا بردن انگیزه برای درآمدزایی و راه‌هایی برای کسب درآمد

لحظه‌ای که از خواب بیدار می‌شوند تا نیمه‌های شب عکس‌های رنگی زیبایی از خانه، زندگی، اعضای خانواده‌شان، خرید، آشپزی و غیره در حالت‌های مختلف منتشر می‌کنند. آن‌ها بیشتر روزمره نویسان اینستاگرامی هستند که هر بار خلاصه فعالیت‌های چند وقت اخیرشان را با تمام جزئیات برای مخاطب تعریف می‌کنند؛ این افراد عمدتاً کارشان را از تعریف قصه‌آشنایی با همسرشان و خاطرات عاشقانه‌شان شروع می‌کنند، بعضی‌های دیگر از دوران بارداری شأن می‌گویند و به دنیا آمدن فرزندان و بعد از آن شیرین‌زبانی‌های کودکشان کارشان می‌گیرد، برخی دیگر اوایل زندگی مشترک‌اند و به دنبال تهیه جهیزه‌اند و مخاطبانشان را به دنبال خود از این مغازه به آن مغازه و از این بنگاه به آن بنگاه می‌کشانند. این فعالان روزمره نویس به ظاهر بی‌سر و صدا کار می‌کنند اما آنقدر پر طرفدارند که می‌توان در میانشان پیج‌های یک میلیونی هم پیدا کرد؛ صفحاتی که به ظاهر بی‌سر و صدا هستند اما مثل یک سلبریتی ذهن‌های زیادی را به خودشان مشغول کردند و افسردگی‌های زیادی را هم به دنبال خود به ارمغان می‌آورند.

خوش به حال شما صفحات رنگی رنگی

با گسترش شبکه‌های اجتماعی خصوصاً اینستاگرام فعالیت در این پلتفرم فراتر از سرگرمی رفت و کاربران تلاش می‌کردند که هر روز تصویری بی‌نقص تر و شادتر از زندگی خود را با دیگران به اشتراک بگذارند صفحات رنگی رنگی هم به مرور زمان تبدیل به سلبریتی‌های اجتماعی شدند. آن‌ها به خوبی می‌دانند چطور، چگونه و با چه تصویر و چه محتوایی از خودشان خواهان بیشتری پیدا می‌کنند؛ شهرت و محبوبیت اینفلوئنسر‌ها به جایی رسیده است که اگر کامنت‌های یکی از این پیج‌ها را باز

خانه‌هایی مرتب، میزهایی با چیدمان‌های مفصل؛ همه آن چیزی است که اینفلوئنسرهای اینستاگرامی اقدام به نمایش آن می‌کنند اما پشت پرده این زندگی‌ها داستان‌های متفاوتی در جریان است. سیزده سال پیش گوشی‌های تلفن همراه جای خود را میان افراد جامعه باز کردند و از همان روزها اولیه با روی کار آمدن نرم افزارهای مختلف تبدیل به یک جعبه کوچک جادویی شدند که باید دل به آن می‌سپردیم تا راز درونش را کشف کنیم؛ از همان ابتدای ورود گوشی‌های هوشمند تلفن همراه بود که شبکه‌های اجتماعی، محلی برای ارتباط‌گیری میان دوستان و آشنایان شد اما رفته رفته با گسترش شبکه‌های اجتماعی مخاطب از همه جایی خبر به یک‌باره خود را غرق شده در دریای خانه‌های تمیز و مرتب، زن و شوهرهای همیشه عاشق و در حال مسافرت، لوازم زندگی لاکچری، بچه‌هایی تمیز که هیچ‌گاه خانه را بهم نمی‌ریزند، چیدمان میزهایی که برای یک مهمانی چند نفره هم حتی به ندرت چیده می‌شوند پیدا کرد و آن لحظه بود که مخاطبی که تا دیروز در فضای اینستاگرام یک عکس شخصی از خودش یا لحظات و خاطرات به یادماندنی‌اش با متنی در میان دوستانش به اشتراک می‌گذاشت تبدیل به دنبال کننده بی‌هدفی شد که نه تنها از آن پیج‌ها چیزی عایدش نمی‌شود بلکه حسرت و افسردگی هم به مشکلاتش اضافه شد.

### ■ روزمره نویسان بی‌هدف که افسردگی را

تزیق می‌کنند!

اینفلوئنسر، بلاگر، سوئیت هوم، بیوتی‌ها، خانوم و آقای فلان؛ نام‌هایی است که در سال‌های اخیر مانند قارچ سبز شده‌اند و سر از فضای اینستاگرام در آورده‌اند؛ کاربرانی که هر روز از



متأسفانه بسیاری از کسب و کارها از تأثیرات مخرب ناشی از شیوع ویروس کرونا در امان نمانند و رو به ورشکستگی رفتند درست در چنین زمانی بود که بسیاری از افراد علی‌رغم میل باطنی شآن بیکار و خانه نشین شدند و در همین زمان بود که تعداد زیادی از این افراد به فکر کسب درآمد از راه بلاگری در اینستاگرام افتادند کاری که نیازمند تخصص، دانش و تحصیلات خاصی نبوده و نیست و تنها باید زندگی شخصی و خصوصی را فضای مجازی به نمایش گذاشت اما پاسخ به این سؤال مهم است چه شد که این طور شد؟ چرا بعضی از ما به جایی رسیدیم که باید یک شخص عادی رو صرفاً برای بیان پیش پا افتاده و یا چالش‌های بسیار سطحی و مبتذل و برای دیدن زندگی معمولی‌اش دنبال کنیم؟ چه شد که روز به روز تعداد گزارشگرهای زندگی در اینستاگرام بیشتر شد؟ چه شد که هر کس یک گوشی تلفن همراه هوشمند در دست گرفت و شروع به تعریف جز به جز زندگی‌اش کرد و به واسطه این تعریف‌ها هر روز بیشتر از روز قبل پولدار شد؟ چه شد که پزشک و مخترع و مهندس ما که چندین سال زحمت کشیده‌اند درس خوانده‌اند کمتر از کسی که زندگی خصوصی‌اش را در اینستاگرام نمایش می‌دهد دیده می‌شود؟ و سوالی که از همه مهمتر است این است که چرا آنقدر میل به سرک کشیدن و نگاه کردن زندگی خصوصی دیگران برای ما لذت بخش است؟

که در ازای بهره‌مندی از یکی از خدمات اعم از پوست و مو، دندان پزشکی، زایمان، خرید لوازم آرایش‌های لاکچری، لباس‌های برند، حتی بهره‌مندی از یک سفر خارجی با یک تور، عزت نفس خود را پایین آورده و اقدام به تبلیغات می‌کنند همین می‌شود که مخاطب از ریز به ریز زندگی بلاگرها باید باخبر باشد چرا که این کار در گرو کسب درآمد برای آنهاست؛ اما متأسفانه این مسئله جای سؤال دارد که چگونه یک پزشک می‌پذیرد که در ازای انجام خدمتی که سال‌ها برای آن درس خوانده و زحمت کشیده است را با یک تبلیغ پانزده ثانیه‌ای در اینستاگرام تعویض کند و درآمدهای میلیونی را در جیب این افراد سرریز کند. اما ضربات اینفلوئنسرها تنها به افسردگی و حسرت زدگی مخاطبان‌شان محدود نمی‌شود؛ به جامعه‌ای فکر کنید که از یک استوری ۱۵ ثانیه‌ای می‌توان ۱۰ میلیون تومان کسب درآمد کرد یعنی بیشتر از درآمد روزانه یک متخصص، فرهیخته و صنعتگر که سال‌های زیادی تلاش کرده است؛ حالا نوجوانانی که در شرایط اقتصادی نامناسب زندگی می‌کنند آیا رغبتی برای ادامه تحصیل و تلاش دارند؟ مشخص است که تلاش‌شان را می‌کنند تا به یک بلاگر اینستاگرامی تبدیل شوند.

#### ■ چه شد که این شد؟

از روزهایی که الکل و ژل ضد عفونی کننده در کیف‌هایی برای خود پیدا کردند و لیخندها پشت ماسک‌های رنگارنگ پنهان شدند

بیشتر در اینستاگرام فعالیت می‌کنند و دسته سوم معروف‌اند به قانون جذبی‌ها و مشاوران زندگی خوب این دسته بیشتر روی این تمرکز دارند که «من قوانین شکرگزاری را بلدم و از این طریق توانستم حال خودم و زندگی را خوب کنم و به درآمد بسیار بالایی دست پیدا کنم» این وسط نشریات زرد رنگی نیز هستند که از این افراد دعوت می‌کنند تا از زندگی موفق خودشان بگویند و بیشتر به این نوع از زندگی و فخر فروشی‌ها دامن می‌زنند و این مخاطب از همه جا بی خبر است که با خود می‌گوید چطور یک مادر می‌تواند در یک سطح باور نکردنی به تحصیل و کار و مادری و خانه‌داری‌اش برسد؟ چطور خانه‌اش با وجود داشتن فرزند همیشه مرتب است و وقت دارد هفته‌ای یک کتاب بخواند، با کودک‌ش وقت بگذراند و همیشه لباس‌هایش با همسروش هماهنگ باشد؟ چرا من و همسرم علی‌رغم این همه تلاش به این زندگی دست نمی‌یابیم؟ چرا ما این نوع از زندگی را بلد نیستیم؟ غافل از اینکه اینفلوئنسرها و بلاگرها برای گرفتن یک عکس و نمایش یک ویرتین دروغین به کاربران شبکه‌های اجتماعی چندین روز مشغول کار و تلاش‌اند و پشت پرده آن عکس‌ها یک زندگی معمولی و گاهی پایین‌تر از معمولی در جریان است.

#### ■ عطش استفاده از خدمات رایگان

متأسفانه عطش بهره‌مندی از خدمات رایگان روز به روز به تعداد بلاگرها افزوده است؛ افرادی

فرآیند معیوب عرضه برنج در کشور؛

## سایه دلالت بر سر شالیزارها

مریم ساحلی

و یادآور شده است که اگر کشاورز توان مالی برای پرداخت این هزینه را نداشته باشد، می‌تواند به ازای هر ۱۰۰ کیلوگرم شلتوک، ۳۰ کیلوگرم برنج بدهد. «قاسم جوادزاده» با اشاره به رتبه‌بندی ۴۲۵ کارخانه شالی کوبی در گیلان، اظهار کرد: از این بین ۲۰۰ کارخانه رتبه یک و دو را به دست آوردند زیرا طبق ارزیابی‌ها، برنج با کیفیت تری را به دست کشاورزان می‌رسانند.

■ **شالیکار می‌کارد و دلال درو می‌کند**  
وی نرخ تبدیل هر کیلوگرم شلتوک به برنج در کارخانه‌های درجه ۲ را ۹۰۰ تومان اعلام کرد و افزود: در این راستا ما به ازای هر ۱۰۰ کیلوگرم شلتوک، ۳۰ کیلوگرم برنج است. جوادزاده همچنین گفت: نرخ تبدیل هر کیلوگرم شلتوک به برنج در کارخانه‌های درجه یک هزار تومان و به ازای هر ۱۰۰ کیلوگرم شلتوک حدود ۳۰۷ کیلو برنج سالم به‌عنوان اجرت در نظر گرفته شده است.

■ **مسیر معیوب به بازار رساندن برنج**  
برنج که برداشت می‌شود دلالت از راه می‌رسند تا حاصل دسترنج شالی کاران را بخردند و نگاه‌دارند تا به وقتش باقیمت بالا بفروشند. بانوی شالی کاری از شهرستان انزلی در گفتگو با خبرنگار مهر در این باره اظهار کرد: زحمت و هزینه‌های کشت برنج بسیار است. وی با بیان اینکه امسال بارش باران و خوابیدگی برنج و آفت کرم ساقه خوار باعث ایجاد معضل برای کشاورزان شده است، افزود: از طرف دیگر با توجه به هزینه کارگر برای درو، زمان خوابیدن ساقه‌های برنج بیشتر می‌شود.

این بانوی شالی کار ادامه داد: هم‌اکنون نرخ دستمزد برای کارگری که آشناسنت و قفراست برای محصولی که دچار ورس نشده، کم‌کم کند روزانه ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار تومان، است، البته این سوای هزینه‌های رفت و آمد، نهار، عصرانه و ... است که برای کارگران فراهم می‌کنیم. وی در ادامه با بیان اینکه هم‌اکنون قیمت برنج در

بنابراین توجه به اقتصاد کشاورزی و معیشت کشاورزان در شرایطی که از یک سو با گسترش خشک‌سالی در کشور و از سوی دیگر با اثرات تحریم و همه‌گیری بیماری کرونا مواجه هستیم باید بیش از هر زمان دیگری مورد توجه مسئولان ذی‌ربط قرار گیرد.

■ **وقتی باران بر قامت برنج‌های قد کشیده می‌بارد**

بارش باران در فصل رسیدن محصول و برداشت برنج، کشاورزان را با مشکلات ناشی از خوابیدن ساقه‌های برنج مواجه می‌کند. بارش‌های اوایل مرداد ماه امسال نیز برخی کشاورزان استان را دچار مشکل کرد.

۲۵ درصد از شالیزارهای گیلان معادل حدود ۶۰ هزار هکتار بر اثر بارش باران دچار ورس یا خوابیدگی شده است

معاون بهبود تولیدات گیاهی جهاد کشاورزی گیلان روز هفتم مرداد با اشاره به بارش شدید باران و وزش باد در استان گیلان، اظهار کرد: بر اساس گزارش‌ها دریافت شده ۲۵ درصد از شالیزارهای گیلان معادل حدود ۶۰ هزار هکتار بر اثر بارش باران دچار ورس یا خوابیدگی شده است. «سید علی موسوی» با بیان اینکه البته خوابیدگی شالیزارها به محصول برنج خسارت وارد نکرده است، افزود: باید به این نکته اشاره شود که خوابیدگی برداشت مکانیزه محصول را غیرممکن می‌سازد. وی ادامه داد: با توجه به خوابیدگی و ورس شالیزارها برداشت‌ها باید به صورت دستی انجام شود که این موضوع موجب افزایش هزینه‌ها خواهد شد.

■ **هزینه تبدیل شلتوک به برنج**  
اما هزینه تبدیل شلتوک به برنج یکی دیگر از موارد مؤثر بر هزینه‌های تولید برنج محسوب می‌شود. معاون صنایع تبدیلی جهاد کشاورزی گیلان نرخ تبدیل هر کیلو شلتوک به برنج را ۸۵۰ تومان اعلام

مردادهای گیلان آکنده از عطر خوشه‌های قد کشیده برنج است. خوشه‌هایی که نشان از داستان زحمتکش و مرامت نقش بسته بر قامت خمیده شالی کاران دارد. شالی کارانی که چندی پیش نگاهشان به آسمان بود تا بر تشنگی زمین‌هایشان بیبارد، حالا دلواپس ابرهایی هستند که شاید بیارند و کمر ساقه‌های برنج را خم کنند.

و اما این تنها دل‌نگرانی کشاورزان نیست. آن‌ها به دستمزد کارگران روزمزد مزرعه، به قیمتی که برنجشان را می‌توانند بفروشند، عملکرد واسطه‌ها و هزینه‌های سرسام‌آور زندگی خویش می‌اندیشند. اهالی گیلان خوب می‌دانند که دلواپسی با کار و زندگی شالی کاران چنان درهم تنیده شده که انگار هرگز نمی‌توان امید داشت که از آن رها شوند.

واقعیت این است که برنج و برنج کاری از جمله موضوعات مهم در استان گیلان محسوب می‌شود. گیلان استانی است که با حدود ۲۳۸ هزار هکتار شالی کاری، دارای رتبه دوم تولید برنج کشور است و بزرگ‌ترین تولیدکننده ارقام بومی و با کیفیت برنج در ایران به‌شمار می‌آید.



برابری داشته ولی با این وجود چون هزینه تولید در سال گذشته بالا رفت این افزایش قیمت برای شالی کاران راضی کننده نبود، افزود: در سال گذشته محصول با کیفیت و مرغوب زیاد نبود.

### ■ سایه مستدام دلان بر شالیزارها/ دلواپسی شالیکاران تمامی ندارد!

وی با بیان اینکه امسال شالی کاران به دلیل عدم دسترسی به موقع به آب برای آماده سازی زمین و تهیه خزانه نشاء با تاخیر یک ماهه اقدام به کشت کردند، اضافه کرد: قیمت انواع کود و سموم شیمیایی پر مصرف نسبت به سال گذشته به میزان ۴ تا ۸ برابر و دستمزد کارگرها برای نشاء کاری، و جین و نیز درو با دست تا دو برابر افزایش پیدا کرده است. پژوهشگر و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی گیلان در ادامه با اشاره به اینکه کارت خرید نهاده های کشاورزی که در قالب تسهیلات با سود ۱۲ درصد در اختیار شالی کاران قرار داده شد خود به تنهایی بر هزینه های تولید می افزاید، تصریح کرد: بعلاوه گفته شده تسهیلات داده شده باید یکجا باز پرداخت شود. وی اظهار کرد: ورس ۳۵ تا ۴۰ درصدی مزارع برنج به دلیل بارندگی های ناهنگام و شدید تیر و مرداد و احتمال اینکه دوره برداشت حداکثری محصول برنج همانند سال گذشته با بارش های سنگین تابستانه مصادف شود، قطعاً روی هزینه های تمام شده و کیفیت محصول برنج اثر خواهد گذاشت.

افزود: متأسفانه فرمول قیمت گذاری برنج از سوی دولت معمولاً با قیمت های محاسبه شده برای این محصول متفاوت است. تجربه نشان داده که وجود قیمت تضمینی در شرایطی که بالاتر از قیمت سر مزرعه باشد منجر به کاهش نوسان درون فصل قیمت محصول برنج می شود. البته در تعیین قیمت تضمینی علاوه بر هزینه تولید بایستی سود متعارف تولید کننده لحاظ شود. وی با بیان اینکه نرخ خرید تضمینی توسط شورای اقتصاد به وزارت جهاد کشاورزی اعلام می شود، افزود: متأسفانه طی این سال ها، قیمت گذاری انجام شده، عادلانه و متناسب با هزینه های تولید نبوده و به همین دلیل معمولاً کشاورز دسترنج خود را با قیمت بالاتری به کارخانه دار یا تاجر می فروشد. هوشیار فرد با اشاره به اینکه وزیر جهاد کشاورزی رئیس شورای قیمت گذاری محصولات کشاورزی است و باید تصمیم گیرنده نهایی باشد، اضافه کرد: به نظر می رسد خرید توافقی برنج در مقایسه با خرید تضمینی تأثیر بیشتری بر کاهش ضرر روزیان های دولتی و ثبات نسبی قیمت برنج داشته باشد. در این زمینه پیشنهاد می شود قیمت محصول برنج با در نظر گرفتن نرخ تورم سالیانه، نرخ افزایش بهادر سال پایه و نیز قیمت سر به سر در سال پایه تعیین شود.

### ■ کاهش قدرت خرید مردم به دنبال گران شدن قیمت برنج

هوشیار فرد با اشاره به اینکه قیمت برنج هاشمی در سال گذشته نسبت به سال قبل تر افزایش ۱.۵

بازار کیلویی ۳۵ تا ۴۰ هزار تومان است اما واسطه ها از ما نهایتاً هر کیلو شلتوک را کیلویی ۱۳ هزار تومان می خرند، اضافه کرد: آن ها هنگام خرید شلتوک از ما عیب هایی را روی آن می گذارند و تلاش می کنند تا با قیمت کمتر محصولمان را خریداری کنند اما خود آن ها شلتوک را نگه می دارند تا نزدیک زمستان یا عید نوروز به برنج تبدیل کنند و با قیمت بالا بفروشند. این بانوی کشاورز در پاسخ به این سؤال که چرا خودتان محصول را روانه بازار نمی کنید، گفت: ما ناچاریم به واسطه ها بفروشیم چون در غیر این صورت باید پس از تبدیل شلتوک به برنج، آن را مستقیم به مغازه دار ارائه دهیم، در صورتی که مغازه دار هم برای کسب منفعت بیشتر سعی می کند تا با قیمت پایین تری محصول را خریداری کند.

### ■ ضرورت قیمت گذاری عادلانه و متناسب با هزینه های تولید برنج

بهره مندی مناسب کشاورزان از ثمره زحمتشان نیازمند برنامه ریزی و مدیریت مطلوب است. «محمود هوشیار فرد» پژوهشگر و عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی گیلان در گفتگو با خبرنگار مهر اظهار کرد: شالی کاران و مصرف کنندگان در طول این سال ها، همواره در معرض ریسک نوسان قیمت نهاده ها و هزینه های تولید قرار گرفته اند.

وی با بیان اینکه قیمت محصول برنج در مقایسه با سایر محصولات نوسان های بیشتر و شدیدتری دارد،

important position at the foreign ministry and he has gained deep knowledge and expertise in this field.

Supporting Palestine is one of the most important priorities of the Islamic Establishment, which had been pursued seriously by the people and leaders of the Islamic movement even before the victory of the Islamic Revolution. It is natural to expect from the foreign ministry to pursue a more distinguished mission in this area than in others.

However, in some years, the foreign ministry took on more of a passive stance towards the Palestinian issue and the Axis of Resistance, which has caused some concerns. For instance, the recorded remarks by former FM Mohammad Javad Zarif that were published in the Saudi-owned "Iran International" news outlet, showed him as trying to generalize the two poles of the field and politics related to Palestine and the regional developments that were created by him himself and get his own expected results from it.

This is while the priority of any government in ensuring national interests and security should be to pay attention to the changes in its vital environment; that is, the geography in which it is situated. The vital environment of the Islamic Republic of Iran is West Asia, the developments of which Iran, given its historical and civilizational antiquity, as well as its culture, beliefs, and solidarity, cannot be passive about.

The presence of a belligerent regime officially established as a military garrison of domination



in the region, as well as the intervention of the colonial powers in the region and their efforts to restrict the vital environment of the Islamic Republic, require Iran to make the most expenditure in this area. The Ministry of Foreign Affairs, for its part, must take measures to achieve these vital goals. But as Zarif has admitted, the foreign ministry under his leadership has not been much help in this regard. However, everything that has been achieved so far in various political arenas has been due to the presence and the serious pursuit of Iran's goals in the region.

Amirabdollahian, while serving as an advisor to the Speaker of the Iranian Parliament and the head of the Secretariat of the International Conference of the Palestinian Intifada for five years -- apart from his trips, meetings, interviews, and statements on Palestine -- has the following strategic measures to his name:

- 1- Pursuing the passing of a single article on "Quds as the eternal capital of Palestine" in the Iranian Parliament
- 2- Pursuing and registering an of-

ficial document on holding a referendum in the UN

3- Pursuing the passing into law a bill against the hostile threats of the Zionist regime

4- Establishing a virtual Palestinian embassy

5- Presenting a plan to inscribe World Al-Quds Day in UNESCO (in progress)

6- Submitting the Zionist regime's apartheid plan to the Foreign Policy Commission to solve the issue regarding Iranian athletes' matches

7- Serving as managing director and editor-in-chief for the multilingual quarterly journal of Palestinian Strategic Discourse

8- Holding three extraordinary meetings of the PUIC Palestine Committee

9- Holding a webinar on Palestine for Inter-Parliamentary speakers

10- Serving as secretary of the Political and International Affairs Committee at the Society for the Defence of Palestinian Nation, and a founding member of the International Union of Adolescents and Youth Against Occupation

Translated by: M. Sheykhi



## Who is Amirabdollahian, president's pick for next FM?

By: Ahmadreza Rouhollah Zad

Iranian President Ebrahim Raeisi has picked veteran diplomat Hossein Amirabdollahian as the country's next foreign minister. Here's a brief guide about his previous achievements.

Iranian President Ebrahim Raeisi has picked Hossein Amirabdollahian as the new Minister of Foreign Affairs. If he manages to win the Parliament's vote of confidence and become the next foreign minister, young and determined as he is, one might hope to see more efforts taken in line with implementing the Establishment's policies.

Despite perhaps appearing young for the position, he is experienced enough for this position to lead the country's foreign policy where it is intended to, with minimum error.

Dr. Amirabdollahian is a graduate of political science at all university levels and received his doctorate in international relations. Accordingly, he is fully acquainted with the theories of political science and political knowledge, which is not only an advantage but also a necessity for a foreign minister. That is why he has an advantage over many Iranian foreign ministers before him.

Amirabdollahian's thesis and dissertation were both on Iraq, and given his responsibilities in the Iraqi department of the foreign ministry, he has a relatively comprehensive knowledge of the political, religious, and ethnic

developments of the neighboring country. This can prove very helpful for Iran's relations with one of the most important countries in the region, the Arab world, and a member of the Axis of Resistance. Amirabdollahian was the Ambassador of the Islamic Republic of Iran to Bahrain from 2007 to 2010, where he had the opportunity to pursue his passion for understanding the inner mechanism of the Persian Gulf Cooperation Council. Finishing his mission as an ambassador, he took charge at the Persian Gulf Political Administration to further extend his knowledge and experience in this field.

Amirabdollahian became the Director-General of the Persian Gulf and the Middle East at the Ministry of Foreign Affairs in 2006, and then from 2011 to 2016, he was the Deputy Minister of Arab and African Affairs, increasing his expertise in the field at a position just below the minister. During his tenure, more political efforts were made to strengthen the Axis of Resistance and he also extended connections with the West Asian region.

Since 2016, he has been working as an advisor to the Minister of Foreign Affairs, as well as an advisor to the Speaker of the Iranian Parliament, and was the Director-General of International Affairs at the Parliament. His time as an advisor to the Parliament Speaker, Mohammad Bagher

Ghalibaf, and serving as Director-General of the International Affairs at the Parliament further increased his experience in a field beyond West Asia. Although he was not yet well-known in the country's as well as the region's political arena, he successfully carried out several missions related to fields beyond the West Asian region due to his special genius and abilities.

He was appointed by Dr. Ghalibaf as the head of the secretariat of the International Conference of the Palestinian Intifada, which, allowed him to, in addition to organize the conference, hold communications with various political, religious, and parliamentary figures as well as some officials from a number of countries.

He also gained more knowledge about the Palestinian issue and formed deeper connections with Palestinian activists and the Resistance while serving as the Secretary-General of the Assembly of Non-Governmental Organizations and Activists in Support of the Freedom of al-Quds. As such, one might expect the country's public diplomacy regarding Palestine and the Resistance would be pursued more vigorously with him as the next foreign minister.

Hossein Amir Abdullahian has a set of characteristics that distinguish him from all his former ministers at the Ministry of Foreign Affairs. He has served for more than two decades in the most

## Iran commemorates national day of Avicenna, Persian polymath

Iran marks the national day of Avicenna, the prominent Persian philosopher and physician on August 23.

Ibn Sīnā known as Avicenna (980-1037) was a Persian physician and is considered the most famous and influential philosopher and scientist of the medieval Islamic world.

Iranians also mark National Doctors' Day on August 22 to pay tribute to all the efforts made by Avicenna in his time. He was particularly renowned for his contributions to the fields of philosophy and medicine.

He wrote the *Kitāb al-shifā* (Book of the Cure), a comprehensive philosophical and scientific encyclopedia, and *Al-Qānūn fī al-ibb* (The Canon of Medicine), which is among the most famous books in the history of medicine.

Iran commemorates national day of Avicenna, Persian polymath Book of the Cure & The Canon of Medicine Written by Avicenna He was taught the whole Qur'an and much Arabic literature when he was 10 years old. He mastered logic, natural sciences, and mathematics when he was 18. He then turned to theology and studied Aristotle's *Metaphysics*.

Ibn Sina's philosophical system has left the deepest and the most persistent effect on Islamic philosophical thought as well as European Medieval philosophy. He has innovations within the Peripatetic philosophy, demystifying points in Aristotle's thoughts, and

sometimes adding to them.

He sought to establish a new philosophical system drawing on Platonic and neo-Platonic thoughts, but adventures in his life, and his premature death, left his enterprise unfinished.

By age 16 Avicenna turned to medicine, a discipline over which he claimed "easy" mastery. When the sultan of Bukhara became ill and none of the court physicians could diagnose the disease, Avicenna was called and cured him.

He began his large writing career at age 21. Some 240 extant titles are attributed to him. He worked in numerous fields, including mathematics, geometry, astronomy, physics, metaphysics, philology, music, and poetry.

**Influence in Philosophy and Medicine**

Avicenna's most important work of philosophy and science is *Kitāb al-shifā*, which is a four-part encyclopedia covering logic, physics, mathematics, and metaphysics. Since science was equated with wisdom, Avicenna attempted a broad unified classification of knowledge.

Ibn Sina's *Al-Qānūn fī al-ibb* (The Canon of Medicine) has, for centuries, been the most prominent and influential book in medicine, in both Islamic countries and Medieval Europe.

Iran commemorates national day of Avicenna, Persian polymath Mausoleum of Avicenna in Hamedan

The Mausoleum of Avicenna is a complex located at Ibn Sina Square, Hamadan, Iran. It has been registered as one of the national monuments of the country on Iran's National Heritage List. Avicenna is deemed a national icon in Iran, Afghanistan, and Tajikistan and is often regarded as one of the greatest Persians. Several monuments and buildings have been named after him in his honor including, The Avicenna Mausoleum and Museum in Hamadan (built in 1952), Bu-Ali Sina University in Hamadan (Iran), the biotechnology Avicenna Research Institute in Tehran (Iran), the *ibn Sīnā* Tajik State Medical University in Dushanbe, Ibn Sina Academy of Medieval Medicine and Sciences at Aligarh, India, Avicenna School in Karachi and Avicenna Medical College in Lahore, Pakistan, Ibne Sina Balkh Medical School in Balkh, Afghanistan, Ibni Sina Faculty Of Medicine of Ankara University Ankara, Turkey, the main classroom building (the Avicenna Building) of the Sharif University of Technology, and Ibn Sina Integrated School in Marawi City (Philippines).

The Avicenna Prize, granted by UNESCO since 2003, is awarded every two years to individuals and groups for their efforts to integrate ethics in science. The reward aims at emphasizing the significance of ethics in scientific achievements.

This is a republished report

## Shirez Canyon, a great place for investment

Reporting by Mohammadreza Kooranifar



Many experts believe that Shirez Canyon, situated 45 kilometers northeast of Kuhdasht city, in the heart of the Zagros Mountains in western Iran, is one of the most stunning attractions with a wealth of investment potentials.

With the rise of nature tourism across the globe, local and national economies now have the potentialities to benefit from this appealing phenomenon. It is apparent that Iran is in a good position to take advantage of this opportunity. In this note, I'll concentrate on a potentially lucrative attraction that has been overlooked in comparison to other sites.

Many experts believe that Shirez Canyon, situated 45 kilometers northeast of Kuhdasht city, in the heart of the Zagros Mountains in western Iran, is one of the most stunning attractions with a wealth of investment potential. This magnificent valley is famed for the

unique shape of its rocks- gives it a breathtaking look, which would appeal to photographers. Indeed, if you search through social media, you will find thousands of trending images of this valley that are taken by tourists. What's more, this majestic valley is surrounded by mountain slopes, which provide some amazing high-altitude trekking trails and thanks to the presence of springs that run through the valley, biodiversity in this area is predominantly high, meaning when walking through the canyon, the likelihood of seeing different animals is high. All these features have led many to call this marvelous valley "the Iranian Grand Canyon".

What sets this region apart is two major features. First and foremost, Shirez Canyon's proximity to twelve-thousand-year-old paintings on the walls of Mirmas and Humian caves has giv-

en this area a high potential as a tourist destination. Additionally, the location of shirez-valley at the intersection of three provinces of Lorestan, Kermanshah, and Ilam has provided this opportunity for this wonderful canyon to be accessible much easier.

Despite the fact that this tourist spot has not been introduced enough even for Iranian people and there are not even primitive facilities for visitors, this area receives thousands of domestic tourists annually and even the number of international tourists has increased dramatically during recent years, hence it can be concluded that provided that welfare facilities are provided and proper publicity is done to introduce this attraction, millions of tourists will be attracted and investment in this haven will lead to great economic success.

Developments over the past few months in the geographical area of Resistance have been such that some would make miscalculations. Similar to those miscalculations that were being made at the start of wars in Yemen and Syria; hasty views that assumed Syria would fall in the early weeks and that Yemen would be destroyed in the first week.

Trump's political approach towards regional policies, especially on the occupied Palestinian territories that were being pursued at a high speed, led to a strategic mistake by America's friends in the region who thought everything was finished. Hence, some of these Arab countries put all their

Trump sought to use the normalization of Arab-Israeli ties – or better said formalizing such ties – and other plans such as the so-called Deal of the Century and embassy relocation as a card both for himself in the US election and for Netanyahu, however developments proved otherwise. These developments and the lack of a serious reaction to them led to some regional events causing some to believe that the Palestinian cause and in general the complementary circle of Resistance, are gone forever.

But in recent days, something important has happened that can be described as a new chapter in the history of the Resistance, a chapter that will



eggs in Trump's basket and even distanced themselves from the American political structure and other parties.

A distinct event in Arab political culture Thus, it can be said that the holding of elections in Syria, which was the main target of US and the Zionist regime as a center of Resistance, along with unique field developments – that came after all the efforts of Trump to create despair among the Arab and Muslim countries – signals a revival of resistance in the political arena. Today, one can say that the initiative of both the field and politics is in the hands of the Resistance.

be recognized as a complementary point in the different geography of Palestine and the Resistance, and the beginning of the disintegration of Zionist society.

Thus, it can be said that the holding of elections in Syria, which was the main target of US and the Zionist regime as a center of Resistance, along with unique field developments – that came after all the efforts of Trump to create despair among the Arab and Muslim countries – signals a revival of resistance in the political arena. Today, one can say that the initiative of both the field and politics is in the hands of the Resistance.

MNA exclusive report from Damascus:

## A distinct event in Arab political culture

This is the second presidential election in Syria since 2014 that although, will be held under different conditions.

The Syrian Presidential Election is set to be held on May 25 across all Syrian areas, except for those that are being controlled by terrorist groups. Since 2014, this is the second presidential election in Syria, however, it will be held under different conditions. Despite all the pressures to discredit the upcoming election, imply it as insignificant, and cast doubt on its outcome and process, it should be noted that the type and manner of holding this election is, on its own, a new event in the Arab political culture.

Despite all the pressures to discredit the upcoming election, imply it as insignificant, and cast doubt on its outcome and process, it should be noted that the type and manner of holding this election is, on its own, a new event in the Arab political culture.

This is while most Arab countries are unfamiliar with the term "ballot box" or at least the output of their elections have been the approval of one candidate based on political and social coercion. Western countries are questioning the Syrian election while they recognize the structure of the Arab emirates and the Kingdom of Saudi Arabia as a natural right. They not only remain silent against Arab regimes' suppression of basic definitions of democracy but also express their explicit support of the regimes.

At least the basic standards of an election, under Western countries' definition, can be seen in the Syrian case today.

Perhaps this is the first time in the history and culture of Arab politics and even Syria that candidates other than the incumbent president have

been nominated. However, the very same issue has been turned into a source of pressure on Damascus as every effort is being made to imply that these candidates are just for show!

A distinct event in Arab political culture

The presence of the Syrian people in the election campaigns in Damascus and all the Syrian cities has given a different look to the war-hit country; a country that still bears the consequences of destruction and war while also being severely impacted by Caesar Law.

It seems that Syrian citizens have a good and appropriate understanding of regional developments and scenarios that were being carried out against their country one after another.

Certainly, some of those that will participate in the election are those who assumed that a reformist movement had started when activities of terrorist groups initiated in the country.

It seems that Syrian citizens have a good and appropriate understanding of regional developments and scenarios that were being carried out against their country one after another.

Syrians and Iraqis have felt and understood better than any other nation the savagery and insecurity of the suicide bombing, which is a combination of Wahhabi and Takfiri ideology with US political and financial support. Now, the efforts are focused to hinder a peaceful and democratic process to pave the ground for ISIL's return.

But an important point to consider is that not only the type and characteristics of this election in Syria is different but also it has coincided with some developments in the region.

In particular, the goal of terrorism in Syria was to undermine one of the most important countries of the Resistance Axis.

## Iran, Syria elections to strengthen discourse of Resistance

Reporting by Mehdi Azizi

Elections in Iran and the Resistance countries have always been important for the West and the region. Because the developments and equations of the region will be influenced by any government that comes to power.

Presidential elections and any political events in Iran or in any Islamic Resistance countries are significant, influencing equations in the region and in the world.

Holding any political process, in which the participation of the people enhances the authority and power of the Islamic Republic of Iran, will be followed by strengthening the Axis of Resistance. Contrary to the definition of other revolutions that took place on the basis of economic demands or for the purpose of political change, the Islamic Revolution of Iran had a different and important feature through which influenced other nations as well.

Actually, Islamic Revolution was beyond borders and its discourse and ideologies created a new model for the nations of the region.

Before the victory of the Islamic Revolution, any movements against Zionists had no ideological basis and they were formed based on Arab ethnicity and nationalism.

After the victory of the Islamic Revolution, resistance movements were formed with Islamic suffixes appearing on their title.

During all these years, especially since 2000, there has been a fundamental change in the geography of resistance.

After the victory of the Islamic Revolution, the models that Iran chose for the struggle, as well as the originality of the nations, led to the elimination of ISIL from the region.

Iraqi Army and Popular Mobilization Unit (also known as Hashd al-Sha'abi), the Yemeni and Syrian resistance groups were influenced by the

discourse of the Islamic Revolution of Iran.

The discourse of the Islamic Republic of Iran, changing regional models, is a source of concern for western countries.

In return, western countries resorted to creating ISIL terrorist groups so as to counter and weaken such discourse.

Elections in Iran and the Resistance countries have always been important for the West and the region. Because the developments and equations of the region will be influenced by any government that comes to power.



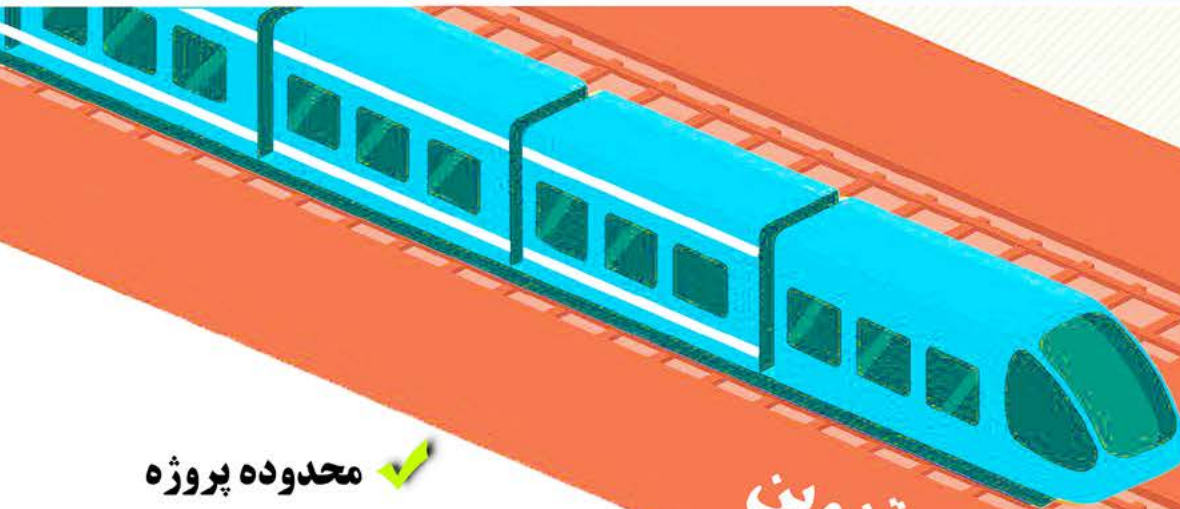
**استفاده از ماسک توسط شهروندان و مسافران در ایستگاه های خطوط متروی تهران و حومه الزامی است .**



شرکت مجب و بردار راه آهن شهر تهران و حومه



راه آهن جمهوری اسلامی ایران



✓ محدوده پروژه

استان البرز - قزوین

افتتاح خط دوم راه آهن کرج - قزوین

۱

افزایش ظرفیت جابجایی مسافر به میزان ۲۵۷ میلیون نفر کیلومتر در سال

۲

افزایش ظرفیت حمل بار به میزان ۱۹۶ میلیون تن کیلومتر در سال

۳

افزایش سرعت سیر قطار مسافری به میزان ۳۰ درصد (از ۱۱۰ km/h به ۱۴۰ km/h)

۴

صرفه جویی سالانه ۱۲/۷ میلیون لیتر ناشی از کاهش مصرف سوخت

۵

صرفه جویی سالانه ۲۵۳ میلیارد تومان ناشی از کاهش مصرف سوخت

۶

افزایش ظرفیت حمل بار در کریدور شرق - غرب (سرخس و اینچه برون به رازی)

۷

افزایش ظرفیت حمل بار در کریدور شمال - جنوب (آستارا و انزلی به بندر شهید رجایی)

۸

افزایش ایمنی سیر ناشی از عدم توقف و تلاقی قطارها

۹

ایجاد ۱۶۵ نفر فرصت شغلی مستقیم و غیر مستقیم

مزایای پروژه

آمارها

۱۰۳  
طول مسیر (کیلومتر)

۹۳/۱۰/۱۷  
تاریخ شروع

۷  
تعداد ایستگاه

۳۵  
تقاطعات مسیر (دستگاه)

مبلغ کل پروژه (میلیون ریال)

۵,۷۴۴,۰۳۲